



نبرد خلق

نشریه داخلی

پهمن ۱۳۵۲

شماره اول

سرمقاله :

مده تی بود که ضرورت ایجاد یک نشریه سازمانی که منعکس کننده خط مشی و نظر سازمان راجع به مسائلی مختلف جنبش در ایران و جهان باشد ، احساس میشد . همچنین احتیاج به بررسی و مطالعه و جمع بندی تئوریک تغییراتی که جنبش مسلحانه در زمینه های مختلف ایجاد کرده ، مارا و امید داشت که بهرحال با امکانات موجود ، چنین کاری را آغاز نمائیم .

هر چند انجام هر کار بزرگی ، در یک لحظه و یک مرتبه ممکن نیست ، ولی در گذر شدن با آن و حل یک بیک مسائل مربوط به آن امن امان پذیر است . بر این اساس بود که بعنوان برداشتن اولین قدم در راه ایجاد یک نشریه سازمانی ، بانتشار این نشریه اقدام نمودیم . ما در نشریات خود به ۶ بخش عمده خواهیم پرداخت :

۱- اثرات مبارزه مسلحانه بر عناصر پیشتاز خلق .

۲- درباره مبارزات خود بخود خلق .

خبرها :

ماه گذشته در خیابان ظفر تهران یک پاسبان پلیس توسط چهار پیریک مسلح خلق سلاح گردید .

در آن شب یک اتومبیل پیگان با چهار سر نشین پاسبان مزبور و پاسبان غیر مسلحی که کنار او ایستاده بود نزدیک میشد ، سه نفر از آن پیاده شدند و آدرسی را از پاسبان مسلح میپرستند و با استفاده از غاغلدین سرعت آتش سلاح خود را بر روی وی گشوده پس از گشتن وی سلاح " اسپرینده " غیلد " امریکائی ویرا ضبط کرده پس از ازایان انداختن پاسبان دینر ، با اتومبیل پیگان از محل دور میشوند .

این عمل توسط گروه مسلح جدیدی

بقیه در صفحه ۱۱

بقیه در صفحه ۲

"بیانییه پریکها غنائی خلق"

"در باره نقش امپریالیسم ، صیهونیسیم و سایر مرتجعین و ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی در منطقه"

امپریالیسم جهانی بسرگردگی امریکا در عدد اجرای نقشه های نوینی در منطقه ما می باشد . جنرال ژوئن ۱۷ و کامیابی موقت صیهونیستها که با همکاری امپریالیسم امریکا تحت ریانت ، معادلات سیاسی پیشین را در منطقه برعکس زد و مسائل نوینی را مطرح نمود .

پس از جنرال ژوئن ما شاهد اوج گیری بی مانند انقلاب فلسطین بودیم . این اوج گیری آنچنان سریع و عمده گیر بود که امپریالیستها را شدیداً بوحشت انگذد و از همان آغاز دشمن تو لکته های نوینی را بر علیه نهضت فلسطین مدام بر پا داشته است ، این تو لکته ها در رابطه با تشتت درونی انقلاب فلسطین منشا ضربات بسیاری بر پیکر آن زدید ، و اتمه سپتامبر سیاه منطقه عطفی در تاریخ انقلاب فلسطین

بقیه در صفحه ۲

بیانیه...

ایجاد کرد که حتما باید از جمع بندی نتایج آن استفاده نمود، تنها با استفاده از نتایج ششستمان مرتت است نمیتوان راه پیروزی را یاعت .

انقلاب فلسطین ب عنوان يك عامس قوی و نزدیک مبارزین کشور ایران و ترکیه را که ناصر در زنی نامر آماد، ان داشتند و سیما بمبارزه بر علیه امپریالیسم و عیبهونیسیم جلب کرد .

بسیار از مبارزین ما با اشتیاق بسون فلسطین رنمساپار شدند تا دوس بد و ش برادران فلسطینی خود با عیبهونیسیم پیگار کنند . روی آور، مبارزین ایران و ترکیه بسون انقلاب فلسطین و همچنین اوج گیرن مبارزات مسلحانه در این کشور ما ، امپریالیسم را بتکا پرواد اشته است عم اکنون امپریالیسم جهانی با کانونها شورشی مشتعل در فلسطین ، ظفار، ایران و ترکیه روبروست . بهمین خاطر امپریالیسم در بعد تدارک و طراحی يك برنامه ضد انقلابی عماعند در سطح منطقه است . کنفرانسها متعدد که در ایران این "جزیره باطلتخ ثبات و آرامش" از جانب امپریالیستها برقرار میشود نشانها است که بطور کامل جدس مشغول طر حریریزپهان نوینی بر علیه جنبشها انقذری منطقه هستند .

مرجعین همکار امپریالیسم در ایمن بقیه در صفحه ۶

سر مقاله...

۳- مبارزات تئوریک ما با اپورتو نیستها .
۴- در باره برنامه های اتحادها - اجتماعی سیاسی و نشانی دشمن .

۵- در باره مبارزات آزاد بیخبر در منطقه و تحلیل پیوند اردانیک این مبارزات .

۶- در باره مبارزات خلعتها جهان و محور کلی رویدادها جهان .

اخبار مبارزه مسلحانه بر عنامر

پیشتاز خلعت:

اینکه مبارزه مسلحانه، علیرغم مدت کوتاهی که از آغاز آن میگذرد، در ایران تثبیت گردیده، واقعیتی است که دشمن نیز ناگزیر بدان اعتراف نمود .

شمراتی که مبارزه مسلحانه در این مدت بسیار آورد هحقانیت این شیوه از مبارزه را برانقلابیون صادق بشبوت رسانیده است و ما تر روزیاد او غلبا نی از ثرو عیها انقذری که آمادگی خود را برای پیوستن به جنبش مسلحانه اعلام میدارند و برو هستیم . همچنین ما شاهد مبارزه جوانانسی هستیم که از طریق عملیات انقلابی مبارزین فدائی با عدا مهاود رقیبها شجاعانه آنها با منهدوم مبارزه آشنا شده اند . آنها با عده عداقت و پاکما ختگیشان که طهم از پاکباختگی چریکهاست بمبارزه رونی آورند . گروه "عباد" در نهاوند نمونه مبارزین از فعالیتها اینگونه مبارزین جوان

بقیه در صفحه ۳

بقیه اترات مبارزه . . .

است . این گروه که از عمده های جوانان ۱۸ تا ۲۲ ساله تشکیل شده بود ، چند عمل موفقیت آمیز مسلحانه انجام داد . خلق سلاح یک پاسبان در قم ، اعدام انقلابی یحیی از شروتمندان منتور نهاوند و انفجار سازمان زنان ارتجاعی نهاوند از عملیات این گروه بود . گروه های دیگری نیز در یزد ، دزفون ، مراغه و بروجرد و . . . فعالیت میکنند که اکثرا از مبارزین بسیار جوان تشکیل شده اند . پیوستن مبارزین جوان و محصلین بمبارزه ، آماز پرورده های شدن مبارزه مسلحانه است زیرا محصلین درمقیاسی وسیعتر از مثلا دانشجویان ، در سلاح کشور پراکنده اند . بطور نمونه عملیات گروه "عباد" اثر کیفی در آگاهی سیاسی توده مردم و رشد نیروهای مترقی در شهرستانی مثل نهاوند دارد ، بهمین ترتیب در مورد گروه های دیگر .

رنگا مودافند بحر گونه خبری که از فعالیت های گروه های انقلابی دریافت می کنند با فائزت های دقیق بصورتی که قابل چاپ در این نشریه باشد ، بنویسند و در اختیار سازمان قرار دهند .

الحاصل داشتن از فعالیت های گروه های انقلابی ، دید ما را نسبت بمبارزات موجود عینی تر می کند و ما بروشنی میتوانیم ندغه همان توده های شدن مبارزه مسلحانه را ببینیم . و همچنین در رابطه با فعالیت های گروه های انقلابی ما خود را سازمانی در حرکت با حرکات جوانان در جامعه خواهیم دید . از اینرو انتشار اخبار

مربوط به فعالیت های سایر گروه های پیشامختک در سلاح سازمان ضروری است . از لحرفی رشد مبارزه سایر گروه های پیشامختک و طایف نوینی را برای سازمان مطرح میکند زیرا این گروه های جوان ، احتیاج بآموزش شعور یک و نیز آموزش های تکنیکی دارند .

سازمان ماکه مسلحین بر جوهر و ذات مار-

کسیسم ، با استراتژی روشن تبلیغ مسلحانه و شکستن سد خفقان سیاسی ، مبارزه مسلحانه را در ایران آغاز نمود ، در طی سه سال ضمن انقلابی ، تجربیات بسیار امر را منشأسی مبارزات خلق و همچنین مبارزه با پلیس سیاسی کسب نموده است . انا بیشک گروه های جوانی که مبارزه رومی آورند از چنین تجربی بی بهره اند و گروه با همان اند نهان تبلیغ مسلحانه فعالیت میکنند ، چه بسا بعلمت بی تجربگی نتوانند عملیات مسلحانه را انجام دهند که بیشترین حمایت ممکن خلق را بدست آورد .

مثلا اخیرا در مراغه چند تا جرم سرور و پولدار کشته شدند ، غایب است گروهی انقلابی دست یابندگان زده است . البته این عمل مورد انزجار گروهی از بازاریان و کسبه واقع شد و در اثر شناسیت کسبه و بسته شدن بازاریها و مغازه ها باین دستاویز که " ما احساس امنیت نمی کنیم " دولت رئیس شهر بانی مراغه را مورد تیر

تحقیق را باین به چگونگی این واقعه و اینکه آیا واقعا گروهی انقلابی باین کار دست زده است؟ یا دعواهای خصمی مطرح بوده ؟ و اینکه

بته اشرا ت مبارزه . . .

اگر گروهی انقلابی دست باینثارزده است دارای چه ایدئولوژی بوده است؟ و مدغم از کشتن آن تاجر ما پنه بوده؟ آیا آن تاجر ما منشور بوده اند یا خیر؟ و آیا اصولا سبه با آن کسی بر اینکه یک گروه انقلابی این نار را کرده است اعتصاب کرده اند یا نه؟ ، از ضروریات کار ماست که سازمانی سیاسی مستقیم و بایستی از رویداد های جامعه آگاه باشیم .

در اینجا به ضرورت کار تویجی وسیع از طرف سازمان برای نیروهای انقلابی و این ضرورت که بایستی جمع بندیهای تفویک و استراتژیست مبارزه مسلحانه را در سطحی وسیع پخش کرد ، مطرح می شود . این شدن این ضرورت زمینه بر خورد فعالان رفقا را در جهت یافتن راه حل های عملی پیش خواهد آورد .

تصمیم سازمان در جریان "عمل" مبارزه با پلیس سیاسی ، تجربیاتی بدست آورد ، که گوجه جبرا بهای ریختن خون مبارزین بسیار تمام شد است اما در حال حاضر ضامن بقا رشد یابنده سازمان است . از طرف دیگر نباید فراموش کرد که پلیس نیز در برخورد با ما صاحب تجارب زیاده گشته است چرا که پلیس نیز "عمل" کرد ، است .

از اینرو گروههای جوان وی تجربه اثر نمیتوانند مستقلا مدت زیاد به فعالیت خود ادامه دهند و بعد از طی راه کوتاهی بدام پلیس می افتند و روانه زندانها میشوند . در اینجا نیز انتشار وسیع تجارب تشکیکی و تاکیکی که سازمان بقیصت فدائیهایی دلیرانه مبارزین بدست آورده ، و تأیقه

ماست ، تا مبارزین جوان با استناد از تجارب فوق مهارت بیشتر در مبارزه با پلیس سیاسی شیب کنند .

نکته ای که تأیید نکر است اینکه این دستگیریهما آنچنان که غایب بنظر می آید ، مایوس کننده نیست و بالعکس نشانه رشد مبارزه است . عموماً در تاریخ مبارزات خلیج ما "عوضی" می باشد از درون آموزشگاه زندان بیرون آمده اند بنابراین "مباد" ما نیز در برخورد با دشمن ، آبدیده می شوند و با تجارب فراوان ره بسوی مبارزه خواهند گشت و خلیج هر روز بیشتر از روز پیش از این فرزندان خلیج در دامان خود خواهد پرورد

در یاره مبارزات خود بخود خلیج :

مبارزات خود بخود خلیج ما در سال گذشته از رشد قابل ملاحظه برخوردار بود . علت این رشد را میتوان در شکست برنامه های رژیم جستجو کرد . رژیم علیرغم تلاشهای گمراهی گوشت دشمن بهره کشی هر چه بیشتر خلیج ، آنانرا با دامه وضع موجود راضی سازد عموماً ره با مقاومتها خود بخود نوده تا روبروست . از جمله میتوان از انتصابات اقتصاد کارگران نام برد که در ماههای تابستان و پاییز سال خود رسیدند و در بعضی از این انتصابات پیروزیهای نیز بدست آوردند . انتصابات کارخانجات گفتی ملی ، انتصاب کارگران نارخانه ارج ، قره قره زیبا و کارخانجات در بخش خلیج انتصاب بسیار مهم کارگران نفت جنوب و تهران

مبارزات خود بخود . . .

که به پیروزی انجامید ، در زمره اعتصابات نیست که در سالی که گذشت رون داد هاند . آنچه که در این اعتصابات قابل توجه است علاوه بر گسترش چشمگیر آن نسبت گذشته ، افزایش روحیه تعرضی کارگران و توسل به شیوه های خشونت آمیز است (تهدید به کشتن صاحب کارخانه و آتش زدن ماشین سولان امور) .

طبعاً مبارزه مسلحانه و خدشه دار شدن قدرت یکجانبه دشمن از جانب چریکها ، انقلابی ، در این امر اثراتی ایجاد کرده است . اما برای اینکه بتوانیم این تاثیرات را دقیقاً تحلیل نمائیم احتیاج به فاکت های بیشتر داریم . در رابطه با تحلیل این مسأله است که ما به شیوه های مشخصی در این زمینه رهنمون خواهیم گشت که چگونه میتوانیم هماهنگی خاصی بین عملیات انقلابی خود و مبارزات خود بخود توده ها ، برای جلب هر چه بیشتر حمایت آنان ، برقرار کنیم . باین منظور ما به ارگانهای خبر گیر از پیکوگی جریانهای خود بخود در سطح توده ها و نظریاتشان در مورد جریانهای و وقایع روز مره ، احتیاج داریم . رفقا باید متعهدانه در برخورد با رویدادهای الحاقی ، موشیاری بخشنده و از همه جا خبر کسب کنند . اخبار را دقیقاً ، همانگونه که هست بنویسند و آنرا در اختیار سازمان قرار دهند . این اخبار در صورت عدم اشکالات اخلاقی در نشریه

سازمان بجا خواهد رسید . با اطلاع هر چه بیشتر از مبارزات خود بخود توده ها و آشنا شدن بیشتر به خواسته های روزمره خلعت ، از ورای اعمان و اظهار نظرهایشان در مورد مسائل مختلف ، ما خواهیم توانست تا کفایت های مشخصی را بران بیشتر بچیدان کنیم خلعت ، در عرض بیابیم .

بقیه در صفحه ۱۰

"انر رفیق پویان" در کوهستانهای
قفقاز

بنا با طغیان رسیده از مناطق آزاد شده ایالت قفقاز که هم اکنون تحت کنترل کامل جبهه آزاد بیخشم عمان و خلیج اشغال شده "است ، اثر ارزنده رفیق "پویان" بنام "ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تصور بقا" بعنوان یک جزوه تعلیماتی در گلدسپان آموزش سیاسی ایمن جبهه تدوین میشود .

بنابر اطلاع رسیده از همین منبع مبارزین "جبهه آزاد بیخشم عمان و . . . احترام ویژه برای چریکها ایرانی قائلند و بمبارزات کمونیستهای ایرانی بهای بسیار میدهند . سازمان ما هم اکنون از لحاظ مبارزات منطقه با "جبهه آزاد بیخشم عمان و خلیج اشغال شده" وحدت نظر کامل دارد و ما امید داریم که بتوانیم در آینده عملاً جبهه واحدی بر علیه امپریالیسم و تمام مرتجعین منطقه با شرکت مبارزین عمان تشکیل دهیم . "پیروز باد مبارزات آزاد بیخشم منطقه"

بیانیه ...

بر نامه‌های ضد انقلابی عبارتند از: رژیمهای اسرائیل، ایران، ترکیه، مستط و سایبر مر جمعین منطقه. این حکومتها تمامشان دارای منافع مشترک و محلی مقاصد ضد انقلابی مشترکی دارند. این رژیمها عملاً ماعتیت ضد انقلابی خود را نشان داده‌اند و عهد امپریالیسم متحد کردن این نیروها را مرتجن و ایباد یک مبارزه ضد انقلابی همانند در منطقه است.

اتحاد سیاه امپریالیسم - صیپونیس - ارتجاع میکوشد با منفرود کردن مواضع سیاسی و نظامی جنبه‌های منطقه یک بییک آنها را نابود سازد. از اینروست که مقابلت تمامی نیروها منطقه باید نه بطور مجزا بلکه بصورت یکپارچه و متحد عمل نمایند، تجارب چند سال اخیر عملاً بما آموخته است که پیروزی منفرود یک جنبش در شرایط اتحاد امپریالیستی بسیار مشکلی و شاید امری محال باشد. در مقابل وحدت نیروها ضد انقلابی در منطقه مانیز باید در فکر مبارزه هماهنگ و متحد باشیم.

نقش رژیم ایران در منطقه:

سرزمین ایران بخاطر موقعیت ژئوپولیتیکی خاصی که دارد سخت مورد توجه امپریالیسم است و منضم بر آن وجود ذخایر نفت (۷۰ درصد ذخایر نفت جهان در منطقه خلیج فارس میباشد) بویژه در شرایطی که مساله

انرژی بران امپریالیسم بصورت یک امر حیاتی برزمره در آمد هاست عام مهم دیگر برای توجه شدید امریکا بسرزمین ایران میباشد. اینها د لایل عمده‌ایست که ایران را بصورت عمده ترین نقطه توجه در آورده است. بنا بد لاین ذکر شده سرمایه‌گذاران نظامی امریکا بسیار سنگین است، پایتگاههای متعدد هوایی در بسیاری از نقاط ایران برپا شده است. این پایتگاهها شامل پایگاه وحدتی در فون، پایگاه شامرخشی نمدان و پایگاه خانه میباشد همچنین ایستگاه همان گوناگون کنترل رادار برای هدایت اقمار مصنوعی و هواپیماها در پرواز در اقصی نقاط ایران برپا شده است. در جریان جنگ ژوئن سال ۶۷ تعدادی از هواپیماهای که بکشورهای عربی حمله کردند از همین پایگاهها بر خاسته بودند. هم‌اکنون بمنظور سرکوشی جنبشهای مرفقی خلیج فارس پایتگاههای نظامی متعدد دریایی و هوایی در کرانه‌های خلیج فارس در دست ساختمان است.

امپریالیسم دیگر مانند گذشته باشغال مستقیم متناظر نمی پردازد. البته این بشرطی است که بتواند رژیم وابسته‌ها را بخلقها تحصیل نماید، ایجاد حکومتها دست نشانده محلی به بهترین وجهی مأمرد آنها را تأمین مینماید. بقیه در صفحه ۷

بیانیه ...

علم اکنون رژیم ایران این مزدور امپریالیسم
بعنوان يك ژاندارم منطقه در آمده است .
سفارسی بیسی از ۷۰۰ میلیون پتر توپ دار امریکائی
وسایر تجهیزات نظامی بمبلغ ۳ میلیارد دلار -
قطعا تنها بران سرگرمی بنبرندگان داخلی
نیست . این تجهیزات بمنظور استناده ضد
انقلابی در سطح منطقه خریدار شده است .
انتصاب ریستارد علمز رئیس سابق سازمان سیا
بسفارت امریکا در ایران نشانه الحیتی است که
امریکا بران نقش ایران در منطقه تأین است .
سرویسهای جاسوسی ایرانی که در حقیقت
شعبات سازمان سیا امریکا هستند ، بفالیت
اطلاعاتی در سطح منطقه مشغولند و توسط
همان کوناگونی را بر علیه عناصر و سازمانها
انقلابی منطقه طرحریزی میکنند . الحب نمایند
گان مائوگانی و بازرگانی ایران در کشورهای
عربی و شیخ نشین عمان خلیج فارس ماموران
اطلاعاتی سیا هستند .

رژیم ایران هم اکنون عملا در مبارزه در انداخته
منطقه عمان قدرت مینماید ، طبق يك برنامه
امپریالیستی جان شمالی انگلیس را در خلیج
، رژیم ایران با مستشاران امریکا به ده گرفته
است . میلیون پترها ایرانی که از پایداریها
سواحل خلیج فارس بر میخیزند بشور مدام
محصولات اسلحه انقلابیون ظفار را مورد حمله
قرار میدهند و بتازگی يك حمله پتر باز ایرانی
در مسقط عملا وارد فالیتهای نظامی بر علیه
انقلابیون ظفار شده است . قصد رژیم ایران

آن است که در زیر پوشش حفظ امنیت خطوط
دریائی حمل و نقل نفت ، جنبش مترقی و انقلابی
بی ظفار را سر ثوب سازد ، در چنین شرایطی
تمام نیروهای انقلابی منطقه باید با تمام امکا
ناتی که در اختیار دارند همه سیاسی ، همه
اقتصادی و همه نظامی بیار خلعتی ظفار شتابند .

درباره روابط ایران و اسرائیل

ایران و اسرائیل بصورت دو پایگاه عمده
امپریالیسم در منطقه عرض مینمایند . رژیم
ایران بنا بدلائلی نه ذکر خواهد شد از شنا
سائی نام دیپلماتیک اسرائیل خود دار می
شند بطوریکه اسرائیل در ایران سفارتخانه
ندارد . این عدم شناسائی ظاهرا بدو دلیل
است :

اول آنکه خلعتی ایران بسلت پیوند عمان دیرینه
سنتی ، دوستی صیقلی با خلعتی عرب در سینه
دارد ، از اینرو شناسائی عمان اسرائیل از
جانب ایران موجب برانگیخته شدن خشم خلعتی
بر علیه رژیم میشود .

دوم اینکه در شرایطی که امپریالیسم و همه
نیسم بطور رو در رو در مقابل اعراب عرب
آزادی کرده اند بسیاری از امکانات نفوذ علنی
شود را در کشورهای عربی از دست دادند ،
به همین دلیل رژیم ایران رسالت برقرار ستون
پنجم صیقلیونیم را در داخل خاک کشور عمان
عربی بر عهد کرده است .

رژیم ایران در شامخ مردم از فشارها با اسراب

بیانیه . . .

میزند و می‌کوشد اعتماد حکومتهاى عربى بسوى خود جلب نماید . رژیم ایران بر نامه بسیار بیشتر مانده و زیرگانهان را در مقابل خلقهاى - عرب در پیش گرفته است . رژیم ایران با بیان حمایت از منافع اعراب در سازمان ملل و امضاى قطعنامه عمى رنگارنگ ، موضعى ظاهرى بسود اعراب میجوید ، البته این موضع کثیر بهیچوجه نتایج عملى ندارد . پس تمامی قطعنامه عمى سازمان ملل بدون ضمانت اجرا صادر میشوند با عمین مانور عمى نریکار رژیم ایران روابط دیپلماتیک خود را با دولتهاى نرتقى حفظ کرده اند . نرتقى که بعلى روابط دیپلماتیک اعراب با امریکا ، عناصر امریکائى از کشور عمى اخراج شده اند و وظایف ماموران امریکائى بسند عوامل ایرانی گذارده شده است . ماموراى ایرانی با استفاده از مناسبات دیپلماتیک و مضمونیتهاى کوتاگون بهترین تسهیلات را در اختیار سرویسهاى اطلاعاتی امریکا و اسرائیل قرار میدهند .

ایران و اسرائیل بنظر نسبت بهم یشون - شناسائی دوفاکتور دارند ولی در اصل روابطى بسیار عمین دارند . همکاریهاى اعتماد ایزه و اسرائیل که هنوز روابط دیپلماتیک بطور تام بر قرار نکرده اند از محطکار بهاى ایران بامجموعه کشور عمى بیشتر است ، شرکتههاى اسرائیلی غالباً با نام سایر کشور عمى در ایران به ثبت رسیده اند . در مدارک رسمى اسامى

زیادى از شرکتههاى اسرائیلی بپشم نمیخورد در حالیکه در بسیارى از شرکتهها سرمایه عمى میهنیستى فعالیت دارند .

تاسیسات بی سیم پلیس و سازمان امنیت ایران توسط آراخانه موتور و لاس اسرائیل ساخته شده و توسط یک شرکت مختلط امریکائى و اسرائیلی نصب شده است .

تاسیسات عظیم عابراتی تهران توسط شرکت مدیس - راستو اسرائیل ساخته میشود .

پلیس و ساواک ایران در پشت از طرف کارشنا - سان اسرائیلی اداره میشوند ، سلاحهاى اتوماتیک پلیس ایران " یوزن " ساخت اسرائیل است . فعالیتهاى کشاورزى اسرائیل در مناطق شمالی و جنوبی ایران بسیار وسیع است و اراضى بسیارى تحت کشت آذینزه توسط اسرائیلیان قرار دارد . فعالیتهاى کشاورزى مدرن در دشت تیزین و نواحى جیرفت توسط کارشنا و افراد اسرائیل اداره میشود .

میهنویستها در ایران با تشکیلات انجمنهاى طرفدار اسرائیل در جهت تشکک یهودیتان و فرستادن جوانترین و ذوالترین شاگردان یهود ایران با اسرائیل فعالیت می کنند . و بدین ترتیب نیروى انسانی جوان و فعالی را براى خدمت در اختیار اسرائیل میگذارند . و رژیم ایران در این جهت عمه گونه تسهیلاتی در اختیار آنها قرار میدهند .

سرمایه داران یهود ایران مانند " التانیا واربه " عمه ساله ملیونها دلار بعنوان کمک بقیه در صفحه ۱

بیانیه

بر رژیم اسرائیل پرداخت میکند و رژیم ایران از این
نعل نه تنها جلوگیری نمینند بلکه با تخفیف
نمان مالیاتی این نمهارا تائید مینند .

مهمتر از همه اینکه سوخت ماشین جنگی اسرائیلی
توسط ایران تامین میشود ، سوختگیری بمقصد
اسرائیلی از جزیره خارک صورت میگیرد زاین عمل

مخفیانه انجام میشود و این بخاطر حفظ
مناسبات حسنه با دی بریست ، بیچکسی
نمیداند که امیت از دنیا کشتی نفتکش میزند

اسرائیلی بارگیری شده اند . صمولا از کشتی
نمان سایر ملتها اسناده میشود . در این
دولت ایران نفت را بنشور نالشی عیورشده و آن

کشور ننت را در اختیار اسرائیلی قرار میدند .
باین ترتیب صمولا مقصد کشتی نا مشخصی نمی
شود و در ترانه نمان رسمی بهیچ وجه نای از
اسرائیلی وجود ندارد .

اینها عملی باز دو کنند ، تشنن یته محروم تسو
امپریالیستی در منطقه ماست . محروم شوم
ایران - اسرائیلی ، وظیفه تمام نیرو نمان ضد

امپریالیستی منطقه است که بر علیه این محروم
شوم متحد شده و بمبارزه بر خیزند .
سوارزین ایرانی در زمینه مبارزه بر لبه این

محروم شوم سهم خود را اینا کرده و نخوا بند کرد .
ما بارها تاسیسات اسرائیلی را در ایران سرورد
حمله قرار دادیم ولی رژیم ایران با سیاست

سکوت خود در قبال این عطیاتی می گوشد از
تاخیر بخشی آنها بنا نند . ما ب عطیاتی خود
بر علیه منافع صیهونیسم در ایران و بر نقطه

دیدن نه بنرانیم اقدام خرابیم کرد ، این عطیاتی
با عدت عمومی ما که اتحاد نیرو نمان انقلابی
منطقه در نمان بسر علیه دشمن است کاملاً منطبق
میباشد و ما به آن عمل خواهیم کرد .

ما اعتقاد راسخ داریم که امپریالیسم روس
صیهونیسم و ارتجاع با تمام فتنه گریهایشان
مستقر به نابود نیستند . این حکم تاریخ
است و با دستهای متحن خلعتی نمان ما ایس
حکم اجرا خواهد شد .

" با ایمان به پیروزن "

" مرث بر امپریالیسم جهانی "

" مرث بر صیهونیسم و سایر مرتجعین منطقه "

" مستحکم باد اتحاد نیرو نمان "

انقلابی منطقه ما "

.....

اگر تمام شعله نمان دشمنان را خاموش کنی

اگر تمام سرزمین را با دشنام بیلاعی

و درد عظیم را فرو گذارن

سکام را بسند ان بگویی

و خنده را از چهره کودکان بگیرن

اگر هزار دیوار برافرازی ،

و چشم عظیم را به پستی به چار میخ بکشی

دشمن انسان !

سازن نمی کنم و تا پایان

می جنگم .

" سفین القاسم مبارز فلسطینی "

بقیه سر مقاله . . .

مبارزات تفوریک ما با اپورتو نیست نما و پاسخ ما به یاره گوئی نما آنان :

اپورتو نیستها و قبیح ترین دشمنان - طبقه کارگرنده . در تاریخ همه کشورها بخش مهمی از انرژی انقلابیون صرف مبارزه با اپورتو نیست شده است ، زیرا که سمپاشی نما آنان که در لغاتی از نظرات فلسفی و مذلتی پیچیده شده است ، بسیاری از عناصر صادق و ملی نا آگاه را را براه خطای می کشاند . در تاریخ رشد مارکسیسم در کشور نما مخالفت ، اپورتو نیستیم بصورت ثونا ثون ظاهر شده است . گرچه مبارزه تفوریک وسیع در ریشه کن کردن اندامها نما اپورتو نیستی جنبش نما کشور نما مخالفت تاثیر مهمی داشته ولی عموماً آنجه که باعث ورشکستگی قطعی انحرافات اپورتو نیستی ، در مرحله خامعی از جنبش میشده " عمل و تجربه مستقیم " بوده است . عموماً عمل انقلابی و تجربه خلسه ، حقانیت راه مبارزین راستین را می نمایانده و اپورتو نیستها ورشکسته را بزباله دان تاریخ سرازیر میکرده است و خواص کرد . در کشور ما ، پیکیده تمام گفته نما اپورتو نیستها مخالفت با شروع مبارزه مسلحانه بوسیله گروه نما پیشا نموده است . در بین مخالفین مبارزه مسلحانه دو دسته عمده میتوان تشخیص داد :

یکی گروه تودمان نما مقیم خان و خورده - ریز نمایان در ایران . و دیگری گروهی که با حفظ کردن طوئی وار جمذتی مجرد از آثار رفیق مائو ، خود را مائوئیست میدانند .

خوشبختانه در کشور ما ، خفتان شدید فاشیستی امکان عرقونه مبارزه مسالمت آمیز را سلب کرده است . در مبارزین نما قی که به اپورتو نیستها بر خورد میکنند خیلی زود به ماعت آنان بوی عملیشان پی برده و مبارزه مسلحانه روی میآورند . از طرفی هم بعزت سخت گیریها و شکنجه نما وحشیانه ساوات ، اپورتو نیستها نمیتوانند نظرات خود را بمقیاس وسیع پخش کنند . زیرا خفتان پلیسی بند است که تنها گروههای مسلح با تجربه میتوانند در مقابل ضربات پلیس موضع نشان خود را حفظ کرده و مقابل دشمن ضربه بزنند .

باین ترتیب کار اپورتو نیستها و وطنی بملت سالها تجربه مستقیم غلج و نیز بدلت به بن بست رسیدن را نما مسالمت آمیز و عمیقین بدلیل خفتان شدید فاشیستی ، چندان گسترش رو سعیتی ندارد . به همین دلیل نیز اپورتو نیستها ایران که بینهایت خود را عاجز و در مانده می بینند اکثر کارشان به فحاشی به پریکها نما انقلابی می کشد . با وجود این ما بایستی که نسبت با اقدامات

بقیه مبارزه تئوریک . . .

اپورتونیستها بحسبان خود را حفظاً کنیم . درست است که "ملاک حقیقت و تنهامت و صیارت تمام ادعاست و باز هم درست است که در جریان عمل انقلابی روز بروز ناگهسان بیشتر در اثبات اثرات مثبت "اعمال قدرت انقلابی" در مبارزات خلیج درست داریم، اما تجربیات عملی را نیز بایستی جمع بندهن تئوریک کرد و نیاز به مبارزه ایدئولوژیک همواره مطرح است . واقعیت اینست که در حال حاضر جنبش از لحاظ عملی بسیار رشد کرده است و تجربیاتی کسب نموده بدون اینکه این تجربیات جمع بندهن شود و نتایج تئوریک و مشخص از آنها برتنه شود . تئوریهای رفقا "پویان" و "احمد زاده" که قبل از شری عملیات انقلابی، تدوین شده اند، در کوره عمل آزموده شده و رشد و استحکام یافته اند بدون اینکه این رشد واستعدا در جزوهای تئوریک جمع بندهن شود . برایین اساس و بران معنی تر کردن تئوریهای مبارزه مسلحانه بود که چند نفر از رفقا پیشنهاد کردند مقاله ای تحت عنوان "مناظره یک چریک با یک اپورتونیست تنظیم شود . باین صورت گه اپورتونیست نظرات خود را مطرح میکند و چریک" باو جواب میدهد .

مسئله بحریه از رفقا با نامیر اپورتونیست از رفقا همان مختلف سر و کار داشته اند و با استدلال همان آنها آشنائی دارند . بنابراین چریک از رفقا می توانند بخشی از این مقاله را تنظیم نمایند و سوال و جوابهایی را مطرح سازند

این نوشته همان رفقا از طریق این نشریه منتشر میگرد و سر انجام مرکزیتی مرکب از دو یاسه نفر آنها را تنظیم و احیاناً تصحیح خواهند کرد و بصورت مقاله "مناظره یک چریک با یک اپورتونیست" در خواهند آورد . انتشار این مناظره در لای رویی جامه از اپورتونیستها تاثیر مثبتی خواهد داشت اگرچه لای رویی نهائی در جریان عمل انقلابی و عملیاتی که عملاً نتایج اعمال روشن شده است، بصورت خواهد رفت .

تحلیل بر نامه های اطمینان، اجتماعی

سیاسی و نامی دشمن :

رئیس مافو در تائید یک ضرب المثل چینی می نویسد : "خودت را بشناس ، دشمن را بشناس ، آنوقت شکست ناپذیر خواهی شد ." در واقع شناخت دشمن یکی از جنبه های اصلی کار است . مابایستی از بر نامه های که دشمن ، چه در ارتباط با چریکها ، چه بران ، بقول خودشان "آرام سازن محیط" و چه در راه منافع مستقیم اطمینان امپریالیستها لرحریزن و پیاده میسند ، با اطلاع باشیم . ما با خواندن دقیق روزنامه همان عصر و مطالعه بیشتر در اطراف اخبار همان مربوطه میتوانیم بسیاری از بر نامه های دشمن را در زمینه های مختلف، تفسیر و تحلیل کرده و متناسب با آنها موضو بگیریم درست بنامائیم . بسیاری از اخبار نیز تصادفا بدست ما میرسد که احیاناً اخبار بقیه در صفحه ۱۲

تحلیل برنامه‌ها...

محرفانه هستند و معمولاً منتشر نمی‌شوند.
چنین اخباری در این نشریات چاپ نخواهد شد تا مورد تحایل و بررسی قرار گیرد.

بطور نمونه این روزنامه، مضمون اصلی صحبت‌های کارگران اعتصابی طبقه بندی مشاغل است. از ششماه پیش که کارگران پلاسکو اعتصاب کردند و طبقه بندی مشاغل در آنجا برقرار شد، آثار آن کارخانجات کشتاری نیز در جریان اعتصاب خود خواستار طبقه بندی مشاغل شدند و کارگران گفتی‌بلا و قره قره زیبا و لندورو... نیز عمیقاً اصطلاح را زرمه می‌کنند. غالب اینجاست که خود کارگران از چگونگی این قانون خبر ندارند و خودشان عم بارها گفته‌اند "ما که نمیدانیم طبقه بندی مشاغل چیست ولی می‌نویسد قانون خوبی است و به نفع کارگراست" و باین ترتیب مساعد می‌شود که دشمن در مقابل اعتصابات بی‌دری کارگران را بی‌پیش‌پای آنان گذارده است و چنین وانمود می‌کند که با طبقه بندی مشاغل، دیگر تمام مسایل و مشکلات کارگران حل خواهد شد و هر کس مطالب استعدادهای و قابلیت‌های در "طبقه" خود جای خواهد گرفت و به حق و حقوقش خواهد رسید!

در مورد این مساله، یکی از رشتا تحقیقاتی نموده و مقاله‌ای تنظیم کرده است که در این نشریات منتشر خواهد شد.

همچنین مقاله‌ای در باره نفت و ماعت اصالی قرار داده‌اند که اخبار ضروریات کارگران تحقیقاتی

بقیه اخبارنا...

صورت گرفته است. بدنبال این عمل الامیها در شهرستان علم و مینست تحت عنوان "چریک" میان مردم "پخش" شده است که احتمالاً از طرف گروهیست که عمل فوق را انجام داده است.

۱۱ آذر امسال معاد با روز جمعه شد و همین امر باعث درید که چند روز قی و چند روز پس از ۱۱ آذر محیط دانشگاه تهران سراسر ایران بغلت اعتراض بنجایج رژیم متشنج باشند. در تمام دانشگاهها و موسسات عالی دانشجویان بنیابانها عجوم برده و با شمارگان سیاسی از قبیل "مرکز بر امریالیسم"، "مردن پیرشاه" شدیدترین اعتراضات خود را اعلام داشتند. در دانشگاه تهران دانشجویان پس از درگیر شدن با پلیس به محل کتابخوشی نشر کتاب متعلق به بنیاد پهلوی حمله کرده و پس از شنستن شیشه‌ها، مجلس شاه خائن را از پشت و پتیرین پائین کشیده و آتش زدند. بدنبال این حوادث بیش از ۱۰۰ دانشجویان در تهران دستگیر شدند که هم‌اکنون در زندانها بسر می‌برند و عده زیادی از دانشجویان مبارز نیز در جریان این حوادث مجروح شده‌اند. در دانشگاه تبریز نیز تظاهرات وسیعی بوقوع پیوست و بیش از ۱۰۰ دانشجویان برادر شده‌اند.

بقیه تحلیل برنامه های ..

حتی ماست . ما باید بدانیم که امپریالیست ها با چه شیوه های نوینی را بمبار غارت نفت را عموماً میکنند . و از نظر سیاسی نیز بهره بردارن تبلیغاتی مینمایند . تحقیق راجع به نفوذ امپریالیستها در کشاورزی در معادن و رشته های مختلف صنعتی ضرورت دارد و ما باید به ناگشپائیده در محیط های ادارن و روشنفکران بگوشمان میرسد نیز توسعه نسیم و در رابطه با مالکانه بیشتر و ناگشپان قور را زنده و فعال گردانیم تا به نتایج مشخصی برسیم .

شناخت دشمن جنبه اعلی کار ماست زیرا که برنامه های ما با برنامه های دشمن ارتباط مستقیم دارد . ولی شناخت دشمن از نظر راه دیدگرن نیز مطرح است :

مانیاید به تحلیل کلی " استثمار " و " خفقان " و .. . اکتفا کنیم بلکه باید شیوه های استثمار و راههای نوین امپریالیستها را در غارت بیشرمانه و وحشیگرانه خلقتها، بشناسیم . مثل " جنایات امپریالیسم " یک مفهوم کلی است . اما اینکه امپریالیستها تخم آفات برنج را در میان زمینها با خون و دل کشت شده در محققان شمال پائیده اند تا سم کارخانجات آنها بیشتر فروش رود ؛ یا اینکه اسیران (بریتانیایی)

در ویتنام ، و حتی با پرستارها به کردن با علیکوپتر می پرداختند بعنوان ترویج و تفنن ، در محققان برنجکار ویتنامی را هدف رگبار مسلسل قرار میدادند و از بیچ و ناب خوردن آن زحمتشکان در خنثام مرده لغت می بردند و غیره ناگشپان تکان دهنده آن است که قادر است کینه و نفرت ما را از دشمنان

خلقی بمراتب عین تر یکنند .

باشناخت: بیشتر شیوه های ضد خلقی دشمن مانه تنها قادر خرابیم بود شیوه های مبارزاتی خود را ارتقا ندیم، بلکه اراده انقلابی مانیز برای نابودیش ارتقا می یابد .

روشن است که برای تحلیل عمده جنبه دشمن باید تقسیم کار در سازنده بوجود آید و ما در مورد مستقیم که چنین تقسیم باربر را ایجاد نمائیم . از عم اکثر نیز رشتا می توانند در زمینه های گوناگون تسلط بیشتری دارند به تحقیق بریداز و و بایفی را به سده گیرند . نتیجه تحقیقات رشتا از طریق این نشریه در اختیار بقیه رشتا قرارخواهد گرفت . مسلماً اگر تقسیم کار نیز بوجود آید از زمین طریق خواهد بود .

تحلیل مبارزات خلقتها، جهان

و بطور کلی رویداد های جهان

تحلیل مبارزات خلقتها، جهان قسمت دهمی از کار تئوریک ماست . زیرا امپریالیسم یک سیستم جهانی است و ایران جزئی از این سیستم است . اکنون که مبارزات خلقتها در تمام نقاط جهان باوج رسیده و امپریالیسم در میان این امواج دست و پا می زند ، ناگزیر است منطبق بر خصالتش مگرگونه بقیه در صفحه ۱۴

تحلیل مبارزات . . .

تظار از مکرسی فریبنده بورژوازی را بدور اندازد و به فاشیستی ترین شیوه همان سرکوب دست یازد . البته امپریالیستها در بعضی شرایط برای جلوگیری از رشد جنبش ما ، از شیوه همان رفرمیستی و دمکراتیک نیز استفاده کرده و میکنند . مانند امواج سوسیال رفرمیستی که در بعضی از کشور همان امریکای لاتین ایجاد کرده بودند و نیره . اما استفاده از ایمن شیوه جنبه موقتی و گذرا دارد ، و امپریالیسم ناچار است هنگامی که عین مبارزات خلین در میانش گرفته و خفهاش میسازد به فاشیسم روی بیاورد .

وقایعی که در شیلی رخ داد بخوبی ثبوت آن است که چگونه امپریالیسم هر چند عم بطور موقتی از شیوه همان مسالمت آمیز استفاده کند بالاخره برای سرنوشت مبارزات رعنائی بخشنده خلقها که موجودیتش را تهدید می کند به شیوه همان خشن و وحشیانه متوسل میشود . بنابراین در برابر سرکوب و وحشیانه امپریالیستی یقانه رایی که در مقابل خلقهای تحت سلطه قرار میگیرد ، مبارزه مسلحانه است . و ما می بینیم که عجم ائون در اغلب کشورهای همان تحت سلطه ، خلقها بسه قاطع ترین و عالی ترین شیوه حین تضاد ، یعنی جنبش رو آوردند و مبارزه مسلحانه مضمون اصلی مبارزات - خلقهای جهان است . هر چند مبارزات آزاد بیخس در هرکشور دارای ویژگیهای خاصی میباشد ولی این امکان وجود دارد که بین شرایط منطقه ای از جهان یا کشور به دیگر با شرایط میهن ما مشابهت عنائی وجود داشته باشد . وظیفه انقلابی ما حکم میکنند که مرتباً در جریان پیشرفت مبارزات خلقهای دیگر باشیم و دست آورد همان انقلابی آنان را مورد بررسی قرار داد و از تجربیات آنان استفاده نمائیم .

بقیه خبر تا . . .

دو تن از کادرهای مخفی مجاهدین که در خیابانهای اطراف دانشگاه تهران در حالت حرکت بوده اند با یکی از نشستی همان کمیته ضد باعطلاج خرابکاری بر خورد میکنند و تصمیم میگیرند از یکدیگر جدا شوند و حرکتی به سمتی به حرکت خود ادامه میدهند . مامورین "کمیته" بخیا اینک با دو تن از دانشجویان اعتصاب کننده برخورد کرده اند بقصد دستگیریشان اقدام میکنند و یکی از آنان بلافاصله شری بدویدن میزند ولی بر اثر تیراندازی مامورین مجروح گردید و دستگیر میشود . اما رفیق صاحب مدد دیگر موفق بنار گشته و خود را بسایر مجاهدین میرساند .

رفیق صاحب مدد دستگیر شده خانه تیمی خود را در خیابان نواب - لنگر قرار داد . شت تا چند روز افشا نمیکند . در این فاصله رفیق صاحب مدد اقدام به تخلیه منزل نمیکند ولی پس از چهار روز که صاحب مدد دستگیر شده محل منزل را مشخص میکند و منزل در محاصره بوده ، دو نفر از رفقا صاحب مدد بقصد تخلیه خانه مراجعه می کنند . در آن موقع یکی از مامورین دشمن با پسر صاحبخانه که گروهی با او بوده است ، سرکوبه ای که منزل آنان قرار داشته مشغول صحبت بوده اند . رفیق صاحب مدد غافل از اینکه فرد مزبور بقیه در صفحه ۱۵

درگیر میشود و فقط زمانی که او بیجان بر زمین می افتد مزد ویران میتواند وارد خانه شوند .

از این تابستان اصمان در حدود ۶۰ نفر از جوانان شهر نپاوند دستگیر و زندانی شدند اینها از بهترین و مستعدترین جوانان شهر نپاوندند به بناظر اقتدام بیمارز، مسلحانه تروکی دستگیر و زندانی گردیدند . آنها چند فصل مسلحانه موفقیت آمیز نیز انجام داده بودند . از جمله با دینا عیتهای که تا اخیرا برای استفاد در ما عیثیر می خریدند ، سازبان زنان ارتجاعی نپاوند را انفجر کردند . همچنین یکی از شرتمندان عنفور نپاوند را کشتند و چسبون مد فشان تبلیغ مسلحانه بسوده ، بران اینکسه خلن را از ما نیت عملشان آذاه گردانند ، پسول سائیرا که نسبت کرده بودند رون جسده سر ریختند و نامه ان بجا نداشتند باین مضمون که "ما این شخص را بران پول نکشته ایم بلکه با انتقام بسی ناموسی غایب ازرا بسزرا اعمال رسانده ایم "

(این عین گفته تود ، مردم شهر نپاوند در شرح جریان غور است .) همچنین این جوانانان شجاع و مبارز با یک پاتوق پاسبانی را در قم غلغ سزج کردند و اسلحانش را به نفع مقاصد انقلابی خود مصادره نمودند .

فعالترین عضو این گروه جوانی بنام "عیاق" بود . او جوانی است ۲۱ ساله که بخاطر خصوصیات خراب و سرکشی غایتی در مقابل زور آوی ، در تمام شهر معروف است . او صاحب لقبه در صفحه ۱۱

بقیه خبرها . . .

یکی از مامورین " کمیته " است ، بانها نزدیک می شوند و سر صاحب خانه بصحر دیدن آنها عنصر دشمن را از غیبت آنان با خبر میسازد . مامور نیز بلافاصله بقصد دستگیرن آنها یکی از آنان را بشغل میکند ولی موفق بدستگیرن او نشد ، و در رفین مجامد که مسلح بودند سلاح کشید و شروع به تیر اندازی میکنند . و مامور دشمن هم که کاملاً روحیه اش را باخته بود غرار را برقرار ترجیح میدند . (مامور مسلح بوده است) .

پس از این درگیرن رفتار مجامد بسلامت از منطقه خارج میشوند . در این جریان مراجع بنفانه ایکه فردن از آن دستگیر شده پس از چهار روز کاملاً قابل انتقاد است . ضمناً حرکت در اطراف دانشناهد نام درست بوده ولی بهرحال برخورد شجاعتانه و رفین مجامد باعث شد که دشمن نتواند کامیابن جدیدن بدست آورد .

اخیرا پلیس در خانه گارگر که بتازگی از زندان آزاد شده بود یک پلی کی دستسی که او بوسیله آن کتاب " پاره ان از تجربیات جنگ پریکی شهرن در ایران " از انتشارات سازمان را پتاپ میکرد ، است پیدا میکنند .

در زندانیه که مزد ویران به خانه این گارگر مبارز بیورش میبرند بران جوانن بدون اسلحه و بسا دست خالی طاعت یکدیج با چندین مزدورد دشمن

خبرها . . .

د بیروستان بود . او همواره در کلاس درس در کتابخانه فرزند تحلیلی امریالیسم و ارتجاع که در این جوانان را مسموم می‌شد آدامانه بمقامت بر می‌خواست و کلاس درس را به بحث با آن شرر انگیز میکشاند . او بطور مائزانه شاکردان را به بحث میکشاند که در پایان می‌کس متوجه نمیشد که این شور و غوغا را چه کسی برپا کرده است خیر فعالیت تا دستگیر این گروه باوررسی می‌در شهر نهارند منتشر گردید و بخشی از جمع همان مردم را مسائل مربوط باین گروه تشکیلی می‌دادند . در زیر یک نمونه از تاثیر را که عطیات این گروه بر توده مردم شهر نهارند باقی گذاشته شرح میدهم :

دورفین در اتوبوس نشسته بودند و در باره گروه عباد صحبت میکردند و به علت اینکه جلوس آنها کارگر ساده‌ها نشسته بود صدایشان نسبتا بلند بود . البته در هنگام بنار بسردن کلمات مشخص صدایشان را آغشته میکردند . هنگام پیاده شدن در آخر خط ، جوان کارگر با لهجه شیرین نهارند ، و با سادگی قلمی از رفقا سوال میکند : " راستی خبر چه میدارید از پیاده نداشتید ؟ خبر ندارید اعدا می‌کنند یا نه ؟ "

بسیار زیاد به نسبت به " چریکها " دارند . بهمین دلیل هم طبع برنامه همان دولت ، آخوند همان جیره خوار مزد و دراز محلها را دیگر به سیانش می‌آیند و اینان باستان مختلف میکوشند عذر به " چریکها " را از آن جوانان بیرون کنند . (این دوست در جواب این سران نه آیا آخوند ما محلی هستند یا نه ؟ جواب داده - سیا سگس که آخوند نداده ، اینها هم بران ماه رمضان به سیا سگس می‌آیند)

همین دوست سیدفت که آخوند با بالان منبر اساسی چریکهای را نه این سیا سگس آنها را نمی شناسند می آورند و سعی میکنند بصرم بتولانند که مثلا نذنی که اسمش هم در روزنامه بود ، بهائی است و . . . از انالی سیا سگس بسیار از رفتن دسته چکنی را می شناختند و دشمن بخاطر تر از آنکه در العن غلمن نمی تواند بآن شهرمانان محبوب مردم تهمتی بزند) وقت صحبت آخوند تمام میشرد و اشهاد محامه تار پراکنده می شوند جوانان آناه خود را به آخوند مزبور رسانده و شروع بدفاع از " چریکها " ما " مینمایند و با بحث ما واستدلالها خود آخوند را محکوم میکنند .

در ماه رمضان ، همین سان ، وقتی آخوند با بالان منبر به " چریکها " نفس داده بود جوانی که شدت عصبانی شده بود از میان جمعیت برخاسته و فریاد زده بود خفه شو . . از آن بالا بیجا پائین . . . (چند فحش) البته جوان را بلافاصله دستگیر کردند . ولی این نمونه عادات شیرات مثبت مبارزه مسلحانه را آشکار میکند و نشان میدهد

دوستی از انالی سیا سگس تحریک میکرد که تعداد جوانان محصل شهرک چند هزار نفر " سیا سگس " خیلی زیاد است . و این جوانان اغلب سمپاتی

بیتیه خیرا . .

آنست که بعد از سه سال که از واقعه سیا خس می گذرد نضال روستا با آن مخالفان بگذردن سیاسی است آنکه دشمن در امور است بقیه است اترک بودند " بریدهها " و تازه بردن یاد آنها در نماز مردم بر ضد آنان تبلیغ شد . در واقع این تاشیه او در جهت دفعه همان تبلیغ مسلمانان است . ولی دشمن زاره از جز آن ندارد و مرموزان که بکنند خود بر نیوز است .

" درود بر رزمندگان شهید سیا خس "

" اعتصاب کارگران پالایشگاه شهران و پالایشگاه آبادان "

بعد نیان اعتصاب کارگران پالایشگاه آبادان از تاریخ ۲۶ شهریور سالی که گذشت ، در آبادان شهران نیز که ۲۰۰ نفر کارگران اعتصاب شد . از پادشاهی اعتصاب در آبادان خیرا در تفتی نداریم همینقدر امید داریم که کارگران آبادان اعتصاب به مسولان دولتی گفته بودند " ما شیب اضافه حقوق نمی خواهیم ، اعتصاب حقوق ندید ، فقط شکم زود بود ، همان ما را سیر کنید . " در روز دهم ما شیبیم که کارگران نفت از بیشترین حقوق ، نسبت به بقیه کارگران ایران بر خورد دارند .

اعتصاب پالایشگاه شهران از تاریخ ۲۰ شهریور به ۱۰ روز بعد از شرفی اعتصاب کارگران آبادان شروع شد و در مدت هم همان صاف

عراق با پیروزی پایان رسید .

تین از شش بریان اعتصاب لازم است راجع به تینده نامه ها ، تین از استخدام از کارگران پالایشگاه شهران میبایست ، توضیحی داریم : این قرارداد در زمان استخدام پیمانکاران می بندند ، کاررسانه سال حسن بیرون آمدن از شرکت ، نسیز حق میبایست ، اعتراض را به شرایط کاری میزبان دستمزد ندارد . همین بصبه این قرارداد کارگر حق شرکت در بین اجتماعی را ندارد

تقدیر با این قرارداد ، سال بود ولی اخیرا به سال انزایز یافته است .

حالتی که گفته شد اعتصاب از ۱۰ مهر آغاز شد و کارگران خواستار ۱٪ اضافه دستمزد شدند . در بریان اعتصاب با اثره بین کارگران ششوی شرکت اداعه داشت و کارگران نماینده انتصابی شرکت را که بشد از او متنفر بودند خورد و خودشان نماینده های انتخابی شدند که از در وقت می است ، دانشجویان سال سوم بیژیک شبانه دانشگاه تهران - پیشی از کارگران پیشرو آناه ارمانه جریان اعتصاب را چنین تریه می کرد :

" ما شنیدیم که در آبادان اعتصاب است ، ما هم همان از کارگران میباید کرد ، بریسان اعتصاب را هم . تصمیم در تقسیم ما هم در خواست کارگران آبادان را بوسیله اعتصاب خواستار کردیم . روز یکشنبه ۸ شهریور ما دست با اعتصاب زدیم . همین ما سر نار میر شیبیم

بقیه در صفحه ۱۸

بقیه نبرد ...

و در نهار شغور شرکت جمعی میشدیم و نارنجی دریم بعد از سه روز، وقتی اثرات ترس و بی طاقتی را در بعضی از نارنجان ساده و در سطح پایین ترن از آگاهی دیدیم، شبها به خانه های آنان حیرتیم و آنها را بادامه اعتصاب تشویق میکردیم مشکلی که با آن مواجه بودیم بی پولی کارگران ساده بود که چون سرور سبها نم کار نمیکردند و کارگران گزایه رفت و آمد را از جیب خود میدادند، مزید بر علت شده بود و کار را مشکل تر می کرد. ما ازین کارگران پون جمع میشدیم و بین کارگران بی پون تقسیم میکردیم. ما تصمیم داشتیم که بعد از پایان اعتصاب تمام مشارکتی را که کارگران در این مدت متحصص شده اند از شرکت بگیریم. ما ایمان به پیروزی داشتیم و این مشکلات علاوه بر اینکه ما را از پای نمی انداخت، چون ترسان نیز میشد. واقعه جالبی که در جریان این اعتصاب اتفاق افتاد، آمدن نصیر، رئیس سازمان امنیت به کارخانه بود. روز سه شنبه ۱۷ مهر نصیر در میان یک غوغای سر باز بشرکت آمد. ابتدا شروع بداد و بریاد تهدید کرد و وقت یکی یکی بیاید جلو و اسم و فامی خود را بگویند تا یاد داشت کنم. عکس العملی که ما در مقابل این تهدید نشان دادیم چنین بود: اکثر تهامیان را در آورده و جلون پایمان انداختیم و گفتیم اسمهایمان رون کارتمان نوشته شده، بیا خودت بردار! نصیرن بال و لوجه آوردان بر پشت. بعد از ظهر دوباره آمد اینبار ماسک به چهره اش زد، بود و خود را مازیم

و مهربان نشان میداد و گفت که با ۳۰٪ اضافه حقوق نارنجیان ساده، موافقت شده و بقیه به ترتیب تخصیصشان ۲۰٪، ۱۰٪ و ۵٪ - اضافه حقوق خواهند گرفت. ما بعد از مشورت با محمد یقین موافقت کردیم ولی در ضمن گفتیم که تا روز شنبه ۲۱ مهر به سرنگار نصیری و در این مدت باید بطعام در خواسته ایمان جواب مثبت داد، شود و برای اطمینان باید در کتابخانه در خواسته ایمان امضا صون شرکت باشد و از این موافقتنامه پللی گئی شده و در اختیار تمام کارگران قرار گیرد. و اعتصاب باین ترتیب پایان پذیرفت.

این اعتصاب درست در روزی بود که مسور جنجان دستنایان تبلیغاتی رژیم راجع به حاکمیت ایرانی بر مینای نفت نوش خلخ را آزار میداد. اعتصاب کارگران آگاه پالایشگاه در چنین روزی، تود یعنی محکمی بود به شاه مزدور و ناسه لیسانش، زیرا در همان موقع که بقون خود شای خطی سپاسی داشتند کارگران نفت فریاد اعتراض خود را بلند زد، بودند که "به جا این جو جنجان ما ششم مارا سیر کنید" باین ترتیب نشان میدادند که هیچ یکت از این وقایع خیمه شب بازی در جهت منافع خلخ نیست بلکه تمامان در جهت منافع تمام نشدنی امپریالیستهای غارتگر است. درست بهمین دلیل بود که رژیم بر خلاف روشهای سبانه اش در سرکوسی اعتصابات، مجبور شد بی سر و صداتن به خواسته های نارنجان بداد تا خیرا اعتصاب کمتر بقیه در صفحه ۱۶

خبرنامه

پخش شود . البته رژیم در آغاز تذکر کرد با تهدید از پیروزی اعتماد جلو بنبرد ولی در مقابل پیدیر کارگران مجبور شد بران اینکه سرو همدا نا زود تر بشواید در برابر درخواستهای کارگران تسلیم شود .

" برقرار باد اتحاد کارگران سراسر ایران "

بقرار اطلاع رسیده کارگران نارمانه قرقه زیبا بدنیال اعتصابات پیروزمندان نارخانه کشرطلسی دست با اعتصاب زدند . و بطوریه وقتا در مجلس سون سردر این نارخانه دیده بودند نارگران پرتارو ایی نصب کرده و نوشته بودند " ما همو اسان عدالت اجتماعی مستقیم " در ضمن عکسهائی از گفتار پیر و زن و پسران نیز آریزان کرده بودند . (رفقا ! تنها میدانند که نارگران بران اینکه اعتصابات بتواند اداه پیدا کند از این کار بدونان یک تا تمیک استناد عیثند . اما اینکه توده نارگرتا به حد به حمایت شاه اعتقاد دارد بحثی است که در آینده بآن خواهیم پرداخت)

کارخانه قرقه زیبا در جاده کس واقع است ، سه شیفت دارد و شب کار برقرار است . شرایط کار در این کارخانه در عقایسه با نارخانه سال دیرتر است . ما اطلاع دقیقی از توتنی شروع و خاتمه اعتصاب نداریم . بیشك اعتصاب پیروزمندان نارمانه کشرطلی برروز آن اثر مهمی داشته است . هر یک از رفقا که امکان تحقیق را جن بچریان اعتصاب در ایمن نارخانه را دارد تحقیق کرده و نتیجه تحقیقات خود را در اختیار سازمان خواهد داد تا در نشریات بعدی

چاپ شود .

در سردر نارخانه جات جیب و لند در نیز که نارگران اعتصاب کرده بودند شمارا نیی نظیر شمارمائی که در سردر کارخانه قرقه زه زیبا وجود داشت . دیده شد اما دوسه روز بعد پرتارو با برداشته شد . از جمله شمارا این بود که " در همه نارخانهات طبقه بندی مشاغلی برقرار شده است استنای اینجا " (مساله طبقه بندی مشاغل را در نشریات بعدی تحلیل خواهیم کرد)

" پرولتاریا "

پدر بزرگم برده بود پدرم سره
ضمیم کارفرم
پدر بزرگم برخاست به صلیبش کشیدند
پدرم جنگید زیر تیوتین گشتند
من نیز مبارزم بزند انم آورده اند
تندهارا خشاب گذاشتند و نام مرا خواندند
" پرولتاریا "

اتهام :

مبارزه مسلحانه بر ضد امپریالیسم جهانی
و بنفش خلقهای زحمتکش جهان
زانو بر زمین زدند و نشانه رفتند
فصل شماره ۲ بودند و آتش
محکوم به اعدام .

شهادت يك رزمنده راستين طبقه کارگر

طبق اخبار که بما رسیده ، رفیق حسن نوروزی در يك درگير مسلحانه در در لرستان شهادت رسیده است .

ما دقيقاً از چگونگی امر اطلاع نداريم ولی ما دانيم که درگير او در ۱۶ يا ۲۰ ديماه رخ داده و در اين درگير عده‌ای از مزدوران دشمن نيز کشته شده‌اند ولی دشمن از آنجا نمی که حتی از انتشار خبر مربوط به درگير جان مسلحانه مبارزين که نشانده بقا و رشد جنبش است وحشت دارد و نيز بدليل بهره بردارن تبليغاتی خبر اين درگير را در روز دوم بهمن آنهم بصورت کذب و مختصر و حساب شده اعلام نمود .

رفیق حسن نوروزی یکی از بهترین رزندان خلعت ما و یکی از مبارزين اسمی کارگران ايران بود . او سراسر عمر را تپیل از اینکته يك انقلابی هنرغان کرد ، به کارگری در شهر های مختلف کشور نذرانده بود .

او قبل از مخفی شدن به نوان جو شکار در کارخانجات راه آهن کار میکرد و اکثر کارگران راه آهن او را خوب بیاد می آورند که چگونه با تمام قوا می کوشید آتایی طبقه‌تاسی آنان را افزایش دهد . . .

شرف زندگی مبارزاتی پرشرف و خلعت رفیق نیاز بنشارش کتابی دارد . ما در آینده خواهیم کوشید خاطراتی آموزنده و الهام بخش از

رفیق نوروزی را در این نشریه و سایر انتشارات سازمان در اختیار رفقان سازمانی و نیز خلعت ايران قرار دهيم .

رفیق نوروزی یکی از پرکارترین و پرتحرک ترین رفقای سازمان بود . فعالیتهايش پرشمار او در راه گسترش مبارزه مسلحانه در ايران نقش ارزنده‌ای ایفا کرده است . خاطر او شور و شوق و تحریک فراوانی در بصر رساندن کارها و پاکجاختن رفقان در راه خلعت ، به همگی ما شور رزمندگی می بخشد . رفقائی که در مکتب رفیق نوروزی درس مبارزه را آموختند اینک همراه با سایر رفقان ، استوارتر و مصمم تر ، با کینه‌هايش افزون تر از پير به دشمن و با ایمان به پیروزی ، راه رفیق را ادامه میدهند .

با الهام از پاکبازی ، دلاوری

و شور انقلابی رفیق نوروزی و عمه رزمندگان

شهید خلعت به پیش !

" کارمان بزرگ آغازمان کوچک دارد ؛
یک درخت بزرگ از ریشه‌مان کوچک سر برمی آورد ،
ابتداءً یک بنای چندین طبقه یک تل خاک است ،
یک سفره زار فرسنگی با یک قدم شروع می شود "

" رفیقِ مائو "

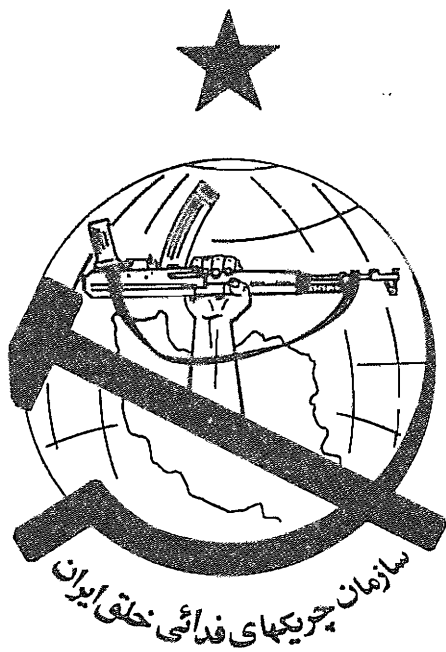


سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲



نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

فروردین ۱۳۵۲

شماره دوم

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	* سرمقاله
	* متن بیانیه سازمان چریکهای فدائی خلق بمناسبت سالگرد آغاز جنبش مسلحانه
۳	درایران
۱۳	* اخبار داخلی
۱۸	* اخبار خارجی
۲۵	* از رفیق " هوشی مین "
۲۵	* از رفیق " لنین "
	* متن اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق درباره اعلام همبستگی با جبهه خلق
۲۹	برای آزادی عمان و خلیج اشغال شده
۳۸	* اندیشه رفیق " مائوتسه دون " و انقلاب ما
۴۵	* راهی که مرا به لنینیسم هدایت کرد از رفیق " هوشی مین "
۴۷	* فسرزندان راستین خلق

"... برای اینکه پرولتاریا را از فرهنگ مسلط جدا کنیم، سبب خرد هیورژوایی را از اندیشه و زندگی او بزدا کنیم و با پایان بخشیدن به از خود بیگانگی او نسبت به بینش خاص طبقاتش، او را برای مبارزه رهایی بخش به سلاح ایدئولوژیک مجهز سازیم، باز لازم است که تصور او را از ناتوانی مطلقش در نابودی دشمن در هم شکنیم. قدرت انقلابی در خدمت این امر قرار میگیرد. اعمال این قدرت که علاوه بر سرشت تبلیغی خود بسا تبلیغ مجزای سیاسی در مقیاس وسیع همراه می شود، پرولتاریا را بوجود منعی از نیرو که متعلق بخود اوست آگاه می سازد..."

"رفیق پرویز پویان"

"ضرورت مبارزه مسلحانه ورد تئوریک"

مقاله :

در این ماه ما فرصت یافتیم دومین شماره "نبرد خلق" را تحت شرایط حکومت نظامی پنهانی که دیکتاتوری نظامی پلیسی شاه در ایران برقرار کرده است منتشر سازیم. انتشار "نبرد خلق" نشاندهنده آغاز مرحله نوینی در تاریخ جنبش چریکی ایران است. مرحله ای که در آن مسائل عملی نوینی در رابطه با رشد جنبش در دستنورد کار مبارزین مسلح تراز میگرد.

در این مرحله ما میبایست کار توضیحی را در رابطه با عملیات مسلحانه هر چه بیشتر گسترش دهیم و بدین ترتیب بیشترین بازده را از نظر تبلیغ و آگاهسازی توده ها بدست آوریم. سازمان ما تا بحال بخاطر فشار

هائی که از جانب رژیم وابسته با ما برپا داریم بدان وارد شده در زمینه کار توضیحی پیشرفت مطلوبی نداشته است. البته این بدان معنی نیست که ما اساسا بفرآن نیز نبوده ایم بلکه این امر بدلیل ضعفهای اجرائی ناشی از دوران کودکی جنبش ما بوده است.

ما از همان آغاز مبارزه تصد داشتیم که اعمال مسلحانه را که اساسا خصلت سیاسی دارند با کار توضیحی در آمیزیم و در این زمینه کوششهای نیز عمل آمد و موفقیتهایی نیز کسب شد ولی هنوز بصورت یک سیستم حساب شده با برنامه ریزی مشخص و مدت دار نبود و این بدان علت بود که ما عملا توان کافی برای اجرای این طرحها را نداشته ایم. اما امروزه در رابطه با

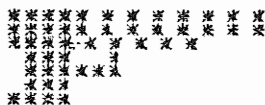
پیشاهنگان مسلح خلق ایران از يك میراث عمل انقلابی هرچند کوتاه مدت ولی نیرومند و افتخارآمیز برخوردار است و با خون صد ها تن چریک پاکباز خلق تضمین میشود و از همین روی به بهترین وجهی مورد پذیرش خلقی قرار میگیرد .

خلق ما که در گذشته کمتر با رهبران سیاسی و پیشاهنگان راستین و فد اکار مواجه بوده است و از همین روی اعتمادش دستخوش تزلزل شده بود ، امروز با اتکاء بآزمونها و تعالیم نیروهای پیشتاز واقعی خود در راه یافتن خود آگاهی طبقاتی گام بردارد و با حمایت معنوی و مادی خود از مبارزات نویسن رهایی بخش ابعاد هرچه وسیعتری باین مبارزات ببخشد .

" با ایمان به پیروزی "

" چریکهای فدائی خلق "

فروردین ۱۳۵۳



رشد جنبش مینوانیم يك برنامه ریزی حد اقل را در این زمینه بعمل آورده و با جـرأی آن بپرد ازیم و بتدریج آنرا گسترش دهیم . این امر خود نشانه پایان مرحله اول جنبش "مرحله جلب حمایت آگاهترین عناصر و تثبیت سازمان پیشاهنگ در جامعه" میباشد و این امر يك پیروزی نسبی در روند مبارزات طولانی خلق ما میباشد .

انتشار نبرد خلق بخشی از گوشتهای مادر این زمینه تشکیل میدهد . این نشریه فعلا در سطح مشخصی انتشار یافته و بهگونسازی نظرات مبارزین و بی ریزی يك اقدام منظم در جهت آگاهسازی توده ها و دادن ابعاد جدیدی باثبات پیکار مسلحانه خواهد پرداخت . مابدینوسله کار توضیحی و آماده سازی سیاسی را در سطح عناصر آماده خلق آغاز میکنیم و بتدریج آنرا در سطح وسیع تری گسترش خواهیم داد و خواهیم توانست خطوط مشخص تری را برای ادامه این برنامه ترسیم نمائیم .

بنظر ما کار توضیحی سیاسی مینایست همراه با اقدامات نظامی نیروهای پیشاهنگ که اساسا بخاطر اهداف سیاسی صورت می گیرند آمیخته شود . بدین ترتیب کار توضیحی سیاسی از يك پشتوانه عملی برخوردار خواهد بود و بیشترین تاثیرات را ایجاد خواهد کرد . اکنون نوشته ها و توضیحات سیاسی

بیانیه

سازمان چریکهای فدائیسوی خلق
بنامست سالگرد آغاز جنبش مساحانه در ایران

اطلاعیه

در تاریخ ۲۰ بهمن ۵۲ مرکز ستاد زاندارمیری کل کشور که محل تجمع مستشاران نظامی آمریکا و مرکز توطئه جینی رژیم دست نشانده شاه، بر علیه دهقانان ایرانیست، با سه انفجار بیایی که توسط پیت واحد از چریکهای فدائی خلق انجام گرفت، بلرزه درآمد و بساط توطئه گران رژیم و اربابان نظامی آمریکائی آنان برهم ریخت.

این عملیات پیاپی بزرگداشت خاطره جنبش سیاهگل که در ۱۹ بهمن ۴۹ آغاز گردید، صورت گرفت و بار دیگر حماسه‌های پیرشکوه نبرد عای سیاهگل و خاطره دلاوریهای رزمندگان آن زنده گردید.

همیشه کوشش در جهت بکارستن شیوه‌های پیشین مبارزه سیاسی در عرض ۱۷ سال همگی با شکست مواجه شده بود و ادامه کار بشیوه‌های قبلی و تشکیل گروه‌های سیاسی منفعل و بی‌عمل چیزی جز فرصت‌طلبی نعمت‌انست محسوب گردید و مبارزینی که صادقانه در جستجوی راه‌حلهای واقعا انقلابی بودند بخوبی ضرورت این مساله را درک میکردند که شیوه مبارزه در ایران میباید تغییر بنیادی نماید. از اینرو در اواخر دهه ۴۰ پیشروترین و انقلابی‌ترین فرزندان خلق ما که تا آنه وقت در

۱۹ بهمن ۵۲ مقارن است با آغاز چهارمین سال جنبش‌نویین انقلابی در ایران. سه سال پیش در چنین روزی سکوت و خفقان سیاسی حاکم بر میهن ما با شلیک گلوله‌های رزمندگان "دسته جنگل" در کوهستان‌های پیرفرب البسرز در هم شکست و نقطه عطفی تاریخی در مبارزات خلق ما ایجاد گردید. مبارزات سیاسی خلق ما که پس از کودتای ننگین امیرالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ دچار رکودی وصف ناپذیر گشته بود، میبایست مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و تغییری اساسی در خط مشی آن ایجاد

گرفت و بدینسان آتش نبرد مسلحانه از زیر خاکستر سرد سالها حقارت و تسلیم سربرویرون آورد و نقطه پایانی بر افسانه " ایران جزیره ثبات و آرامش " که رژیم شاه خائن ادعایش را میکرد ، نهاده شد .

طرح عملیات حمله به مرکز ژاندارم‌سری سیاهکل که مورد نفرت عمیق اهالی روستائی منطقه سیاهکل و دیلمان بود و نشانه بارز ستمگری رژیم شاه دست نشانده در منطقه محسوب میگردد ، از دو ماه پیش از آغاز عملیات دقیقاً مورد بررسی قرار گرفته و تدارکات اطلاعاتی و نظامی لازم برای اجرای عمل فراهم شده بود و بمناسبت هماهنگی این عمل با شاخه‌های شهری سازمان چریکی ، روز نوزدهم بهمن در نظر گرفته شده بود .

بدینسان عملیات تهاجمی " دسته جنگل " طبق طرح پیش‌بینی شده در منطقه روز نوزدهم بهمن آغاز گردید و رفقای " دسته جنگل " پس از تصاحب یک اتوبوس و پخش اعلامیه توضیحی در بین مسافرن روستائی آن ، خود را به شهر سیاهکل رسانیده و پاسگاه ژاندارم‌سری ، این مرکز ستم بد هقانان را مورد حمله قرار دادند و پس از اعدام مسئول پاسگاه موجودی اسلحه خانه آنجا را بنام خلق پر افتخار ایران تصاحب نموده ، و به سمت جنگل عقب نشینی کردند . بر طبق طرحهای پیش‌بینی شده

گروههای سیاسی بفعالیت در اشکال کلاسیک اشتغال داشتند ، پس از یکدوره طولانی تحقیق و بررسی عقلی و نظری در مورد شرایط خاص ایران ، صادقانه از مشی بیشتر خود انتقاد کرده و خط مشی مبارزه مسلحانه در جهت ایجاد رابطه با خلق و بعیدان کشیدن آنان ، که تنها راه پایان بخشیدن به بن بست سیاسی موجود در جامعه ایران بود ، در پیش گرفتند و عملاً در صد اجرای آن برآمدند . بدنبال این سمت گیری نوین ، سازمانهای صلح یا بعرضه وجود گذاشتند و به تدارک عملیات سیاسی - نظامی در سطحی که امکانش را داشتند پرداختند .

بالاخره در سه سال پیش در روز ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ اولین خیزش نوین انقلابی توسط پیشروترین فرزندان خلق تحقق یافت . در این روز بزرگ رزمندگان انقلابی با نیروی ایمان و اراده‌ای که ملهم از قدرت خلق است در مقابل دشمن تاندندان مسلح قد علم کردند و پرچم‌بازات نوین خلق را برافراشتند .

سه سال پیش در چنین روزی بر طبق یک طرح تدارک شده ، یکی از مراکز نظامی دشمن در شهر سیاهکل گیلان از جانب چریکهای وابسته سازمان " چریکهای فدائی خلق " مورد حمله مسلحانه قرار

به سیاهکل خوانده شدند و تحت ستادی که مستشاران آمریکائی در آن عضویت داشتند، به عملیات پرداختند. در آن هنگام هیلیکوپتر نظامی ساخت آمریکا در اطراف منطقه بمپرواز درآمدند، هزاران مزدور بسیج شدند تا بمقابله با هشت رزمنده، انقلابی ببرد از بند

بهر حال دسته جنگل " با باقی ماندنش در منطقه دچار یک اشتباه تاکتیکی بزرگ گردید که انحراف از اصل اساسی " تحریک مداوم " تلقی میشد و همین امر سبب شد که دسته جنگل " برخلاف انتظارش با قوای متعزکز دشمن روبرو شود و قبل از اینکه از تمرینات و تدارکات چندین ماهه، خود بهره کافی بگیرد در ناحیه محدودی خود را با دشمن درگیر سازد .

بدین ترتیب چند روز پس از حمله به پاسگاه سیاهکل، رزمندگان جنگی با پیشقراولان دشمن درگیر شدند و آنها را درهم کوبیده و به قلب جنگل عقب نشستند ولی همین درگیری علیرغم اینکه در آن پیروزی نصیب مبارزین گردید، موجب شد که موضع تقریبی دسته جنگل " برای دشمن مشخص شود و این بار دشمن با قوای بسیار از زمین و هوا محاصره دست زد و چند روز بعد نبرد های اصلی سیاهکل آغاز گردید که تا اواخر بهمن و اوایل اسفند ادامه داشت. رفقای دسته جنگل " در منطقه تحت محاصره متوالیا بجنگ و گریز اقدام میکردند تا اینکه در اوایل اسفند نبرد نهائی در اطراف

" دسته جنگل " میبایست به منظور احتراز از اقدامات مقابله جویانه، دشمن، بعد از اجرای عملیات فوق، از منطقه خارج شده و خود را بکوچستانهای البرز مرکزی میرسانید و آنگاه برای عملیات بعدی خود را آماده میساخت. ولی در آخرین روزهای قبل از عملیات سیاهکل، رفیق صفائی فرمانده " دسته جنگل " طرح ماندن در منطقه و شناسائی ده روزه در منطقه، عملیات را پیشنهاد نمود. طبق این طرح که با اقدامات مقابله جویانه، دشمن بهای کمی داده شده بود رفقاً در منطقه باقی مانده و برای عملیات بعدی که قرار بود چند ماه بعد در آن نواحی انجام شود، دست شناسائی تاکتیکی میزدند و سپس از منطقه خارج میشدند. فرضیه رفیق صفائی آن بود که دشمن در آغاز بیش از یک گروهان ژاندارم برای عملیات تعقیب و بی جوئی، اعزام نخواهد داشت و یک جنین واحدی نمیتواند مزاحمتی برای عملیات شناسائی "دسته جنگل" فراهم آورد. ولی برخلاف این فرضیه، دشمن که از حمله پاسگاه سیاهکل به طرز بسی سابقه ای وحشت زده شده بود با تمام امکانات خود وارد اقدام شد.

زنده قوای ژاندارمری از اقصی نقاط کشور توسط ستاد کل ژاندارمری در تهران

کوه کاکود گرفت. این نبرد هاتماماد شرایطی بسیار دشوار و در سرمای یانزده الی سی ۲۰ درجه زیر صفر صورت میگرفت و «مسته جنگل» علیرغم تمام دشواریهای طاقت فرسا به نبرد ادامه میدادند تا فریب رزمندگیشان هرچه بیشتر به سراسر کشور برسد و توده های خلق را از مبارزه ای که توسط پیشگامانش آغاز گشته است باخبر سازد. در آخرین ساعات از آخرین روز نبرد، در حالیکه اکثر افراد «مسته جنگل» مجروح و گرسنه و سرمازده از ایا درآمده بودند، رفقای فراموش نشدنی رفیق رحیم سمعاعی و رفیق مهدی اسحاقی هنوز آخرین سنگر را اداره میکردند و همچنان آتش مرکب سرد مز دوران دشمن میریختند و آنگاه که گلوله هایشان باتمام رسید بانارنجک های ضامن کشیده خود رابه صف دشمن زد و چندین مزدورد دشمن رابهلاکت رسانیدند. بدین سان درخشانیترین صحنه از حماسه دلاوران جنگل آفریده شد و حماسه نبرد های سیاهکل در تاریخ مبارزات خلق ماجاودانه گشت.

اگرچه «مسته جنگل» از لحاظ نظامی دچار شکست تاکتیکی گردید، اما از لحاظ سیاسی تاثیرات وسیعی در سراسر کشور ایجاد نمود و نقطه آغازی برای حرکت نوین نیروهای انقلابی ایران گردید، و همین امر بود که اساسا مورد نظر مبارزین سیاهکل

قرار داشت. رفقای مادر جستجوی پیروزی نظامی و شکست قوای دشمن، با آن نیروی اندک خویش نبودند، بلکه قصدشان پایان بخشیدن به وضع اسفبار مبارزات ایران بود. آنان بخوبی میدانستند که احتمال شهادت همگی افراد «مسته جنگل» در هر لحظه از حیات مبارزاتیشان وجود دارد ولی علیرغم این مساله آنان مبارزه مسلحانه را آغاز نمودند زیرا آنچه که در آن زمان بعنوان اساسی ترین هدف مطرح بود، سنت گذاری این شیوه از مبارزه و اثر بخشی سیاسی وسیع و تبلیغ سراسری مبارزه، مسلحانه چریکی بود. در واقع رزمندگان سیاهکل در تحقق این هدف خود بموفقیت چشمگیری دست یافتند و نبرد دلیرانه آنها و قاطعیت و ایمانشان ببارزه ای که آغاز کرده بودند فضای سیاسی مبین ما را دگرگون کرد بویژه آنکه شعله های نبرد رهائی بخش خلق که در سیاهکل افروخته شد، هرگز خاموش نگردید و جنبشی که در جنگل های گیلان آغاز شده بود بانبرد های سایر نیروهای چریکی در اقصی نقاط کشور پشتیبانی شد و همچنان ادامه یافت.

اساسا نخستین پیشگامان جنبش مسلحانه از عملیات نظامی خود اهداف سیاسی مشخصی را تعقیب میکردند و ضمانت اجرای نظامی محدودی مورد نظرشان بود. عملیات «مسته جنگل» از لحاظ نظامی نتایجی در حد مسلح کردن افراد «مسته

شروعی برای مبارزات آزاد بیخس خلق ماباشد . نتایجی که عملیات "دسته جنگل" و به دنبال آن ادامه مبارزات مسلحانه توسط چریکهای فدائی خلق در سراسر کشور بالاخص در مرکز و شمال کشور بجای گذاشت درخشان بود . موج سیاسی وسیعی سراسر کشور را فرا گرفت و آگاهترین اقشار خلق بندای رزمجویانه ای که از جنگل های سیاهگل برخاسته بود پاسخ مثبت دادند و صد هزارمندی از گوشه و کنار ایران خیلی زود تر از آنچه که انتظار میرفت ، سلاحهای بر زمین افتاده ، رزمندگان سیاهگل را بر سر دست گرفتند و به پیکار طولانی و دشواری که آغاز شده بود پیوستند . پس از نبرد سیاهگل با عملیات "چریکهای فدائی خلق" و دنبال آن عملیات سایبر سازمانها و گروههای پرافتخار چریکی نظیر "سازمان مجاهدین خلق ایران" ، "سازمان آزاد بیخس خلقهای ایران" ، "گروه آرمان خلق" و غیره ، بار دیگر امید و ایمان به مبارزه در دلها زنده گردید و سایه تاریک حقارت و تسلیم از چهره هازوده نشد ، آگاهترین عناصر خلق دریافتند که دشمن علیرغم ادعایش قدرت مطلقه نبوده و میتوان با اتکا به نیروی ایمان و قاطعیت انقلابی مبارزه را آغاز کرد و باتکیه به دست آورد های عملی آن و متشکل ساختن صفوف خلق پرداخته و به پراکندگی سیاسی در اقشار خلق پایان بخشید ، از همین روی گروههای بسیاری بـ

جنگل" با سلاحهای مدرنی که از دشمن در عملیات بدست میاورند و ایجاد ذخایری از اسلحه و مهمات برای ادامه عملیات و مسلح کردن افراد جدیدی که بانان میپیوستند ، میتوانست داشته باشند اهداف سیاسی مورد نظر عبارت بودند از :

- ۱ . شکستن فضای خفقان بار مبارزات خلق
- ۲ . بازگردانیدن امید و ایمان نسبت به مبارزات ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی در اقشار گوناگون خلق تحت ستم ایران .
- ۳ . نشان دادن شیوه نوین پیکار انقلابی بر علیه دیکتاتوری نظامی - پلیسی که باتکا به تحارب امپریالیسم جهانی هر نوع مبارزه ای را و حشیانه سرکوب میکرد .
- ۴ . طرح عمل استراتژی و تاکتیک مبارزه مسلحانه که تنها شیوه پیکار بر علیه ستم امپریالیزم غارتگر و عوامل دست نشانده اش بود .

بنابراین عملیات چریکی در مرحله اول اساسا خلعت تبلیغی داشت و تاثیر بخشی سیاسی وسیعی پس از ۱۷ سال سکوت و خفقان در نیروهای پراکنده ، خلق ما ایجاد می نمود و عمین اثرگذاری و آغاز پروسه مبارزات نوین در شگ گسروعی میتوانست سرآغازی برای شگل گیری مبارزات متشکل و وسیع نیروهای خلق و نقطه

وسیعتری پخش نمایند . يك چنین برخورد و روحیه ای در زندان ، در تاریخ مبارزات میهن ما بیسابقه است .

در سال گذشته خبر درگیری سه گروه مسلح با مزدوران دشمن در جراید اعلام شده است و چندین مورد نیز پنهان نگه داشته شده و اعلام نگشته است .

افزایش بسیار زیاد درگیریهای پلیس با گروهها و محافلی که یا مسلح شده و یا در آستانه مسلح شدن هستند ، نشان دهنده گسترش بیسابقه فضای سیاسی کشور و روی آوردن عملی آگاهترین و انقلابی ترین فرزندان خلق بسوی مبارزه مسلحانه است .

گروههایی که بمبارزه مسلحانه روی آورده اند همراه با تحمل ضربات نخستین که برای جذب تجربه انقلابی يك ضرورت بشمار میرود در کوران عمل انقلابی آیدیده شده و راه خود را همچنان ادامه میدهند

گروه مارکسیستی رفیق نادر شایگان که اولین برخورد هایش با دشمن در اواخر بهار ۵۲ صورت گرفت و ضمن این درگیریها رفیق شایگان ، رفیق رومینا و رفیق عطشانی با دهاها مزدوری که برای دستگیریشان بسیج شده بودند شجاعانه نبرد کرده و شهادت رسیدند ، همچنان مبارزات خود را در صفوف جنبش مسلحانه ادامه میدهند .

مبارزه مسلحانه روی آوردند و خون شهدای بسیاری خاک میهن غارت شده ما را رنگین کرد . امروزه پس از سه سال که از آغاز مبارزه مسلحانه می گذرد ما شاهد اوج گیری بیسابقه در مبارزات خلق خود هستیم . تنها در يك سال گذشته دها گروه مخفی که بطالعه و بررسی اسناد جنبش نوین انقلابی ایران و تدارک مبارزه مسلحانه پرداخته بودند تحت پیگرد پلیس قرار گرفتند و هزاران مبارز در رابطه با چنین فعالیتهایی دستگیر شدند . و تحت شکنجه قرار گرفتند ولی فشارهای دشمن بهیچ وجه نتوانسته بر امواج مبارزینی که از پی هم می آیند فائق شود . زندانهای رژیم بصورت يك آموزشگاه انقلابی درآمده است و مبارزین جوان در این زندانها با رموز کار انقلابی آشنا میشوند و در سهای عملی و آموزنده بسیاری در رابطه با سایر مبارزین می آموزند و همین امر در آینده از نظر تامین کادر برای مبارزات و شیعتن خلق ما نقش موثری ایفا می نماید زندانیان سیاسی میهن ما علیرغم فشارهای غیرانسانی و فاشیستی رژیم در چهار دیواری سیاه چال ها و سلولهای انفرادی و در تحت بدترین شرایط خفقان ، آرمان خلق را پاس داشته و دلیرانه در مقابل فشارهای دشمن مقاومت کرده و راه رشد آگاهی ها و قابلیت های خود و دیگران می پردازند و می کوشند هر چه بیشتر تجارب مبارزاتی نوین را در سطوح

و شهادت آنها تاثیر عمیقی در سراسر منطقه ایجاد نموده است .

امروزه جنبش مسلحانه ایران ، بابر خود را از سه سال تجربه پیکارهای خونین انقلابی

، همچنان راه خود را بسوی پیروزی میکشد و پیش میرود . جوانه های مبارزه بشکل

بیسابقه ای در حال رشد و شکوفائی است . و با آنکه در سال گذشته سازمانهای مسلح

پیشتر از منظور تدارک اقدامات سیاسی - نظامی بر اساس استراتژی مبارزات طولانی مشغول

اقدام بوده اند و از حجم عملیات خود بر علیه دشمن کاسته بودند . جوش انقلابی

در سطح جامعه کاملا مشهود بوده است و گذشته از درگیریها و عملیاتی که از جانب

نخستین سازمانهای چریکی صورت گرفته است برخورد های مختلفی که در سراسر کشور

از جانب گروههای نوخاسته مسلح انجام گرفته فضای مبارزات رهائی بخش خلق ما را روشنائی

ویژه ای بخشیده است و بار دیگر نشان میدهد که مبارزات ما چگونه در زیر شدیدترین ضربات

همچنان بگسترش خود ادامه میدهد و رژیم دیکتاتوری فاشیستی شاه علیرغم تمام تلاشها -

ی جنایتکارانه اش موفق با محافعالیت انقلابیو در عرصه میهن مانگشته است ، این

بر روشنی نشان میدهد که مبارزات نویسن یک نیاز اجتماعی در میهن ما بوده و از همین

روی مورد حمایت خلق قرار گرفته و فرصت آنرا یافته است که خود را تثبیت نماید .

مبارزات گروه مسلح رفیق گل سرخی و رفیق دانشیان علیرغم ضعف پیاره ای از

عناصر مردم که فریبکارانه خود را در صف خلق جازده بودند ، همچنان پابرجاست . تهاجم

قهرمانانه ایند و رفیق به بوز وازی وابسته ایران و امپریالیسم جهانی درد ادگاههای

نظامی و دفاع از مبارزات نوین خلق ایران و همچنین دفاع از آرمان ظفر نمون

مارکسیسم - لنینیسم ، در افکار عمومی کشور تاثیر عمیقی بخشیده است .

اخیرا دشمن خبر اقدام شستن از رزمندگان جوان نپاوند را اعلام داشت .

افراد این گروه چریکی که با الهام از عملیات مسلحانه سازمانهای پیشگام مسلح فعالیت

خود را آغاز نموده بودند موفق به اجرای عملیات چشمگیری در منطقه نپاوند شدند و

توانستند حمایت اهالی منطقه را از اهدا ف خود جلب نموده و فضای منطقه را کاملاً سیاسی

نمایند . بهمین جهت دشمن پس از دستگیری رفقای گروه نپاوند از دادن هرگونه

اطلاعی در مورد آنان خودداری نمود و حتی خبر تشکیل دادگاههای مسخره نظامی را نیز

اعلام نداشت و تنها با انتشار خبر اقدام این رزمندگان در لیر اکتفا کرد .

اینک در منطقه نپاوند همه جا صحبت از "عباد خد ارحمی" و سایر رزمندگان گسروه نپاوند است . اهالی منطقه این جوانان

پاکباز را خوب میشناسند و از این روی مبارزات

میکنیم و تا حد امکان از آن حمایت مینمائیم. اما قوام معتقدیم که تشکیل گروه‌های ایوریسیون که فقط باتخاذ مواضع سیاسی صرف اکتفا میکنند و از عمل انقلابی بدورند، در جهت مبارزات واقعی خلق مانع است. این گروه‌ها که بخاطر جدائی از عمل انقلابی تنها کارشان حملات ایدئولوژیک بیکی‌دیگر می‌باشد باید در خط مشی خود تجدید نظر نموده و حداقل اینک به حفظ مواضع سیاسی اکتفا ننکرده و در جهت تثویب‌هایی که ارائه می‌دهند گام عملی بردارند. البته ما معتقدیم که هرآینه این سازمان‌ها در جهت اجرای خط مشی خود گام عملی بردارند خیل سی‌زود در مدتی کمتر از چند ماه متوجه خطاهای نظری خود خواهند شد و در نحوه کار خود مسلماً تجدید نظر خواهند نمود و برای همیشه نظریات الگوار و دگماتیستی خود را که باعث بهر در رفتن انرژی مبارزین میگردد بدور خواهند افکند.

بنظر ما "تنها ممالک حقیقت عمل است" و تنها جمع‌بندی عملی تجارب انقلابی در شرایط ویژه مبین ماست که میتواند بر شد عامل ذهنی در مبارزات ماکم نماید و گرنه هر نوع مقایسه الگو بردون توجه بفاکتهای موجود در جامعه ایران بر خوردی غیر متعهد و غیر انقلابی و یا

امر تثبیت جنبش مسلحانه قطعاً بدون سر خورداری از حمایت خلق در شرایط خفقان باری که شاید در سایر کشور های جهان بی سابقه باشد، هرگز امکان نداشت.

جنبش ما در رابطه با این واقعیات اکسون بمرحله ای رسیده است که میتواند بمیان توده های خلق که در دوده اخیر از هر نوع تجربه مبارزه سیاسی بر علیه رژیم محروم و ه اند منتقل گردد.

امروزه عناصر بیشتر و خلق عملاً از مبارزه مسلحانه حمایت میکنند و این امر انرژی لازم را برای اجرای مراحل استراتژیک بعدی که عمان توده ای کردن هر چه بیشتر مبارزات نوین رهائی بخش خلق است، تأمین مینماید.

سازمان ما اینک در رابطه با تثبیت خود امکان آنرا یافته است که تحارب نظامی و تشکیلاتی خود را هر چه بیشتر در خدمت رشد آگاهی و گسترش مبارزه طبقه کارگر ایران قرار دهد.

ما همچنان میکوشیم دوش بدوش سایر سازمانهای واقعا انقلابی ایران مبارزات ضد امپریالیستی خلق را اعتلا بخشیم و هر چه بیشتر این مبارزات را در جهت مترقی تری سوق دهیم.

ما هر نوع مبارزه واقعی و عملی که حول محور عمل مسلحانه صورت بگیرد و نتیجه اش رشد آگاهی مبارزاتی خلق باشد تأیید

پهنسریگویی ضد انقلابیست.

تمام کسانی که صادقانه می‌خواهند به مبارزات خلق ایران یاری رسانند میبایست خود را برای مبارزه ای دشوار و طولانی آماده نمایند. انقلاب رهائی بخش خلق ما با شرایط ویژه‌ای که در آن رشد میکند نیاز برهروانی بسیار مقاوم و انقلابیونی بسیار صادق و پاکباز دارد. مبارزین خلق ما اینک بخوبی این تجربه را درک میکنند و خود را برای نبردی دشوار و طولانی آماده می‌سازند.

پیکار انقلابی زمین ما از سایر کشورهای که ویژگیهای ایران را ندارند بر مراتب دشوار تر میباشد و این بدلیل آنست که امپریالیستها در ایران منافع چندگانه دارند. امپریالیسم جهانی و در رأس آن ایالات متحده، آمریکا علاوه بر منافع ناشی از سرمایه گذاری وسیع و استثمار نیروی کار طبقه کارگر ما، دارای منافع و تالیق اساسی دیگر نیز در ایران هستند.

امپریالیستها برای حفظ سرپل‌های استراتژیک خود در خاورمیانه و اقیانوس هند و همچنین بمنظور حراست و کنترل عظیم انرژی که در زیر آبهای خلیج فارس و سواحل شمالی آن نهفته است، از هر تلاشی برای جلوگیری از مبارزات خلقهای منطقه خود دری نخواهند کرد و ایران در این میانه نقش اساسی را ایفا مینماید

امپریالیستها که منافع حیاتی خود را از جانب جنبش‌رهائی بخش خلق ایران در خطر می‌بینند از اینسرو بیشترین امکانات مادی و بیشترین دستاوردهای خود را از جنگهای ضد انقلابی در اختیار رژیم ایران قرار میدهند و با تکولوژی عظیم نظامی و مستشاران نظامی خود، رژیم ایران را در مقابل انقلابیون تقویت مینمایند. امپریالیستها نیک میدانند که جنبش‌رهائی بخش خلق ایران نقش اساسی در سرنگشت انقلاب منطقه دارد از این روی برای امحاء آن از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد. امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه امروزه اتحادیهایی تشکیل داده و می‌کوشند با تمام قوا از رشد نیروهای انقلابی در سطح منطقه جلوگیری نمایند. رژیم شاه در این اتحاد سباه امروزه نقش عمده‌ای بر عهده گرفته و بیك "واسطه اعمال قهر ضد انقلابی" در منطقه تبدیل شده است. در سال جاری رژیم وابسته به امپریالیسم شاه با ظاهر سازی در این زمینه که موضعی "مستقل‌مطلبی" دارد با بهانه‌های ساختگی از قبیل حفظ امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز و منظور حفظ منافع امپریالیستی بوسیله ترین تدارکات نظامی دست زده است. خرید سه میلیارد دلار اسلحه آمریکائی توسط رژیم شاه و اعزام ۱۱ هزار سرباز ایرانی به کشور عمان بمنظور مقابله با جنبش آزاد یخش "ظفار"، "نشانه" بارز یک توطئه امپریالیستی بر علیه مبارزات خلق‌های منطقه

ستم امپریالیسم و ارتجاع راهی دنیسوار و طولانی در پیش داریم و در این راه قربانیهای بسیار خواهیم داد ولی جنبش‌رهائی بخش خلق ما علی‌رغم تمامی دشواری‌ها راه خود را به سوی پیروزی باز خواهد کرد و همراه با سایر جنبش‌های آزاد یخش منطقه، نقش خود را در نابودی ستم امپریالیستی در ایران و سراسر منطقه ایفا خواهد نمود. ما از تمام نیروهای اصیل و واقعا انقلابی ایران دعوت می‌کنیم که صفوف خود را متشکل تر نموده و در زیر پرچم واحدی گرد هم آیند.

" درود بی پایان به رزمندگان جنبش سیاهک "

" برافراشته باد پرچم سرخ جنبش ۱۹ بهمن "

" برقرار باد اتحاد تمام نیروهای انقلابی ایران "

" پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی تمام خلق‌های خلیج اشغالی "

است. در سال گذشته رژیم شاه با اضافه درآمدی که از طریق جنگ‌های ظاهری و عوام‌فریبانه از کمپانیهای نفتی بدست آورده است در زمینه توسعه تاسیسات نظامی و پلیسی به طرز بیسابقه‌ای سرمایه‌گذاری کرده است. بدین ترتیب اضافه پرداختهای کمپانیهای نفتی آمریکا همگی در جهت حفظ و حراست از غارتگری خود آنها در منطقه خلیج به مصرف میرسد و شاه بمثابة بهترین آلت اجرای مقاصد امپریالیستی، نقش پاسداری از این غارتگری را برعهده گرفته است. صنایع عظیمی از این اضافه پرداختهای بیشمار نفتی از طریق شرکتهای مقاطعه‌کاری آمریکائی که تمام ساختمانهای نظامی توسط آنها مقاطعه شده است به جیب کمپانیهای آمریکائی باز میگردد و در این میان خلق زحمتکش ایران است که میبایست بار این مخارج سرسام‌آور را تحمل نماید. گذشته از این شاه خائن این نوکر سرسپرده استعمار نوین با انعقاد قراردادهای اقتصادی با کشورهای امپریالیست و تقاضای هرچه بیشتر برای سرمایه‌گذاری در ایران، نیروی کار طبقه کارگر ما را به همراه تمامی منابع زیرزمینی میهن ما در ازای حق دلالتی مختصری، بخارجیان واگذار نموده و خود به نگهبانی از این غارتگری نشسته است.

خلق مبارز ایران! همانطور که بیان داشتیم ما برای رهائی از قید

اخبرار داخل

* * مبارزه سلحانه

* در تاریخ ۱۶ بهمن ۵۲ سالروز واقعه، تاریخی سیاهگل، بمنظور بزرگداشت سومین سال آغاز مبارزه، سلحانه، خلق ایران، در مرکز ستاد ژاندارمری در تهران توسط "سازمان چریکهای فدائی خلق" سه بومب منفجر گردید.

این عملیات بدلیل نقشی که ستاد ژاندارمری در درگیری با رفقای "دسته" جنگل" سازمان داشته، صورت گرفته است.

* در روز دهم اسفند قابوس بسن سعید پادشاه عمان بایران آمد، هدف از این سفر جلب حمایت و کمک بیشتر از رژیم ارتجاعی ایران بود. خلق ایران صدای اعتراض خود را بر علیه این کمک و دخالت ننکین و ضد خلقی شاه خائن بلند کرد و بار دیگر پشتیبانی خود را از خلق مبارز و قهرمان ظفار بشوت رسانید. در یک هفته‌ای که قابوس این نوکر امپریالیزم انگلستان و آمریکا در ایران بود چند انفجار توسط پیشگامان خلقی در نقاط مختلف تهران صورت گرفت

۱. انفجار در "سفارتخانه عمان" در ایران توسط "سازمان چریکهای فدائی خلق".

۲. انفجار در "شرکت هواپیمایی بی - او - ا - سی" توسط "سازمان چریکهای فدائی خلق".

۳. انفجار در "شرکت نفتی انگلیسی شل" توسط "سازمان چریکهای فدائی خلق".

۴. انفجار در "سفارت انگلستان" توسط "سازمان مجاهدین خلق ایران".

۵. انفجار در "شرکت نفتی ایبران پان امریکن" توسط "سازمان مجاهدین خلق ایران".

* در تاریخ ۱۷ / ۱۱ / ۵۲ رفیق یوسف زرکار هنگامیکه بمنظور انجام یک مأموریت چریکی در خیابان چهارباغ اصفهان در حرکت بود متوجه میشود که توسط چند تن از مزدوران زیر نظر است، بلافاصله به قصد ترک منطقه سوار تاکسی میشود، دشمن بتعقیب او میرسد از بعد از طی مسافتی ماشین مزدوران جلوی تاکسی پیچیده و مانع حرکت آن میشوند، رفیق با قاطعیت و شهامت انقلابی از تاکسی پیاده شده و بطرف مزدوران حمله میکند و بعد از بازکردن در ماشین آنان، با شکیک گلوله یکی از مزدوران را از پای در میآورد و بکورا، بسختی مجروح میکند دشمن متقابلاً بطرف رفیق شروع به تیراندازی

موفق به فرار از محاصره دشمن می شوند تا ببارزه خرد در صف انقلابیون ادامه دهند .

رفیق مجتبی خرم آبادی برادر رفیق احمد خرم آبادی عضو سازمان چریک های فدائی خلیق بود . رفیق احمد خرم آبادی در تابستان . ه توسط رژیم شاه خائن تیرباران شد . رفیق مجتبی خرم آبادی اخیرا گروه مسلحی سا زمان داده و به فعالیت انقلابی پرداخته بود . از کم و کیف گروه اطلاعی در دست نیست ولی بطور قطع رفتاری از گروه باقی مانده اند که همچنان ببارزه ادامه می دهند . زیرا پس از این درگیری پیگرد های شدیدی از جانب پلیس آغاز شده است .

✽ در تاریخ ۵ فروردین ۵۳ يك گروه مسلح جدید در شهرستان قزوین با خلع سلاح يك پاسبان پلیس آغاز فعالیت خود را اعلام داشت . عملیات خلع سلاح در اواسط روز در یکی از خیابانهای شهر قزوین صورت گرفته است . بنا به اطلاعات رسیده چون پاسبان مزبور خود را به انقلابیون تسلیم نکرده و قصد مقاومت مسلحانه داشته است علیرغم میل باطنی مبارزین با اسلحه سرد آنان کشته شده است .

ما بارها اعلام کرده ایم که ما موریس و بلیس و دیگر افراد مسلح رژیم در موقعیکه با تمایل مبارزین بخلع سلاح ایشان مواجه

می کند و با کمک گرفتن از نیروهای دیگر او را کاملا محاصره می کنند . رفیق وقتبی متوجه میشود که امکان فرار نیست سنگر گرفته و تا آخرین گلوله می جنگد و در این درگیری نابرابر به شهادت میرسد .

رفیق یوسف زرکار يك کارگر ۲۱ ساله و از اعضای فعال سازمان ما بود .

✽ سازمان از شنبه ۱۸ تا جمعه ۲۴ اسفند به بخش اعلا میه عالی کوه در ارتباط با شهید شدن رفیق حسن نوروزی نوشته شده بود ، پرداخت و این اعلامیه ها در سطح نسبتا وسیعی از شهر بخصوص در میان کارگران پخش شد .

هدف از این کارشناسانند هر چه بیشتر پیشگامان به خلق بود .

✽ مزدوران سازمان امنیت پس از اطلاع یافتن از اینکه رفیق خرم آبادی در خانه ی واقع در میدان ثریا خیابان کورن در تهران رفت و آمد می کند ، در بامداد روز دوازده اسفند اقدام به دستگیری او می نماید . رفیق وقتی متوجه میشود که خانه توسط مزدوران سازمان امنیت محاصره شده به پشت بام خانه رفته و شروع به جنگیدن میکند و در این درگیری نابرابر تعدادی از مزدوران کشته و مجروح میشوند و بالاخره رفیق پس از چند ساعت مقاومت شهید میگردد و همچنین يك پیر مرد و يك زن انقلابی که هر دو مسلح بوده اند در زیر پوشش آتش رفیق خرم آبادی

میشوند میبایست بلا درنگ سلاح خود را تسلیم نمایند و گرنه هر نوع مقاومتی اجباراً به کشته شدن ایشان منجر خواهد شد .

✽ ✽ اعتصابات و تظاهرات

✽ در اسفند ماه سال جاری کارگران کارخانه چیت ری بخاطر عدم دریافت پاداشهای خود دست بااعتصاب میزنند و از کار کردن خودداری می نمایند . پلیس مزدور بلافاصله مدخله مینماید و کارخانه را محاصره میکند . کارگران بدون توجه باین محاصره برای رسیدن به خواستهای خود پافشاری می کنند و بالاخره رژیم از ترس گسترش این اعتصاب سایر کارخانجات با خواستهای آنان موافقت مینماید و کارگران نیز از اعتصاب دست کشیده و به کار ادامه میدهند .

✽ دانشگاه جندی شاپور اهواز از آذرماه ۵۲ به خاطر اعتصاب دانشجویان تعطیل است و تا کنون ۸۰ نفر را دستگیر کرده اند . اعتصاب با شکستن در و پنجره بدون درگیری با پلیس توأم بوده است . در یکی از روزهای اعتصاب در خیابان پهلوی که از خیابانهای مرکزی و شلوغ شهر است دانشجویان دست به تظاهرات میزنند و گارد های پلیس عمده ای را زده و دستگیر میکند و سرود ای زیادی در خیابان برپا

میشود . این خیابان تا مدت ها بوسیله افسران مجهز به بی سیم و کاردهای مسلح به باطوم چوبی محافظت میشد ، آنها حتی در سوار و پیاده شدن مردم از تاکسی دخالت میکردند . ✽ اعتصاب عظیم دانشجویان نفت آبادان و کارکنان شرکت نفت آبادان که منجر به کشف و دستگیری یک گروه بیست نفری از دانشجویان گردید انعکاس زیادی در شهر داشته است . این انقلابیون باتهام قصد تخریب در تاسیسات نفتی زندانی و تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دارند . و نفر از زندانیان تحت شکنجه در وضعیت جسمی بسیار بدی هستند .

✽ دانشجویان دانشگاه تبریز بعنوان اعتراض به وحشیگریهای رژیم مزدور در پهنج اسفند سال ۵۱ که منجر به شهادت چنبد دانشجوی مبارز و انقلابی تبریز گردیده بودند تاریخ ۵ اسفند ۵۲ دست بااعتصاب میزنند در این اعتصاب تعدادی از دانشجویان دستگیر میشوند و حدود ۲۰ نفر از آنان را از دانشگاه اخراج و بمرابازی میفرستند .

✽ در بهمن ماه مبارز قهرمان ضیاالحق دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران در زیر شکنجه های قرون وسطائی مزدوران سازمان امنیت شهید میشود . دانشکده فنی تهران بخاطر عمدردی با خانواده این دانشجوی انقلابی دست بااعتصاب میزنند و رژیم مزدور بوحشت افتاده و بخاطر خواباند

این اعتصاب دانشکده را تعطیل میکند .

تظاهرات دانش آموزان مدارس تهران به حمایت از مقاومت قهرمانانه رفقا گل سرخی و دانشیان در دانشگاههای ضد خلتی شاه خائن ، عده های از مدارس تهران را در بر گرفته است . همچنین به منظور طرفداری از مبارزه آنها و محکوم کردن رژیم محمد رضا شاه خائن اقدام به شعار نویسی بر روی در و دیوارهای نقاط مختلف تهران نمودند و در هر گوشه و کنار شعاری بمناسبت حمایت از مبارزات کونوسی بچشم میخورد .

گارد صنعت نفت بمنظور نگهبانسی از موسسات شرکت نفت تشکیل شده بود در رابطه با تشدید فعالیتهای انقلابیون صلح دشمن کوشیده است که افراد این گارد را صلح ساخته و تابع قوانین ارتش سازد و بدین وسیله واحد صلح جدیدی را برای مقابله با چریکها بوجود آورد . پس از اعلام این امر توسط عوامل شرکت نفت ، افراد گارد که از صلح شدن و اسلحه کشیدن بر روی هم میبندان خود ابا داشتند دست باعتصاب زده و در سر کارشان حاضر نشدند . طبق اطلاعات رسیده افراد اعتصابی مورد حمله مامورین ساواک آبادان قرار گرفته و پس از ضرب و شتم عده های دستگیر شده و به شکنجه کاه روانه شده اند که از سرنوشت ایشان

اطلاعی در دست نیست .

اعتراض سیاسی در مسجد سلیمان

به انقلاب سفید : در تاریخ ۶ بهمن

گذشته عده های از مبارزین مسجد سلیمان گریه مرد های را با طناب به گردن ، سمه شاه در میدان مرکزی این شهر می آویزند باید توجه داشت که منتهای اعتراض سیاسی و عمل صلحانه در شهرستانهای این منطقه وجود دارد ، کما اینکه در سال ۵۱ نیز بمناسبت سالگرد هفتمین سال انقلاب سفید شاه همین مجسمه با مدفوع تزئین گردید . در دو سال گذشته چندین عمل صلحانه در شهرستانهای جنوبی صورت گرفته است که از جمله انفجار مقر سازمان امنیت زفول و شعبه حزب ایران نوین این شهر و اخلال در کمبرادور ریزه کردن مزارع کشاورزی زیر سد میباشد .

حمله بکتابفروشیهای تهران :

در تاریخ ۱۲ فروردین کتابفروشیهای تهران همگی مورد هجوم افراد کمیته به اصطلاح ضد خرابکاری قرار گرفتند و تمام کتابهایی که بنظر متخصصان پلیس سیاسی مضره ! بنظر میرسید جمع آوری گردید . جالب توجه اینکه کتابها همگی یکبار از طرف سازمان سانسور کتاب مورد بررسی قرار گرفته و اجازه انتشار به آنها داده شده

است .

این امر نشان می‌دهد که رژیم هرچه بیشتر بسعت دیکتاتوری مطلق نظامی پلیسی پیش‌می‌رود و حتی ظواهری هم از دموکراسی بورژوازی باقی نمی‌گذارد . این اعمال ، اختناق فاشیستی حاکم بر آلمان هیتلری را بیاد می‌آورد . طبق اطلاعات واصله کاسوزان عطیعی در کمیته ، باصطلاح ضد خرابکاری براه انداخته‌اند و گونسی کونی کتابها را پس از لیست کردن و وارد کردن در پرونده‌های ناشرین و کتابفروشان ها در شعله‌های آتش‌سوزانند . ایتک دها ناشر و کتابفروشان در زندانهای کمیته بسر می‌برند و عده‌ای از ایشان مورد ضرب و شتم مقامات امنیتی قرار گرفته‌اند .

*** نمونه‌ای دیگر از تدارکات نظامی

رژیم دست‌نشانده شاه

*** واشنگتن بست ۳۱ ژانویه - سایگون

و عربستان سعودی و ایران هواپیمای (F.5.E) می‌گیرند . اسامی آمریکا شروع به تحویل هواپیمای می‌کند . در همین حال یک برادرم مهم دیگر بین ایران و آمریکا در حال شگرتن است . مطابق این قرارداد ۵۳ هواپیمای نیروی هوایی آمریکا را از مدرن ترین نوع اف ۱۵ به قیمت تقریبی ۱/۱ میلیارد دلار خریداری خواهد کرد . تحویل هواپیمای در سال ۷۶ یا ۷۷ شروع می‌شود . این هواپیمای

عنوز در مرحله آزمایشی است و حتی نیروی هوایی آمریکا از آنها در اختیار ندارد . پیش‌بینی می‌شود که در چند هفته آینده این قرارداد بسته شود . این قرارداد درست بعد از باتمام رسیدن معامله دیگری است که در آن ایران ۰۰ میلیون دلار برای خرید حدود ۳۰ عدد از مدرن ترین هواپیماهای نیروی دریائی با اسم جنگنده‌های اف ۱۴ پرداخته است . هر دوی این قراردادها علاوه بر خرید تقریباً ۲/۵ میلیارد دلار اسلحه ، آمریکائی است که در دو سال گذشته صورت گرفته است . ایران اسامی ۸ هواپیمای اف ۱۵ ای دریافت خواهد کرد و در سال آینده تقریباً صد هواپیمای بسیار جدید اف ۱۵ ای دریافت می‌کند . در عین حال ایران مشغول دریافت ۱۴ هواپیمای بسیار جدید اف ۴ فانتوم جنگنده ، بمب افکن است که تا قبل از دریافت اف ۱۴ و اف ۱۵ از آنها استفاده کند . هواپیمای اف ۱۵ ای - بجای هواپیمای اف ۱۵ ای (F-5-A) هستند که قبلاً ایران بحکومت سایگون قرض داده بود این هواپیمای که فقط برای صادرات ساخته می‌شوند بسیار مدرن تر و قویتر از نوع (A) می‌باشند . قیمت تقریبی هر یک ۱/۷ میلیون دلار است .

*** واشنگتن بست ۴ فوریه - افغانستان و هندوستان نگران توسعه ، تسلیحاتی در کشور های همسایه هستند . داودخان اظهار

هیچ کشوری رانیاورده اما بنظر میرسد که منظورن ایران و بعضی از کشورهای عربی هستند که در حال برنامه ریزی برای بدست آوردن هواپیماهای نظامی بسیار مدرن می باشند .

نگرانی کرده است که پاکستان مقدار زیادی اسلحه خریداری کرده است . فرمانده نیروی هوایی هندوستان مارشال مهرا گفت که هندوستان مواظب توسعه نیروی هوایی بعضی از کشورهای اسلامی است . او اسم

اخبار خارجی

✽ اعتصامها و تظاهرات

که برنامه اشغال سفارتخانهها با موفقیت انجام یابند ، عدهای از رفقای دانشجویی از آلمان فدرال برای کمک به دوستان دیگر بطرف سوئد ، هلند و بلژیک و ایتالیا حرکت کردند . روز هشتم مارس سفارت ایران در سوئد بتصرف رفا در آمد و با استفاده از تلفن سفارتخانه با سایر رفا در کشورهای دیگر ارتباط برقرار شد و باین ترتیب کارها عم آهنگ گردیدند . همچنین تلفنی با وزارت خارجه ایران تماس برقرار کردند و خواستهای خود را به دولت ایران ابلاغ نمودند . خبرنگاران روزنامه رادیو و تلویزیون در محل حاضر شدند و جریانات در سطح اروپا منعکس گردید . دوستان مبارز هنگام تصرف سفارت خانه ایران در سوئد ، عکسهای شاه و سایر عمال بیگانه را بپائین کشیدند و پاره کردند

همزمان با مسافرت هویدا به کشور آلمان فدرال رفقای مبارز دانشجویی تحت رهبری کفدراسیون دست به اقدامات تبلیغاتی و عملی دیگر زدند . هدف از این عملیات افشاء هر چه بیشتر رژیم شاه در سطح جهانی و ابراز تنفر نسبت به جنایات و اقدام های متعدد در ایران ، و اعلام همبستگی انقلابی مردم ایران نسبت به مردم خاورمیانه و علیه تجاوزات شاه در این منطقه بود . برای این منظور اشغال سفارتخانه های ایران در سوئد ، هلند و بلژیک تعیین گردیدند و مطالعه برای اشغال سفارتخانه های ایران در ایتالیا و انگلستان در دستور کار قرار گرفت که بدنبال بقیه عملیات انجام یابند . همچنین قرار شد که به کمک دانشجویان مترقی آلمان غربی تظاهرات وسیعی نیز در پایتخت آلمان برگزار شود . برای این

پیدا کرد .

سفارت ایران در لاهه (هلند) نیز همان روز بتصرف دانشجویان درآمد . در این سفارتخانه هم رفقا عکسهای شاه و سایر مزدوران را پائین آورده ، قابهای آنها شکستند و عکسها را پاره کردند و عکس شهدا را به دیوار و اطاقهای سفارتخانه زدند . تمام محل با شعارهای انقلابی به منظور حمایت از جنبش انقلابی در ایران و علیه تجاوزات شاه در عمان و سیاست مزدورانه شاه ، تزئین شده بود . تمام جریانات مربوط به این تظاهرات توسط رادیو و تلویزیون در سطح کشور هلند و کشورهای اروپائی پخش گردید . بنا به درخواست سفارت ایران ، پلیس هلند دانشجویان را دستگیر و زندانی نمود ، ولی اعتصاب غذا در زندان ادامه یافت و در خارج زندان نیز فعالیت های اعتراضی پراکنده ای ترتیب یافت و همچنین توسط نیروهای مترقی و انقلابی جهان تلگرامهای اعتراضی بحضرت های سوئد ، بلژیک و هلند ارسال گردید و در آلمان نیز تظاهرات وسیعی برگزار شد .

در این موقع مسئله اشغال سفارت ایران در مجلس و هیئت دولت هلند مطرح شد و آنها طبق قوانین خودشان تصمیم گرفتند رفقای مبارز ایرانی را محاکمه کنند . رفقای مبارز دادگاه را از اوضاع و احوال ایران مطلع ساختند و انگیزه خود را درباره

به زباله دانها ریختند و عکس شهدا گلبرخی و دانشیان را که در ۲۹ بهمن ماه ۵۲ تیرباران شدند روزیم مزدور ایران هنوز هم جرات آنها نیافته است که خبیر تیرباران آنها را باطلاح خلق ایسران برساند ، همراه با شعارهای انقلابی بمنظور پشتیبانی مبارزات مردم ایسران بدیوارها زدند . پس از مدتی بنا به درخواست رژیم ایران پلیس رفقای دانشجو را دستگیر و زندانی نمود ولی مقاومت و مبارزه در زندان ادامه یافت و نیروهای مترقی در سوئد به پشتیبانی از زندانیان دست بفعالیت زدند و پلیس را مجبور کردند که رفقا را آزاد سازد . در این فعالیت رعبری کفدراسیون فعالانه تلاش کرد و کللا و حقوقدانان مشهوری به حمایت دانشجویان ایرانی پرداختند .

در بروکسل (بلژیک) نیز سفارت ایران در عمان روز (هشتم مارس) ۱۷ اسفند (بنصره دانشجویان مبارز درآمد و کلیه نیروهای مترقی بلژیکی از خواستهای دانشجویان ایرانی حمایت کردند و تظاهرات وسیعی بعمل آوردند . با وجود دخالت پلیس بعلت توسعه تظاهرات و اعتراض نیروهای مترقی در بلژیک ، رفقای ایرانی بزودی آزاد گردیدند . خبر مرسوط به تظاهرات در بلژیک نیز انعکاس جهانی

دانشجویان مبارز ایرانی خشم ارتجاع ایران و اربابان امپریالیست آنها را برانگیخته است و کوشش دارند که اعمال فستار پلیسی خود را علیه ایرانیان در خارج افزایش دهند، ولی مبارزین ایران با کمک نیروهای مترقی در این کشورها خود را برای مقابله و فعالیت های جدیدی آماده میکنند.

* از هنگام حمله شاه به انقلابیون عمان (ظفار) فعالیت کنفدراسیون دانشجویان ایرانی بدفاع از خلق رزمنده عمان بیشتر شد، و تظاهرات و سخنرانی ها و جمع آوری امانات و کار های تبلیغاتی در آمریکا و اروپا دامنه وسیعی داشته است.

*** اخبار مربوط به مبارزات سایبر

خلقها

* سرتیب منصور قدر، سفیر سابق ایران در اردن و سفیر فعلی ایران در لبنان است، وی سالهای متعددی است که در منطقه خاورمیانه عربی در راس سازمان جاسوسی ایران قرار دارد. وی رئیس ایرانی پیمان دو جانبه امنیتی (سری) ایران و اسرائیل است. شبکه وسیع جاسوسی ایران در مصر و لبنان - که مهم ترین تغذیه کننده اطلاعاتی اسرائیل است - مستقیماً زیر نظر او کار میکند. وی عربی را خوب میدانند و عضو عالی مقام ساواک است.

سازمانیکه مسئولیت پرتاب نارنجک

انفعال سفارت توضیح دادند و در دادگاه جنایات بیشمار رژیم و خیانت های شاه را بسر شمردند و تجاوزات آنها در منطقه خاورمیانه محکوم ساختند و باین ترتیب دادگاه را تبدیل به صحنه محاکمه شاه نمودند جریان های آن از رادیو وتلوویزیون و جراید در سطح جهانی پخش گردید و نیروهای مترقی نیز در خارج محل دادگاه تظاهرات و سخنرانی های متعددی به پشتیبانی از مبارزات مردم ایران بر پا ساختند. اوج گیری این مبارزات و افشاکاری رژیم موجب خشم کارکنان سفارت ایران در هلند گردید و حون قادر نبودند دیکتاتوری خود را در هلند نیز اعمال کنند، بعنوان اعتراض خاک آنکشور را ترک کردند و در نتیجه بحران سیاسی در روابط دولت ایران و هلند بروز کرد. رژیم که تا آن موقع فعالیت دانشجویان در خارج را نمیخواست منعکس سازده مجبور گردید درباره این حادثه توضیح بدهد.

در آلمان غربی نیز تظاهرات وسیعی با شرکت ۲ هزار نفر برگزار گردید و تظاهر کنندگان از شهر کلن تا بن پیاده حرکت کردند و پس از ورود به شهر بن به محل کنکره دانشجویان آلمانی رفتند. در این موقع دانشجویان آلمانی کنکره خود را تعطیل کرده بعنوان اعلام همبستگی با دانشجویان ایرانی مشترکاً تظاهرات پرداختند. این فعالیتهای افشاکرانهای

انقلابیون و تعداد بسیار وسیعتری از قوای دولتی شده تاکنیک خود را تغییر داده و ظاهراً از تصرف نظامی منطقه که هدف اولیه آنها بود چشم پوشی کردند. آنها اکنون استحکاماتی در وسط مناطق آزاد شده ساخته اند که محافظین آنها ایرانیان هستند و نیروهای دولت محلی یا اردن که گاه از این استحکامات خارج شده و بعیان مردم رفته و برای آنها غذا و هدایا میبرند تا بلکه از این راه بتوانند آنها را جلب کنند. البته نباید دشمن را به هیچ وجه ناچیز گرفت. ایران اکنون یازده هزار سرباز در آنجا دارد و دول دیگر مرتجع هم هر يك تعداد زیادی نیروی نظامی دارند و بعید نیست که حملات وسیع نظامی خود را در آتیۀ نزدیکی از سر بگیرند.

✽ حکومت فاشیستی " هجری " در یمن شمالی در تاریخ ۱ فوریه سقوط کرد. هجری بتمام معنی فاشیست و دست نشانده عربستان سعودی بود و کسی بود که انقلابیون را " مطلوب " میکرد. حسن مکی که قائم مقام نخست وزیر است جهره، رژیمستی بخود گرفته و این نشانه شکست برنامه های سابق ارتجاع است. خوشبختانه انقلابیون یمن شمالی این شیوه ارتجاع را بخوبی می شناسند.

✽ مبارزه خلق عرب علیه عملی شدن طرح کیسینجر شدت یافته است. هدف کیسینجر مانند اسلاف خود و همه حمایت کنندگان

بطرف مائین ضد گولوه (کادیلاک خاص) او را به عهده گرفته بنام " جنبش انقلابی سوسیالیستی لبنان " است که قبلاً بـ بانک امریکا حمله کرده بود (در بیروت). معبذانه این سازمان واقعا شناخته شده است و نه اینکه ادعای پذیرش مسئولیت از طرف آنها کاملاً موشق است. در پنجم فروردین بما خبر رسید که احمد نقسری در این رابطه دستگیر شده است. احمد نقری روحانی جوان و مبارزی است و شخص مطلعنی می باشد ولی احتمال دخالت واقعی او بسیار ضعیف است. کو اینکسه احتمالاً این جریان يك عمل انقلابی بوده است ولی امکان نوظئه هم وجود دارد که بر علیه مبارزین ایرانی در لبنان و فعالیت طرفداران انقلاب طفار در آن جا طرح شده است (یکی از دلایل عمل اعتراض به حمله ایران به عمان زکمر شده است). انقلابیون طفاره خود بایمن عمل خوشبین نیستند ولی واقعیت معلوم نیست.

✽ نیروهای مهاجم ایران و عربستان اردن که به کمک سلطان قابوس مرتجع حملات وسیعی را علیه انقلابیون عمان (طفار) آغاز کرده بودند در لظلب نقاط نتوانستند هیچگونه پیروزی بدست آورند. اکنون آنها پس از زد و خورد های شدیدی که منجر به کشته شدن عده ای از

اسرائیل چیزی جز از میان بردن انگیزهٔ رهای فلسطین از میان خلق عرب و بنابراین تثبیت نهائی موضع اسرائیل نیست. توطئه ارتجاع این بار خود را در جبههٔ دلسوزی برای خلق عرب و پس گرفتن "قسمتی" از سرزمینهای آنها و تأمین "قسمتی" از حقوق خلق فلسطین بصورت ایجاد دولت فلسطین خود را نمایانده است. این قیافهٔ دلسوزانه نه تنها پوشش مناسبی برای مرتجعین عرب بود بلکه محملی برای کونا آمدن متزلزلین در میان صفوف فدائیان نیز شد. ولی نیروهای مترقی عرب و فلسطینی با توسعه مقاومت و مبارزهٔ خود علیه این طرح اکتون وضعی را بوجود آورده‌اند که سازش‌برای مرتجعین کران تمام خواهد شد. گو اینکه این احتمال عمیقاً کاملاً از میان نرفته است.

* نبردهای انقلابیون اریتره موفق شده‌اند که شاعرهای اریتره و سودان را قلع کنند. دانشجویان حبشه نیز در حال اعتصاب و تظاهرات دائم بسر می‌برند. نظامیان شورشی که مدتی شهر آسمار را گرفته و سپس رها کرده بودند اکنون مجدداً آنرا به تصرف درآوردند. قحطی وحشتناکی که کریانگیر حداقل ۱۳ میلیون نفر از مردم حبشه و اریتره است نتیجهٔ مستقیم فشار و یوسیدگی مستیمی است که هیلاس لاسی خونخوار، همدم و متحد شاه باکمل مستقیم امریکا و اسرائیل در حبشه نگاه داشته‌است.

رژیم حبشه مجبور شده است در اثر فشار مردم انحلال پایگاه آمریکا را در ژوئیهٔ آینده اعلام کند ولی این تنها یک لغو ظاهری است زیرا ایران که نقش قائم مقام آمریکا را می‌خواهد بازی کند از هم اکنون پایگاهی در منطقهٔ صومال غربی (در حبشه) ایجاد کرده است که در آن تعدادی هواپیما و خلبان مستقر شده‌اند.

متأسفانه در یکی دو سال گذشته بعثت سازش‌های بین‌المللی و نیز اختلافات داخلی بین سازمانهای مختلف اریتره، جنبش انقلابی این ناحیه دچار ضربات شدید شده است. در غیر اینصورت این جنبش می‌توانست با استفاده از ناراضیاتی وسیع عمومی دستاوردهای بسیار بیشتری داشته باشد.

* جنگ انقلابی در گینه بیسائو و موزامبیک با شدت ادامه دارد. همانطور که میدانیم پرتغال از جمله دولتی است که به عمیق وجه حاضر به صرف نظر کردن از مستعمرات خود در افریقا نبوده و اکنون بیش از ۱۳ سال است که جنگ خانمانسوزی را در این مستعمرات ادامه می‌دهد. اخیراً یکی از ژنرالهای مشهور بنام اسپی نولا که حدود سالها در راس نیروهای مستعمراتی علیه انقلابیون جنگیده است کتابی نوشته بنام "پرتغال و آینده". وی در این کتاب مسئلهٔ "وحدت غیر قابل انکار پرتغال

علیرغم بکاربردن شدیدترین و عربانترین شیوه های فاشیستی و آفریقای جنوبی خود راماوجه با مقاومت رشد یافته سیاهپوستان مبارز میباید . حکومت باتوسل به حیوانی ترین شیوه ها پندار جلوکیز از رشد آسرا در سر می پروراند . یکی دیگر از شیوه های این حکومت نژاد پرست تطمیع و خریدن عناصر خود فروخته ای از میان صفوف سیاهپوستان و واگذازدن قسمتی از آدمکشی ها به عهده آنان است . یکی از مشهورترین این عناصر امیر شود فروخته استونواست که همین چند هفته گذشته شاهد دیدار ایشان از ایران و استقبالی همپالگی اش شاه از او بود .

✽ جنگ انقلابیون فیلیپین با قوای مرتجع مارکوس ابعاد تازه ای به خود میگیرد . انقلاب بیون که بیشتر در مناطق جنوبی و سلمان نشین هستند در طی ماهها گذشته قادر شده اند چندین شهر و شهرک را تصرف در آورند . دولت فیلیپین که از مقابله با انقلابیون عاجز مانده است اکنون سیر همانند شهرها را بمباران میکند . گفته میشود که بیش از ده هزار نفر از مردم در اثر این بمباران ها کشته شده اند . معینا مبارزه همچنان شدت ادامه دارد .

✽ از ۱۱ دین رویداد هفت اخیر اتحاد چهار سازمان مبارز انقلابی امریکای لاتین در دینک جدیدی را تحت یک فرماندهی واحد است . جنبش آزادی بخش (سی. او. ا. او. ها)

و مستعمراتش " یا بعبارتسی " تعامیت ارضی " پرتغال را مورد تردید قرار میدهد . این سخن از طرف کسی که خود سالها جنگیده است حنان غلیانی در پرتغال به وجود آورده که حکومت پرتغال خود را مجبور دیده است که مسئله را به آراء عمومی محول کند .

نوشته این ژنرال در حقیقت بیگان نظر قسمتی از طبقه حاکمه است که خود را پس از سالها جنگ بگلی ناتوان احساس میکنند و اکنون میخواهند با صرف نظر کردن از اصل جزئی " وحدت غیر قابل انکار " در حقیقت سلطه خود را در مستعمرات به صورت " فدراسیون متحد " ادامه دهند . انقلابیون مرفی و بیگیر افریقا حتی قبسل از آنکه مرکب نوشته های ژنرال خشک شود با تشدید مبارزه خود جواب دندان شکنی به پادرمیانی ایشان داده اند و این خود نشان میدهد که دوران که عناصری با چهره لیبرال میتوانستند در دل انقلابیون تردید بیندازند گذشته است . مبارزه خلق های تحت ستم افریقا تا بیروزی نهایی و رهائی از جنگال استعمار کهنه و نو ادامه خواهد یافت .

✽ در ماه فوریه حکومت فاشیستی و نژاد پرست آفریقای جنوبی بین ۱۵۰ نفر از سیاهپوستان را اعدام و بیش از ۹۰۰ نفر را دستگیر کرده است . در نهایت اخیر

اعضای آن از زنان انقلابی تشکیل میشود . هرست یکی از ثروتمندان آمریکائی و صاحب يك سلسله روزنامه و مجله (از دوستان شاه) میباشد . سازمان مزبور که دختر او را ربوده در ازای پس دادن دخترش از وی خواسته که بهر يك از افراد محتاج در ایالت کالیفرنیا معادل ۷۰ دلار غذا داده شود . جالب اینجاست که اولین روز هنگام یخس غذا زد و خورد شدیدی بین دریافت کنندگان غذا در گرفت (در سرزمین و قسور نعمت !) باین علت مقامات آمریکائی پیش بینی می کنند که حدود چهارصد میلیون دلار خرج این کار خواهد شد (بعلمت زیادی فقا) .

هرالد تریبون ۲۲ مارس ۱۹۷۴

آژانس مطبوعاتی ترکیه از قول "منابع مطلع" درهاکاری، يك شهر اکثرا کرد نشین در نزدیکی مرز عراق، اعلام کرد که يك محموله، بزرگ وسائل جنگی آمریکائی که برای اسرائیل فرستاده شده بودند به شورشیان کرد، برهبری ملا مصطفی بارزانی، رد شده اند . آژانس مزبور نگفت که از چه طریق این سلاحها بکردها رسیده اند اما اعلام کرد که ده هواپیمای بمب افکن — شکاری تندرجیف (F۰۱۰ S) که برای کردها فرستاده شده اند، در حال

جذبش چپ انقلابی شیلی (میر)، ارتش آزاد ییخش ملی (بلیوی) و ارتش انقلابی خلق (آرژانتین) در طی اعلامیه‌های ایمن اتحاد را اعلام کرده اند . این روی داد نه تنها از نظر پیشبرد اهداف انقلابیون آمریکای لاتین مهم است بلکه برای همه خلق های رزمنده جهان اهمیت ویژه‌ای را داراست . ما درودهای انقلابی خود را نثار راه این رفقای قهرمان و جنگجوی خود می کنیم و امیدواریم که ما نیز روزی بتوانیم شاهد همبستگی و اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی منطقه باشیم . * رابندگان پاتریشیا هرست دختر ملیزن آمریکائی باردیگر تقاضا چهار میلیون دلار پول بیشتر کردند . این تقاضا از طریق نوار که با صدای پاتریشیا پر شده است بخانواده اش ابلاغ شد . متن نوار که در آمریکا بطور وسیع در مطبوعات و رادیو و تلویزیون پخش شد اینچنین شروع میشود : "شاه ایران دو نفر دیگر را اعدام کرد" . این مسئله اشاره به اعدام رفقای انقلابی گسرخ و دانشیان در ۲۹ بهمن ماه ۵۲ و نشانه همبستگی خلق های جهان است . "ارتش آزاد ییخش سبیتونیز" یک سازمان مخفی انقلابی آمریکائی است که سایه پوستان و سفید پوستان تواما در آن شرکت دارند و تعداد زیاد یا اکثر

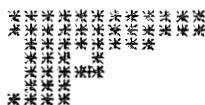
حاضر در يك پایگاه هوایی در كشور ایران که همسایه آنها است نگهداری می شوند . آژانس مزبور اعلام کرد که خلبان کرد، که مخفیانه در آمریکا تعلیم دیده اند، این هواپیماها را در اواخر این ماه ، وقتی که انتظار می رود جنگ با عراق بالا بگیرد ، تحویل خواهند گرفت .

ما باید بدون آنکه سوسیالیسم را از دست بدهیم ، بهر قیامی که علیه دشمن عمده ما یعنی بورژوازی قدرتهای بزرگ بپا میشود ، به شرط آنکه قیام یک طبقه ارتجاعی نباشد ، کمک و مساعدت برسانیم .

لنین ، ۱۲ ژوئیه ۱۹۱۶

نتایج بحث درباره تعیین سرنویست

انترناسیونالیسم پرولتری خواستار آن است که اولاً مصالح مبارزه پرولتری در يك کشور تابع مصالح این مبارزه به مقیاس جهانی باشد ، ثانیاً خواستار آن است که ملتی که در راه پیروزی بر بورژوازی می کوشد قادر و آماده باشد به خاطر سرنگون ساختن سرمایهی بین المللی به بزرگترین فداکاری های ملی تن در دهد .



قدما دست اندر کار سرودن زیبائیهای طبیعت بودند :

برف و گل ، ابرو باد و مه
کوهساران و جویباران .

امروز باید اشعاری بنویسم
که از آهن و پولاد سخن گوید
و شاعر باید بداند

چگونه می توان به حمله تعرضی پرداخت .

هوشی مین

لنین

منتخب آثار ، جلد ۲

ق ۲ ، ص ۵۶۳

ژوئن ۱۹۲۰

مَن اعلاميسه، سازمان چريکهای فدائی خلق

در باره

"اعلام هم بستگی با جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج اشغال شده"

خلق مبارز ایران!

در اسفند ماه گذشته سلطان قابوس -
خائن این سگ دست پرورده، امپریالیسم
آمریکا و انگلیس بمنظور توطئه جینی های
نوین بر علیه مبارزات رهائی بخش خلق
عمان وارد تهران شد . در فاصله اقامت
این مرتجع منفور در تهران چریکهای فدائی
خلق بمنظور اعلام اعتراض شدید خلق ایران
و بیناهنگام مسلح انقلاب ایران نسبت به
این سفر توطئه آمیز دست به اقدامات
زیر زدند .

در جریان اقامت يك هفته ای سلطان

قابوس خائن در تهران در سفارت عمان
در تهران علی رغم محافظت
شدید پلیس بعضی منفجر
گردید . همچنین بمنظور اعتراض بجهت
سیاست مذبذبه دولت انگلیس در جنگهای
عمان و مداحلات مستقیم و غیر مستقیم این
دولت در جنگهای آزادیبخش عمان مقرر
دفتر شرکت همپیمائی انگلیس در تهران
با انفجار يك باب در هم ریخته شد .
ضمناً بمنظور اعتراض بمداخله انحصارا

نفی در جنگهای عمان در مقابل نفت
شرکت نفتی شل که بیشترین سهامدار نفت
عمان است انفجاری صورت گرفت . این
شرکت مسئولیت دامن زدن به جنگهای
ضد انقلابی عمان را بعهده دارد .

در همین روز دو انفجار نیز توسط
سازمان مجاهدین خلق ایران بر علیه
امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی صورت
گرفت . انفجار اول در مقر شرکت نفتی
ایران - پان امریکن روی داد و انفجار
بعدی سفارت انگلیس در تهران را لرزاند .
شاه خائن این هم پیمان و دست

پرورده، امپریالیسم آمریکا و انگلیس
و رژیم منفورشان که بیش از ۱۰۰۰۰۰ سرباز
هموطن ما را برای سرکوب جنبش
انقلابی عمان بان سوی خلیج کسپیل داشته
است کمتر صحبتی از این دخالت
تجاوز کارانه می نماید . عمجنین این رژیم
منفور با استفاده از تمام امکانات در برابر
عملیات اعتراضی مبارزین انقلابی
ایران دست به توطئه سکوت زده است
و بار دیگر وحشت بین از حد خود را از

عملیات افشاگرانه، سازمانهای صلح آشکارا ساخته است. ما بمنظور آگاه ساختن هر چه بیشتر خلق ایران نسبت سیاست مد اخلهجویانه، رژیم ایران در منطقه خلیج و بالخصوص مد اخله نظامی این رژیم وابسته بامپریالیزم در جنگ های داخلی سرزمین عمان وظیفه انقلابی خود میدانیم که خلق ایران را هر چه بیشتر با جنبش‌رهائی بخش خلق عمان که برعبری "جبهه" خلق برای آزادی عمان و خلیج اشغال شده صورت میگیرد آشنا سازیم و از فتنهگریهای امپریالیستی در منطقه خلیج پرده برداشته و توطئه سکوت شاه خائن را که می‌کوند حنایات خود را در سرزمین عمان از انظار خلق ایران پوشیده نگه دارد در هم شکنیم.

تاریخچه مبارزات نوین خلق عمان

مبارزات نوین خلق عمان در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۴۳ همراه با اعلام موجودیت "جبهه" آزاد بیخشن ظفار در نواحی کوهستانی ایالت ظفار آغاز گردید و علیرغم عکس‌العمل‌های ضد انقلابی سلطان سعید بن تیمور پسر سلطان قابوس خائن که با کمک انگلیسیها میکوشید جنبش را در نطفه خفه سازد

بشکل بیسابقه‌ای رشد یافت. خلق ظفار که برای اولین بار با یک جنبش مترقی و یک رهبری قاطع و انقلابی مواجه شده بود از این جنبش وسیعاً حمایت کرده و در صفوف این جنبش بمبارزه بر علیه رژیم دست‌نشانده عمان پرداختند و مناطقی زیادی را از دست رژیم مرتجع و دست‌نشانده انگلیس سلطان سعید بن تیمور خارج کرده و بدین ترتیب برای اولین بار مناطقی از خاک میهن خود را از قید نفوذ امپریالیزم و ارتجاع آزاد ساخته و بسط ایجاد حکومت خلقی در مناطق آزاد شده اقدام نمودند و به تحکیم مواضع خود در مناطق آزاد شده پرداختند. دو سال بعد از آغاز مبارزه مسلحانه که به علت شرایط ویژه انقلاب عمان توانست بسرعت خود را تثبیت کند در شهریور سال ۱۳۴۶ کنگره انقلابی حرمین تشکیل شد. در این کنگره پس از جمع‌بندی تجارب مبارزات مسلحانه دو ساله لزوم موضع‌گیری سراسری و منطقه‌ای از طرف نیروهای مترقی جبهه عنوان گردید و بهمین مناسبت جبهه موضع‌گیری منطقه‌ای خود را اعلام داشت و نام جبهه آزاد بخش ظفار به "جبهه" خلق برای آزادی خلیج اشغال شده تبدیل گردید. در این کنگره شرکت آزاد زنان در امر انقلاب تصریح گردید و جنبش هر چه بیشتر توسعه‌ای شد. بر اساس تصویب نامه‌های این کنگره

آموزش دانش انقلابی بر اساس فلسفه علمی در سطح مناطق آزاد شده ظفار گسترش یافت بدین ترتیب در منطقه عقب مانده ظفار که حتی بقایای برده داری در آن وجود داشت مرفقی ترین و پیشروترین اندیشه های نوین انقلابی رشد یافت و خلق آزاد شده منطقه توانستند با جذب آگاهی های انقلابی و کسب آگاهیهای سیاسی و نظامی در جهت حفظ دست آورد های انقلاب به پیشرفتهای قابل ملاحظه ای نایل آیند .

در سال ۱۳۴۹ امپریالیسم انگلیس و آمریکا که از مقابله موثر رژیم سلطان سعید بن تیمور پدر سلطان قابوس خائن با نیروها انقلابی ناامید شده بود با اجرای یک کودتای نظامی که به اسم "انقلاب" معرفی کردند سعید بن تیمور را بر داشته و پسرش قابوس را به سلطنت عمان منصوب کردند . این کاریکی از شیوه های قدیمی انگلیسی است مردم ایران خوب بیاد می آورند که چگونه در شهریور ۱۳۲۰ انگلیسها رضا شاه را از سلطنتی که خودشان باو بخشیده بودند عزل کرده و پسرش محمد رضا شاه را بجای پدر به تخت شاهی نشاندند . سلطان قابوس که از دست پروردگان انگلیس است در انگلستان تحصیل کرده و آمادگی اجرای طرحهای تازه امپریالیستی را در عمان دارا بود . وی پس از انتصاب

به پادشاهی عمان با توجه به مدرنترین تعالیم امپریالیستی در زمینه "حفظ حکومت های مرتجع و وابسته" دست به یک رشته اقدامات از پیش طرح ریزی شده زد . در سرلوحه این اقدامات گسترش روابط سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در کشور عمان بود و بدین منظور مطابق الگوی ایران یک انقلاب سفید در عمان همراه افتاد و یک رشته اصلاحات حسابگرانه بمنظور کاهش فشار انقلابی در اقتدار خلق در دستور کار این رژیم قرار گرفت . این برنامه ها همگی بدان منظور طرح شده بودند که با فریب خلق عمان از تحرك انقلابی خلق جلوگیری کرده و شرایط را برای تحکیم و تثبیت یک حکومت مسدود وابسته با امپریالیسم فراهم سازند و بدینوسیله ابزار مناسبی برای سرکوب خلق و غارت هر چه بیشتر منابع زیرزمینی این کشور و هم چنین امکان سوءاستفاده از موقعیت استراتژیکی منطقه را بدست آورند .

ولی با وجود این توطئه نیرنگ امپریالیستها و توطئه های دیگری که عمدتاً با تشکیل دولت عمارات متحده عربی مشخص میشود ، جنبش انقلابی در سطح عمان با شدت بیشتری رشد یافت . جنبش انتزاع مسلحانه خلق عمان با کسب پیرونیهای متوالی نظامی و آزاد سازی

مناطق وسیع تر توتله امپریالیستی و سلطان قابوس مرتجع را در عم شکست و عناصر مردی را که پس از بتخت ننستن قابوس فریب وی را خورده و بسوی وی گرا - یتر پیدا کرده بودند از صفوف خلق طرد نمودند و جنبش را خورجینستری بحرکت تاریخی خود ادامه داد. در سومین کنگره، انقلابی جبهه، خلق برای آزادی خلیج اشغالی که در "راخیوت" برگزار شد اعلام گردید که: "خلق عمان در جریان شدیدترین مبارزاتش علیه امپریالیسم و حکومت مرتجع محلی مرتباً به پیروزیهای شگفت انگیز رسیده و شکست های سختی بر دشمن وارد ساخته است و تمام طرحهای آنان را در زمینه، بر هم زدن اتحاد خلقهای انقلابی و واداشتن خلق به ترک مبارزه، صلحانه در هم شکستند و امروزه امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی در زیر ضربات خلق ما نفسهای آخر خود را میکنند." در همین کنگره، مترقی ترین و پیشروترین برنامه های انقلابی منطبق با رشد عطی جنبش در دستور کار جبهه قرار گرفت.

پس از کنگره، "راخیوت" تا تشکیل کنگره، بسیار مهم "اهلین" که طوسی آ جبهه های مترقی کشورهای عمان با یک - متحد شدند جنبش انقلابی به یک نظامی صهی دست یافتند و دومین عمان

وسیع نظامی مشترک انگلیس و سلطان قابوس بر علیه مناطق آزاد شده که بعملیات "جگوار" معروف بود در هم شکسته شد و متجاوزین که به معبر "هوشی مین" در داخل مناطق آزاد شده نفوذ کرده بودند کاملاً شکست خوردند و از منطقه عقب رانده شدند. در آذرماه ۱۳۵۰ پس از این پیروزی درخشان انقلابیون، کنگره "اهلین" تشکیل شد. و طی آن "جبهه خلق برای آزادی خلیج اشغالی" با "جبهه دمکراتیک برای آزادی عمان" تحت نام "جبهه خلق برای آزادی عمان و خلیج اشغالی" بایکدیگر ادغام شده و وحدت کامل یافتند. و بدین ترتیب قدمی بزرگ در راه وحدت انقلابی نیروهای منطقه برداشته شد. در کنگره، اهلین موضعگیریهای انقلابی کنگره، راخیوت اساساً مورد تأیید قرار گرفتند و بدینسان جنبش خلق عمان بیش از پیش خصلت منطقه ای و سراسری بخود گرفت.

در تصویب نامه نهائی این کنگره صریحاً از توطئه های نوین امپریالیستی در منطقه برده برداشته شد و طرح امپریالیستی تشکیل اتحادیه، امارات و شیخ نشینهای عربی مورد حمله قرار گرفت و اعلام گردید که در منطقه، خلیج یک جای نشینی قدرت در شرف وقوع است. امپریالیسم انگلیس با حفظ منافع اقتصادی خود در منطقه کنترل نظامی این منطقه را به امپریالیسم

جینی های امپریالیستی که عمدتاً از طریق رژیم شاه و همچنین سایر مرتجعین منطقه مانند رژیمهای اردن و عربستان سعودی صورت می‌گیرد، همچنان به پیشرفت خود ادامه می‌دهد.

وضع زندگی در مناطق آزاد شده عمان:

پس از پایگیری جنبش نوین انقلاب مسلحانه در عمان و ایجاد مناطق آزاد شده خلق ۲۵۰۰۰ نفری ظفار که سرزمینشان را از قید ستم امپریالیسم و حکومت سلاطین آزاد ساخته بودند دست‌بایجاد حکومت خلقی زده و تمام مناسبات اجتماعی - اقتصادی قبلی را از بین بردند و روابط مرفقی و تازه‌ای را جانشین آن کردند. در مناطق آزاد شده روابط تولید قنودالی و اعمال نفوذ قدرتمندان محلی برای همیشه از میان برداشته شد. باید خاطر نشان سازیم که در ایالت ظفار روابط تولیدی در ابتدای ترین اشکال خود نیز وجود داشت بدین معنی که حتی برده‌داری در بعضی نقاط بچشم می‌خورد "جبهه" با این موضوع نیز برخورد کرده تمام بردگان را آزاد نمود و سیستم برده‌داری را برای همیشه لغو کرد. در مناطق آزاد شده عمان امروزه مردم در واحدهای کشاورزی دسته جمعی به کشت و زرع پرداخته

قدرتمند آمریکا و انگلستان است و آمریکا نیز با تجهیز رژیم‌های مرتجع و وابسته منطقه بویژه رژیم شاه ایران می‌کوشد کنترل کامل منطقه را بدست گیرد و ضمناً تا قبل از تجهیز کامل و آمادگی رژیم‌های وابسته به خود، ناوگان دریایی خود را بمنظور تهدید نیروهای انقلابی منطقه در آبهای خلیج و اقیانوس هند بحرکت در آورده است. بر همین اساس "جبهه" خلق برای آزاد عمان و خلیج اشغالی "ضرورت اتحاد همه" نیروهای ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی منطقه را یاد آور شد و اعلام داشت "هائنها از طریق مبارزات واقعی است که می‌توانیم تمامی نیروهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی را وحدت بخشیم و باید بدانیم که چنین وحدت رزمنده‌ای از طریق اقدامات سیاسی تشریفاتی و بدون پشتوانه عملی امکان ندارد".

عمدین در کنگره، اهلیش وظایف مکرراتیک ملی جبهه دقیقاً مشخص گردید و یک برنامه صد درصد مرفقی و انقلابی - رزمینه سائل داخلی، منطقه‌ای - جهانی در دستور کار جبهه قرار گرفت و از آن پس جبهه بر اساس خصلت رزمنده و بیستاز خود بیروزی‌های نظامی بسیاری دست آورد و خلق منطقه را هرچه بیشتر بسیج نمود و مناطق آزاد شده را گسترش داد و هم اکنون نیز علیرغم همگونه توطئه

و محصولات کشاورزی و تمام مواهب زندگی را که مشترکا تولید کرده اند بطور یکسان مورد استفاده قرار میدهند .

امروزه بیسوادى در مناطق آزاد شده با سرعت زیادى در حال از بین رفتن است و افراد جبهه با پشتکار بسیار و صمیمیت انقلابی در کلاسهای کسه در مزارع و نواحی روستائی تشکیل میدهند به با سواد کردن خلق پرداخته و شعور سیاسى - نظامی خود را افزایش میدهند . و خلق را برای اداره امور خود و حفظ دست آورد های انقلاب آماده میسازند . در مناطق آزاد شده ظفار زنان به آزادی واقعی دست یافته و دوش بدوش مردان در مبارزه انقلابی شرکت جسته و در ساختمان بنسای جامعه نوین فعالانه شرکت میکنند . زنان در ارتش آزاد بیخشن نیز نقش مهمی ایفا کرده و دوشادوش مردان در عملیات نظامی شرکت میکنند .

امروزه در مناطق آزاد شده عمان تمام کسانیکه قدرت حمل اسلحه دارند بمنظور دفاع از آزادی و حقوقی که بدست آورده اند و به منظور حفظ سرزمین های آزاد شده از تجاوزات ارتش مزدور سلطان قابوس و همجنین رژیم شاه ایران قهرمانان می جنگند . در حال حاضر دختران و پسران چهارده تا ۱۷ ساله عمانی نیز با پای برهنه اسلحه بدست گرفته اند و با آنکه هنوز بسیار

جوآنند در راه حفظ آزادی میهن خود مبارزه میکنند و این نشان میدهد که خلق عمان با چه فداکاریها و جانبازیهای میایست دست آورد های انقلابی خود را از گزند مرتجعینی چون رژیم شاه خائن حفظ نماید . در مناطق آزاد شده عمان کیبود پزشک و خدمات درمانی بشکل محسوسی وجود دارد و خلق قهرمان منطقه آزاد از این لحاظ شدیداً در مضیقه هستند . با اینهمه قهرمانان هرگونه نا ملائمی را تحمل میکنند و علیرغم مخاطره ای که امیرالیاستها و مرتجعین بآنها تحمیل میکنند بجارزات خود ادامه میدهند . تاریخ نشان خواهد داد که چگونه يك خلق فقیر که پس از قرنهای تحمل حقارت و تسلیم بپا خواسته و رستاخیز عظیمی را برپا نموده است پیروز خواهد شد .

باشد که شاهد پیروزی نهائی خلق قهرمان عمان و رهائی منطقه خلیج اشغال شده از سلطه جابرانان امیرالیاستها و سگهای زنجیریشان باشیم .

* * *

توطئه های استعمار نوین و وظیفه های
که استعمار نوین و امیرالیاستم های
امریکا و انگلیس بر عهده شاه

ایران گذاشته اند :

شده و خلقها با اشکال بیشتر می‌توانند مامعیت دخالت نظامی امپریالیستها را تشخیص دهند. بدین ترتیب قضیه بصورت یک مداخله جوئی محلی توجیه میشود که بهر حال همیشه میتوان بهانه، باصطلاح قانع کننده‌ای برای آن یافت.

سوم اینکه بار مخارج جنگ بر سرگرفته مردم کشوری قرار میگیرد که رژیم حاکم و دست نشانده آن بدستور امپریالیستها وارد جنگ شده است.

چهارم اینکه امپریالیستها با راه انداختن این جنگهای ضد انقلابی منافع خود را هر چه بیشتر محفوظ میدارند و خرج کمتری بابت حفظ و نگهداری منافع خود در مناطقی گوناگون متحمل میشوند و در ضمن با فروز سلاحهای گوناگون به کشورهای دست نشانده خود از طریق سوداگری منافع سرشاری را بجیب انحصارات سرمایه‌داری سرازیر می‌سازند.

این است مامعیت آن چیزی که مداخله جوئی استعمار نوین نام داده‌ایم. ولی بران اینکه امپریالیزم بتواند چنین طرحی را اجرا کند احتیاج به یک رژیم کاملاً دست نشانده دارد، رژیمی که از هر لحاظ وابسته به آن بوده و بصورت یک زائده از امپریالیزم

امپریالیستها پس از تحارب در دنیا که دخالت مستقیم در جنگهای منطقه‌ای اینک بشیوه‌های نوینی روی آورده‌اند. امپریالیزم امریکا که در دهه گذشته با دخالت مستقیم نظامی در جنگهای ضد انقلابی آسیای جنوب شرقی با بحرانهای بزرگی در داخل و خارج کشورش روبرو شد با بهره‌وری از تحارب جهانی خویر اینک بفکر افتاده است که در مناطقی که منافع و علائق اقتصادی و سیاسی دارد دست به ایجاد حکومتهای تقویت شده محلی بزند تا این حکومتها بتوانند وظیفه مداخله جوئی نظامی امپریالیستی را بر عهده بگیرند و حافظ منافع سیاسی و اقتصادی امپریالیزم در منطقه خود باشند.

امپریالیستها با اتخاذ شیوه از چند طریق سود برده‌اند و می‌برند.

اول اینکه سربازان خودشان را درگیر نبرد های منطقه‌ای نکرده و بدین ترتیب از بروز بحرانهای سیاسی در داخل کشور امپریالیستی جلوگیری میکنند و از دادن تلفات انسانی که با اغتراض ملتشان مواجه میشود اجتناب مینمایند. دوم اینکه جبهه مداخله جوئی امپریالیزم با اتخاذ این شیوه ماسک دار

جهانی در آمده باشد، تنهها چنین رژیمی میتواند نقش دلالی اقتصادی - سیاسی امپریالیستها را در مناطق گوناگون به بهترین وجهی بر عهده بگیرد.

قضیه بهمین جا خاتمه نمیابد. امپریالیستها علاوه بر غارت منابع و دزدی ششبروت های ما در راه تامین منافع خود در منطقه جوانان میهن ما را نیز بیدریغ به کشتن میدهند. رژیم شاه قریب ۱۱۰۰۰ جوان ایرانی را که بزور بسریازی برده شده ساند برای قربانی شدن در راه منافع امپریالیست ها صدها فرستگ از مملکت خود دور کرده و در مناطقی خارج از خاک میهن بخاک و خون می کشاند.

اینک سربازان ایرانی که خود و خانواده شان از طرف رژیم شاه استثمار می شوند و تحت ستم این رژیم مزدور قرار دارند میبایست با خلق بسرادر ظرفار که آنها نیز قبلا مانند ما تحت ستم امپریالیزم و رژیم مرتجع قرار داشتند و اینک به آزادی دست یافته اند وارد محاصره شوند این محاصرات برای خلق ما با عین دلیلی قابل توجیه نیست. خلق ما با خلق ظفار عیجگونه کینه خصومتی ندارد هدف نهائی خلق هر دو کشور دست یافتن به آزادی عقلی و کوتاه کردن دست امپریالیستهای آمریکا و انگلیس در منطقه است.

سربازان ایرانی و خانواده عایشان شدیداً با این جنک مخالفند. در چند ماه اخیر که تعداد زیادی از سربازان ایرانی در جنگهای عمان بیپرده کشته

در منطقه خاورمیانه و خلیج اشغالی رژیمهای مرتجع کم نیستند ولسی رژیم شاه از لحاظ نوکر صفتی و وابستگی بخارجیها در صف مقدم قرار داشته و از موقعیت ممتازی برخوردار است بهمین لحاظ امپریالیستهای امریکا و انگلیس با مشورت یکدیگر شاه را همچون یک اسب تربیت شده برای یک تازی در منطقه زین کرده و تجهیز نموده اند.

امپریالیسم آمریکا بمنظور حفظ منافع غارتگرانه خود در منطقه خلیج اشغالی در یکساله اخیر بر طبق یک قرار داد فروش اسلحه سه میلیارد دلار اسلحه به رژیم ایران داده است. شاه نیز با تخلیه جاهای نفت و سرازیر کردن منابع طلای سیاه به کشورهای امپریالیستی یول این سلاح ها را پرداخته است. بنابراین امپریالیستها هم سلاحهای انبار شده خود را به شاه فروختند و هم اینکه نفت بیشتری غارت کردند و نیسز یولی را که بابت نفت پرداخته بودند دوباره بکیسه خود برگرداندند. ولسی

خلق ایران میبایست متحداً بر علیه این تجاوز نامعقول به حقوق يك خلق تازه از بند رسته اعتراض نمایند .

سربازان و تمام افرادی که به اجبار به خدمت ارتش درآمده اند میبایست از شرکت در این جنگ برادرکشانند خود داری کنند و توطئه گریهای امپریالیست ها را نقش بر آب سازند .

مبارزان انقلابی ایران موظفند با تمام امکانات خود چه از لحاظ افشاگری سیاسی و چه از لحاظ خدمات خلق محاصره شده مناطق آزاد شده عمان را یاری رسانند بالاخره خلق محاصره شده عمان از لحاظ پزشکی و خدمات درمانی در مضیقه است ما از تمام ایرانیانی که امکان دارند در این جهت خدمتی انجام دهند دعوت می کنیم که این خدمات را در اختیار برادران عمانی ما بگذارند .

باشد که دستهای متحد خلقی تحت سلطه منطقه خلیج اشغالشده رژیم های مرتجع را از آریکه قدرت بزرگ بکنند و به ستم امپریالیستی پس از قرنهای پایان بخشد .

شده اند خانواده هایشان در مقابل مقررستاد ارتش گرد آمده و نسبت به مداخله نظامی ایران در خلیج شدیداً اعتراض کرده و فرزندانشان خود را از رژیم خواستار شدند . هم چنین افراد ارتش ایران قلباً مایل نیستند که در این جنگ که فقط برای حفظ منافع امپریالیسم آمریکا از طریق حفظ سلطنت قابوس خائن صورت میگیرد شرکت کنند و بازها اعتراضات خود را علیه رژیم فساد خفقان باری که رژیم نیکتاتوری نظامی پلیسی شاه ایجاد کرده است اعلام داشته اند .

در این روزها ارتش و سربازان ایرانی که در منطقه عمان درگیرند جنگ نامعقول هستند بطور مداوم از جانب انقلابیون عمان که به بحق از سرزمین آزاد شده شان دفاع میکنند مورد حمله قرار می گیرند و روزی نیست که چند سرباز ایرانی در نقطه ای دور از میهن به خاطر حفظ غارتگری امپریالیست ها ب خاک و خون نغلتند همچنانکه در داخل ایران نیز این فرزندانشان ستمکش خلق ناگامانه رویاروی هم میهنان خویش قرار داده میشوند .

" مرگ بر امپریالیزم آمریکا و انگلیس و تمام مرتجعین منطقه "

" کوتاه باد دست رژیم مداخله حوی شاه از مناطق آزاد شده عمان "

" پیروز باد مبارزات خلق قهرمان عمان "

" برقرار باد اتحاد تمام خلقهای مبارز منطقه "

" با ایمان به پیروزی خلقها "

" جریکهای فدائی خلق "





" هر کس که بتواند اسلحه بدست بگیرد در جنگ آزاد بیخشن شرکت می جوید "



" جنگجویان جبهه در حال دفاع از سرزمینهای آزاد شده "



" جریکهای جبهه آزاد بیخشن عمان و خلیج اصفالی در حال حرکت برای یک تعرض جدید به مواضع امپریالیستی در منطقه "



" زنان و مردان دلفار دوری دونن هم برای آزادی پیکار می کنند "



" آموزنده سیاسی در مدارس انقلاب "

اندیشه، مائوتسه دون و انقلاب ما

رفیق مائوتسه دون مارکسیست —
 — لنینیت کیبری است . او به سبب
 داشتن صداقت ، ایمان ، پشتک —
 استعداد فوق العاده اش توانسته است
 بهترین سخنگوی تجربه، انقلاب چین
 باشد . مائو مارکسیزم — لنینیزم را به
 نحو خلاقیت آموخته است و این بدان
 دلیل است که او همیشه در تجربیات
 انقلابی خلق چین شرکت داشته ، با
 زندگی و عمل انقلابی بوده ها در آموخته
 و همراه با آن ، بر اساس ضرورت زندگی
 و عمل انقلابی خود به آموزش مارکسیزم
 — لنینیزم پرداخته . تئوری وقتی که نه
 بر اساس ضرورت عمل بلکه به عنوان
 نوعی تفنن روشنفکرانه آموخته می شود ، گذشته
 از اینکه نمی تواند خلاق باشد ،
 سبب انحرافهای گوناگون سوسیالیستی
 هم میگردد ، ولی وقتی که همراه با
 عمل و بر اساس ضرورت زندگی عملی
 آموخته می شود ، از انحرافات امپریستی
 جلوگیری می کند ، سطح عمل را ارتقا
 می دهد و سبب خلاقیت و نوآوری در تئوری
 نیز میگردد . آثار پر ارزش رفیق
 مائوتسه دون به ما نشان می دهد که

او تئوری های مارکسیزم — لنینیزم
 را بدین صورت آموخته است . آثار
 او تاریخ تحلیلی انقلاب چین است
 و زندگیش آینه ای از زندگی انقلابی
 خلق چین . آثار رفیق مائوتسه دون یک
 دوره غنی تعلیمات مارکسیزم — لنینیزم
 است که بر اساس تجربه، انقلاب چین
 تدوین شده است . زندگی و تفکر
 انقلابی مائو و در آمیختن او با توده
 ها سبب شده است که بتواند مارکسیزم
 — لنینیزم را بصورتی ساده و عامه فهم
 و در عین حال دقیق موشکافانه و خلاق
 عرضه کند . نوآوری اندیشه مائوتسه —
 دون اصولا در استراتژی جنگ انقلابی
 در کشورهای نیمه مستعمره — نیمه فئودال و
 نیز در بسطیاری — استراتژیکی
 استراتژیکی و تاکتیکی انقلاب چین
 است . بدین جهت خواندن آثار مائو
 و آموختن نوآوری های او و بویژه برای
 انقلابیون کشورهای مستعمره و نیمه
 ضروری است . اما در میان
 مارکسیست — لنینیست های خارج از
 چین دو نوع برخورد نادرست با
 اندیشه های رفیق مائوتسه دون وجود

دارد. رویزیونیست‌ها که فقط ادعای مارکسیست-لنینیست بودن را دارند، اندیشه‌های رفیق مائوتسه دون را انحراف از مارکسیسم-لنینیسم می‌دانند و هزاران تهمت رنگارنگ به آن می‌زنند، اینان به میل خود اصطلاح "مائوئیسم" را ساخته‌اند و آن را در برابر مارکسیسم-لنینیسم قرار داده‌اند، در حالی که اندیشه مائو-جی-زی بجز مارکسیسم-لنینیسم خلاق در معارضه با رویزیونیسم جدید نیست. گروه دیگری از مارکسیست-لنینیست‌ها وجود دارند که خود را پیرو اندیشه مائوتسه دون میدانند و در گفته‌ها و نوشته‌های خود عموماً با تجلیل فراوان از او یاد می‌کنند ولی در واقع روح خلاق اندیشه او را درنگ نکرده‌اند و فقط گفته‌های او را پیایسی بازگو می‌کنند و در واقع با چشم‌ان بسته در برابر نسوری خیره‌کننده نماز می‌گزارند. اینان برنامه عمل خودشان را از روی گفتارهای تبلیغاتی رادیو یکن تنظیم می‌کنند و در نتیجه کار و زندگی خود را رها کرده‌اند و از صبح تا غروب به رویزیونیسم خروشنجفی فحش می‌دهند. شوروی را با آمریکا کاملاً یکسان میدانند و گاهی هم درباره برنامه انقلاب در یک کشور نیمه مستعمره

نیمه فئودال خیالی که با جین قبل از انقلاب مومیزند، حرفی می‌کنند. البته مبارزه با رویزیونیسم جدید تنها راه ایجاد وحدت در نهضت کونیستی جهان است و کونیست‌های کشورهای مستعمره و وابسته نیز بیشترین درس را می‌توانند از انقلاب جین بگیرند ولی حرف اینجاست که این پیروان ظاهری اندیشه مائوتسه دون خود در خارج از نهضت کونیستی جای دارند. اینان در عمل انقلابی خود برای تغییر دادن جامعه از اندیشه مائوتسه دون بعنوان تئوری راهنمای عمل کمک نمی‌گیرند، بلکه با اندیشه مائوتسه دون خود را سرگرم می‌کنند. عمل گویا انقلابی آنان را ضرورت عینی جامعه‌ای که می‌خواهند تغییر دهند تعیین نمی‌کند، بلکه آنان گوششان برادیو یکن و چشمشان بسته روزنامه‌های جین است، هر چه آنها گفتند اینها بیزان مادری خود ترجمه‌اش می‌کنند و درباره آن جار و جنجال بسته راه می‌اندازد. عمل انقلابیشان بهمین محدود میشود. نوع وطنی این پیروان اندیشه مائوتسه دون، هنوز خیال می‌کنند که ایران کشوری نیمه مستعمره-نیمه فئودال است زیرا جین در زمان انقلاب نیمه مستعمره-نیمه فئودال بوده است. اگر در کار اینان ساعت‌ها بنشینیم و فقط گوش بدهیم، همه‌اش

به شوروی و خروشچف فحش می دهند و می گویند که شوروی از آمریکا بدتر شده و غیره، گویا که به جز این حرفها هیچ کار دیگری ندارند. اما اگر از آنها بررسی بالاخره خود چکارهای و می خواهی چکارگی؟ می گویند که "می خواهیم حزب درست کنیم، وظیفه عاجل ما مارکسیست - لنینیست ها و پیروان اندیشه مائوتسه دون ایچ ————— حزب طراز نوین طبقه کارگر است و" یا شعارهای مشابه دیگری می دهند. اینان بدو دسته تقسیم میشوند، یا کسانی هستند که واقعا به حرف خودشان اعتقاد دارند و آدمهای با صداقتی هستند که در این صورت شروع به کار میکنند: نخست می آیند و یک گروه کوچک برای کتابخواندن یا تکثیر جزوه و یا حد اکثر برای تحقیق عینی تشکیل می دهند. ولی اگر نخواهند یا نتوانند از سرنوشت گروهها و سازمانهای که در بیست ساله اخیر در ایران تشکیل شده است درس بگیرند و تجارب آنها را بدرستی جمع بندی کنند، بالاخره در مرحله ای از رشد سازمانی خود به جنگ پلیس می افتند و بقیه عمر را باید معصومانه در گوشه زندان سر کنند. اغلب اینها تعداد افراد گروه خود را از ده یا بیست نفر نمیتوانند زیادتر کنند، و قبل از آن لسو میروند، و با این حال

آرزوی تشکیل حزب را به همان صورتی که در چین تشکیل شده، همچنان در دل نگه می دارند. اینان فقط گناهشان این است که روح اندیشه مائوتسه دون را درک نکرده اند. اینان قابل معالجه هستند: نخست باید وادارشان کرد که بروند و یک بار جزوه کوچک ولی اثر کبیر فلسفی مائوتسه دون "درباره عمل" را بخوانند آنگاه باید درباره شکل گروه و سازمان انقلابی و تبعیت آن از شرایط اجتماع سیاسی جامعه با آنان سخن گفت، تا راه درست تشکیل حزب در جامعه ما را دریابند. اما دسته دیگری از این پیروان اندیشه مائوتسه دون نیز هستند که خود دقیقاً می دانند که چه میکنند: آنها میروند در سوئیس و یا سوئد و یا در جای دیگری در زیر سایه دموکراسی بورژوازی می نشینند و راجع به انقلاب ایران مقاله مینویسند کسی هم با کار آنها کاری ندارد. اگر هم در ایران بودند، راجع به انقلاب سوئیس و سوئد می نوشتند و باز کسی با آنها کاری نداشت. البته در اینجا لازم است این نکته را تذکر بدیم که تمام انقلابیون ایران در خارج از کشور چنین نیستند. برخلافی از آنان الزاماً در خارج هستند و یا

است .

گروه اول معمولاً بیک قبول ظاهره به یک اعلام تشریفاتی مارکسیزم، تماعت میکنند . چون نمیتوانند یا نمیخواهند عصاره مارکسیزم را بدست آورند . چون نمیتوانند یا نمیخواهند آنرا بر حقیقت تطبیق دهند ، اصول زنده و انقلابی مارکسیزم را بفرمول های بیجان و بی معنی تبدیل میکنند فعالیت های خود را بر تجربه و بر آنچه کاریراتیک می آموزد مبتنی نمیکنند بلکه بر منقولات از مارکس مبتنی میسازند . تعالیسم و دستورات خود را از تحلیل واقعیات موجود نمیگیرند ، بلکه از مقایسات و مشابهات تاریخی میگیرند . مفایرت میان قول و فعل بیماری عمده این گروه است .

یاس و عدم رضایت دائمی از سرنوشت ، سرنوشتی که غالباً برای این گروه کارشکنی میکند و آنها را بسور میکند ، از اینجا سرچشمه میگیرد . این گروه را در روسیه منشیوک و در اروپا ایورتونیست میگویند . رفیق " یوگنی شچرزیک در کنگره " لندن خیلی خوب گفت که آنها بر روی نظریه مارکسیستی نمیایستند ، بلکه بر روی آن می خوابند ، لم میدهند .

نمیخواهند در خارج بمانند و هر وقت که امکان بیابند به ایران می آیند . به هر حال مبارزه در خارج از کشور تا زمانی که نقش کمکی را نسبت به مبارزات داخلی اجرا کند و یا به عنوان تدارکی برای آمدن به ایران باشد مثبت و مفید است . اما بسیاری از این به اصطلاح پیروان اندیشه مائوتسه دون چنین نیستند . آنها فقط با اندیشه مائوتسه دون بازی می کنند .

کوتاه سخن اینکه ما مائوتسه دون را همچون یک مارکسیست - لنینیست کبیر میشناسیم که صداقت آمیخته به نبیض او را به سخنگوی واقعی انقلاب چین تبدیل کرده است . اندیشه او بیان خلاق مارکسیزم - لنینیزم عصر ما است . اما ما برخلاف مدعیان یاد شده ، عصاره اندیشه مائوتسه دون را درک کردیم . استالین رهبر کبیر پرولتاریا می گوید :

" دو گروه مارکسیست وجود دارند ،

هر دو در زیر درفش مارکسیزم کار میکنند و خود را مارکسیست های " تمام عیار " میدانند . یا وجود این بهیج وجه شبیه هم نیستند . بالاتر آنکه یک دره حقیقی آنها را از هم جدا می کند . زیرا شیوه های کار آنها کاملاً مخالف یکدیگر

که استالین می‌گوید . ما آثار مائوتسه دون را میخوانیم و بیشترین تعلیم را از آن میگیریم ولی ندیده نمی‌گوئیم که کشور ما هم نیمه مستعمره - نیمه فئودال است، زیرا که حُرهای مائوتسه دون را درباره کشور نیمه مستعمره - نیمه فئودال چین حفظ نکرده ایم، بلکه شیوه تحلیل او را از طبقات آنروز چین آموخته‌ایم و میتوانیم بر مبنای آن جامعه خودمان را بعنوان يك واقعت عینی تحلیل کنیم . ما تجربیات حزب کمونیست چین را آموخته‌ایم و باز هم می‌آموزیم ، ولی هرگز نمی‌گوئیم که حزب کمونیست ایران نیز دقیقاً به همان صورتی که در چین تاسیس شده است، تاسیس خواهد شد . ما بر مبنای تجربیات خلیفهای پیشرو و از جمله چین، واقعیات مبارزات سیاسی ایران را در سالهای اخیر مطالعه و جمع‌بندی می‌کنیم . البته بسیاری از مشخصات انقلاب ما با انقلاب چین شبیه است . همچنین بسیاری از مشخصات انقلاب ما و بسیاری از مشخصات انقلاب چین به انقلاب اکبر شباهت دارد . اما در عین حال هم انقلاب ما و هم انقلاب چین دارای ویژگیهای خاص خود نیز هستند که باید در عمل و با مطالعه واقعت

گروه دوم از دیگر سو اهمیت اساسی برای قیوم ظاهر می‌مارکسیزم قائل نیستند، بلکه برای تحقیق آن و تطبیق آن بر طبیعت اهمیت اساسی قائلند . آنچه این گروه توجه خود را بطور عمده بسوی آن معطوف میکند تبیین طرق و وسائل تحقق مارکسیزم است، به نحوی که بهترین وجه پاسخگوی اوضاع باشد و همانطور که اوضاع تغییر میکند، این طرق و وسائل هم تغییر میکند . دستورات و تعالیم خود را از مقایسات و مشابهات تاریخی اخذ نمی‌کنند، بلکه از شرایط دور و بر اخذ میکنند . فعالیت‌های خود را بر منقولات و کلمات قصار استوار نمی‌کنند، بلکه بر تجربه و پراتیک استوار میکنند . هر قدم را با تجربه آزمون میکنند . از خطاها درس می‌گیرند و بدیگران می‌آموزند که چگونه زندگی نورابنا کنند . و همین امر واضح می‌کند که چرا در فعالیت‌های این گروه میان قول و فعل اختلافی نیست و چرا تعلیمات مارکس کاملاً حافظ نیروی جاندار انقلابی آنها است . برخورد ما نیز با اندیشه رفیقی مائوتسه دون مانند آن گروه دومی است

عینی خود جامعه کشف کردند. این یکی از قوانین اساسی دیالکتیک است که بین پدیده های گوناگون هم شباهت و هم ویژگی وجود دارد. همانندی و تفاوت در حقیقت نسبی هستند. هر کس این را درک نکند قادر به فهم پیرویه تکاملی پدیده ها نیست. در انقلاب ما جنگ توده های طولانی وجود خواهد داشت. در چین نیز چنین بوده است. انقلاب ما با رهبری حزب کمونیست به ثمر خواهد رسید، در چین نیز چنین بوده است. پایگاه نظامی ارتش توده های ما در مناطق روستایی خواهد بود، در چین نیز چنین بوده است. انقلاب ما فقط با اتحاد کارگران و دهقانان و خرده بورژوازی شهر و با رهبری طبقه کارگر عملی است، در چین نیز چنین بوده است. اما انقلاب ما ویژگیهای خاص خود را نیز داراست، مثلا کمونیست های چین در روستا با فتود اله اطرف بودند، در حالی که ما در روستا دیگر با فتود اله طرف نیستیم، ما در روستا با بورژوازی کمپرادور، با بورژوازی بوروکراتیک مالی، با کولاکها و با مالکان بورژوا شده طرف هستیم. (برای اطلاع بیشتر در این مورد به

سری تحقیقات روستایی سازمان چریکهای فدائی خلق مراجعه شود.) در روستاهای چین بیشتر دهقانان رعیت بودند، اما در روستاهای ما بیشتر دهقانان، نیمه پرولتر و خرده بورژواهای در حال پرولتریزه شده هستند (همان) گذشته از این، در روستاهای ما برخلاف روستاهای چین، بوروکراسی دولتی نفوذ کرده است. (همان) انقلاب ما تفاوت های بسیار دیگری نیز با انقلاب چین دارد که این تفاوت ها در عمل کشف خواهد شد. فقط آنسان که در عمل شرکت نمی کنند میتوانند به تطبیق مطلق بیاندیشند، دگماتیسم مرض مخصوص بی عمل ها است هرگز و پدیده مطلقا با هم معادل نیستند، این قانون دیالکتیک است. انقلاب ما نمیتواند با انقلاب چین مطلقا همانند و بی تفاوت باشد.

آغاز پیرویه تشکیل حزب در جامعه، ما نیز با آغاز پیرویه تشکیل حزب در چین دارای تفاوتی است. البته طبق قانون دیالکتیک این تفاوتها هم مطلق نیست. قانون عام تاریخ چنین است که حزب کمونیست از رشد و اتحاد گروهها و سازمانهای مارکسیست - لنینیست بوجود میاید: ممکن است یکی از این سازمانها رشد کند و بقیه

قانون ویژه جامعه، ما و بسیاری جوامع مشابه آن است. این حرف نه تنها هیچ منافاتی با مارکسیزم - لنینیسم و اندیشه رفیق مائوتسه دون ندارد بلکه روح زنده و خلاقی آن است.

اما پیروان رسمی اندیشه مائوتسه دون. اینان چنانکه گفتیم دودسته‌اند. دسته نخست را که صداقت دارند ولی اشتباه می‌کنند، باید همدارشان دهیم که به واقعیت‌عینی جامعه بیندیشند، تجربیات گروه‌ها و سازمانهای سیاسی بیست ساله، اخیر را مورد مطالعه قرار دهند و بگویند براساس سفارش لنین و تاکید مائوتسه دون، شعوری را به عنوان راهنمای عمل به کار برند نه به عنوان دکم به خاطر بپارند. در مورد دسته نیز باید بگوئیم: اینها همان اپورتونیست‌های بین‌الملل دوم، همان منشویک‌های روسیه، همان پیروان چن دوسیو در چین، همان رفورمیست‌های غربی و عمان توده‌ایهای سابق خودمان هستند که این بار پیراهن عاریتی اندیشه مائوتسه دون را بسته تن کرده‌اند. بگوئیم این پیراهن عاریتی را از نشان بیرون آوریم.

را به خود جذب نماید و یا اینکه چند گروه و سازمان با هم متحد شوند. در جامعه ما هم چنین خواهد بود و این قانون عام در اینجا هم نافذ است. اما در اینجا یک ویژگی هم وجود دارد و آن اینکه، این سازمان‌ها و گروه‌های مارکسیست - لنینیست به علت شرایط خاص سیاسی جامعه باید بگویند که هر چه زودتر نظامی شوند و گرنه بالاخره در مرحله‌ای از رشد خود به وسیله پلیس نابود خواهند شد. این ویژگی شرایط امروز جامعه، ما و بسیاری از جوامع دیگر است که در پناه صرف اصول پنهانکاری نمی‌توان سازمان و گروه را حفظ کرد و رشد داد. این درس است که ما از تاریخ مبارزات اخیر کشور خود و واقعیت موجود آن آموخته‌ایم. البته این قانون فقط مخصوص سازمان‌ها و گروه‌های مارکسیست - لنینیست نیست، سایر گروه‌ها و سازمانهای وابسته به طبقات انقلابی دیگر نیز باید به همین صورت به حزب طبقه خود تبدیل شوند. شکی نیست که گروه و سازمان سیاسی نطفه حزب است. این قانون عام و مطلق تاریخ است. اما در شرایط خاص جامعه، ما باید این گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی، نظامی هم باشند. این

نوشته هوشی مین

راهی که مرابه لنینیزم هدایت کرد

حزب سوسیالیست میبایست به بین الملل سوم
لنین بیوندد و در جریان بود . من در این
جلسات که بطور مرتب هفته ای دوسه بار برگزار
میشد شرکت داشتم ، و به بحثها گوش میدادم .
در تقاضا نمیتوانستم همه چیز را کلاما بفهمم .
چرا این بحثها آنقدر بحرارت بود ؟ از طریق
بین الملل دوم و بین الملل دوونیم یا سوم
چه میتوانست صورت گیرد ؟ پس فایده مجادله
چه بود ؟ بین الملل اول به چه سرنوشتی د
چارشد نمود ؟ آنچه بیش از هر چیزی رغب بودم
بدانم (و این درست همان مطلبی بود که در
جلسات مورد بحث شنیده نمیشد) این بود که
کدام بین الملل جانب مردم کشورهای کنسی
راهیگیرد ؟ من این سؤال را که بنظرم از همه
مهمتر میرسید در جلسه طرح کردم . برخی از
رفقا پاسخ دادند که بین الملل سوم (جانب
دار مبارزه خلعهای کشورهای کنسی است)
ونه بین الملل دوم ، یکی از رفقا هم یکی از
کسب لنین — تزمربوط به مسائل ملی واستعمار
— را که از طرف اومانیتیه منتشر شده بود بمن
داد تا بخوانم . در این تز واژه های سیاسی
— ای وجود داشت که بدشواری میتوانست
فهمید . لیکن باخواندن مکرر اندر مکرر آن موفق
بدرک قسمت عمده آن شدم . وجه احساس ،
شوق ، روشن بینی واعتماد بنفسی که این کتاب
در من ایجاد نکرد ؛ از شرف زیاد انک در چشم
هایم حلقه زد . با اینکه در اطاق تنهابودم ،
ولی گوئی چنانکه در مقابل جمعی سخنرانی

پس از جنگ جهانی اول ، من در پاریس
با مرار معاش مشغول بودم ، گاهی بعنوان
رتوش کننده در یک مجازه عکاسی و گاهی
بعنوان نقاش حقیقه جات چینی (که در
فرانسه ساخته میشد) . در این زمان به
پخش اعلامیه هایی که جنایات استعمارگران
فرانسوی را در ویتمام افشا می نمود اشتغال
داشتم . در آن زمان بطور غریزی از انقلاب
اکبر هواداری مینمودم ، وهنوز همه اهمیت
تاریخی آنرا درک نکرده بودم . لنین را دو
ست میداشتم وستایش میکردم — چون او
میهن پرست بزرگی بود که همه هم میهنان
خوش را آزاد ساخته بود ، ولی تا آن زمان
هنوز هیچیک از آثار او را نخوانده بسودم .
دلایل برای پیوستن به حزب سوسیالیست
فرانسه این بود که این " آقایان و خانمهای
محترم " — من رفقای خود را اینگونه صدا
میزدم — نسبت به من ونسبت به خلعهای
ستمدیده همدردی ابراز میداشتند . لیکن
من هنوز نفهمیده بودم که حزب ، اتحادیه
کارگری ، یا سوسیالیسم و کمونیسم چیست .
— آن هنگام بحثهای بحرارتی در ساراه
اینکه آیا حزب سوسیالیست (فرانسه)
میبایست در بین الملل دوم باقی بماند ،
بین الملل دوونیم تاسیس گردد ، یا اینکه

در آغاز، میهن پرستی (پاتریوتیسم) ،
 و نه هنوز کمونیزم ، مراست، اعتماد به لنین
 و بین الملل سوم هدایت نمود . قدم ب قدم ،
 در راه مبارزه ، با مطالعه مارکسیسم — لنینیسم
 ، با شرکت در فعالیت های عملی ، تدریجاً
 به این واقعیت دست یافتم که تنها
 سوسیالیسم و کمونیزم می تواند خلق های در بند
 و زحمتکشان را در سراسر جهان از اسارت
 نجات بخشد .

در کشور ما و کشور چین افسانه ای درباره
 " کتاب فرزندگان " معجزه آسا وجود
 دارد . بهنگام رو در روئی با دشواریها
 باید این کتاب را گوشه و راه نجات را در آن
 یافت . لنینیسم تنها آن معجزه آسا
 " کتاب فرزندگان " ، یعنی قطب نمای انقلابیون
 و خلق ویتنام نیست ، بلکه بمنزله آن خورشید
 روشنی بخشی است که راه ما را بس
 پیروزی ، سوسیالیسم و کمونیسم
 می نمایاند .

مشغول باشم ، قریب میزد " شهدا ، هم
 میهنان ، این همان چیزی است که نیازمند
 آنیم ، این راه رهایی ماست . از این پس
 بود که به لنین و بین الملل سوم اعتماد کامل
 پیدا کردم . پیش از آن من در جلسات
 بحث حزبی تنها شنیدن اکتفا می کردم
 در آن زمان این نظرمهم را داشتم که
 همه منطقی سخن میگویند و قادر نبودم بیسن
 حق و ناحق تمیز قائل شوم . اما از آن پس
 وارد مجادلات شدم و در بحثها با حرارت
 شرکت می جستم . اگرچه هنوز لغات فرانسوی
 را که برای بیان نظراتم لازم بود نمیدانستم،
 عموماً به اتهامات وارد به لنین و بین الملل
 سوم ربا قوت قلب می گویدم . تنها
 استدلال من این بود : اگر شما استعمار
 را محکوم نمیکنید ، اگر شجاعان خلق های
 استعمار زده را نمی گیرید ، پس به چه نوع
 انقلاب دست زده اید ؟

من نه تنها در جلسات حوزه حزبی خود
 شرکت می جستم ، بلکه به حوزه های دیگر
 حزبی نیز سر میزدم تا " مواضع خود " را بیان
 کنم . اکنون باید برای بار دیگر بگویم
 رفقا مارسل کاشین و وایلان کتوریو
 و مین موسی و بسیاری دیگر رفقا به
 بسط دانش من کمک کردند . و بالاخره
 در کنفره " شور " همراه این رفقا به نفع
 پیوستن حزب (سوسیالیست فرانسه) به
 بین الملل سوم رای دادم .

* فرزندان راستین خلیق ** نگاهی کوتاه بزندگی رفیق کارگر جلیل انفرادی *

رفیق جلیل انفرادی در یک خانواده بسیار فقیر در سال ۱۳۴۲ یا بعرضه و مجرد گذشت. دوران کودکی بارنج و محنت بسیار همراه بود. مادرش بنتنهای میبایست با عرضه نیروی کار خویش در منازل و کارگاهها پولی برای ادامه زندگی فراهم آورد ولی کار همیشه وجود نداشت و کوششهای مادر نیز برای یافتن یک حرفه دائمی موفقیت آمیز نبود و همین امر بالاخره وضع خانواده کوچکشان را دچار بحران ساخت و بناچار خانواده شان از هم یاشید و مادر علیرغم تعالیات قلبیتر جلیل را برورشگاه سپرد. جلیل چند سال از دوران کودکی را در برورشگاه سپری کرد. چند سال بعد در سنین نوجوانی طبق قوانین پرور - نگاه از آنجا بیرون آمد. در این دوران جلیل که در برورشگاه کمی کار فنی آموخته بود در کارگاههای کوچک شهری به یادوشی و شاگردی مشغول شد. کار او هرگز دائمی نبود و هر چند گاه در یک کارگاه بکار میبرد اخت و پس از مدتی برای آنکه مشمول قانون کار و بیمه نشود از کارگاه اخراج میشد این سرنوشت بسیاری از کارگرانیست که بکارگر ۸ روزه معروفند. کارگرانی که پس از ۸ روز کار اخراج میشوند زیرا اگر تعداد روزهای کارشان به ۹۰ روز برسد مشمول حقوق نیمه بند بیمه خواهند شد!

خلیل در دوره های تناوب بیکاری به دست فروشی و کارهای دیگر میبرد اخت تا نان روزانه اش را در آورد ااحتی مدتی در یک دسته موزیک دوره گرد کار میکرد و برای نوازندگان کوربول جمع میکرد.

زندگی دشوار و پر از محنت دوران کودکی در برورشگاه و ادامه دشوارتر آن در کارگاهها و گوشه خیابانها و اقامت طولانی در یک اطاق کم نمدار در گوشه های دروازه غار باعث شد بود که او در رنج خلق ریا تمام وجودش لمس کند. او از میان خلق برخاسته بود و صمیمتاً بخلق عشق میورزید. میبایست برخورد او را با خلق میدیدی تا بعفق احساسات پاکش پس ببری. نگاههای مشتاق او بکودکان پابرهنسه ای که در خاکهای پیاده رو بازی میکردند آدمی را بوجد میآورد. جلیل جوانی بسیار مهربان، خوشرو و ساده دل بود ااحتی با کسانی که نمی شناختشان در اولین برخورد با آنچنان صمیمیت خالصانه ای مواجه میشد که همه را مجذوب خود میکرد.

رفیق جلیل سالها پیش از آنکه بحرف انقلاب - بیون مسلح بپیوندد، فعالیت کارگری خود را در کنار رفیق اسکندر صادقی نژاد در سندیک کارگران فلز کارمکانیک آغاز نمود. او مدتها دبیر سندیکای فلز کار و مکانیک بود. کارگران

جلیل در سال ۴۸ در جرگه مبارزینی وارد شد که خود را برای اقدام مسلحانه بر علیه رژیم آماده میساختند. او با خطر رهایی خلقی که آنهمه دوستان میدانستند و با خطر رهایی طبقه پرافتخارن سلاح بدست گرفت و آماده نبردی تاریخی شد که واقعیت ستم طبقاتی آنرا الزامی میساخت.

او با خطر آمادگی انقلابی و نیز بدلیل قابلیتها و تجربیاتش در امر کوهنوردی و جنگل پیمائی در دسته جنگل سازمان چریکهای فدائی خلق مشغول فعالیت شد و با شور و علاقه خاصی بتدارک برنامه شناسائی مناطق شمال کشور پرداخت. در تابستان ۹۴ تدارکات اولیه بحدی رسید که بدسته جنگل اجازه اجرای حرکت را میداد.

در اواسط شهریور ۹۴ رفیق جلیل عضو دسته ۶ نفری شناسائی گردید و برهبری رفیق علی اکبر صفائی برنامه بیسابقه ۵ ماهه شناسائی درکوه و جنگل را آغاز کرد.

مقاومت و فدائیکاری او در برابر نامالیقات زندگی طولانی درکوه و جنگل مایه اعجاب رفقا گردیده بود. رفیق جلیل با ۴۰ کیلو بار ساعتها در نواحی پرفراز و نشیب جنگلهای شمالی راه پیمائی میکرد و خم بایرو نمیآورد. بالاخره دسته جنگل پس از پیوستن چند رفیق دیگر در ۱۹ بهمن ۹۴ عملیات تعرضی خود را آغاز کرد و رفیق جلیل در این عملیات مسئولیت چریکی خود را به بهترین

عضو سندیکا هرگز خاطره کوششهای پیگیر او را در جهت احقاق حقوق ابتدائی خود فراموش نمیکند. جلیل در این دوره با پیگیری خاص و علاقه بسیار شکایتهای کارگران را تحقیق میکرد تا شاید بتواند قسمتی از حقوقی را که بطور مدوم ضایع میشود باز پس گیرد.

جلیل در دوران فعالیت سندیکائی همراهِ با سایر رفقای کارگرنیک سازمان کوهنوردی بنام سازمان کوهنوردان فلز کارمکانیک بوجود آورد. فعالیت صمیمانه و برنامه های کوهنوردی منظم ایشان که با وسایل محدود انجام میشد الهام بخش کسانی بود که باین ورزش روی میآوردند. آنها در سال ۱۳۴۳ پناهگاهی بر فراز قله توجال ساختند و این یادبود کار دسته جمعی راپناهگاه کارگرنام نهادند که هم اکنون نیز پایرجاست.

فعالیتهای صنفی و کارگری جلیل همواره با مخالفتهای رژیم مواجه میشد بطوریکه ماموران رژیم فاشیستی شاه او را احضار کرده و قیحه از او میخواستند که بهمکاری با آنان تن در دهد و کارگران آگاه رابایشان معرفی نماید و برای رسیدن بمقصود او را بزند و شکجه و مرگ تهدید می نمودند. ادامه این وضع در رابطه با اعمال نفوذ آنکار پلیس سیاسی در امور داخلی سندیکا جلیل را وارد بسه کتاره گیری از فعالیتهای سندیکائی کرد و او را مصمم ساخت که مبارزاتش را در اشکال مومتری بر علیه رژیم فاشیستو، شاه ادامه دهد.

بدست رژیم مزدور اعدام گردید و تا ابد
خود را در سینه خلق جاودانه ساخت .
"خاطره اش را گرامی داریم و شعله پر
فروغ مبارزه ای که آغاز نمود فروزاتر سازیم"

نحو انجام داد . در جریان نبرد ها رفیق
جلیل که به همراه يك رفیق مجروح بيکی از دوستا
هامراجعه نموده بود طی يك درگیری غافلگیر-
انه دستگیر شد و با سارت دشمن در آمد و در
تاریخ ۲۷ اسفند ۴۹ پس از شکنجه های فراوان

* در شماره آینده " نبرد خلق " درباره زندگی انقلابی رفیق " یوسف زرکار " و درگیری او شرح
بیشتری خواهیم داد .

" يك خیرمهم ! درگیری در مشهد "

مادر قهرمان رفیق شهید نادرشایگان هنگام مراجعه بيك خانه محاصره
شده " چریکهای فدائی خلق " بدست مزدوران دشمن اسیر گردید و اکنون
تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دارد . رفیق مادر (نامی که چریکها بروی
نهاده اند) ۴۵ سال دارد . او قهرمانانه با تمام امکاناتش در مبارزه شرکت
کرده است فرزندان دیگر این مادر قهرمان که همگی خردسال هستند در کنار
سایر رفقای سازمان بمبارزه ادامه میدهند .

" نه تنها نادر بلکه خودم و تمام فرزندان دیگرم باید در جنبش رهائی
بخشی که آغاز شده شرکت کرده و بر علیه دشمن بجنگیم و اگر مرگ پیش آید
با استقبالش برویم " . این گفته رفیق مادر در هنگامیست که فرزند ارشدش نادر
بشهادت انقلابی رسید . شور انقلابی رفیق مادر همواره الهام بخش کسایر
های سازمان مایوده است و درس بزرگی بهمه کسانی است که با وجود آگاهی
بستم امپریالیستی بخاطر حفظ منافع حقیر خود در کج خانه هایشان نشسته اند
و سیر حوادث را فرصت طلبانه نظاره میکنند .

" کار های بزرگ آغاز های کوچک دارد "

هموطنان مبارز!

برای حمایت مادی و معنوی خود با درس زیر با سازمان ماتماس بگیرید:

آدرس پستی

P. O. Box 5101 - Moalla, Aden
Peoples Democratic Republic of Yemen

آدرس بانکی

National Bank of Yemen
P. D. R. Y. , Aden, Steamer point
Account No. 58305

بہا ۱۲۰ ریال



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چاپ دوم

آبان ماه ۱۳۵۶ خورشیدی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	۱ . سرمقاله
۳	۲ . اخبار داخلی
۷	۳ . اخبار خارجی
۱۳	۴ . درباره رفیق وزمنده شیرین معاضد
۱۴	۵ . مختصری از زندگی انقلابی فدائی شهید، رفیق مرضیه احمدی اسکوتی
۱۸	۶ . مختصری از وضع زندانهای سیاسی رژیم شاه
۲۲	۷ . به پنج شهید آرمان خلق
۲۳	۸ . تحلیلی از اعتصابات کارگران کارخانجات کفش ملی
۴۲	۹ . چرا فلسطینیها طرح دولت فلسطین در ساحل غربی و بخش غزه را رد می کنند؟
۴۷	۱۰ . یکسال پیشرفت جشعکیر
۵۱	۱۱ . نبرد یک چریک فدائی خلق در فلسطین
۶۱	۱۲ . فرزندان راستین خلق

سر مقاله

مشابهت عایی با انقلابات دموکراتیک نین در کشورهای نیمه مستعمره — نیمه فئودال خواهد داشت دارای ویژگیهای نیز خواهد بود . این ویژگیها هم در پروسه رشد نیروهای انقلابی و هم در نتایج و دست آورد های آن منعکس خواهد شد .

امری که فعلا بطور مشخص مطرح است نقش افزونتر عناصر پرولتری در پروسه رشد انقلاب ایران بوده و هم چنین خواسته همان مترقی تری است که انقلاب دموکراتیک نوین ما مطرح میسازد و هرچه بیشتر به انقلاب دموکراتیک میهن ما خصلت سوسیالیستی می بخشد .

نقز دهقانان و کارگران کشاورزی در انقلاب ایران دقیقاً در رابطه است با شکل بندی جدید نیروهای طبقاتی در ایران که می بایست بطور عینی و مشخص تحلیل شود و مورد بررسی مارکسیستی قرار بگیرد . هدف ما از طرح این مساله آنست که توجه نیروهای پیشتاز پرولتری را بوظایفی که در زمینه بررسی تئوری انقلاب در کشورهای مستعمره دارند جانب نغائیم . بررسی تئوریک این مسئله که قطعاً میبایست بصورت یک فعالیت جاری و سیال و در رابطه با عمل و تحارب انقلابی کشورهای تحت سلطه استعمار بصورت گیرد بجا امکان خواهد داد

در چند ساله اخیر بهمراه رشد سریع سرمایه کذاریهای امپریالیستی ، ما شاهد رشد کمی بیسابقه طبقه کارگر در ایران بوده ایم . این امر همانطور که در کتاب مبارزه مسلحانه عم استراتژی هم تاکتیک تصریح شده است نتیجه جبری برقراری سیستم بورژوازی کمپادور در ایرانست و سبب خواهد شد که عناصر سوسیالیستی انقلاب نقش مهمتری نسبت بگذشته برعهده بگیرند . بورژوازی وابسته بهمراه خود نوعی صنعت و نوعی مناسبات سرمایه داری نوستعمراتی را در ایران برقرار کرده است و در حال گسترش و تحکیم مواضع خویشش می باشد . نتایج سیاسی و اجتماعی برقراری سیستم سرمایه داری نوستعمراتی در ایران از لحاظ شکل بندی طبقاتی نوینی که بهمراه دارد برای ما حائز کمال اهمیت است . همین شکل بندی طبقاتی نوین ، عاملیست که ویژگیهای انقلاب دموکراتیک ملی و ضد امپریالیستی طراز نوین خلق ما را مشخص می سازد . انقلاب کشور ما نیز انقلاب دموکراتیک طراز نوین کشور نوستعمره است . این نوع انقلاب که مشخص کننده مرحله نوینی در تاریخ انقلابات دموکراتیک ملیست ، نهن آنکه

که با دورنگری لازم خط مشی علوی خود را در چهارجوب مبارزه مسلحانه تنظیم نمائیم و بیشترین بازده را در زمینه بمیدان کشیدن هر چه بیشتر توده ها بدست آوریم. امروزه ما شاهد شکل گیری وسیع یک پرولتاریای نوخاسته در ایران هستیم، پرولتاریائی که تبار از دهقانان تهیدست آواره میرد. پرولتاریائی که اولین گامها را از لحاظ زندگی مادی و تولیدی در جهت کسب آگاهیهای طبقاتیش برمیدارد.

البته اینکه این طبقه چه موقع به خود آگاهی طبقاتی دست خواهد یافت مربوطست به تاثیراتی که مبارزات سیاسی - نظامی نیروهای پرولتاری انقلاب ایران ایجاد خواهد کرد. در این مورد یک برنامه همگون سیاسی نظامی که با تحلیل مشخص از مسائل کارگری طرحریزی شود آگاهی طبقه کارگر ایران را شکل داده و رشد آنرا تسریع خواهد کرد.

این امریست که میبایست آن توجه شود و این وظیفه نیروهای آگاه پرولتاری است که به تلو مد اوم و فعال در زمینه های نوین انقلابی به بررسی و تحقیق بپردازند و به مسائل طرح شده در این زمینه بخصوص به

اگر چه درخواست هایی که در این اعتصابات مطرح میشود همسوز جزو عقب ماندن ترین و ابتدائی ترین درخواستهای کارگری است ولی میتوان امید داشت که در رابطه با تاثیرات مبارزات با برنامه نیروهای پیشتاز که در حول محور عمل مسلحانه صورت میگیرد اشکال متکامل تری بخود بگیرد. این امریست که یکی از مهمترین زمینه های مبارزاتی ما را مشخص میسازد.

" با ایمان به پیروزی راعمان "

" جریکهای فدائی خلق "

اخبار داخلی

تعقیب آنها می برد از ند ولی رفتار علیرغم دقت ویژه نیروهای مخصو: تعقیب، توجه موضوع شده و سعی می کند با عو: کردن ناشی از تعقیب دشمن خلاصی پیدا کنند .

پس از چند ماعر خود را بمیدان فوزیه میرسانند و تصمیم می گیرند از هم جدا شوند . مامورین دشمن که بطور بیسابقه ای بسیج شده بودند مجدداً میدان فوزیه رفتار پیدا میکنند و با استفاده از ازدحام میدان غافلگیرانه به رفیق معاضد حمله کرده و وی را دستگیر می سازند . در این موقع رفیق فقط موفق می شود با خوردن قرص سیانوری که همیشه در زیر زبان داشت اقدام به خودکشی کند . دشمن بلافاصله و سیرا به بیمارستان شهربانی منتقل می سازد و به منظور معالجه و سپس شکنجه وی با تمام امکانات، بهمت پزشکان مزدور اسرائیلی بعد او ای او می برد از ند اینک رفیق معاضد تحت وحشیانه ترین شکنجه های دشمن قرار دارد .

رفیق مرضیه احمدی پس از جدا شدن از رفیق معاضد تحت تعقیب مامورین دشمن قرار می گیرد و پس از چند عمل صد تعقیب

در ششم اردیبهشت ماه دوتن از رفقای زن عضو سازمان چریکهای فدائی خلیق در جریان یک تعقیب خیابانی با مامورین ویژه پلیس درگیر شدند .

شرح کامل واقعه بدینصورت است که مامورین دشمن یک هفته قبل یکی از عناصر تازه کار و سماتیزان سازمان را در شهر تبریز دستگیر می سازند و موفق میشوند قرار ملاقاتی را از عنصر دستگیر شده بدست آورند . در روز جمعه ۶ اردیبهشت که این ملاقات می بایست صورت بگیرد پلیس اطراف محل قرار را تا مسافت چند کیلومتر تحت محاصره در می آورد . رفیق شیرین معاضد که میبایست این قرار را اجرا میکرد بمنظور کنترل منطقه وارد منطقه میشود چند دقیقه بعد رفیق مرضیه احمدی اسکونی از طریق ضبط امواج بیسیم دشمن متوجه خطر میشود و بدون توجه به محاصره منطقه و خطر، به ویرا تهدید میکرد خود را بمنطقه محاصره شده میرساند تا رفیق معاضد را در جریان امر قرار دهد . رفیق مرضیه احمدی در نزدیکی محل قرار، رفیق معاضد را پیدا می کند ولی مامورین متوجه آنها شده و بطور غیر محسوس به

سعی می‌کند خود را به خانهٔ تبعی واقع در کوچهٔ شتراران در میدان شاه تهران برساند. ولی ماموران با استفاده از تجهیزات مخابراتی ردیابی را پیگیری و به مرکز اطلاع می‌دهند و بدین ترتیب تمام منطقه تحت محاصرهٔ دشمن درآمده بود با این حال مزدوران نمی‌توانستند ترس خود را از نزدیک شدن به رفیق بیوشانند، مرتباً از پشت بیسیم فریاد می‌زدند او مردیست که لباس زنانه پوشیده. حلقهٔ محاصره رفته رفته تنگتر میشد در این هنگام رفیق چون دید که امکان خروج از محاصره برای او دیگر وجود ندارد، ابتکار عمل را در دست گرفت و با اسلحهٔ کمری خود شجاعانه به مزدوران حمله کرد و پس از یک درگیری نابرابر، دشمن در حالیکه امید زنده دستگیر کردن او را کاملاً از دست داده بود، رفیق را به مسلسل بست، در این موقع رفیق مرضیه احمدی موفق شد قرض سیانور خود را نیز بخورد. جسد رفیق احمدی را نیروهای دشمن از فاصلهٔ دور چندین بار بمسلسل بستند و سپس وحشتزده و بسه آهستگی باین چریک قهرمان نزدیک شده جسد بیجان او را طناب پیچ کرده و می‌برند. دشمن پس از این درگیری، تصور اولیهٔ خود را در مورد مرد بودن رفیق که همین وحشت او بوده بین مردم شایع ساخت و این امر به منظور تخفیف فشار افکار مردمسی صورت می‌گرفت که ناظر بر صحنهٔ درگیری

قهرمانانهٔ رفیق با دشمن بودند. دشمن در بارهٔ این درگیری کوه ساعت ۱۰ صبح ۶ اردیبهشت در مقابل دیدگان مردم شرق تهران صورت گرفت هیچ خبری منتشر نساخته است و این نشانهٔ بارز توطئهٔ سکوتیست که رژیم بآن دست زده است. دشمن از انتشار هرگونه خبری در پیرامون جنبش چریکی بسختی وحشت دارد و این نشانهٔ ترس رژیم در گسترش مبارزهٔ مسلحانه است ولی علیرغم کوششهای رژیم هر روزی که می‌گذرد میهن پرستان بیشتری بصفت مبارزهٔ ضد امپریالیستی می‌پیوندند و تلاشهای دشمن را عقیم می‌گذارند.

* يك خبر از درگیری رفیق کارگر شهید،

حسن نوروزی در لرستان.

بنا به اطلاعاتی که اخیراً بدست ما رسیده، قبل از ورود رفیق نوروزی به منطقهٔ لرستان حوادثی در منطقه روی می‌دهد از جمله اینکه يك بانك مصدوم می‌گردد و رئیس ساواک شهرستان الیکودرز بقتل میرسد. بدنبال این عملیات، دشمن اقدامات وسیعی بمنظور ردیابی عملیات چریکی فوق انجام می‌دهد. در چنین شرایطی رفیق نوروزی که برای انجام مأموریتی در این منطقه حرکت می‌کرده است، مورد سرزنش عناصر بسیج شدهٔ دشمن قرار می‌گیرد و مأمورین

می‌کوشند ویرا مورد بازرسی قرار دهند .
 در این حال رفیق نوروزی با مسلسلی که
 همراه داشته بماورین دشمن حمله می‌کند
 و بنا باظهارات منابعی که از نزدیک شاهد
 ماجرا بوده اند چندین تن از ماورین دشمن
 کشته و زخمی میشوند . این موضوع را روزنامه
 های عصر نیز که پس از ۱۱ روز خبر را منتشر
 کردند اگرچه بطور ضمنی مورد تأیید قرار
 داده بودند . در این روزنامه ها تصریح
 شده بود که از مردم غیر نظامی کسی آسیب
 ندیده است و این خود بمعنی اعتراف دشمن
 بتلفاتی است که در این درگیری بر او وارد
 آمده است و این امر کاملاً طبیعی است
 زیرا هدف گلوله های چریکها مردم غیرنظامی
 نیستند ، بلکه عناصر مسلح دشمن می باشند
 و هرگاه که مردم غیر نظامی در جریان درگیری
 یها آسیب می بینند بر اثر تیر اندازی وحشت
 زده و بی رویه ماورین دشمن است .

* در تاریخ ۳۱ فروردین ماه انفجاری
 مقرر کرد دانشگاه صنعتی (دانشگاه آریامهر)
 رابلوزه در آورد . این انفجار توسط یک
 سیستم ساعتی در روی سقف مقرر کرد صورت
 گرفت و باعث تخریب سقف و بهوراخ شدن آن
 گردید . بدنبال این عمل ، اعلامیه ای توسط
 سازمان مجاهدین خلق که عمل توسط یکی
 از واحد های آن صورت گرفته بود
 منتشر گردید که حاوی مطالب بسیار مفیدی

برای دانشجویان بود . در این اعلامیه
 پس از ذکر تاریخچه ای کوتاه از مبارزات
 دانشجویی مسائل مربوط به جنبش
 دانشجویی مورد بررسی قرار گرفته و در پایان
 دانشجویان به شرکت در مبارزه ضد امپریا -
 لیستی - ضد ارتجاعی دعوت شده بودند .
 ما موفقیت سازمان مجاهدین خلق
 را در تحقق اهداف دموکراتیک و ضد امپریا -
 لیستی آرزو میکنیم و عطیات برادران انقلاب -
 بیمان را بر علیه نیرو های ارتجاعی مورد تأیید
 کامل قرار میدهم .

* دستگیریهای دانشجویی

در دو ماه گذشته دستگیریهای دانش -
 جوئی افزایش یافت . در جریان حمله به
 خوابگاه دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج
 ۶ نفر دستگیر شدند . ۲۵ نفر از این
 عده از قیل مورد نظر پلیس بوده و در لیست
 دستگیری نامنویسی شده بودند . ولی ۳۵ نفر
 بقیه در جریان بازرسی خوابگاهها بعلت
 داشتن مدارکی از جنبش سلححانه دستگیر
 شده اند . عده ای از این دانشجویان مبارز
 بعلت جمع آوری اعلامیه های سازمان های
 چریکی دستگیر شده و زندان کشیده شده -
 اند .

* اعلامیه ای توسط دانشجویان

انقلابی حوزه علمیه قم منتشر شد و در آن به

و طبیعی است که نیروهای مبارز و ضد امپریالیست نمی توانند نسبت باین امر بیتوجه بمانند. اقدامات و مبارزاتی که توسط عناصر مترقی مذهبی صورت میگیرد و در جهت عقیم کردن این تلاشهای دشمن میباشد مورد تأیید ما قرار دارد.

* تورم و گرانی بیسابقه در ایران دریکماه گذشته قیمت مایحتاج عمومی ببالاخص مواد خوراکی بطور بیسابقه ای بالا رفته است. قیمت برنج به کیلوئی ۷۰ ریال و قیمت گوشت به کیلوئی ۳۵۰ ریال افزایش یافته و موجب نارضائی بسیار شدید عموم مردم شده است. اخیراً حتی نان نیز کمیاب و گران شده است. بسیاری از مغازه های نانوائی بسته شده اند. مردم با نفرت شدیدی با بحران نان مواجه شده و علیاً علیغرم کنترلهای پلیسی، این اعتراضات را ابراز میدارند.

مرد کارگری می گفت: "وقتی گوشت و برنج و میوه جات گران شد ما امیدوار بودیم که هنوز نان و پیاز برای خوردن می توانیم بدست آوریم ولی امروز اینرا هم دیگر نمی توانیم داشته باشیم."

دراین روزها مردم با تبلیغات بسه اصطلاح حقوق بشر تحت عنوان کمک بسه گرسنگان آفریقا بانفرت مواجه میشوند. زنی از طبقه کارگر با تمسخر آمیخته به نفرت

طرح سپاه دین و سازماندهی مروجیـــــــ مذهبی دولتی که از طرف رژیم پیاده شده است حمله گردیده. دراین اعلامیه نسبت به سوء استفاده رژیم از سنتهای مذهبیسی مردم حمله شده. باید توجه داشت کسه دشمن بمنظور سوء استفاده از سنتهای مذهبی مردم، برنامه های منظمی را توسط سازمان اوقاف بمورد اجرا گذارده است. این برنامه ها اساساً شامل کنترل کامل اماکن مذهبی و تربیت باصطلاح روحانیون حامی رژیم است. برطبق طرحهای این اداره عده ای از باصطلاح روحانیونی که خود ادعای توجه به معنویات سنتی مذهبی را دارند، عملاً به مادیات بورژوازی وابسته شده اند، وظیفه تبلیغ و ترویج برنامه های رژیم را بسر عهده گرفته و میکوشند مردم را نسبت به تحمل وضع موجود قانع سازند و رژیم شاه را به توده ها، حامی مذهب معرفی نمایند. همچنین با تشکیل سازمان مروجین مذهبی عده های از عناصری که دوره های مخصوص می بینند، بمنظور تحریف افکار مردم، به اطراف ایران فرستاده میشوند. این عده و وظیفه دارند برنامه های رژیم را از لحاظ ستنســــن مذهبی توجیه و تبیین نمایند. رژیم اینسک بااکترل مساجد و تکایا و سایر اماکن مذهبی و تربیت روحانیون وابسته به خود، میکوشد مذهب را بصورت سلاحی بر علیه مبارزات رهایی بخش مورد سوء استفاده قرار دهد.

شرایط رقت انگیزی ایجاد کرده است. رژیم بمنظور حفظ رضایت و حمایت نیروهای ارتش و پلیس حقوقهای آنها را تقریباً بدو برابر با افزایش داده است. بدین ترتیب رژیم سطح زندگی مأموران حفاظت خود را ثابت نگه داشته است ولی سطح زندگی طبقات متوسط و فقیر و بالاخص کارگران بنحو فاحشی کاهش یافته و فقر تشدید شده است.

کارگری بانفرت در این مورد اظهار میداشت که رژیم حقوقهای ارتش و پلیس را افزایش میدهد که از حفاظتش سرباز نزنند، ولی ما دیوارمان از همه کوتاهتر است. کارگر دیگری وقتی از وضع تغذیه اش سؤال شد بانفرت شدیدی سوگند یاد کرد که مدتهاست با خانواده اش سه وعده غذای روزانه را نان خالی می خورند می گفت باروزی ۱۵۰ ریال حقوق و ماهیانه ۱۵۰۰ ریال کرایه اطاق، مگر ما میتوانیم پتیر سیری ۱۲ ریال و گوشت سیری ۲۰ ریال بخوریم!

میگفت: ماهمگی باید با آفریقا کوچ کنیم، شاید در آنجا نانی بتوان بدست آورد. دیگری در تائید گفته او اظهار میداشت ما در حالی که نان برای خوردن نداریم، برایمان از کمک به گرسنگان آفریقا صحبت می کنند.

باید توجه داشت که تبلیغات وسیع و سیستماتیک رژیم هدفی جز سرپوش نهادن بر تضاد های بسیاری که گریبانها را گرفته ندارد و این مسئله را مردم روز بروز بیشتر احساس میکنند.

بدون هیچ تردیدی می توان گفت که هزینه زندگی نسبت به سال گذشته در حدود ۶۰ درصد افزایش یافته. حتی نان قبل از کمیاب شدن ۲۰ درصد گران شد. ۲۰ درصد گران شدن نان علیرغم کوششی که رژیم بمنظور تعدیل قیمت آن بعمل میآورد؛ نشانه بارز افزایش سرسام آور هزینه زندگی میباشد. و این برای مردمی که در آمدشان ثابتمانده

اخبار خارجی

اخبار آسیا و خاور میانه

نیروهای ارتش آزاد بیخشن خلق و میلیشای خلق به حملات شدید و شجاعانه خود به مراکز دشمن استعمارگر، نیروهای اشغالگو ایرانی و مزدوران قابوس ادامه داده اند. یک افسر انگلیسی، تعداد زیادی سربازان و

ظفار - صوت الثورة (نشریه انگلیسی زبانی که از طرف کمیته اطلاعات "جبهه" آزاد بیخشن برای آزادی عمان و خلیج عربی، منتشر میشود) شماره ۹۰ ۳۱ مارس ۷۴ گزارش نظامی.

شرایط رقت بار کار و مواضع حکومت ارتجاعی بحرین دارای سابقه طولانی است اینسک دوباره بالا گرفته اند . در چند هفته گذشته اعتصابات متعدد ی اتفاق افتاده است ، ماه مارس برای کارگران خاطره دهها شهید و رفقای اخراج شده شان را زنده می کند . از اعتصابات کارگران پست تا اعتصاب کارگران کثرتی و کارگران کمپانی کشتیرانی ، در این ماه اتفاق افتاده اند . کارگران کثرتی از هر حقوق اولیه ای محروم هستند زیرا کثرتچی ها این کارگران را قبل از اتمام یک سال خدمت اخراج کرده و پس از چند روز دوباره استخدام میکنند و به این ترتیب بعضی از کارگران برای تمام عمر بصورت کارگر کثرتی روز مزد باقی میمانند .

✽ مالزی - ویتنام جنوبی در مبارزه (نشریه انگلیسی زبان ، ارگان مرکزی جبهه آزاد بیخشمای ویتنام جنوبی) شماره ۳۶ ، ۱۸ فوریه ۷۴ .
در شب ۱۲ ژانویه ، نیروهای مسلح آزاد بیخشمای مالزی ، به یک کشتی دشمن حمله کرده و یک سروان را بقتل رساندند . در ۶ ژانویه نیروهای وطن پرست در ایالت کداه به نیروهای دشمن حمله کرده و تلفات سنگینی به آنها وارد آوردند .

✽ گاردین (نشریه امریکائی که طیفی

افسران ایرانی و مزدوران قابوس بقتل رسیدند . نیروهای ما شانزده عملیات را اجرا کردند که شامل بیچاران توپخانه ، و زد و خورد بسیار سلاحهای مختلف دیگر میشد . منجمله نیروهای ما یک عملیات تیراندازی و دو عملیات مین گذاری را در " خط سرخ " ۱ انجام دادند .

در این عملیات تلفات دشمن در حدود ۶ کشته و زخمی تخمین زده شد و جسد سه سرباز دشمن بدست نیروهای ما افتاد . همچنین :
- دو خودرو و یک دستگاه بیسیم دشمن معدوم شد .

- ۲۷ موضع دفاعی دشمن منجمله دو - آشیانه مسلسل از بین رقت .

- در نبرد های شدیدی که در گرفت ، ۷ نفر از رفقای شجاع ما و یک نفر از اهالی ناحیه بشهادت رسیدند .

۱ . خط سرخ همان جاده صلاله - سقط است که رژیم ایران ادعا میکند آنرا از وجود چریک ها " پاک " کرده است . در حالیکه عملیات چریکها همچنان در طول این خط ادامه دارد .

✽ بحرین : (صوت الثورة شماره ۹۰ ، ۳۱ مارس ۷۴)

اعتصابات وسیع کارگران ادامه دارد :
اعتصابات کارگری بحرین که بخاطر

خای بدست آوردند ، این نیروها مرکز بخش سانگ خوم را تصرف کردند . تلفات دشمن در این عملیات در حدود پنجاه نفر بود .

✽ آنگولا ، هسینوا (آزاتانس خبری رسمی ، جمهوری توده ای چین) ۲۷ آوریل ۷۴ .

اگوستینو نتو ، رهبر جنبش آزاد بیخش خلق انگولا ، که اکنون بدعوت رهبران یسو - گسلاوی مشغول دیداری از آن مملکت است ، در طی مصاحبه ای اعلام داشت :
" در تحت شرایط موجود برای ملت ما ، تنها از طریق مبارزه ، مسلحانه ، خلق ما است که ما می توانیم آزادی و استقلال کامل را بدست آوریم ."

او گفت " من معتقدم که در نواحی دیگر افریقا هم که هنوز استقلال بدست نیآورده اند ، مبارزه ، مسلحانه تنها راه برای آزادی است .

— دشمنان ما امپریالیستها بجز بزمان اسلحه ، بهیچ زبان دیگری گوش شنسوا ندارند ."

نتو گفت " توده های وسیع آنگولا ، — خصوصا دهقانان و کارگران به مبارزه آزاد بیخش پیوسته اند . جنگ آزاد بیخش طی با سرعت به پیش میرود ."

✽ هسینوا ، ۱۸ آوریل ۷۴ .

از لیبرال ، سوسیالیست و کمونیست را در بر میگیرد . خود نشریه ، خودش را بعنوان — هفته نامه ، مستقل رادیکال " معرفی میکند) شماره ، ۱۰ آوریل ۷۴ :

بر طبق گزارشی که " هسینوا " از رادیوی " صدای انقلاب مالزی " میدهنه شایعه ، تسلیم شدن (رهبران شورشی در مالزی يك دروغ بیشرمانه ایست که دولت مالزی از خود ساخته است . این رادیو اعلام کرد که افرادی که سلاح های خود را تسلیم کردند خائن بودند و تسلیم شدن آنها ، هر چند که برای مبارزه ، نیرو های مسلح خلق در کالیمانتان شمالی " اشکالات موقتی ایجاد کرده است ولی بهیچ وجه نمیتوانند جلوی جریان سیل خروشان انقلاب خلق " کالیمانتان شمالی " را سد کند .

کالیمانتان شمالی (ساراواک) که در حال حاضر جزو مالزی است ، بخش شمالی جزیره برنئو است که قسمت جنوبی آن به اندونزی تعلق دارد .

✽✽✽ اخبار افریقا

✽ تایلند : (ویتنام جنوبی مبارزه)

شماره ۲۳۶ ، ۱۸ فوریه .

از ۱۸ تا ۲۲ ژانویه ، نیرو های مسلح آزاد بیخش تایلند ، فعالیت های خود را در استانهای شمال شرقی تشدید کردند . بعد از اینکه نیرو های آزاد بیخش کنترل اقلا ۹ دهکده را در استان نانگ —

تصرف کرده، مقداری زیادی اسلحه بدست آورده و اهالی بومی را که در بازداشت پرتغالیها بودند آزاد کردند. تلفات دشمن در این عملیات ۱۳۰ نفر بود. نیروهای دشمن بطرف "کانیکو لیفا" فرار کرده و در این جریان ۲۲ نفر دیگر آنها بوسیله نیروهای آزادبخش از پا درآمدند.

✱ همینها، ۱۳ آوریل ۷۴.

مطابق بیانیه نظامی جنبش آزادبخش خلق آنگولا، مبارزین آزادی خواه متعلق به این سازمان، در ماه مارس، ۱۵ نفر از نیروهای استعمارگر پرتغالی را در طی عملیات نظامی کشته و ۱۹ نفر را اسیر کرده اند. در این عملیات نیروهای آزادیخواه چهار پایگاه دشمن و چهار کامیون از دشمن را نابود کردند.

✱ گینه بیسائو: (ویتنام جنوبی در مبارزه) شماره های ۲۳۶، ۱۸ فوریه و ۲۳۸، ۴ مارس ۷۴.

در ماه ژانویه نیروهای وطن پرست پایگاههای دشمن را در کویا، اولو ساتو و کدائیل مورد حمله مکرر خود قرار داده و تلفات سنگین مادی و انسانی به آنها وارد آورده اند. در این ماه یک هلیکوپتر دشمن را با هفت سرنشین آن از بین برده و یک جنگنده را در نواحی جنوبی دشمن را بر فراز نواحی آزاد کننده ساقط کردند. تلفات دشمن شامل ۱۰۰ نفر از نیروهای مختلف هوایی، ۱۰۰ نفر از نینتاران دریائی میشد.

✱ ویتنام جنوبی در مبارزه شماره ۲۴۰ - ۱۸ مارس ۷۴.

پس از یک هفته حملات مکرر، واحد های آزادبخش "کویا" را یکی از پایگاههای مهم نیروهای استعمارگر پرتغالی است

نیروهای وطن پرست گینه بیسائو، در طی حملات خود بر علیه تجاوزکاران پرتغالی در نیمه دوم مارس، ۷۰ نفر از نیروهای دشمن را کشته، ۱۳ کامیون سنگین را از بین برده و مقادیر زیادی اسلحه و مهمات را به تصرف در آوردند. این مسئله در اطلاعیه ای که در "کاناکری" از طرف سرویس خبری "حزب افریقائی برای آزادی گینه و مملکت ورد" منتشر شده، ذکر گردیده است.

این بیانیه اعلام کرد که در ۲۴ مارس، نیروهای وطن پرست مسلح، اردوگاه "کانیکو لیفا" دشمن را در جبهه "یافاتوکایو" بشدت مورد حمله توپخانه قرار داده، و موضع استحکامی کوچک، یک مرکز نیرو (برق)، یک انبار، یک توپ دوزن، و چند خودرو را از بین بردند. این بیاسیه همچنین اعلام کرد که در ۲۷ مارس، نیروهای وطن پرست مسلح، یک کشتی پرتغالی را که پر از سربازان دشمن و مهمات جنگی بود، در نزدیکی

بندر "گزیم" در رود گیا غرق کردند .

* موزامبیک : (ویتنام جنوبی در مبارزه

شماره ۲۴۰ ، ۱۸۰ مارس ۷۴) .

از اوایل این سال ، واحد های جبهه ، آزاد بیخس موزامبیک (فرلیمو) ، ۱۱۴ عملیات موفقیت آمیز انجام داده و خطوط آهن و ارتباط ، دیگر را بین بندر "بیرا" و نواحی داخلی مملکت قطع کردند .

در ۲۰ ژانویه جنگجویان آزاد بیخس بر پایگاه هوایی " موودا " (ایالت کابود لگادو)

را مورد یک حمله ، رد آسا قرار داده و ۱۶ طیاره (۹ بمب افکن و شکاری بمب افکن و ۵ هلیکوپتر) را از بین برده و به هفت طیاره ، دیگر بشدت خسارت وارد آوردند .

(هسینها ۱۶ آوریل) بر طبق

بیانیه نظامی فرلیمو که در دارالسلام انتشار

یافت آنها در ماه های ژانویه و فوریه ، ۴۰

سرباز استعمارگر پرتغالی را از بین بردند .

در ۲۲ فوریه ، مبارزین آزاد یخواه یک

لکموئیو دشمن را در جاده " موتارا " - موتایز

منفجر کردند . در چندین عملیات نظامی

بعده ، روی برفته ۷ نفر از سربازان استعمار

گر پرتغالی از پای درآمدند .

* حبشه (یونایتد پرس اینترناشنال ،

اول آوریل ۷۴) :

دیپلماتهای غربی گفتند که نیروی چریکی

اریتره که ۶۰۰۰ نفر عضو دارد ، بعضی از

واحد های خود را بنزد یکی اسمارا ، دومین

شهر بزرگ حبشه منتقل کرده اند . چریکها

در هفته ، پیس ۱۵ نفر از نیروهای ارتشی

را در یک کمین کشته اند .

دیروز پلیس گزارش داد که در یک شورش

دهقانی در جنوب حبشه ۲۵ نفر

کشته شده اند (که ده نفر آنها را با چاقو

و نیزه کشته اند) . پلیس گزارش داد که

اعلامیه های شورش انگیز ، که در آنها

گفته شده است که زمین باید بد هقانان عودت

داده شود ، باعث شورش شدند . دهقانان

سعب کردند که زمینهای را که ادعا میکردند

مالک آنها محلوب نیستند ، تصرف کنند .

* (صوت الثورة ، شماره ۹۰ ، ۳۱ مارس

۷۴) . سیاست توسعه طلبانه و

تجاوزکارانه ایران در اریتره .

مطابق اطلاعاتی که از جبهه

آزاد بیخس اریتره بدست آمده است رژیم

ایران خلیبانان حبشی را تعلیم میدهد . هم

چنین اخیراً ، ایران قول ۱۵ جت فانتوم را به

حبشه داده است . این مسئله پس از سفر

اخیر هایل اسلاس به امریکا انجام گرفت

که در طی آن امپراطور حبشه از نیکسون ،

تقاضای مقدار زیادی اسلحه کرده است .

* در آرژانتین بیش از ۷ هـ — زار کارگر کارخانه، ژنرال مونتیر که متعلق به امپریالیستهای آمریکائی است اعتصاب ۲۴ ساعته‌ای را بخاطر اخراج ۳۳ نفر از کارگران کارخانه، برپا داشتند .

* در بولیوی ۵ هزار نفر از معدنکاران ماه مارس گذشته برای افزایش دستمزد دست از کار کشیدند، انعکاس این اعتصاب در جامعه بولیوی وسیع بود بطوریکه در همین رابطه کارگران صنفی و سایر حرفه ها نیز دست به اعتصاب زدند، همچنین در ۲۱ ژانویه، سال جاری هنگامیکه دولت بولیوی قیمت نان و مواد غذایی را بالا برد بیش از ۵۰ هزار کارگر معدنکار و کارگران صنفی دست از کار کشیدند . در روز ۲۳ ژانویه تعداد زیادی از کارمندان دولت نیز به اعتصاب کنندگان پیوستند و اعتصاب بیش از ۱۰۰ هزار نفر را در بر گرفت . در ۲ ژانویه دهقانان بلیوی در ناحیه " کوچابامبا " واقع در منطقه مرکزی بلیوی مبارزه مسلحانه ای را علیه رژیم آغاز کردند . دهقانان شورشی در عرض مدت کوتاهی کنترل جاده را در دست خود گرفتند و با قطع درختان بر سر راههای عبور دشمن موانعی ایجاد کردند ، دهقانان شورشی بلیوی بیش از یک هفته مسلحانه با نیروهای پلیس و ارتش قهرمانانه جنگیدند . این مبارزه یکبار دیگر رزمجویی

کارگران و دهقانان بلیوی را به اثبات رسانید .

* در اروگوئه پس از ماه مارس گذشته اعتصابات محلی و سرتاسری بطور پیوسته و یکی پس از دیگری در این کشور بوقوع پیوسته است . در ماه ژوئن گذشته صد ها هزار نفر از کارگران در اروگوئه در کارخانجات ، بنادر ، کمپانیها ، راه آهن و حمل و نقل اعتصاب کردند و امور داخلی اروگوئه را کاملاً فلج ساختند ، با وجود اینکه دولت به سرکوب مسلحانه اعتصاب کارگران پرداخت اعتصاب ده روز ادامه یافت و کارگران بروی خواسته های خود یا فشاری کردند ، از طرف دانش جویان و معلمین اروگوئه به پشتیبانی از کارگران تظاهراتی بزرگ برپا شد .

* مبارزات دهقانی

سال گذشته همچنین شاهد اوجگیری مبارزات دهقانی در برخی از کشورهای آمریکا — ی لاتین بودیم ، در کشور برزیل در ایالت های "پارا" و "ماتو" و "پروسو" دهقانان برای تصاحب زمین مسلحانه بپا خاستند . در شمال شرقی برزیل دهقانان مکرر انبارهای آذوقه را مصادره کردند ، دهقانان ایالت سیرا حله نیروهای دولتی را دفع کردند و آنانرا به عقب راندند و برای مصادره انبارهای آذوقه به شهر حمله نمودند .

« درباره رفیق رزمنده شیرین معاضد »

شدید جسمانی از روحیه‌ای قوی برخوردار بود. او در دوم مرداد ۵۱ هنگامیکه خانه تبعیضیان در محاصره دشمن قرار گرفته بود، توانست از زیر رگبار مسلسل‌های دشمن در حالیکه يك پایش در اثر اصابت گلوله مژدوران زخمی شده بود با جابکی و جسارت خاصی بگریزد و امید دشمن را در دستگیریش به یاس مبدل سازد.

رفیق شیرین معاضد خواهر ناتنی چریک فدائی خلق رفیق شهید مهدی فضیلت کلام است که در نهم مرداد ۵۱ در يك درگیری رویاروی با دشمن قهرمانانه شهید شد. پدر انقلابی این رفیق رزمنده نیز با اتهام همکاری با سازمان چریک‌های فدائی خلق در همانسال دستگیر و بعد از شکنجه‌های فراوان به ده سال زندان محکوم گردید.

رفیق شیرین معاضد مسئول يك بخش از انتشارات سازمان بود.

رفیق شیرین معاضد یکی از پاکبخته ترین و صادق ترین عناصر سازمان ما بود، او از همان ابتدای پیوستنش به سازمان، تمام قابلیت‌های خود را بکار گرفت تا هر چه بیشتر در جهت پیشبرد هدفهای جنبش فعالانه شرکت نماید. رفیق شیرین معاضد نترسی بود، با یان به دشمن و عشق عمیق، به خلق و ایمانی بزرگ به پیروزی مبارزه‌ای که آغاز شده بود، داشت و با آنکه به خاطر شرایط دشوار زندگی چریکی به درد معده و سردرد شدیدی مبتلا شده بود و همواره از آنان به شدت رنج میبرد، با آنچنان شور و شوقی به فعالیت میپرداخت که خود را فراموش میکرد. این برخوردی متعهدانه و پشتکار در راه هدفی که انتخاب کرده بود، همواره برای رفقای که او را میشناختند منبع نیرو و توانایی بود.

رفیق شیرین معاضد علیرغم ضعف

✽ مختصری از زندگی انقلابی فدائی شهید، رفیق مرضیه احمدی اسکوتی ✽

زیادی برخوردار گردید بطوریکه همه او را مرجان (مخفف مرضیه جان) مینامیدند. رفیق مرضیه پس از اتمام دوره اول دبیرستان وارد دانشسرای مقدماتی تبریز گردید و پس از طی دوره دو ساله، معلم دبستانهای اسکوشد. رفیق در مدت سه سالگی که آموزش کودکان را بعهده داشت، از طریق رفت و آمد با خانواده‌های کودکان و آشنائی با زندگی آنها و در درون‌جی که آنها با آن دست‌بگریبان بودند، با زندگی خلیق ارتباطی وسیع پیدا کرد و آموزش از زندگی آنها برداشت. بعد از گرفتن دیپلم با حفظ شغل معلمی وارد دانشگاه تبریز شد، ولی از آنجائی که برای تأمین مخارج تحصیلی، مجبور به کار کردن بود و این امر باعث میشد که تمام وقت او گرفته شود و دیگر فرصتی برای مطالعه و آشنائی هرچه بیشتر با زندگی خلق برای او نماند، لذا در سال اول، دانشگاه تبریز را ترک گفته و وارد دانشسرای عالی سیاه دانش تهران شد. او در این دوران توانست احساس پرشکوه و آگاهی عینی خود را از زندگی توده‌ها و دانش‌ورهای مارکسیسم - لنینیسم درآمیزد

رفیق مرضیه احمدی اسکوتی در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده متوسط در شهر کوچک اسکوشد یکی تبریز بدنیاء آمد، دوران کودکی رفیق باقتضای محیط کوچک شهری که در آن زندگی میکرد، با کار در مزرعه پدرش همراه بود. بدین ترتیب او از ابتدا بتدریج توانست تا حدودی با زندگی پسران منقذ خلق آشنائی پیدا کند. رفیق مرضیه همانطور که بعد از خاطرات خود نوشته است، از همان دوران کودکی با مشاهده اختلافی که در نحوه زندگی خود و دیگر همسالانش وجود داشته شد یاد ارنج میرد و این احساس او بعدها با مشاهده وسیع‌تر اختلافات طبقاتی موجود در جامعه سوسیالیزم بر دل آن عمق بیشتری یافت. علاقه زیاد رفیق به مطالعه کردن از ابتدای تحصیل در دبیرستان، او را وارد اشک که برای بدست آوردن کتاب با افراد آگاه به مسائل اجتماعی آشنا شود و از این طریق آگاهی سیاسی کسب نماید. در این دوران رفیق احساسات و تاثیراتی را که از زندگی خلق میگرفت در قالب شعرو قصه‌های میگرد. صفات صمیمیت و پاک‌بینی رفیق او را در بین دوستان و آشنایانش از محبوبیت

تأحد و دی برای جاسوسان رژیم شناخته شده بود . ولی بعلمت ترس از عکس العمل دانشجویان که رفیق در بین آنها از احترام و محبوبیت فوق العاده ای برخوردار بوده نمی توانستند او را دستگیر سازند . تا اینکه در خرداد سال ۵۰ هنگامیکه دانشسرا تعطیل شد . او را دستگیر نمودند . و بعد از چند بار بازجویی و تهدید آزادش کردند و بخاطر محدود کردن فعالیت های رفیق و کنترل بیشتر وی او را به اسکو فرستادند تا در آنجا بکار مشغول شود .

رفیق یکسال دبیر دبیرستانهای اسکو بود او در این مدت توانست با شور و عشق فراوان و با تلاشی خستگی ناپذیر نقش مهمی در بالا بردن آگاهی سیاسی محصلین اسکو ایفا نماید . ولی اینگونه فعالیتها نمیتوانست روحیه مبارزه جوویر شور رفیق را ارضا کند . بهمین خاطر برای پیوستن به جنبش مسلحانه آزادی بخش خلق بتهران آمد و در زمستان ۵۱ پس از تعاضل با رفقای شهید نادر شایگان ، حسن رومینا و چند نفر دیگر یک گروه مارکسیستی با خط مشی مبارزه مسلحانه تشکیل داد . رفیق از فروردین ۵۲ برای اینکه تمام امکانات و قابلیت های خود را در راه جنبش آزادی بخش خلق قرار دهد بصورت یک مبارز حرفه ای درآمد و زندگی مخفی را آغاز نمود . رفیق مرضیه دیرتو آگاهی عمیق و عشق بزرگش به خلق راه خود را یافته بود . او احساس

رفیق بعد ها از تاثیر عظیمی که کتاب دولت و انقلاب رفیق لنین در تکامل فکریش داشته است صحبت میکرد و میگفت که چگونه توانسته است پس از خواندن این کتاب آنچه را که خود از زندگی و مطالعات دیگرش در ذهن انداخته بود هاست ، بهتر بفهمد ، رفیق مطالعه عمده برای افزایش محفوظات ذهنی بلکه برای افزایش شناخت خود از قانونمندی های تکامل جامعه و آگاهی از مبارزات خلقها انجام میداد تا با دیدی علمی تر برای آشنائی با زندگی خلق به مطالعه عینی بپردازد و از این طریق بتواند در مبارزات آزادی بخش خلق رهایی کند . رفیق مرضیه در تمام مدت دوران تحصیل در دانشسرای عالی سیاه دانش به بسیاری از روستاهای ورامین که در نزدیکی محل دانشسرا قرار داشت . رفت و آمد میکرد و بیشتر اوقات خود را با خانواده های فقیر روستائی میگذرانید . او همچنین به بسیاری از روستاهای ایران سفر میکرد و در آنجا برای کودکان در مدرسه های روستا کتابخانه درست میکرد . با سپاهیان دانشسرا دوست میشد و برایشان کتاب میفرستاد . وسیعی میکرد از این طریق به آنها آگاهی سیاسی بدهد . رفیق مرضیه احمدی یکی از عناصر فعال اعتصابات دانشجویی دانشسرای عالی سیاه دانش بود . او در اعتصاب دانشجویی اسفند ماه ۴۹ نقش رهبری داشت تا در این موقع فعالیت های سیاسی رفیق

پرشکوه خود را از پیوستن به مبارزه مسلحانه
در قطعه شعری بزرگان
ترکی بنام "دالفا" (موج)
جنین ترسیم می نماید :

دالفا

خیرد ا، ایشجه آرخیدیم
مشمه لردن، دالفلاردان
دره لردن آخیردیم

* *

بیلیردیم دورقون سولار
ئوزایچینه بوغولار
بیلیردیم دریالاردا
دالفالار قوجاغینسدا
خیرداجا آخلارایچون
شنسی حیات دوتولار

* *

نه یولون اوزاتلیقی
نه قارانلیق جوخورلار
نه دورد قتلون هوسسی
منی یولدان قویمادی

* *

ایندی قاریمشمام من
قورتولماز دالفالار
وارلیقیمیز چالیشماق
یوخلیقیمیز دایانماق

موج

جویبار خرد و باریکی بودم
در جنگلها و کوهها
ودرها جاری بودم

* *

میدانستم آبهای ایستاده
در درون خود میعیرنند
میدانستم در آغوش امواج
دریاها

برای جویباران کوچک
همستی تازه ای میزاید

* *

نه درازی راه
نه گودالهای تاریک
ونه هوس بازماندن از جریان
مرا از راه باز نداشت

* *

اینک پیوسته ام
بامواج بی پایان
همستی مان تلاش
و نیستی مان آسودن است !

خصلت‌های رفیق بود ، سکون برای او مفهومی نداشت ، از کوچکترین فرصت برای انجام کاری استفاده میکرد .

سرانجام رفیق مرضیه احمدی چریک فدائی خلق در ساعت ۱۰ روز جمعه ششم اردیبهشت ماه ۵۳ در نبردی رویاروی با دشمن در لیرانه جنگید و قهرمانانه شهید شد و بدین ترتیب حماسه جانبازی دیگری در تاریخ جنبش آزاد بیخشن ما آفریده شده . رفیق مرضیه نه تنها تمام لحظات زندگی انقلابی خود را در خدمت آرمان مقدسش یعنی آزادی خلیق قرار داد بلکه شهادت‌ش نیز در خدمت این هدف بزرگ قرار گرفت . ما خاطره رفیق مرضیه احمدی اسکویی را گرامی می‌داریم و با قدمهای استوار و عزیمتی راسختر راهی را که او پیمود تا پیروز روزی او امده میدهیم .

ولی پر خرداد ماه ۵۲ بخاطر خیانت‌خائنی بنام عبداله اندوری رفقا ، نادر شایگان ، حسن رومینا در نبردی رویاروی با دشمن شهادت رسیدند و عدای دیگر از رفقای گروه دستگیر شدند و رفیق مرضیه احمدی برای ادامه مبارزه و برای هرچه پرثمرتر شدن تلاش‌ها و فعالیت‌هایش به سازمان چریک‌های فدائی خلق پیوست . او با پشتکار و برخورد متعهدانه اش و بکار بردن تمام قابلیت‌ها و توانایی خود برای حتی کوچکترین کاری که با او محول میشد ، یکی از فعالترین رفقای سازمان ما بود .

عشق عمیق به خلق و کینه بی‌پایانش به دشمن از رفیق انسانی خشن و در عین حال بسیار صمیمی ساخته بود . و دقیقاً بخاطر تعهدی که با تمام وجود احساسش میکرد و ایمان بزرگی که به راه مبارزه و پیروزی خلق داشت لحظه‌ای آرام نمیگرفت تحرك ، روحیه متعزضانه و سرسختی اش در برخورد با مشکلات جنبش از بارزترین

سرانجام امپریالیزم و ارتجاع با دستهای
پر توان خلیق نابود میشوند

مختصری از وضع زندانیهای سیاسی رژیم شاه

دوره محکومیت خویش را میگردانند به کمیته می‌آورند و شکجه‌شان میکنند .

در زندان قصر

دشمن برای هرچه بیشتر در فشار قرار دادن مبارزین و به خیال خام خود مایوس و دلسرد کردن آنها از امر مبارزه طرح فاشیستی جدیدی ریخته است :

زندانیان را از نظر شرایط زیستی در وضع بسیار بدی قرار داده‌اند .

بعلت نضات بودن کف و دیوارهای بند ها اغلب آنها مبتلا به یادر و کمر درد شده‌اند در داخل بندها جا بسیار تنگ است

و زندانیان نمی‌توانند براحتی در آن بخوابند . از نظر غذا نیز وضع بسیار بدی دارند . اخیرا عده‌ای از زندانیان از غذای بد آنجا مسموم شده بودند .

ارتجاع در این زندان شدیدترین اختناق ممکن را برقرار کرده است . در داخل بندها پلیس ضد شورش گذاشته‌اند که تمام مدت بازندانیان بسر میبرند ، و خیفسه آنها کنترل تمام حرکات و رفتارهای زندانیان است . این پلیس‌های ضد شورش که دیگر

کمیته (باصطلاح کمیته ضد خرابکاری) محل شکجه‌های در اداره شهرستانی است که در حدود ۵۰ نفر مبارز در آنجا زندانی هستند . عده‌ای از این مبارزین را بطور مداوم زیر شکجه بسرده و عده دیگر را بشنیدن صدای شکجه آنها که تحمل آن آسانتر از خود شکجه نیست و میدارند .

مزدوران دشمن برای توأم کردن شکجه های جسمی و روحی با همدیگر به شیوه‌های گوناگون متصل میشوند . آنها از مبارزین میخواهند که بهم‌دیگر و به رزمندگان شهید آغازکننده مبارزه مسلحانه فحش بدهند . ولی مبارزین بجای اینکار بخود آنها فحش میدهند .

گاه و بیگاه حسینی یکی از خبیث ترین مزدوران و شلاق بدست زندانیان را بصف کرده و به بهانه‌های مختلف آنها را کتک میزند ، و اخیرا مبارز دلیری را با شلاق زندنی‌های وحشیانه اش کشته است و حال ماموری او را در همه جا همراهی می‌کند تا در صورتیکه مبارزی در زیر شلاق های این جانی پست به حال مرگ افتاد جلو او را بگیرد . بعضی وقتها حتی زندانیان سی راکه

خوی انسانی خود را از دست داده و به حیوانات وحشی بی شعوری تبدیل گشته اند، برای برخ کشیدن قدرت کدائی خود و خرد کردن روحیه زندانیان، مرتب راه میروند و به درو دیوار مشت می زنند و حرکات جود و و کاراته انجام می دهند و کوچگریین حرکت باصطلاح خلاف زندانیان را بهانه قرار داده و با مشت و لگد بجان آنها می افتند. مثلاً بیدار ماندن بعد از ساعت ۹ شب مجازات کتک دارد.

بزندانیان کتاب و روزنامه و رادیو نمیدهند ولی تمام مدت رادیو و تلویزیون زندان را روشن می کنند تا با پخش برنامه های ارتجاعی کثیف روحیه زندانیان را کسل نمایند بخصوص که موقع پخش اخبار، فوری رادیو تلویزیون را خاموش میکنند. از این گذشته مزدوران عکس شاه خائن را نشان میدهد، برخیزند امتناع از این کار و نشان دادن عکس العمل های مختلف موجب شکنجه های فراوان مبارزین میشود. نوع شکنجه ای که در این جا بیشتر معمول است اینست که یک دست را بیک پا بسته و آویزان میکنند و در این حال مبارز را کتک میزنند. و در ضمن زندانیان دیگر را بتماشای او می آورند.

تلاش مذبحخانه دشمن برای از بین بردن روحیه مبارزه جوئی در زندان ادامه می باید. آنها زندگی کمونی را در زندانها

بهم زده سعی میکنند حس همکاری و زندگی انسانی را از بین برده و بجایش روحیه فردگرایی و علاقه مالکیت خصوصی را در آنها پرورش بدهند. عم اکنون پول و تمام اشیاء و لباسهای زندانیان را از آنها گرفته و فقط مقدار کمی پول به آنها داده اند که حسابش را هم دارند. در صورتیکه مبارزی حتی یکریال از پولش را به رفیقش بدهد او را شکنجه میکنند. باین ترتیب هرکس بایستد لباس خود، کفش خود و خود را داشته باشد. دشمن برای تکمیل طرح فاشیستی خود زندانیان قدیمی زندانیان جدید را جدا از هم نگه میدارد و هرگونه تماس گرفتن آنها بایکدیگر مستلزم قبول خطراتی برای آنهاست.

این اعمال جنایتکارانه رژیم فاشیستی شاه که شاید در هیچ رژیم فاشیستی دیگر سابقه نداشته باشد، پیش از هر چیزی نشاندهنده عجز و ناتوانی دشمن در مقابله با چریکهاست.

رژیم می خواهد با منتهای خشونت و سدن رعایت هیچگونه موازینی، زندانیان را تحت فشار قرار بدهد که شاید موجب ارباب آنها شده و از امر مبارزه روگردان شان سازد. ولی شصتهی اینگونه رفتارهای دشمنانه، دشمن آنچنانکه عملاً دیده میشود اینست که مبارزین هر چه بیشتر آبدیده شده و مصمانه و با قاطعیت بیشتری به مبارزه در راه آزادی خلق ادامه بدهند.

بدی قرار داد و مشکلات فراوانی برایشان بوجود آورد. بطوریکه هم اکنون همسوی زندانیان از نظر جسمی بسیار ضعیف شده و اغلب به امراض معده و کلیه دچار شده‌اند.

برای اولین بار بعد از یکسال اجازه ملاقات با خانواده بآنها دادند که اینک بشرح مختصر چگونگی این ملاقات‌میردازیم. چند صد متر مانده به زندان تابلوئی که ساعات ملاقات زندانیان سیاسی روی آن نوشته شده دیده میشود. در اینجا باید ساعتها منتظر ماند تا مزدوران اجازه ورود بدهند. بعد از رسیدن به در بزرگ زندان باز باید مدتها انتظار کشید و بعد از تحمل حودنمائی هاورالت و زورگویی افسران که گاه به اعتراض شدید خانواده‌ها منجر میگردد و بعد از صورت برداری مزدوران از اسامی و گرفتن شناسنامه و پرسیدن آدرس و بازرسی کردن بسته حوراکی‌ها و ابرهائی از این قبیل بعدت ۱۰ - ۱۵ دقیقه اجازه ملاقات داده میشود. و تازه این ملاقات با محدودیت فراوان صورت می‌گیرد. پاسبانها یا بیشرمی تمام گوشه‌هایشان را نیز کرده و مواظب حرف زندانها هستند و کوچکترین حرکات را از نظر میگردانند. بلندگویی نیز در حیات گذاشته‌اند که با لحسن تحقیق آمیزی مدام از پاسبانها میخواهد که حرف زندانهای خانواده‌ها را بیشتر کنترل

اکثون اکثریت بانفان زندانیان سیاسی به مشی مبارزه مسلحانه اعتقاد راسخ دارند. حتی مبارزینی که به خاطر تجمع‌های ساده گروهی و فعالیت‌های محدود سیاسی دستگیر میشوند، در زندان‌های شاه، در برخورد با واقعیت ملموس رژیم به عدم امکان حفظ گروهها و سازمان‌ها در پناه صرف اصول پنهانکاری پی میبرند و به حقانیت مبارزه مسلحانه ایمان می‌آورند.

در زندان عادل آباد شیراز

زندان شیراز ۱۴۰۰ نفر زندانسی سیاسی دارد که آنها را در سال ۱۳۵۱ به علت افزایش تعداد زندانیان سیاسی تهران به آنجا منتقل کردند و اغلب آنها زندانیان با محکومیت حبس‌ابد و یا ۱۰ سال به بالا هستند.

پس از شورش اواخر فروردین سال ۵۲ در این زندان کزندانان سیاسی بزد و خورد با افسران و پاسبانان زندان پرداخته و عده‌ای را شدیداً زخمی نمودند و نیز چند ساعت زندان را از کنترل مامورین خارج کرده و تحت اختیار خود گرفتند - که این موضوع باعث محاصره کردن زندان از جانب نیروهای انتظامی شهر گردید - دشمن زندانیان سیاسی این زندان را بعد از شکجه‌های فراوان در وضع زیستنی

بکنند . ملاقات از پشت میله‌هایی بغاصسه‌ی یکفتر صورت می‌گیرد . بعلت شلوفی و سر و صدای فراوان صحبت کردن مشکل است . ملاقاتی ها بجز مقدار کمی مواد غذایی اجازه ندارند چیز دیگری برای زندانیان ببرند رفتار زشت مامورین زندان با خانواده‌ها نفرت آنها رابه رژیم هر چه بیشتر می‌کند و آنها به فرزندانشان افتخار میکنند که برای از بین بردن ریشه چه بی عدالتی هاوچه پستی هائی مبارزه میکنند . زندانیان مبارز نیز با استقامت و روحیه رزمندگی خود حمایت معنوی خانواده ها را به مبارزه جلب میکنند . آنها بانسان دادن همبستگی خود در داخل زندان سعی میکنند این روحیه را نیز در آنها تقویت نمایند ، اغلب موقع آمدن به ملاقات افراد مسن مثلا پدر رزمندگان شهید رفقا سعود و مجید احمد زاده در جلو قرار میگیرند و زندانیان احترام وعلاقه خاص خود رابه پدر وفادارترین فرزندان خلق ابراز میدارند . آمدن خانواده‌های زندانیان از نقاط مختلف ایران و جمع شدن آنها بدور هم که هر کدام دارای کم و بیش اطلاعاتی از جنبش هستند در بالا بردن آگاهی سیاسیشان بسیار موثر است .

در روز آخر ملاقات اعلان شد که خانواده ها باید وسایل فرزندانشان را تحویل بگیرند . این وسایل در جریان شورش فروردین ۵۲ از زندانیان گرفته شده بود . مامورین زندان مقداری از وسایل را بعنوان پاداش بخاطر سرکوب شورشیان بین خود تقسیم کرده بودند و حال موقع تحویل دادن وسایل بجز مقداری لباس و ظروف جیب دیگری نمانده بود .

موقعیکه مزدوران از خانواده ها خواستند این وسایل را تحویل گرفته و دفتر رسید را امضا نمایند ، خانواده‌ها از قول فرزندانشان گفتند که شما در جریان شورش فقط ۲۴ هزار تومان کسب از آنها ضبط کرده‌اید و بایست ترتیب از گرفتن امتناع کردند . ولی سلطه استبداد و فاشیسم گسترده تر از آن است که باین اعتراضات وقعی بگذارد ، افسران جلوی چشم خانواده ها با بیشرمی تمام ، دفتر رسید را به جای آنها امضا کردند و وسایل را بیرون بیرون پرت نمودند . و حال به اختیار خود خانواده ها بود که آن اسبابها را بردارند یا نه

به پنج شهید آرمان خلیق

سحر سحر یورد و موزدان
 قارائلیق گنجه قاچمایش
 هله گونش قیزیل ساجین
 اوجاد اغلاردا اچمایش
 بیش قهرمان، یاد اقلان
 تا پیشیریلدی جلالا را
 مین لر تمیز سئون قلبه
 ویردی جلالدرین ییارا
 تازا قانلار قورومایش
 گننه توکدی قان بورد
 بوجود ایستی قیزیل قانلار
 بزه ک وئریر بیزیم یوردا
 قانماز طوفان بيله بیلیمز
 بهارا، لاله فصلینده
 بیروگل چمن دن سولدورسا
 مین لر تازا، لاله لر آچار
 سونسوز دشمن، نجه قانسین؟
 ائلر آزاد لیق یولوندا
 بیر قهرمان شهید اولسا
 مین اورهک دن قورخو قاچار

بامدادان بهنگامی که هنوز
 شب تیره از دیارمان نگرخته بود
 و هنوز خورشید گیسوان زربش را
 در کوهساران بلند نگشوده بود
 پنج قهرمانیکه جاودانه بیادها میمانند
 به جلالان سپرده شدند
 هزاران قلب عاشق و پاک را
 جلال زخم عمیقی زد
 هنوز خونهای تازه ریخته، خشکیده بود
 که باز هم خون ناخق ریخته شد
 خونهای بدینسان گرم و سرخ
 سرزمین ما را زینت می بخشند
 طوفان بنادانی در نو، یابد که
 در بهاران هنگام شکفتن لاله
 اگر یک گل در چمن بیژمرد
 هزاران لاله، نو می شکفتند
 دشمن بی فرجام، چگونه در یابد؟
 براه توده ها، و براه آزادی
 هرآینه قهرمانی شهید شود
 از هزاران دل هراس میگریزد

تحلیلی از اعتصاب ارگران کارخانجات کفش‌ساز ملی

چه بیشتر رفقا و سایر نیروهای مترقی انقلابی را با عناصر درونی یکی از اشکال مبارزاتی پرولتاریا که همانا مبارزه اقتصادی است فراهم نماید. ضمناً قسمت کوتاهی از کتاب "چماید کرد" رفیق لنین که در سال ۱۹۰۳ نوشته شده در زیر آورده میشوند این قسمت درباره مبارزات خود بخودی پرولتاریای روس و وظیفه آنها پیشاهنگ در قبال آنها نوشته شده است.

از مبارزات پرولتاریا بیاموزیم و آموخته
 هایمان را در جهت رشد و گسترش افزونتر
 این مبارزه بکار بندیم .
 "نبرد خلق"

* * * *

آغاز غلیان جنبش خود بخودی

در فصل پیش ما شیفتگی همگانی جوانان تحصیل کرده روس را در نیمه سالهای نبود به تئوری مارکسیسم متذکر شدیم . مقارن عمان زمان اعتصابات کارگری بعد از جنگ معسروف صنعتی سال ۱۸۹۶ نیز که در پتربورگ رویداد همین جنبه همگانی را بخود گرفته بود . شیوع این اعتصابات در تمام روسیه گواه آشکاری بود بر عمق جنبش توده‌ای که مجدداً رو بطنمیان می‌نهاد و اگر بخوایم درباره "عنصر خود بخودی" سخن گوئیم البته قبل از همه باید همین جنبش اعتصابی را جنبش خود بخودی دانست . لیکن حرکات خود بخودی با هم فرق دارند . در سالهای هفتاد و در سالهای شصت (و حتی در نیمه اول سده ۱۹) هم در روسیه اعتصابات روی داده که تخریب "خود بخودی" ماشینها و

غیره راهمراه داشت . اعتصابات سالهای نود را نسبت باین " عصیان ها " حتی میتوان " آگاهانه " نامید . گاهی که جنبش کارگری طی این مدت بجلو برداشته تا ایندرجه عظیم است . این امر بمانند نشان می دهد که " عنصر خود بخودی " در واقع همان جنبشی آگاهی است . عصیانهای ابتدائی هم در اینموقع دیگر تا اندازه ای مظهر بیدار شدن روح آگاهی بود :

کارگران ایمان دیرین را به خلل ناپذیر بودن انتظاماتی که آنها را تحت فشار قرار میداد از دست میدادند و رفته رفته لزوم مقاومت دسته جمعی را نمی خواهم بگویم درک میکردند ولی حس میکردند و جدا از فرمانبرداری غلامانه در مقابل رؤسا سرپیچی مینمودند . ولی مع الوصف این بهراتب بیشتر جنبه ابراز یاس و انتقام داشت تا مبارزه . اعتصابات سالهای نود تظاهرات آگاهی را بهراتب بیشتر نشان میدهند : در این دوره تقاضاهای مشخص پیش کشیده میشود ، از پین لحظه مناسب در نظر گرفته میشود ، وقایع و نمونه های ، معروف جاهای دیگر مورد شور قرار میگیرد و غیره و غیره ، هرگاه عصیانها صرفا قیام مردم مستکش بود ، در عوض اعتصابات متوالی نطفه های مبارزه طبقاتی بودند ولی فقط نطفه های آن . این اعتصابات بخودی خود غمخوار مبارزه سوسیال دمکراتیک نبود ، بلکه مبارزه تریونیونی بود ، این علامت بیدار شدن خصومت آشتی ناپذیر کارگران و کارفرمایان بود ، اما کارگران در آنموقع به تضاد آشتی ناپذیری که بین منافع آنان و تمام رژیم سیاسی و اجتماعی معاصر موجود است آگاهی نداشتند و نمیتوانستند داشته باشند ، بعبارت دیگر آنها آگاهی سوسیال دمکراتیک نداشتند . از این لحاظ اعتصابات سالهای نود ، با وجود اینکه نسبت به " عصیانها " پیشرفت بزرگی محسوب می شود معینا باز دارای همان جنبه تماما خود بخودی بود .

ما گفتیم که آگاهی سوسیال دمکراتیک در کارگران اصولا نمیتوانست وجود داشته باشد . این آگاهی را فقط از خارج ممکن بود وارد کرد . تاریخ تمام کشورها گواهی میدهد که طبقه کارگر با قوای خود منحصرا میتواند آگاهی تریونیونیستی حاصل نماید یعنی اعتقاد حاصل کند که باید تشکیل اتحادیه بدهد ، و با کارفرمایان مبارزه کند و دولت را مجبور بصدور قوانینی نماید که برای کارگران لازمست و غیره .

تریونیونیسم چنانکه بعضی ها گمان میکنند ، بهیچوجه ناسخ و نافی هرگونه

عمرگونه سر فرود آوردن در مقابل جنبشی خود بخودی کارگری، عمرگونه کوچک کردن نقش "عصر آناه" یعنی نقش سوسیال دموکراسی، در عین حال معنای اعم از اینکه کریک کنند، به بخواهد یا نخواهد، تقویت نفوذ ایدئولوژی پرروازی در کارگران است . . .

ممکن است خواننده بپرسد که چرا نهضت خود بخودی و نهضت از راه کمتسیرین مقاومت، همانا بسوی سیادت ایدئولوژی پرروازی می رود؟ باین علت ساده که تاریخ پیدایش ایدئولوژی پرروازی بمراتب قدیمیتر از ایدئولوژی سوسیالیستی است و بطور جامع تری تنظیم گردیده است و برای انتشار خود دارای وسایل بمراتب بیشتری است * . بنابراین هر قدر نهضت سوسیالیستی در کشوری جوانتر باشد، همانقدر هم مبارزه با تصام تشبثاتی که برای تحکیم ایدئولوژی غیر سوسیالیستی میشود باید شدیدتر باشد .

* * *

"گروه صنعتی ملی" که محل کارخانه هایش در کیلومتر ۱۸ جاده "قدیم کرج به" پارک گروه صنعتی ملی "معروف است، یک واحد	بزرگ، صنعتی میباشد که متعلق به ایروانسی است . این مجتمع از نارخانه های متعدد دی مثل : استاندارد "گالوس" تاف "اتافوکسو"
---	--

بقیه از صفحه مقابل :

"سیاست" نیست . تردیون ها همیشه تا درجه معینی تبلیغات سیاسی و مبارزه سیاسی (لیکن نه مبارزه سوسیال دموکراتیک) نمود هاند .

* اغلب میگویند طبقه کارگر بطور خود بخودی بسوی سوسیالیسم می رود . این نکته از این لحاظ که تئوری سوسیالیستی علل سه روزه طبقه کارگر را از همه عمیق تر و صحیح تر تعیین مینماید کاملا حقیقت دارد و به همین جهت هم هست که اگر خود این تئوری در مقابل جریان خود بخودی سر تسلیم فرود نیآورد، اگر این تئوری جریان خود بخودی را تابع خویش گرداند، کارگران بسهولت آنرا فرا میگیرند . معمولا مفهوم این نکته در خود نه مستتر است و لیس "رابوحیه دلو" اتفاقا این مفهوم مستتر را فراموش و تحریف میکند طبقه کارگر بطور خود بخودی بسوی سوسیالیسم می رود ولی مع الوصف ایدئولوژی پرروازی که بیشتر از همه متداول شده است (و دائما در اشکال بسیار گوناگون تجدید زندگی مینماید) خود بخود بطور روزافزونی بکارگران تحمیل می شود .

الفانتن شوچه (کوستا و هافمن) . . . تشکیل شده که مستقل از یکدیگرند . بعد از اغتصاب اخیر نیز با شرکت یک سرمایه دار آلمانی کارخانه جدیدی بنام "گابور" که کفن های زنانه تولید میکند ، به گروه افزود و شد هاست که در نریل شرح مختصری از این کارخانه ، جدید التاسیس میاید:

در کارخانه "گابور" تولید عمدتاً بوسیله های ماشینهای صورت میگیرد که از تکنیک پیشرفته ای برخوردارند (ولی در وقت روی کفش و چسباندن بعضی قسمتها با دست انجام میگیرد) . اکثر مواد اولیه ، لازم برای تولید از داخل نامین میشود ، جز موادی از قبیل چسب و نخ دستدوزی ، کارخانه مزبور چرم مورد نیاز خود را از کارخانه ای چرم سازی که ایروانسی در رودبار ایجاد نمود هاست تامین می کند ، علاوه بر این در پارک گروه صنعتی ملی هم کارخانه " حرم سازی دیگری بنام آن رایجان وجود دارد .

کارخانه شامل ۴ بخش است : ۱ - برش ۲ - خیاطی ۳ - کارکنی ۴ - بسته بندی ، در بخش برش رویه و آستر کفن بریده میشود در خیاطی رویه و آستر دوخته و بهم وصل شده و آماده برای چسباندن تخت در کارکنی میشود کفن آماده شده برای عرضه به بازار به بخش بسته بندی میرود . محصول تولید شده علاوه بر عرضه در بازارهای داخلی به کشورهای شوروی ، رومانی ، چکسلواکی و ترکیه نیز صادر میشود .

روش تولید زنجیری است بدین معنی که

هر قسمت از کارکنان و ابزارهای تشکیل شده که با برقی کار میکنند و کارگر کارش را بعد از اتمام بروی آن میگذارد تا به کارگر بعدی انتقال یابد . در این سیستم اگر کارگری در انجام کارش لحظه ای غفلت کند ، کل تولید در آن بخش در حصار بی نظمی میگردد . از آنجا که کارگران محبوسند در هنگام درخت روی کار خرم بشوند اغلب به کمر درد و پشت درد مبتلا هستند البته برای تکمیل دکوراسیون چهارپایه های پشتی داری هم در کارگاهها تعبیه کرده اند ولی کاربرد آنها و فورمن ها به طور جدی از تکیه دادن کارگران به آنها جلوگیری می کنند سردرد مداوم نیز از بیماری های رایج در کارخانه است .

هرم قدرت در کارخانجات مزبور بترتیب زیر است :

سرمایه دار ، مدیر عامل ، مدیر مسئول ، فورمن ، کارپرداز ، کارگر .

تضاد اصلی و آشتی ناپذیر در کارخانه تضاد کارگر و سرمایه دار است ، اما تضاد کارگر با کارپرداز و فورمن تضاد عمده و روزمره میباشد . موضع کارپردازان به علت کسار و وظیفه ای که دارند غیر پرولتری است و آدمهای نوکر صفت و ترسو و محافظه کاری هستند ، ولی بقول خودشان آنها هم تحقیر میشوند و ادواتال فورمن را تحمل میکنند اما بمنظور اجرایی تمام و کمال برنامه کار ، ناچارند برعلیه کارگر عمل کنند . به همین جهت کارگران آنها را از خودشان نمیدانند .

بهنگام استخدام . اریال با هم تفاوت دارد
 زنان ۱۰ اریال و مردان ۲۰ اریال ، که ۱۰
 ریال آن برای نهار کسر میشود . مزد کارگران
 بیسواد ۱۰ ریال کمتر از مزد کارگران باسواد
 است . در ضمن هر ۱۵ روز کار بدون غیبت
 پانزده تومان پاداش دارد و از آنجا که
 یکروز غیبت برابر است با از دست دادن پانزده
 تومان فوق کارگران حتی اگر مریض هم باشند
 سعی میکنند سرکار حاضر شوند . با ایس
 حیلۀ کارفرما اجرای به موقع برنامه های تولیدی
 خود را تضمین می کند .

ساعت کار از $7\frac{1}{4}$ تا $16\frac{1}{4}$ میباشد که
 جمعا ۹ ساعت میشود . از این ۹ ساعت
 $2\frac{1}{4}$ ساعت برای صرف نهار و $1\frac{1}{4}$ ساعت برای صرف
 صبحانه وقت میدهند . ۸ ساعت باقی مانده
 مدت زمان کار تولیدی روزانه است . در این
 مدت کارگر حق ندارد حتی ۵ دقیقه آنسرا
 تلف کند زیرا بنا به ادعای کارپردازان ۵
 دقیقه میتوان حداقل یک رویه با دست و یا
 ۴ رویه با ماشین دوخت . در مواقعی که کار
 زیاد باشد (مثلا ایام عید نوروز) ، یا کارها
 عقب افتاده باشند و یا تعطیلاتی در پیش باشد
 اضافه کاری اجباری پیش می آید که حتی اگر
 لازم باشد کارگر را با توکل به زور در کارخانه
 نگه میدارند . حقوق اضافه کاری تقریبا مطابق
 حقوق روزانه است با ۳ تا ۴ ریال بیشتر در
 ساعت . در ضمن در مواقعی که کارگری برنامه
 کارش را در مدت مقرر تمام نکرده باشد او را

تضاد روزمره دیگر تضاد بین خود کارگران
 است که البته کارفرما نیز بمنظور جلوگیری از بیو
 سنگی و اتحاد کارگران با اعمال تاکتیکهای
 موزانه به تشدید آن کمک میکند .

برخی از تاکتیکهای فوق بشرح زیر است
 ۱ . جریمه همگانی هر بار که کاری خراب
 شود (مثلا یک جفت کفش) همه کارگران آن
 بخش را جریمه میکنند تا کارگران بخش مرسوم
 حداقل برای مدت کوتاهی از کارگری که کار را
 خراب کرده است ناراحت شوند .

۲ . بخدمت در آوردن عناصر متزلزل :
 کارفرما با بخدمت در آوردن کارگران مستعد
 جاسوسی (از طریق دادن اضافه حقوق و ..)
 فضای کارخانه را پلیسی ساخته ، بی اعتمادی
 کارگران را نسبت بهم موجب میشود . همچنین
 به کارگران مطیع و خوش خدمت اضافه حقوقهای
 نقدی و جنسی می دهد .

۳ . استقلال کارخانه ها : هر کارخانه
 سرویس و کادر اداری مستقل دارد و این امر
 ارتباط گیری کارگران کارخانه های گروه را بسا
 یکدیگر دچار اشکال میسازد .

۴ . پراکنده ساختن کارگران قدیمی : کار
 فرما تا آنجا که به برنامه های تولیدی کارخانه
 ضرر نرزد کارگران قدیمی و آگاه را از کارگوان
 جدید جدا می کند .

کارخانه دارای کارگران زن و مرد است که
 سن مردان بین ۲۰ تا ۴۰ و سن زنان بین
 ۱۴ تا ۴۰ میباشد . مزد کارگران ساده زن و مرد

شرح اعتصاب از زبان یکی از کارگران کارخانه

برای خیرگیری از جریان اعتصاب کارخانه کفش ملی به خانه زهرا رتم . زهرا کارگر بسیار جوانی است با دوسه سال سابقه کار در کارخانه کفش ملی که با مادرش در خانه ی بدون آب و برق و با حیاطی خاکی زندگی میکند . از روستا آمده ، شاد . پیشرا از دست داده ، اما ساده بینی های روستائی خود را حفظ کرده است . کار طاقت فرسا در کارخانه و سوء تغذیه رخوت محسوسی در او ایجاد نموده است . تا آنجا که من دیدم بودم عصرها که از کارخانه باز میگشت غذایی می خورد و از شدت گوفتگی با همان بلسوز و شلوار و جوراب می خوابید . صبحها هم مادرش زحمت شانه کردن موهایش را میکشید . بسا شناختی که از زهرا داشتم او را همچنان کارگر نا آگاهی می پنداشتم که هنوز فکر میکند :

" ایروانی (صاحب کارخانه) انسان نیکو کار است که لطف کرده و کارخانه ای براه انداخته تا عده های بتوانند از برکت وجود او نان بخورند و علاوه بر این سر سال نیز با اهدای یک جفت کفش ملی ، یک پتوی ۲۵ تومانی ، یک کیلو روغن ، ۵ کیلو برنج ، یک کیلو قند و شکر و یک بسته چای (بعنوان سهم کارگر از سود

مجبور به اضافه کاری مجانی می سازند . بعد از اعتصاب اخیر قرار شد که هر ساله حقوق دو ماه را بابت سود ویژه بکارگران بپردازند که البته این قرار هنوز بعورد اجرا نشده است .

بطور کلی آگاهی کارگران در امور تولیدی کارخانه نسبتا بالا است و کم و بیش قادر به تحلیل برنامه های استثماری کارخانه میباشند . در زمینه امور سیاسی آگاهی اندکی دارند که بعلت شرایط پلیسی کارخانه حتی الامکان آنرا بروز نمیدهند .

بگفته خود کارگران تمام زندگی آنها در کارخانه میگردد و از زندگیشان هیچ چیز جز کار طاقت فرسا نمی فهمند و تفریحی ندارند جز دیدن فیلمهای فارسی و تماشای برنامه های منحن تلویزیون از قبیل مراد برقی ، روزهای زندگی در قهوهخانه ها و صحبت های وقت استراحتشان در کارخانه نیز بندرت از این مسائل فراتر می رود . عده ای از کارگران دختر مشتری پرویا قرص رنگین نامه های هفتگی از قبیل جوانان . . . میباشند . خواست هایی که در رابطه با کار برایشان مطرح است خواسته های ابتدایی اقتصادی است مثلا خواهان آنند که دستمزدها اضافه شود و اضافه کاری اجباری لغو گردد . آنچه که بیش از همه خشم کارگران را برمی انگیزاند جرم های بی مورد و اضافه کاری اجباری است .

کارخانه احسان بیکرانشر را نثار کارگران می سازد".

بخانه شان رسیدم، طبق معمول در بساط حیاط باز بود. زهرا و مادرش در آستانه در اطاقشان نشسته بودند. یا دیدن من به استقبال آمدند. زهرا نسبتاً سر حال بود و آثار کتری از بی رمقی سابق را بسا خود داشت. از کارش جويا شدم، با شور و شغف شروع به تعریف کرد، گوئی مدت است منتظر چنین لحظه‌ای بوده است:

"ما اعتصاب کردیم که حق، مونو بگیریم ولی مارو زدن، ژاندارم اوند کارگزارو بگردن سازمان... اسمنو نمیدونم، یادم نیست. گفتم "سازمان امنیت!؟" مادر گفت. آره، سازمان امنیت. زهرا ادامه داد:

"ایروانی به ژاندارمها پول داده، میدونسی که هر چی بگی پول داره و معلومه که میتونه همه رو با پول بخره. اون حق مارو میخوره از کار ما استفاده میکنه و شروتمند میشه. اون وقت اگر بخوایم حرف بزنیم به ژاندارمها پول میده که مارو بزنند. همون پولهای رو که از خودمون گرفته میده. من اول خیال میکردم پتوئی رو که سال به سال بجا میده از جیبش میخوره، حالا می فهم که از خودمون میگیره، از پول ما میخوره."

زهرا تند و تند حرف میزد و جریان شروع اعتصاب و ادامه آنرا تعریف میکرد. گاهی که از شدت هیجان نفسش میگرفت مادر بسا

ککس میشتافت و تکه‌هایی از جریان‌ات را که از زبان دخترش شنیده بود، بازگو میکرد. گاهی هم تفسیر و توضیح‌هایی از خودش اضافه میکرد: "همه کارمند او رئیسارو بیرون کرده بودن" زهرا ادامه داد:

کارخونه مال ما شده بود. همه با هم مثل خواهر و برادر یکی شده بودیم. وقتی هم ژاندارمها با حمله کردن، ما هم همه شیشه‌ها و پنجره‌ها رو خورد کردیم."

تو هم شیشه شکستی زهرا؟

"آره منم می شکستم. یکی از ژاندارمها با ته تفنگ زد تو سرم که هنوز سرم گیج میخوره، مادر که با غرور به دخترش نگاه میکرد، دنباله کلام را گرفت که:

"آخه ۲۴۰ تومن هم شد حقوق، ما فقط ۱۱۰ تومن اجاره، این تک اطاق رو می‌دیم. می‌بینی که نه آب داره و نه برق. ۱۳۰ تومن میمونه باهاش چه کار می‌تونیم بکنیم، قند گرون، شکر گرون، روغن گرون... داداشم میگفت پلاسکوئیها که اعتصاب کرده بودند، حقوقشون زیاد شده. ما هم اگه اعتصاب رو ادامه بدیم، دولت مجبور میشه کارخونمو از ایروانی بگیره دولتی کنه، اونوقت حقوق، ما هم اضافه میشه. اما این ایروانی که نمیداره حرفامون بگوش دولت برسه. اگر دولت بفهمه که ما فقط حقوقمون می‌خوایم حتما ایروانی رو مجبور میکنه بعهده." شروع کردم به توضیح اینکه شاه همه چی

و عریال شد ولی باز ندانم میدونی که این وضع من تنها نیست، همه کارگرها همین وضع رو دارن : توی لیست حقوقمون اضافه همیشه ولی موقعیکه پول میگیریم نه تنها زیاد نشده ، تازه اگر جریمه هم بهمون خورده باشه کم هم شده . قند و شکر و روغن و همه چیز رو روز گرونتر میشه ، اونوقت صنایع شاهی هم که قراره بهمون اضافه بدن فقط توی لیست حقوق نوشته میشه . خلاصه ۱۰ روز موقع نهار پیچ و پیچ کار نکردن " توی کارگرها شروع شد و قرار شد عکسهای شاه و فرح و ولیعهد رابیا رسم واز فرد اصحن کار نکنیم تا اونجیکه اضافه حقوقها مون بدن

فرداش در حالیکه داد می زدیم: " جاوید شاه ، جاوید شاه " * * دست از کار کشیدیم بعضی از کارگرها خیلی عصبانی بودند ؛ با چاقو دنبال رئیسها میدویدن و اونها باترس و لرز فرار میکردند . این رئیسها با اینکه ۷ - ۸ هزار تومن حقوق میگیرن باز سیر نمیشن و باهزار روز و کلک از حقوق ما هم میدزدند .

خلاصه چند روز گذشت تا اینکه یک روز ، زاندر ما آمدند . همشون تفنگ داشتند . ما باهاشون شوخی میکردیم ، میگفتیم: " آخه شما دیگه چرا اومدین؟ ما که فقط اضافه حقوقها رو

را میداند . با همان سرعت که به صحت گفته هایم بی میبردند ، شور و هیجان هم از چهره اشان محو میشد و جایشرا اندوه میگرفت . مادر با حسرت و افسوس سر تکان میداد : " آره شاه میدونه ، چطور شاه نمیدونه که همه چیز اینقدر گرون شده . قند ، شکر ، روغن . . . همه چیز گرون ولی حقوق کارگر زیاده نشده . باید وقتی گرونی شد حقوق کارگرارو هم اضافه کنن دیگه . بعله شاه هم میدونه " زهرا خیلی دماغ شده بود گوئی دیگر نه حال تعریف کردن داشت و نه حال شنیدن توضیحات من را .

اصلا دیگه از این کارخونه دل چرکیسن شدم . میام بیرون میرم کفش بیلا برای آقای عمیدی کار میکنم . دیگه نمیخوام برا ایروا . نی کار کنم ."

برای اینکه با جریانات درونی اعتصاب مزبور بیشتر آشنا شویم ، بهتر است شرح اعتصاب را از زبان خود زهرا بشنویم : * " از سال ۵۰ ه بدستور شاه قرار شد که حقوق کارگرا زیاد شود . سال اول یعنی سال ۱۳۵۱ ریال بمحقوقم اضافه شد و لسی فقط در لیست حقوق ، چون همون ۸ تومن رابهم میدادند . اصلا حقوق تطبیق لیستد نتمون

* زهرا جریان اعتصاب را بسیار پراکنده و نامنظم تعریف میکرد . اما از آنجایی که نقل این شرح مقشون موجب تشتت فکری خواننده میشود ، لازم دیدیم همراه با تغییرات اندکی در عبارات ، آنها را منظم نمائیم .

مون رومیخوایم . ژاندارمها هم میگفتند :
 ما هم باشما کاری نداریم . فقط اومدیم اینجا
 که نظم بهم نخور . " ایروانی بهمون قول
 داد که تا بیست وینجم خرد ا اضافه حقوقها
 رویده . ما هم که میدونستیم دروغ میگه برای
 اینکه بهانه دستنندیم قرار گذاشتیم نقد
 سرکار برگردیم تا ببینیم بعد چی میشه .
 بیست وینجم خرد ا هم گذشت و از
 دادن اضافه حقوق ها خبری نشد ، کارگرها
 دیگه خیلی عصبانی شده بودند . بازعکس -
 هارو تودست گرفتیم و دست از کار کشیدیم
 و مرتباً می گفتیم : " جاوید شاه ، جاوید شاه " .
 بعد ، عده ای میگفتن مثلاً : " پارسا *
 بیرون ، بیرون ، بیرون " ، دیگه همه مون می -
 رفتیم سراغ پارسا و تا از کارخونه بیرونش نمی -
 انداختیم ولش نمیکردیم . تقریباً همه رئیس -
 هارو بیرون کردیم . مثل برکت ، عتیقه چی
 ، گنج دانش ، همه رو ، رئیسائی که قبلاً برو -
 بیائی داشتند ، حالا مثل سگ از ما میترسید
 و هی میگفتن چشم ، چشم و هی میدویدند .
 دیگه کارخونه مال مانده بود ، هرکس
 که خلاف حرف همه کاری میکرد تنبیه
 میشد . مثلاً آشیز کلک مفصلی خورد چون

توی آشیزخانه داشت کار میکرد . بعد از این
 که خوب کلک خورد اونو توی کارتن گذاشتند
 و به وسط خیابون پرتابش کردند . راستی
 راستی کارخونه مال ما شده بود . حتی شبها
 بعضی از کارگرها خونه نمی رفتند و اونجا
 توی کارخونه میخوندند .

برای اینکه کارخونه های کفش ملی تسوی
 رشت و بندر پهلوی از اعتصابون با خبر
 بشوند ، به آنها تلگراف زدیم . عصرها هم
 که با سرویس از جاده کرج میگذشتیم اد میزدیم :
 " جاوید شاه ، جاوید شاه " تا کارگرهای
 کارخونه ها بفهمند که ما اعتصاب کرده ایم و
 قوت قلب بگیرند . این کارمون خیلی خوب
 بود ، چون چند روز بعدش کارگرهای کفش بلا
 و شیر پاستوریزه و ارج هم دست از کار کشیدند .
 پنج شش روز بود که کار نمیکردیم ، هر -
 روز که میگذشت عصبانی تر میشدیم ، طوریکه
 چندتا از مرد ها تصمیم گرفته بودند کسه
 ایروانی رو ببینند شقه شققاش کنند و ماشینشو
 آتیش بزنند . ایروانی هم که از ترس جانانش
 کارخونه نمی آمد پیغامی برایمان فرستاد که " شما
 ها دختر و پسرای من هستید ، اگر بسرکار
 برگردید من هم قول میدهم حقوق هارا اضافه

* پارسا یکی از ایادی مزدور کارفرماست .

* در کلیه اعتصابات چند سال اخیر کارگران اعتصاب را با فریاد های " جاوید شاه ، جاوید شاه " شروع میکنند . این امر از شدت خفتان حکومت فاشیستی محمد رضا شاه سرچشمه میگیرد . کارگران در واقع می خواهند با اعلام غیرسیاسی بودن اعتصاب از سرکوب سریع آن جلوگیری کنند .

کم". ما که دست ایروانی را خوانده بودیم این دفعه دیگر گولش رو نخوردیم و داد می‌زدیم: "دروغه دروغه". ایروانی بسه زنش متوسل شد و او را فرستاد. اما او هم نتیجه‌ای نگرفت و رفت. او خیال می‌کرد که ما از زنش رو دروایی داریم و اگر زنش، ازمون خواهش کنه سر کار برگردیم، اما هم قبول می‌کنیم.

به وزارت کار هم شکایت کردیم ولی خبری نشد. از حال و حوصله افتاده بودیم. آخه صبح تا عصر بیکار و سرگردان این طرف و آن طرف می‌رفتیم. مردها برای رفع خستگی با "جاوید شاه" و "جاوید شاه" و "زنده و جاوید باد سلطنت پهلوی" بشکن می‌زدند و می‌رقصیدند. یکبار یک دختر کارپرد از داد زد "چاپید شاه چاپید شاه". ما زود اونو ساکت کردیم چون باعث می‌شد که دولت خیال کند ما اخلاک‌ر هستیم و زاندارمه‌ها بریزن سرمون. دیگر خیلی بیحوصله شده بودیم. هرروز وقتی می‌خواستیم از یک قسمت بریم به یک قسمت دیگه، زاندارمه‌ها نگذاشتن زد و خورد شد. آنها چون تفنگ و سر نیزه داشتند ما رو خیلی زدند اما ما هم هر چی پنجره و شکستی، سر راهمون بود خورد کردیم. از ما خیلی‌ها زخمی شدند که دسته دسته می‌فرستادنشون بیماستان. یک زاندارم هم با ته تفنگ بسر من زد که هنوز سرم گیج می‌خوره. فرداش از هر قسمت

۳۰۱۲۰ نفر نیامدند. مردها میگفتند: اون‌ها رو برده‌اند سازمان امنیت". نزدیک به ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر رو برده بودند، همشون رو با شلاق سیعی زده بودند. از کارخونه هم اخراجش کردند. شبیه که دوباره کار شروع شد، چندتا از کارگرها کار را شروع نکردند و هنوز تو اعتصاب بودند. اون‌ها عصبانی و ناراحت گوشه حیات ایستاده بودند. کاربرد ازها و فورمن‌ها ما رو به طرف کارگاهها هل می‌دادند. ما همه‌مون دمخ بودیم و اصلا نمی‌توانستیم دل به کار ببندیم. من هم زیاد کارگرهای اخراجی بودیم. می‌خواستم به طرف چند تا کارگری که هنوز اعتصاب رو ادامه داده بودند بدوم ولی کارپرد ازها جلویم را گرفتند. بغض گرفته بود دل‌م می‌خواست همه چیز رو بسوزونم دل‌م می‌خواست ست کارخونه رو آتیش‌بزنم.

* * * * *

یک هفته بعد دوباره به سراغ زهرا رفتم. زهرا خوشحال و سرحال بود تعطیلات سالانه کارخانه بزودی شروع می‌شد و زهرا قصد داشت با مادرش بسه مشهد برود. از جریان اعتصاب پرسیدم زهرا گفت: ایروانی حقوق‌هایمان را زیاد کرده. حال من که قبلاً ۸ تومان می‌گرفتم ۱۰۲ ریال

می گیرم و قرار شده که بابت اضافه حقوقهای عقب افتاده در مدت دو سال به کارگر روزی ۸ تومانی سابق ۱۶۰۵ تومان بدهند همین الان به من ۶۰۵ تومان داده اند و ۱۰۰۰ تومان بقیه انرا هم شهریور خواهند داد. پرسیدم این ۶۰۵ تومان را به همه داده اند؟ گفت نه به بیشتر کارگرها نداده اند. گفتم کارگران اخراجی را برگردانند؟ زهرا گفت نه و موقتاً آثار غم در چهره اش ظاهر شد ولی فوراً حالت عادی بخود گرفت و حرف را عوض کرد و گفت با این پول مادرم را می برم مشهد و شروع کرد به تعارف کردن نوشابه ای که به اصرار برای من خریده بود. من دوباره از اعتصاب و از ایروانی سؤال کردم چند سوال اول را سرسری جواب داد ولی بالاخره حوصله اش سر رفت و گفت "بابا تو هم همسفر از ایروانی حرف میزنی، گور بابای ایروانی بجای این حرفها کانادا بخور".

ایروانی باردیگر حيله دیگری به کار بسته بود. به عده کمی از کارگران ۶۰۵ تومان را داده بود و به این وسیله اتحاد آنها را برهم زده بود. زهراها هم چندان تقصیر نداشتند. بعلت فشار نندید اقتصادی و سالها محرومیت ۶۰۵ تومان برای آنها وسیله خوبی برای برآوردن آرزوهائی بود که تا بحال بنظرشان بسیار دور می رسید، ولی حالا با ۶۰۵ تومان می شد آرزوی مادرم را برآورده کرد. اگر وضع به منوال سابق می گذشت چه بسا

مادرم هرگز به آرزویش نمی رسید. از دست زهرا برای کارگران اخراجی چفکاری بر می آمد؟ کارگران یکبار دیگر سرکوب خشن و وحشیانه ارتش و پلیس شاه مزدور و تاجر به کرده بودند اگر هزاران دیگران می شنیدند و یسا فقط با چشمهای خود نظاره می کردند این بار تجربه مستقیم در این زمینه داشتند. زهرا از یادآوری رفقای کارگر اخراج شده غمگین می شد ولی فوراً خود شراتسکین میداد:

"مگه کار قحطی است، کارگیر می آورند. همین هسایه" ماسماعیل آقا توی يك خیاطی نو بازار کار پیدا کرده خیلی هم از اینجا بهتره. بعد هم گفت "آخه ما چکار میتونیم بکنیم؟" جریان از این قرار بود که کارگران کفش ملی بعد از سرکوب پلیسی اگر چه بسرکار خود برگشتند ولی عده ای از آنها به تهدید ایروانی و فورمن ها و سرپرست ها پرداختند مثلاً يك کارگر پیش فورمن رفته بود و گفته بود: "برو به ایروانی بگو اگر حق ما را ندهد وگرنه رگران اخراجی را برنگردانند کارخانه را به آتش می کشم و خودشان را هم می کشم". کارگر دیگری به یکی از فورمن ها گفته بود: "میدانی که ما از جان گذشته ایم و از هیچ چیز نمی ترسیم، برو به ارباب بگو اگر به درخواستهای ما رسیدگی نکنند در همین جا اول ترامی کشم بعد خودم را" فورمن ها و سرپرست ها که در جریان اعتصاب مرتباً تهدید به مرگ شده بودند از خشم کارگران می ترسیدند. اینها

شاه مشاهده کرد که بعد از سرکوب و حشیانه پلیسی باز هم کارگران جرات نشان دادن خشم خود را دارند دریافت آن هابسیار جان به لب رسیده تر از آن هستند که بتوانند با دستمزدهای سابق گذران کنند از اینرو قرار شد ایروانی اضافه دستمزدهای قرارداد شده در دو سال پیش را عیلا پرداخت کند. ایروانی به این ترتیب با پرداخت طلب عده‌ای از کارگران سروصداها را خوبانید و در غلگاران ۰۰۰ تومان بعدی را نیز پرداخت نکرد.

این یکی از حيله‌های سرمایه‌داران است که وقتی کارگران جمع و متشکل هستند به آنها وعده‌های دروغین می‌دهند ولی وقتی آنها را سرکوب و پراکنده کردند وعده‌های خود را فراموش می‌کنند. پس از شروع مجدد کارها نیز ایروانی با کارکنین بیرحمانه از کارگران تولید رابه دوسه برابر مقدار سابق افزایش داد. او که همه فعالین اعتصاب را اخراج کرده بود عده زیادی کارگر جدید استخدام کرد و کارگران تازه استخدام را به کلی از کارگران قدیمی جدا نمود. این پایان یک اعتصاب خود بخودی اقتصادی بود که سال گذشته خیر آن بعنوان یک اعتصاب پیروز پخش شد. در پایان یک اعتصاب پیروز وضع کارگران از این قرار بود: در حدود ۴۰۰ - ۳۰۰ نفر از فعالین اعتصاب از کارخانه اخراج شده بودند. عده زیادی به زندان شهرمانی رفته و شکنجه شده بودند و روبه‌رفته همه کارگران اعم از اخراج

گزارش خشم کارگران رابه ایروانی میدادند و ایروانی هم تهدید امنیت خود را و کارخانه رابه دولت گزارش می‌کرد. واقعیت این بود که ایروانی نمی‌توانست کارگران را با دستمزد سابق واداره کار کند. دولت شاه نیز دریافت بود که دستمزدی که ایروانی به کارکنان می‌دهد بسیار کمتر از قیمت نیروی کار در جامعه سرمایه‌داری است یعنی بسیار کمتر از پولی است که کارگران بتوانند با آن حداقل معاش خود و خانواده شان را تامین کنند و با بخور و نعیری زنده بمانند و نیروی کار تحویل جامعه دهند.

تجربه نشان داده است که دولت شاه تا آنجا که بتواند سعی می‌کند از پیروز شدن اعتصاب جلوگیری کند زیرا یک اعتصاب پیروز اثر بسیار مثبتی بر روی کارگران میگذارد و کارگران رابه نتایج مبارزه امیدوار میسازد. تنها در صورتیکه دستمزد کارگران به اندازه حداقل معاش نیز نباشد دولت شاه مجبوری گرد دستمزد ها را اضافه کند. در چنین مواردی دولت شاه که قبلا اعتصاب را سرکوب کرده است با مشاهده اینکه سرکوب خشن نیز نتوانسته است کارگران را آنچنان که باید به کار وادار کند، مجبوره دان حداقل درخواسته‌های کارگران میگرد یعنی علاوه بر امتیاز دادن سرکوب نیز می‌کند تا کارگران نتوانند از نتایج مثبت پیروزی بهره‌مند گردند و در کارخانه جات کفش ملی نیز وقتی دولت

شدگان و کارگرانی که ۶۰۰ تومان را گرفته بودند باردیگر مزه سرکوب آریامهری را چشید و ضربه سختی خورده بودند بدون اینکه بتوانند متقابلاً به دشمن خونخوارشان ضربه بزنند .

* * *

تحلیل انگیزه های شروع اعتصاب

عدم پرداخت اضافه دستمزد های اعلام شده ، محرک اصلی اعتصاب کارگران کارخانجات کفش ملی گردید . البته نارضایتی هایی از قبیل جریمه های بیمورد و اضافه کاریهای اجباری نیز عوامل موثری بودند اما همانطور که تجربه اعتصابات کارگری در روسیه ، چین قبل از انقلاب نیز نشان می دهد ، در آغاز جنبش کارگری و قبل از اوج گرفتن مبارزات خود بخودی طبقه کارگر انگیزه شروع اعتصابات تقریباً همیشه پایمال شدن قسمتی از دستمزد ها و مزایائی بوده است . به بطور معمول به کارگران پرداخت می شده . مثلاً قرارداد کردن یک جریمه بیمورد تازه کم کردن بعضی از امتیازات و پاداشها ، پرداخت نکردن به موقع دستمزد ها از عوامل هستند که آتش خشم فرو خورده مدنها سکوت طولانی را در کارگران شعله ور می کند .

در کارخانجات کفش ملی نیز با وجود اینکه دو سال بود اضافه دستمزد های قرار داد شده پرداخت نمی شد تنها وقتی

کارگران ، اعتصاب را شروع کردند کفکرانی بیسابقه ارزاق ارزش دستمزد آنها را به نصف مقنن سابق تقلیل داده بود . کارگرانی که با دستمزد سابق به عرسختی بود گذران می کردند اکنون با بالا رفتن قیمت ها نمی توانستند با همان دستمزد مخارج خود را تأمین کنند از طرفی کارفرما از دو سال پیش به آنها قبول اضافه دستمزد داده بود و پرداخت نشدن این اضافه دستمزد برای آنها در رابطه با گرانی شدید ملموس تر گشته بود . در واقع مثل این بود که کارفرما حقوق آنها را کسر کرده باشد . به این ترتیب ولوله اعتصاب بین کارگران افتاد و خبر شروع آن یک روز خیلی ساده در نیم ساعت وقت ناهاری بین کارگران پیچید و از فردای آن روز کارگران اعتصاب را آغاز نمودند . آنها عکسهای شاه و وزن و پسرش را با خود حمل می کردند و شعار " جاوید شاه ، جاوید شاه " می دادند . همان طور که در زیر نویس صفحات قبل نیز گفته شده است توده کارگر قصد دارد با شعار " جاوید شاه " غیر سیاسی بودن اعتصاب را اعلام کند تا بتواند به مقاصد اقتصادی خویش برسد . به گفته " زهرا " وقتی ما بگوئیم " جاوید شاه " چه کسی جرات دارد ما را ساکت کند . و یا " ما فریاد می زدیم جاوید شاه که به ما نسبت اخلاک گرندهند " . اگر به گفته های زهرا بیشتر دقیق شویم بهتر به مصلحتی بودن شعار ها می بریم . یکبار یک دختر کارگرداز

داد زد «چاپیدشاه» چاپیدشاه»
 ما اونو زود ساکت کردیم چون باعث می شد
 که دولت خیال کند ما اخلاکگر هستیم و
 ژاند ارمها بریزن سرمون». بنابراین کارگران
 برای جلوگیری موقت از سرکوب ارتش شاه به
 این شعارها متوسل می شوند. نمونه: زیسر
 استفاده: جالب کارگران از عکس "گفتارمنحوس"
 را نشان می دهد: در اعتصاب شهریسور
 ۵۲ پالایشگاه آبادان وقتی مسئولی
 پالایشگاه قصد کردند کارگران را مجبور کنند
 با اتوبوس از محوطه پالایشگاه خارج شوند،
 کارگران عکسهای شاه خائن را در وسط دولنگه
 در اتوبوس های خالی چسباندند و گفتند:
 حالا چه کسی جرات دارد در اتوبوس ها
 راباز کند؟ (باز کردن در اتوبوس منجر
 به پاره شدن عکسها می شد). در تمام
 موارد موجود توده کارگر برای پرهیز
 از برخورد و درگیری با ژاند ارمها به این وسیله
 متشبث می شود و روشن است که دولت شاه
 نیز از این تاکتیک کارگران دل خوشی ندارد.
 در اعتصاب کفش ملی کارگران در آغاز
 با ژاند ارمها شوخی می کردند و اجازه
 نمی دادند برخورد خشنی بین آنها
 و خودشان پیش بیایند و بدین ترتیب بهانه ای
 برای سرکوب اعتصاب بدست دولت شاه
 نمی دادند. از طرفی برای دولت شاه
 ادامه اعتصاب بسیار ناخوشایند بود زیرا
 اعتصاب طولانی کارگران کفش ملی

توجه کارگران بسیاری از کارخانجات جاده
 کرج را جلب کرده بود. دولت شاه مایل
 بود هرچه زودتر اعتصاب را سرکوب کند.
 البته برخورد خشن کارگران و ژاند ارمها
 اجتناب ناپذیر بود و بهر حال بین آنها
 و ژاند ارمها درگیری پیش می آمد. اما دولت
 شاه نیز با فرستادن جاسوس های کارفرما
 در بین کارگران، سعی می کرد روز سرکوب
 را جلو بیندازد. مثلا دختر کارپروازی که
 زهرا از او نام میسرد برای برهم زدن جو
 مسالمت آمیز و برزخی اعتصاب و بدست
 دادن بهانه ای برای سرکوب آن، شعارها را
 عوض می کند. به گفته زهرا برای حفظ ظاهر
 دختر کارپروازی را دستگیر کردند ولی فقط
 یک روز او را نگاه داشتند. در حالیکه بقیه
 کارگران دستگیر شده را تا چندین روز آزاد
 نکردند و بعد از آزادی نیز آنها را اخراج نمودند.

چگونه مبارزات خود بخودی طبقه

کارگر آگاهی کارگران را رشد می

دهد؟

عده ای از روشنفکرانی که مفاهیم انتزاعی
 از طبقه کارگر در ذهن خود برانند میکنند
 در برخورد با این واقعیت که طبقه کارگر
 برای پیشبرد مبارزات اقتصادی خویش
 از این تاکتیکها استفاده می کند در ذهن
 خود طبقه کارگر را تحقیر کنند اما در چنین

است که ثروتمند شده زعرا بعد از اعتصاب میدانند که کارفرما دغلکار بی شرمی است که با پول کارگران برایشان پتو می خرد و سر سال به هنگام تحویل آنها وانمود می کند که از جیب خودش آنها را خریده است . حیلہگر پلیدی است که برای بازگردانیدن کارگران به سرکار و ادامه بهره کشی از آنها از دادن قولهای دروغین ابائی ندارد . جلادی است که برای سرکوبی مبارزه حق طلبانه کارگران از توسل به نیروی سرکوب دروغ نمی کند و کارگران اعتصابی را به شکنجه گاهها می فرستد و آنان را از کارخانه اخراج می کند ، زهرا همچنین بعد از اعتصاب رابطه پول و قدرت را حس می کند و می گوید : " ایروانی به ژاندارمها پول داده ، می دونی که هر چی بگی پول داره و همدرو میتونه با پول بخره " . او همچنین رشوه گیری مامورین دولت را نیز مشاهده می کند . به نظر زهرا ژاندارمهایی که دور کارخانه و اطراف اطای ایروانی از او محافظت می کنند مزدور ایروانی هستند . البته زهرا رابطه دولت شاه را با ژاندارمها نمی تواند به آسانی درک کند . زهرا کارگری است روستائی ، در ذهن بسیاری از روستائیان روستاهای دور افتاده تصور و گانه ای از دولت وجود دارد یکی دولتی که با آن رودر رو هستند یعنی مامورین ژاندارمری ، مامورین اصلاحات ارضی و بقیه مامورین دولت که روستائیان ماهیت فاسد آنها را می شناسند . دیگر دولت

شرایطی از اختناق جهنمی دیکتاتوری شاه ، طبقه کارگر چگونه می تواند بدون استفاده از این شعارها چند روزی به اعتصاب ادامه دهد ؟ طبقه کارگر میهن ما برای پیشبرد مبارزات اقتصادی خودش در ابتدا ناچار سه استفاده از این تاکیکهاست . این قبیل اشخاص باید بدانند که پرولتاریا را نباید در این یک نمونه از برخوردش دید بلکه پرولتاریا را باید در پروسه مبارزاتش مطالعه کرد . شرایط تولیدی و قابلیت تشکیکی که پرولتاریا از آن برخوردار است می تواند از کارگر ناآگاهی مثل زهرای قبل از اعتصاب زهرای دیگری بسازد که بمراتب رشد یافته تر است . درست است که زهرای بعد از اعتصاب نیز هنوز آگاهی سیاسی پیدا نکرده و ارتباط ارکانیک بین سرمایه دار و دولت شاه را به صورت علمی درک نمی کند ولی مقایسه سطح آگاهی و بینش زهرا بعد از اعتصاب با ساده بینی های قبلی او . اثر مبارزات پرولتاریا را در رشد این طبقه پیشرو نشان می دهد . زهرا در طی دوران اعتصاب در ارتباط با کارگران آگاه تر روحیه ی تعرضی کسب کرده و تنها حدودی از حالت بی تفاوتی و سستی قبلی اش خارج گشته است و اگر اعتصابات دیگری روی دهد زهرا به مراتب پر دل تر و آگاه تر خواهد شد . زهرا بعد از اعتصاب دیگر ثروتمند بودن ایروانی را مثبت الهی نمی داند بلکه بی برده است که او از کار کارگران

و قانع کنند، بوده است، مایک نیست
 واقعیت را بپذیرد. زهر او واقعیت را بسیار
 تلخ می‌یابد به همین جهت از پذیرش
 مستقیم آن امتناع می‌کند. قبول واقعیت
 برای او به مثابه دست کشیدن از مبارزه و
 اعتصاب است. زیرا او هنوز به قدرت عظیم
 «بیقه» کارگری نبرده است او که خود را بسیار
 ضعیف تر از آن می‌یابد که با قدرتی چون نیروی
 درگیر شود، (نیرویی به نظر زهر او قدرتی
 است که می‌تواند با پولش همه زاند ارها رابا
 تفنگشانشان بخرد) امیدوار است که در
 مبارزه خود با سرمایه‌دار از حمایت
 قدرت دیگری برخوردار گردد. در اینجا است
 که وقتی بی می‌برد قدرتی که تابحال او را حامی
 می‌پنداشت دشمن اوست خود را در مقابل قدرت
 سرکوب دشمن ضعیف می‌یابد و تصمیم می‌گیرد
 ساله را برای خود تریه تنهایی حل کند.
 زهرانی که تابحال از یکی شدن جمع کارگران
 و نزدیکی بی اندازشان در هنگام اعتصاب
 صحبت می‌کرد یکباره می‌گوید از کارخانه دل
 چرکین شده‌ام و می‌خواهم به کارخانه دیگری
 بروم. او هنوز در مرحله‌ای است که دشمن
 طبقاتی اش را نمی‌شناسد زهر فقط نیروی را
 شناخته است و نمیداند که عمیدی هم مثل

که در ریاست است و از همه یزوری‌گویی ها و
 اجحافاتی که به آنها می‌شود بی خبر است
 چه بسا آنها معتقدند که اگر دولت تهران
 که مظهر آژانها می‌دانند از وضع آنها با
 خبر شود، به وضع آنها رسیدگی خواهد کرد*
 اینجا است که زهر نمی‌تواند حمله و حشیانیه
 زاند ارها رابا دولت و شاه ارتباط دهد و
 می‌گوید "اگر دولت بفهمد... حتما نیروی
 رو محبور میکند که حقه‌نویسده". "نیرویی
 که نمیداره حرف‌ها را به گوش دولت برسه".
 وقتی هم که برای او توضیح داده می‌شود که
 دولت شاه دولت نیروی هاست زهر
 آشکارا غمگین می‌شود و به جای مبارزه، شیت
 و تعریض که تا چند لحظه قبل از توضیحات
 فوق با شور و هیجان از آن حرف می‌زد تصمیم
 به حل مساله برای شخص خود نمی‌گیرد:
 "اصلا دیکه از این کار حرف نزنه"
 شده‌ام. می‌ام بیرون میرم گفتن بلا برای آقای
 عمیدی کار می‌کنم" دیکه نمی‌خواهم برای نیروی
 کار کنم". مادر که با مختصر توضیحی، بسله
 آگاهی از شرایط ناجور زندگی کارگران پی
 برده است با حسرت و اندوه واقعیت را تایید
 می‌کند: "... بله شاه میدونه" اما زهر
 با اینکه توضیحات من برایش مفهوم واقع شده

* بسیاری روستائینی که پول جمع کرده شکایت نامه‌ای را که نوشته‌اند بوسیله یکی از روستائیان
 قابل اعتماد به تهران می‌فرستند تا شکایت نامه را در تهران پست کرده باشند و ما همین پست
 شهرستان که از ارباب رشوه گرفته‌اند نتوانند اعمال نفوذ کنند. تنها روستائینی که با رها و اربابها
 به مراجع مختلف از جمله تهران، از بدی وضع خود شکایت کرده‌اند به تجربه دریافته‌اند که همه
 دستگاه‌های دولتی با هم در ارتباط و پیوستگی دارند و نمیتوان آنها را از هم جدا دانست.

تا خود را سرگرم سازند . وسائل ارتباط جمعی نیز که در خدمت فرهنگ امپریالیستی است ، حساب شده و طبق برنامه آنها رایسه این سمت هدایت می کنند . دستهای نیزمقل زهرای قبل از اغتصاب آرام و مطیع تسلیم وضع موجود می شوند .

اما از آنجا که مبارزه اقتصادی با طبقه سرمایه دار برای طبقه کارگر یک "نیاز" است اگر چندین سال هم با شرایط دشوار زندگی خود را تطبیق دهد و به مبارزات آشکار دست نزند بهر حال باید کوششی در جهت تغییر شرایط نامطلوب و دشوار زندگی بنماید . بهمین جهت طبقه مبارزه در زندگی این طبقه وجود دارد و به رشد خود حتی بصورت کسب و آرام آرام ادامه می دهد . منتها این مبارزات به اشکال مختلف ظاهر می گردد .

اکنون طبقه کارگر ایران هنوز به خسود آگاهی نیقاتی دست نیافته و به قدرت لایزال خویش پی نبرده است ، از این رو برای تغییر در شرایط نامطلوب زندگی خود به تنها مرجع قدرتی که می شناسد متوسل می شود . این مرجع قدرت به نظر طبقه کارگر " مسئول و موظف " به رسیدگی به وضع " ملت " است و تنها نیروئی است که با در دست داشتن همه ابزار قدرت امکان آن را دارد که تغییری در شرایط موجود بدهد . نباید تصور کرد که طبقه کارگر دولت را حاکمی و دلسوز خود میدانند بلکه به زعم او دولت "موظف" و "تادار" است کاری انجام دهد

ایروانی استثنای کارگر است بهمین جهت راه جاره را در بیرون آمدن از کارخانه ایروانی و کار کردن برای کارخانه عمیدی می یابد و نکته جالب توجه کشیده شدن او به مبارزه فردی است . این راهی است که ناگزیر در این شرایط بوده کارگر به سوی آن کشیده می شود . " مبارزه برای نجات خود " . آنها که بعد از هر اغتصاب سرکوب شده خود را بسیار ضعیف تر از آن می یابند که دست به مبارزه جمعی بزنند یا در مبارزات جمعی خود پیروز شوند به صورت های مختلف در صد نجات خویش برمی آیند زیرا شرایط کار بسیار طاقت فرساست و باید زندگی را به نوعی قابل تحمل ساخت . بسیاری از کارگران که بعد از سال ها کارگری به تجربه دریافته اند " از کارگری آدم بجائی نمی رسد ، تو این مملکت کارگری عاقبتی ندارد " به شدت در تلاش پیدا کردن کار و کاسبی ناچیزی برای خود هستند عده زیادی از این ها با ۴ تا ۸ ساعت اضافه کاری در روز و صرفه جوئی از دستمزدها ناچیز خود سعی می کنند پولی جمع کنند تا سرمایه اولیه کسب مورد نظر خود را تهیه نمایند تا بدین ترتیب از محیط خفقان آور کارخانه رهائی یابند . عده ای با جابلوسی کردن پیش کارفرما از او امتیاز می گیرند . اینسان صالیه گرفتن اضافه دستمزدها را برای خودشان به تنهایی حل می کنند . عده ای نیز به تفریحات خورده به روزوائی پناه میبرند

عماظیر که گفته شد وقتی به علت خفقان شدید پلیسی در ایران طبقه کارگر نمی تواند به امکان مبارزه امیدوار باشد برای حل مسایل عمده اش به راه های فردی کشیده می شود و نیازی هم به فرهنگ پیشرو و انقلابی احساس نمی کند. اما وقتی که طبقه کارگر آگاه شود که امکان مبارزه وجود دارد، بسیاری جذب آگاهی سیاسی یعنی پیدا کردن راه های این مبارزه آماده میگردند. یعنی در آغاز با امکان مبارزه معتقد میشوند و سپس راه های عملی مبارزه برایش مطرح میگردند.

چه وقت طبقه کارگر میهن ما به ممکن بودن مبارزه پی خواهد برد؟ وقتی که بتواند از نیروی شکست ناپذیر طبقه خود آگاه گردد. پرولتاریا از لحاظ تاریخی در مرحله ای از رشد مبارزات خویش با تشکیل اتحادیه ها و سندیکاها قدرت جمع متشکل طبقه خود را درک میکند، اما طبقه کارگر میهن ما

در طی اعتصابات اقتصادی خود هرگز نخواهد توانست از نیروی عظیم طبقه خود آگاه گردد زیرا اولاً در شرایط خفقان موجود مبارزات اقتصادی او در کمیتی بسیار محدود و پادار خواهد استنباطی بسیار ابتدائی می تواند به وجود آید و خفقان شدید پلیسی مانع از تشکل کارگران در اتحادیه ها و سندیکاها واقعی میگردد. و مواد میهن ما حتی کارگران اعتصابی یک کارخانه پس از پایان یک اعتصاب به جای بیشتر امیدوار شدن به قدرت جمع متشکل خود آیند مبارزه و ادامه آن، در حار یاس و بد بینی میگردند. فضای بعد از یک اعتصاب سرکوب شده عدتاً فضائی یاس آلود است. تقریباً همه کارگران نتیجه گرفته اند که نمی توان با قدرت حاکم در افتاد. دولت شاه هر اعتصابی را سرکوب می کند و با سرنیزه جلوی آنرا میگیرد. به نقل از مادر زهرا: "با اسلحه وارد خانه های کارگران شدند." بلکه با اسلحه

طبق گفته رفیق لنین "طبقه کارگر با قوای خود منحصر می تواند آگاهی تردیونیونیستی کسب نماید یعنی اعتقاد حاصل کند که باید تشکیل اتحادیه بدهد، با کارفرمایان مبارزه کند و دولت را مجبور به صدور قوانینی نماید که برای کارگران لازم است و غیره". اما در ایران بعلافت خفقان شدید فاشیستی طبقه کارگر در ارتباط با مبارزات خود بخودی اقتصادی نمی تواند به این نتایج برسد. در اینجا ویژه کی وجود دارد. طبقه کارگر بعد از هر سرکوب پلیسی شیوه های خشن و وحشیگرانه دولت شاه را تجربه میکند و از این طریق به ارتباط بین دولت شاه و سرمایه دار بیشتر پی میبرد یعنی زودتر به نتایج سیاسی می رسد ولی در عوض به نتایج مبارزه و کسب پیروزی کمتر امیدواری می گردد. به تشکیل اتحادیه و مبارزه با کارفرما و مجبور کردن دولت نیز بهیچ وجه امید نخواهد داشت.

قدرت عظیم طبقه رانیز به او بشناساند . این راکه میتوان با دولت مبارزه کرد سازمان صلح پیشسازانگ باید به طبقه کارگر نشان دهد و همچنین باید نشان دهد که این چنین به جزئی از نیروی طبقه کارگر است که این چنین به دشمن ضرب شصت نشان می دهد . طبقه کارگر به جای حمایت گفتار پیر باید به حمایت سازمان انقلابی پیشسازانگ امیدوار باشد و بخصوص آترانیرویی از خود بداند . چه وقت طبقه کارگر سازمان انقلابی پیشسازانگ رانیرویی از خود خواهد دانست ؟ وقتی که سازمان از مجرای مبارزات طبقه کارگر وارد عمل شود و به دشمن طبقاتی اثر ضربه بزند و بخصوص در درجه اول به دشمنانی که در نزد او شناخته شده تر و منفور تر هستند .

هرگونه تشکل طبقه کارگر تنها حول محور مبارزه مسلحانه عمل خواهد شد .

"با ایمان به پیروزی راهمان"

"چریکهای فدائی"
خلیج

وارد خانه های کارگران بی سلاح می شوند و آنها را کت بسته می برند . سپس در سلول های انفرادی به دفعات با کابل سیمی وشوک الکتریکی شکنجه اش می کنند . پس کارگری سلاح چگونه می تواند در مقابل اسلحه های آمریکائی و اسرائیلی دولت شاه احساس قدرت کند ؟

وقتی طبقه کارگر علیوغم متشکل شدن در طی یک اعتصاب از دشمن به شدت ضربه می خورد و جمع متشکلش پراکنده میگردد چگونه نتیجه بگیرد که قدرت جمع متشکل طبقه کارگر قادر است " دولت را مجبور به صدور قوانینی نماید که برای کارگران لازم است ؟ در این جاست که نقش عنصر آگاه مطرح می گردد : قدرت انقلابی سازمان پیشسازانگ که در ارتباط نزدیک با خواستهای طبقه کارگر همراه با کار توضیحی و وسیع اعمال می شود قادر است طبقه کارگر را از وجود نیروئی آگاه گرداند که به دشمن طبقاتی اوضربه می زند . این نیرو از طرفی ضربه پذیری دشمن را به طبقه کارگر نشان می دهد و از طرف دیگر چون با اعمال مسلحانه خود از مبارزات کارگری حمایت می کند ، طبقه کارگر او را نیروئی از خود و متعلق به خود خواهد شناخت . سازمان پیشسازانگ طبقه کارگر باید به طبقه کارگر نشان دهد که سازمانی که با چنین قدرتی به دشمن طبقه کارگر ضربه می زند فقط قسمت بسیار کوچکی از نیروی طبقه کارگر است و از این طریق

حرا فلسطینیها طرح دولت فلسطین در ساحل غربی و
بخش غزه را رد می کنند؟

(خلاصه نوشته ای از منیر شفیق یکی از کادرهای مارکسیست - لنینست جبهه الفتح)

باشد در منطقه علیه جنبش های آزادیبخش
عربی و وحدت مردم عرب.
لیکن علیرغم اوضاع ناشی از نکیست
۱۹۴۸ - ۱۹۴۹ باز تلاشهایی برای
ایجاد حکومت فلسطین انجام گرفته - از آن
جمله بود ، " حکومت تمام فلسطین " در تبعید
بریاست احمد حلی . لیکن این تلاشها
نیز عصری نکرد و فقط از آن مرکی بر کفشد
باقی ماند ، و بدین ترتیب تا وقوع جنسگ
ژوئن ۱۹۶۷ مدت زمانی طولانی این طرح
فراغوش شد . پس از جنگ در تحت سلطه ی
اشغالگران باز صداها بلند شد . این بار
صحت از ایجاد دولت فلسطین در ساحل
غربی و بخش غزه بود . عزیز شهاده و حمدی
تاج الفاروقی سخنگویان این گرایش
بودند . این گرایش در نزد برخی
از رهبران اسرائیل نیز مقبولیت یافت ،
مثل طرح " مریف کانز " که در آن ایجاد
دولت فلسطین به شرط به
رسمیت شناختن اسرائیل و
تغییر نام فلسطین با آن و قبول طرح

مسئله ایجاد دولت فلسطین در کنار
دولت " اسرائیل " مسئله جدیدی نیست
قرارداد تقسیم ۱۹۴۷ این مسئله
را تصریح کرد ، لیکن به سه دلیل اساسی
کارگذاشته شد .
الف . مخالفت توده های مردم فلسطین
و عرب با تقسیم فلسطین و پافشاریشان بر
برسیت شناختن اشغال صهیونیستی
و دولت صهیونیستی .
ب . وجود برنامه امپریالیستی صهیو
نیستی برای بیرون راندن خلق فلسطین
از وطنش و حل کردن این خلق در کشور
های عربی .
ج . منضم کردن ساحل غربی به کشور
اردن هاشمی و برقرار ساختن حکومت آهن
و آتش در آن .
هدف این برنامه امپریالیستی
صهیونیستی این بود که دستگاه حکومتی
مسخره ای را که استعمارگران انگلیسی در
اردن بر پا ساخته بودند
تقویت کنند تا پاسگاهی

کامل جای برجسته‌ئی را اشغال کنند . همچنین وقایع اخیر باعث گردید که نقشه‌های بسیاری برای تجدید تقسیم منطقه و ترتیب اوضاع پیش‌کشیده شود . لیکن همه کسانی که نقشه تقسیم منطقه را می‌کشیدند و در تنظیم طرحها برای نابود کردن قضیه فلسطین شرکت می‌کردند و میخواستند " صلح دائمی بوجود آورند ، در واقع سرگرم جنگ با آسیابها بادی بودند . چراکه هدف طرح راجرز به تحقق رسیده بود یعنی انقلاب فلسطین از اردن بیرون رانده شده بود و حال نخته - های امپریالیستی آمریکا در زمینه دیگری در کار بود . اینها درک نمی‌کردند که سپس از کوییدن انقلاب فلسطین در اردن دیگر دلیل وجودی بی برای طرح راجرز باقی نمی‌ماند . دلیل ساده این امر این است که دولت ایالات متحده آمریکا به سرعت ماهیت خود نشان داد و از حل مسئله روی گرداند و حتی برای آنهایی که فریب خورد بودند روشن شد که آمریکا مانور میداد و به هیچ وجه قصد حل مساله را نداشت ، بلکه غرضش سرکوب انقلاب فلسطین بود و به عنوان مقدمه‌ئی برای آغاز مرحله‌ئی جدید در راه تسلط سیاسی و اقتصادی خویش نخست بر مصر و سپس بر سوریه و لیبی و عراق و کشورهای دیگر فشار زیادی وارد می‌ساخت یعنی در راه تسلط کاملش بر منطقه ، تحت عنوان بیرون کردن یا قطع نفوذ شوروی یا عناوین

های اونیزی و گلدمان درخواست می‌کنند این طرحها در زمانست که حکومت دشمن به طور رسمی از هرگونه اعتراف به وجود خلق فلسطین و موجودیت فلسطین خودداری کرده و همچنین هرگونه پیشنهادی را در مورد ایجاد دولت فلسطین در ساحل غربی و بخش غزه رارذ میکند و در بهترین حالت تحت حمایت اشغال صهیونیستی با ایجاد نوعی خودمختاری در ساحل غربی غزه و بخش غزه موافق است . و البته ایجاد دولت فلسطین در ساحل شرقی ، خارج از مناطق اشغال شده ، کونی راهم می‌پذیرد . ایگال آلون سخنگوی این گرایش بود .

اوجگیری انقلاب فلسطین و پیروزی هایش پس از نبرد الکرامه نقش برجسته‌ئی در دور ریختن این طرحها و خفه ساختن صدا های " فلسطین " فلسطینی که این طرحها خواستار آن بودند بازی کرد ، همچنین تشدید مبارزه ، سلاحانه درجهبه ، کانسال سوئز و کنارگذاشته شدن قرار داد نوامبر ۱۹۶۷ نیز در این امر تاثیر داشت . لیکن ظهور طرح راجرز و موافقت برخی از دولتهای عربی با آن و به دنبال آن عملیات سرکوب انقلاب فلسطین در اردن باعث گردید که این طرحها بار دیگر زنده گشته و در ساحل غربی و نزد برخی محافل عربی و جهاسانی دوش بدوش طرحهای دیگر برای حل صفی و همه جانبه اوضاع منطقه بطور

است. طرحهای پیشنهادی برای تشکیل دولت فلسطین رامی توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد:

۱. طرحهایی که اصولاً استراتژی و تا-

کینک جنگ درازمدت خلق برای آزادی فلسطین یعنی تمام فلسطین را رد کرده و به رأی تسلیم شدن به امپریالیسم و صهیونیسم افتاده اند و در چهارچوب نقشه های امپریالیستی، صهیونیستی برای منطقه و خارج از بیگار انقلابی برای رهائی، بدنبال "راه حل" می گردند. در اینجا باید توجه داشت که ما شیم که معدودی از طرفداران این طرحها از مزدوران امپریالیسم و صهیونیسم نیستند، و اماندگانی هم نیستند که اعتمادی به انقلاب مسلحانه ندارند و به راه طرحهای تسلیم طلبانه افتاده اند ما بین اینها و مزدوران باید فرق گذاشت تا بتوان آنها را بیطرف ساخت و یا بضورت بازگشتن از راهی که به مزدوری خودشان و نابودی مسئله فلسطین منتهی میشود قانعشان نمود. این طرحها بدین ترتیب اند:

الف. تشکیل دولت فلسطین در ساحل

غربی و بخش غزه - و اگر ممکن شد بخشی از مناطقی که قرارداد تقسیم سال ۱۹۴۷ آنهارا از مردم عرب دانسته است - جدا از ساحل شرقی و با شرط برسرعت شناختن دولت اسرائیل "برخورد با آن براساس همکساری و حسن همجواری و حتی اتحاد فدرالیستی"

دیگر و هم چنین هر آنچه را که برای کوبیدن جنبشهای رهائی بخش عرب و به باد دادن پیروزیهای ملی و مترقی ۲۰ سال گذشته، لازم بود، عملی میکرد. بدین ترتیب اکنون دیگر جنگ در سر میز مذاکرات یا نقشه های تجدید تقسیم مرزهای کشورها نیست، بلکه آنچه هست تلاش امپریالیسم آمریکاست برای تسلط کامل بر مصر و آنگاه اگر در این تلاش موفق شد درباره نقشه منطقه را پهن خواهد کرد، برای تجدید مرزها و تغییر اوضاع به سود خود، و آنجاست که طرح ایجاد دولت فلسطین یا عدم ایجاد آن مورد بحث قرار خواهد گرفت. درک این حقیقت خطر تحول اوضاع را به سوی منفی شدن مسئله فلسطین از طریق ایجاد یک دولت فلسطین نمایشی و مسخره کم نمی کند بلکه بدین معنی است که بفهمیم در مرحله گونی آتش را بکدام سو بگشاییم و چگونه برای مقابله با مرحله آینده بطور جدی آماده گردیم. بنابراین اشکالی ندارد که به بحث درباره آنهاست که طرحهای دولت فلسطین را نقدیم میکند باید ازیم، لیکن با این تأکید جدی که جنگ اکنون، جنگ دولت فلسطین و نابود کردن مسئله فلسطین نیست بلکه جنگ برای نابود کردن جنبش آزاد بخش عرب بعنوان پیش بهای اجرای بخشهایی از قرارداد نوا - و همراه با آن نابودی امر فلسطین

خود انداخته اند و در چرخ قیومیت صهیون-نیم و امپریالیسم می چرخند .

۲ . میخواهند يك دستگاه مسخره و طا-هری تشکیل دهند نه يك دولت مستقل .

۳ . دولت فلسطین پیشنهادی را ، دستگاهی کنند برای نابود کردن امر فلسطین .
• اعتراف به وجود اسرائیل و تبدیل شدن به پلی یار هگداری اقتصادی - سیاسی و فرهنگی برای عبور اسرائیل بدنیای عرب تا در زیر این چتر بتوانند بیش از آنچه از طریق جنگ و توسعه طلبی نظامی میخواست کسب کند ، بدست آورد .

۴ . سرکوب انقلاب مسلحانه و اجرای نقش يك حایل نظامی بسود صهیونیستها .
مسئله ایکه درخور توجه است " منطقی " است که برای ترویج این طرحها نشر داده میشود . یعنی منطقی که از بیفایده بودن مبارزه علیه دشمنان نیرومند ندا میدهد و اینکه تنها راه آرامش و از دست ندادن همه چیز ، قبول هرچه که ممکن باشد است .

کمی مکت در اینجا ضروریست . لازمست که عبارت " قبول هر چیز " را مورد توجه قرار دهیم تا ببینیم چه معناتی میدهد ؟ این عبارت یعنی قبول کنیم که صوری باشیم .

قبول کنیم که جزئی از وطنمان را بگیم و در قبال آن تشبیت دشمن در بخش دیگر وطنمان ، نفوذ اقتصادی و سیاسی اش در بخشی که ما در آن هستیم و نیز نفوذش را در کشورهای

(این طرح حمدی ، الناجی ، الفاروقی و دیگران است) .

ب . تشکیل دولت فلسطین در ساحل غربی و بخش غزه و هر قسمتی از زمینهای اشغالی سال ۱۹۴۷ که دشمن از آنها گذشت کند ، تحت حمایت سازمان ملل متحد و دولتهای بزرگ بابه رسمیت شناختن " اسرا ئیل " ، " همکاری " بآن و الخ (گرایش که نماینده اش شماره ده و دیگران است)
ج . گذاشتن ساحل غربی بخش غزه و قدس عربی بمدت ۵ سال تحت قیومیت يك دولت بیطرف و آنگاه پس از این ۵ سال نظر خواهی از مردم این مناطق برای تعیین آینده * مناطق مذکور (گرایش محمد علی - الحمیری و دیگران) .

د . تشکیل دولت فلسطین مستقل تا تغییر حکومت اردن و سپس تشکیل يك دولت فدرالی ، نه منضم به اردن (حمدی کعبان و دیگران) .

ه . طرحهای همانند دیگری نیز هستند که زمزمه ای از آنها بگوش میرسد اینها از طرف جوانانیکه خواستار جانشینیه رهبری سنتی هستند طرح میگردد . . .

علیرغم اختلافهای ظاهری که بین این طرحها است همه از نظر عینی در نکاتسی مشترکند :

۱ . همه مسئله آزادی از قید سلطه ی امپریالیسم و امر آزادی فلسطینی را از حسابا

آمریکا در توسعه طلبی اقتصادی وسلطه ی سیاسی اش، در صورت تحمل يك قرارداد ساده ترش، هیچ چیز نمی گویند شاید تخصص اینها در مسائل هنر جنگ است با توجه به اینکه همه شان از کارگزاران و صاحبان دارائیهای فراوان و دارای سپرده ها در بانکهای مختلفند؟! اگر يك انسان ساده باینها جواب بدهد که: تجارب بسیاری در تاریخ وجود دارد که خلقی فقیر و زحمتکش توانسته با سلاح ساده در جنگی توده ای ارتش امپریالیسم بسیار نیرومند را شکست دهد، لیکن يك تجربه هم نیست که خلقی عقب مانده در زیر سلطه امپریالیسم توانسته باشد تراستها و کارتلها را با رقابت اقتصادی شکست دهد، اینها چگونه و چه جوابی خواهند داد؟ شاید این موضوع مسئله ی مورد بحث نیست؟! . . .

بهر صورت نظریه هر چیز را باید بریم تا همسره چیز را از دست ندهیم، نظریه جدیدی نیست تمام خلقهایی که با اشغالگران نیرومند رویور شده اند و به مقاومت مسلحانه روی آورده اند با اینگونه نظریات که تسلیم طلبان تروریست می دهند آشنا هستند، آیا در فرانسه، بلژیک، هلند، نروژ و غیره در ایام اشغالگری نازها از این صحبت هان میشد؟ آیا در وطن عرسی ما در زمان اشغالگری انگلستان و فرانسه از این حرفها نبود؟ آیا همین آآن چنین ————— چیز هایی در ویتنام، کامبوج

عربی دیگری بپذیریم. آیا در اینجا برای دشمن چیزی بهتر از این هست که يك دولت فلسطین مرتبط به او ساخته شود و وظیفه ی شلاق زدن به خلق فلسطین و منت بر انقلاب بیون بعهدہ این دولت گذاشته شود؟ تسلیم شدن به دشمن هیچ چیز انجاست نمی دهد، بلکه همه چیز را از ما میگیرد، حتی آرزو و شرفمان را، چرا که جوهر مبارزه بین ما و امپریالیسم و صهیونیسم از طبیعت تجاوزکار توسعه طلب و استثمارگر امپریالیسم و صهیونیسم سرچشمه میگیرد. نه از سرکشی ما و اینکه پرچم مقاومت را برافراشته ایم. کسی که عکس این را بگوید به نتیجه کاملاً معکوس خواهد رسید و خواهد گفت که تشکیلات دستگاه صهیونیستی در سرزمین فلسطین بخاطر مخالفت فلسطینی های مهاجرت صهیونیستی و ایجاد مبین ملی یهود بوده است، سوال میکنیم آیا اگر تسلیم شدیم و قبول کردیم که دست از امر آزادی برداریم آیا راهبیت صهیونیسم و امپریالیسم تغییری داده ایم یا اینکه با رضایت و تسلیم خود آن چیز را برای دشمن به تحقق رسانده ایم که میخواست بان نیروی نظامی به تحقق برساند. يك نقطه قابل توجه دیگر هست و آن اینکه کسانی که میکوشند بوی فایده بودن مبارزه ی مسلحانه خلق را علیه دشمن که از امکانات نظامی فراوان برخوردار است ثابت کنند، از امکانات دشمن صهیونیستی و امپریالیسم

ولا توبس نیست؟

از این رو اهداف مرحله‌ای برای خود تعیین می‌کند که قابل تحقق باشد و هنگامیکه بهسر یک از اهداف مرحله‌ای خود رسید انقلاب برای تحکیم دست‌آورد‌های کسب شده و آماده شدن برای مبارزه بخاطر مرحله بعدی بیکار مسلحانه را متوقف می‌سازد.

سپس این نقطه نظر با آوردن شاهسدی از انقلاب روسیه (و صلح برست لیتوفسک ۱۹۱۸) و انقلاب ویتنام (قرارداد ژنوسو ۱۹۵۴) و غیره خود را تقویت میکند.

اولا لازمست که ویژگیهای اساسی اهداف مرحله‌ای و رابطه آنها با هدف نهائی را بیان کنیم، یعنی بفهمیم که جوهر اساسی در اینجا اینست که باید اهداف مرحله‌ای، حلقه‌های بهم پیوسته ایرا تشکیل دهند که بقیه در صفحه ۶۳

ثانیا طرح ایجاد دولت فلسطین در ساحل غربی و بخش غزه، تحت شعار تاشیک مرحله انقلاب. از این طرح چیزی نوشته نشده و صحبتی هم به آشکارا از آن نشده است. لیکن انقلاب فلسطین در اثناء ملاقاتهای خود با بعضی از احزاب کمونیست اروپا با آن روبرو گردیده است و چه بسا در شرایط کنونی باز نزد برخی افراد در این منطقه نیز بازتاب یافته است. بدین جهت مجبوریم به بحث پیرامون آن بپردازیم چراکه زیر سرپوش تئوری رنگ و روغن خورده انقلابی قرار دارد. باید با این طرح بخاطر اینکه خطری از داخل برای انقلاب است تصفیه حساب کنیم. نقطه نظر پیروان این گرایش بطور خلاصه چنین است: هر انقلابی اهداف خود را طی مراحل بدست می‌آورد.

یکسال پیشرفتهای چشمگیر

بین المللی را که اینهمه خدمت اهداف ما درآمده‌اند مطالعه کردیم. البته این اتفاقات که شواهد مشخصی از پشتیبانی، شناسائی و کمک خارجی راعرضه میدارند دارای اهمیت حیاتی هستند. معدلك يك فاكت مهم را نباید نادیده

گرفت که این چنین پیشرفتی در سطح بین المللی از دستاوردهائیکه به خانه‌امان نزدیک

اصال خلق موزامبیک میتواند ۲۵ سپتامبر سالگرد شروع مبارزه مسلحانه در موزامبیک را با افتخار بیشتر به دست آورد. ما و اطمینان بیشتر از هر موقع به آینده، جشن بگیرد. زیرا دوازده ماه گذشته شاهد پیشرفتهایی استثنائی در مبارزه ما برای ایجاد يك موزامبیک نوین بود. در یکی از سر مقاله‌های قبلی ما اتفاقات اخیر در عرضه

در استانهای "کابود لکادو"، "گیاسا" و "تیت" نیز که قبلا تا حد زیادی بطرف آزادی کامل پیشرفته بود، همچنین نشدیده است. میتوان صفا بعنوان مثالهایی از این تصویر بسیار وسیع تر موقتیت از بعضی درگیریهای بخصوصی یاد کرد. اینجینین مثالهایی از حمله "موشکی به پایگاه هوایی" "مودا" گرفته که در آن ۱۹ هواپیما نابود شدند تا حمله "موشر ژوئن امسال به" جیتما، مرکز فرماندهی نیروهای پرتغالی که "کاهورایاسا" را محافظت میکنند و فقط ۱۴ کیلومتر از محل سد فاصله دارد را، در بر میگیرد.

علاوه بر آن، این حملات و تعداد فراوانی دیگر، جزئی از یک کل هستند. دوبار حمله به شهر "تیت" (نزدیک آنجا - تیکه در پایگاه هوایی "چینگوزی" ما ۱۷ هواپیمای دیگر را نابود کردیم) حمله به فینکو، فررانکو، تازومی و "موکیبوادو" - پاریا " این حملات، قدرت افزایش یافتهی ما در کشاندن دشمن به جنگ در مستحکم ترین لانه هایش، به وضوح نشان میدهند. وقتی که این راه را همراه دستاوردهای دیگری در این مناطق، که گره کمتر دراماتیک هستند ولی کم اهمیت تر نیستند، در نظر بگیریم استحکام بیشتر موضع مادر مناطق روستایی، انهدام کامل بسیاری از پایگاه های کوچک تر دشمن، کنترل عملی شریانهای ارتباط

ترند سرچشمه میگیرند. این در خود موزامبیک و در کوششهای قدرتمند خلجی موزامبیک در مقابله با استعمار استعمارگر و در ساختمان سازمانهای نوین است که میباید کلید پیروزی را یافت.

بنابراین مبارزه که پیشرفتهای نظامی ما را که آنچنان بارزند که کوششهای دشمن را در کم اهمیت جلوه دادن آنها شکست داده اند، به رخ بکشیم. در حقیقت طبیعت - عات آفریقای جنوبی اکنون بر از گزارشها - ی اطلاعاتی و اعلام خطرهای ترسناکی هستند که گواهی بر موفقیتهای ما میباشند. جای تعجب نیست، برای مثال مشکمل است که سر نوشت عطیات مادر ایالست مهم "مانیکا سوفالا" علی الخصوص نادیده گرفته شود. هر چند که مبارزه "سلحانه در آنجا فقط از ۲۵ ژوئیه ۷۲ شروع شده است و هنوز در مراحل اولیه اش میباشد با اینحال پیشرفت فوق العاده سریع بوده است. هم اکنون عطیات نیروهای ما تمام ناحیه را تا "کورونکزا" در بر گرفته و بناواحی جنوبی تر هم میرسد. عطیات ما، مارا به شهرهاییکه تعداد قابل توجهی سفید پوست دارد و همچنین به آن رشته خطوط مهم جاده و راه آهنی که در "بیرا" رودزیا را به دریا متصل میکند نزدیکتر میسازد. اما پیشرفت ما در "مانیکا سوفالا" تنها دلیل نگرانی دشمن نیست. مقابله نظامی ما

زمینی اش و تصویر پیشرفتهای نظامی
دیگر را به طور کامل میبینیم . در عین حال
امر نوسازی ملی در مناطق آزاد شده ی
کابودلکا و نیاسا و تیت و از دیاد آهسته
ولی مطمئن مدارس و تاسیسات بهداشتی،
واحدهای تولیدی و توزیعی و موسسات
نیز ادامه دارد . شماره های اخیر "انقلاب
موزامبیک" پیشرفتی را که در این عرصه شده
بطور مستند نشان داده است، بطور قطع
در هر نوع جمع بندی کار سال گذشته، این
موفقیتها سزاوار دریافت اعمیتی معادل با
اهمیت پیشرفتهای نظامی هستند . معینا
صرف بر شعاری این پیروزی کافی نیست . ما
باید علاوه بر این از آنها چیزهایی را که
بدر عملگرد آینده ما میخورد بیاموزیم .

این کار را به بهترین وجه با مشخص کردن
واضح علل امکان وقوع این موفقیتها، میتوانیم
انجام دهیم .

کسانی هستند که جواب را منحصر به
محدوده امور فنی میکنند : سلاح پیشرفته
تری در اینجا ، تعهد تشکیلاتی بهتری
در آنجا ، اینها رارمز پیشرفت ما میدانند . با
وجود یک تجارب خود فرلیعو به اهمیت کار
برد صحیح تکنیکهای جدید در امر نظامی-
ایکه در مقابل ماست کم بها نمی دهند ،
معینا جوابی کمابیش متفاوت با این ارائه
میدهند . زیرا در نهایت، این جهست
سیاسی صحیح و روشن مابوده که حقیقتا این

پیروزی ها را ممکن ساخته است .
شاید برای ما آسان میبود که دقیقسا
بخاطر ماهیت پیشرفته مبارزه مان ، در اینجا
به ورطه اشتباه عظیمی در غلطیم . اشتباه
در تصور اینکه سلاحهای مهیب تر و تکنیکها
ی بهتر برای ادامه موفقیت ما اساسی
هستند . ولی اگر چنین درک کرده بودیم و
از سایر امور غافل مانده بودیم ، خود را در
معرض بریده شدن از منبع واقعی نیرویمان
یعنی مردم می گذاشتیم . در عوض ما بر این
بنی کار کرده ایم که اول و مهمتر از همه، این
مردم هستند که باید بسیج شوند، از آنها
توجه و حمایت شود، و بنا بر یک عبارت از یک
اعلامیه اخیر خدمات بهداشتی فرلیعو: "کادر
ها باید عشق به توده ها را پرورش دهند" .
زیرا مبارزه ما، مبارزه ای خلقی است . ما
استحکام این خط را در جنبش خود ، در مد
نظر گرفته و تصمیم گرفته ایم که امر بسیج
و تعلیم ایدئولوژیک هم مردم بطور عام و
هم مبارزین فرلیعو را بطور خاص با شدت
بیشتر دنبال کنیم . بهترین شاهد این
کوشش، سلسله کنفرانسهای است کسه
در طی سال گذشته منعقد کرده ایم ،
کنفرانسهایی که کسانی را که در بخشهای
بهداشتی ، تعلیماتی ، تولیدی و امور زنان
کار میکنند در بر میگیرد . ما از طریق این
جلسات توانستیم کار روزانه را متناسب با این
خط مشی که اکنون بیان داشتیم، اجرا نعائیم

در هکده های استراتژیک، باشهاست و قاطعیت فرار میکنند .

قبل از آغاز مبارزه در "مانیکا سوخالایک" گروه از کارگران در این ایالت، پیکتی به "تیت" فرستادند تا با رهبران فرلیمو تماس بگیرند . انتقاد آنها از فرلیمو این بود که فقط در تیت میجنگد و مبارزه را به ایالت آنها گسترش نمیدهد، و افزودند "اگر فرلیمو میخواهد که فقط تیت را آزاد کند، در چنین صورتی ماهمگی برای نجات خود به تیت خواهیم آمد" بیانی واضح تر از این برای نشان دادن پایه خلتی مبارزه مان نمیتوان یافت، و عجیب نبود که مبارزه، مسلحانه در چنین محیطی میتوانست در مدت کوتاهی، با چنین تصویری از موفقیت های پیاپی که شاهد آن هستیم، آغاز کرد . ما این درس را از نظر دور نخواهیم داشت و البته نخواهیم توانست چنین غفلتی کنیم . هم اکنون آفریقای جنوبی و رودزیا در حال کمک مادی و حتی از آن شومتر اعزام افراد برای کمک به پرتغالیها در مبارزه برای کشور ما هستند . در مورد ماهیت دقیق و مشکلات وظیفه خود، کم تصور واهی داریم و بخوبی میدانیم که کوششهای بین‌المللی میتواند بالاخص در بهم زدن آرامش عمل چنین اتحاد نامقدس که در شرف تکوین است، مهم باشند . ولی اینجا، در وطن، ما نیز به ریشه امور پرداخته ایم . جنگ مسا

و در عین حال، چنین کفرانسنهائی خود خط مشی ما را غنی میکرد و ما را مجبور میکرد که با موقعیتهائی روبرو شویم که به مادرکتر انتزاعی کردن فرمولهایمان و حساستر کردن آنها نسبت به واقعیات زندگی در موزامبیک عوض شده، جدید، کمک کند . اینجاست که کلید نهفته است. این کلید در جهت گیری ای که حقیقتا خلقی و مافوق نژاد پرستی و شوینیسیم است یافت میشود . خط مشی ای که تمام بخشهای خلق در موزامبیک (دهقانان، کارگران، دانشجو یان) و مردم از هر نژادی را بطرف ما میکشد .

تجربه این سال در "مانیکا سوخالایک" از این جهت نیز بسیار گویا است . زیرا در این منطقه سطح آگاهی عموم خلق بطور اخص بالا بوده است . قسمتی از این مسئله انعکاس ستم و استعمار مستقیم تر و شدیدتری است که مردم این منطقه از طرف پرتغالیها کشیده اند، ولی قسمت اعظم آن انعکاس این حقیقت است که هم اکنون درک احتمال پیروزی فرلیمو، از حدود مناطقی که آزاد شده خیلی فراتر رفته است . تجارب ما بر این بوده است که اولیاء اطفال پسران و دختران خود را برای ملحق شدن به فرلیمو میآورند، آنها سلاحهایسی را که پرتغالیها برای "دفاع" بین آنها توزیع میکنند به فرلیمو میدهند و از "تکلیف"

باید جنگی باشد که «بوسیله» مردم و براساس خود مردم باشد. براین اساس ویرغم هر

مانعی ما به پیش میرویم. و مابه پیروزی خود اطمینان داریم.

نبرد يك چريك فدائي خلق در فلسطین

یاداشتهای رفیق ایرج سپهری

مقدمه

در دوم شهریور ۱۳۵۲ یکسوی از پاکترین و دلیرترین فرزندان خلاق، رفیق کارگر ایرج سپهری طی یک درگیری با دشمن که منجر به هلاکت عناصری از دشمن گردید به شهادت رسید.

شرح درگیری و زندگی انقلابی رفیق سپهری در همان موقع در اعلامیه‌ای که از طرف سازمان به مناسبت درگیری و شهادت رفیق منتشر گردید، نوشته شد. ما در اینجا فقط بطور خلاصه به زندگی انقلابی رفیق که هر نکته‌اش بیانگر عشق بی حد او به خلق های ستمکش و کینه و نفرت شدیدش به دشمنان خلق است و نیز بزرگی ایمان و اتکا به نفس رفیق را در امر مبارزه نشان میدهد، اشاره می‌کنیم.

رفیق ایرج سپهری در سال ۱۳۲۷ در شهر بابل متولد شد. او از سنین نوجوانی بدوراز محیط خانوادگی بکارگری پرداخت و در شرایط دشوار ایسن زندگی

و در آغوش خلق رشد کرد و آبدیده شد. رفیق هیچوقت زندگی آرامی نداشت او به شهرهای مختلف سفر میکرد و بکارهای مختلفی می‌پرداخت و بدین ترتیب بتدریج با خلق آشنا میشد و از نزدیک درهما و رنجهای آنها را با تمام وجودش لمس مینمود. رفیق ایرج سپهری کارگری بود که بعنّت جو سیاسی خانواده‌اش تا حدودی از آگاهی سیاسی برخوردار بود و آنچنان روحیه «عصیانگری» داشت که لحظه‌ای نیز نمی‌توانست نظام ظالمانه موجود را تحمل نماید و در مقابلش سکوت اختیار کند. زندگی کارگری روز بروز پیوند رفیق را با خلق عمیقتر میکرد و اراده او را در جهت از میان بردن ظلم و ستم حاکم بر اجتماع مستحکم تر مینمود. رفیق بتدریج به تجربه در می‌یافت که تنها راه برای دگرگون کردن نظام موجود، مبارزه مسلحانه است و از این رو سرانجام به مبارزه مسلحانه پیوست تا با بخدمت گرفتن تمام قابلیت‌های خود در پیکار مسلحانه، دین

خود را بخلق ادا نماید .

دو برادر رزمنده، او یکی رفیق سیروس سپهری در سال ۵۰ در زیر شکنجه و دیگری رفیق فرخ سپهری در سال ۵۱ در نبرد رویاروی با دشمن به شهادت رسیده و هر يك حماسه‌ای از جانبازی در تاریخ مبارزات آزاد بیخ‌خس خلق ما آفریدند .

در پائیز ۵۰ رفیق ایرج بخاطر اربساط با برادرانش، از جانب سازمان امنیت شاه دستگیر شد و مدتی بزندان افتاد. خودش میگفت: زندان برایم آموزشگاه بزرگی بود. آنجا بود که پیمان خود را با خلق بستم که تا آخرین قطره خونی که در بدن دارم در هر کجای دنیا، در راه رهایی انسان مبارزه کنم. پس از آزادی از زندان رفیقی بعهد و پیمان خود عمل کرد. او زن و دو فرزندش را که بسیار عم دوستشان می‌داشت، ترک گفت و تصمیم گرفت بران آمادگی و آموزش برفقای فلسطین ببیوندد. او با آشناسی قبلی که از نواحی مرزی داشت یکنه از صوز گذشت و پس از رنجهای فراوان خود را به جبهه نبرد فلسطین رسانید. در آنجا به "جبهه" خلق برای آزادی فلسطین فرماندهی کل "پیوست. او آنچنان قاطعانه و با شهادت در فلسطین عمل میکرد و منافع امپریالیسم و صهیونیسم ضربه میزد که شجاعتش زبانزد رفقای فلسطین گردید.

او میگفت بهترین روزهای زندگیم آنروزهائی بودند که بعطیات می‌رفتم و بمنافع اشغالگران اسرائیلی ضربه‌های سختی وارد میکردم. او همواره از رفقای فلسطین میخواست و در این خواست خود تاکید مینمود که بجای آنها در عملیات شرکت کند. چرا که نهرا سیدن از خطر بارزترین خصلت انقلابی او بود. رفیق ایرج تحت نام مستعار سازمانی محمد عبد القادر، در جنگ با اشغالگران اسرائیلی فرماندهی یک گروه تخریب را در منطقه "جولان بعهده داشت. ولی رفقای فلسطین او را در جبهه ابوسعید ایرانی می‌نامیدند. او بسبب شجاعت‌های بیمانندش در جبهه "نبرد بدرجه" سروا می رسید افتخاری که برای یک غیر فلسطینی کم مانند است. رفیق در نبردهای جولان، آنطور که در خاطرات روزانه‌اش نوشته شده بیش از بیست اسرائیلی را از صحنه نبرد خارج ساخت و باین ترتیب بعنوان یک رزمنده نمونه در سراسر جبهه شهرت یافت.

بالاخره رفیق بعد از یکسال جنگ بنا اشغالگران اسرائیلی با اندوخته ای از تجارب گرانها بایران بازگشت. و در سازمان چریکهای فدائسی خلق به فعالیت خود ادامه داد. رفیق خاطرات آن دوره از زندگی انقلابییش را که دوشادوش رفقای فلسطین علیه صهیونیسم مبارزه می‌کرد بصورت

در قسمت غرب اردوگاه که درخت‌های انجیر زیادی داشت اردو زدیم، برای اینکه از فرماندهی دستور آمد، بید که آماده باشیم. چون لبنان وضع ناآرامی داشت.

رفقای ما عملیات بزرگی کرده بودند و اسرائیل حتما انتقام می‌گرفت. ما نعیب‌انستیم کسه آیا دشمن با هواپیما حمله خواهد کرد یا با قسمت زرهی. اگر دشمن با قسمت زرهی بلبنان عجم می‌آورد ما برای کمک رفقا میرفتیم. مدت یک‌هفته در اردوگاه ماندیم. هواپیماهای اسرائیل قسمتی از خاک لبنان را بمباران کرده و رفتند.

چند نفر از رفقای ما برای دیدن منطقه و پیدا کردن جایی مناسب رفته و غروب بسر گذشتند. فردا ما اثاثیه خود را که عبارت بود از پتو و فرش، اسفنج و چادر و وسایل آشپزخانه، صمات (حواد منفجره، مین و موشک و نارنجک مخصوص کلاشینکف) برداشته و بطرف محل موعود حرکت کردیم. البته مادر این موقع ۱ نفر بودیم که معاون فرمانده هم با ما بود و فرماندهی را بعهده داشت. ما سه چادر زدیم و چادر برای خوابیدن و یکی برای آشپزخانه. آن شب را خوابیدیم و فردا ساعت ده بود که فرمانده آمد، نگاهی بجادرها کرد و گفت اینجا محل کشف شده است مگر میخواهید در عرض یکماه همه ما نابود شویم؟ هواپیماهای دشمن

جزوه‌ای نوشته است که اکنون در اختیار ماست و ما بنظر آشنا شدن همه رفقا با تجارب ارزنده او گذشته از اینکه در شماره های نبرد خلّیق قسمتهائی از این جزوه را می‌آوریم، آنرا مستقلا نیز منتشر خواهیم کرد اینک بشرح یکی از عملیات رفیق ایرج سیهری در جبهه جولان می‌پردازیم:

... دوره تعلیمات ما تمام میشد من بسا خوشحالی وصف ناپذیری خود را برای پایان دوره آماده میکردم و هرچه زودتر میخواستم خط اول جبهه را ببینم و به آنجا بروم. مدت ۷ ماه از ماندن من در اردوگاه نظامی میگذشت بعد از رفتن به آخرین کوهنوردی بما لباس و کفش مخصوص نظامی دادند و نیز هر کدام يك کلاشینکف و ۲ عدد نارنجک و ۱۲۰ عدد فشنگ گرفتیم. بنا بود یکی از مریمان که از اول دوره بما درس میداد و ما را کنترل میکرد، ۱ نفر را ازین ما انتخاب کند تا با هم بسه جولان جنوبی که در آن موقع پایگاهی نداشتیم برویم. مری ده نفر از بهترین افراد این دوره را انتخاب کرد که من نیز جزو آنها بودم. ۸ نفر دیگر از افراد قدیم بما اضافه شدند و همان مری و فرماندهی ما را بعهده داشت. یکفر هم که یکماه قبل بار دوگاه آمده بود معاونت او را بعهده گرفت. او هم از افراد قدیمی بود که از چهارده سالگی در جبهه خدمت میکرد و اکنون تقریبا ۲۱ ساله بود.

کردیم و تقریباً تا غروب ۳۰ کیلومتر از منطقه مرزی را دیدیم و غروب بقرارگاه برگشتیم و فردایش هم همانطور مشغول کردن محل جاد شدیم و دوباره برای شناسائی منطقه، مرزی اسرائیل و سوریه رفتیم و در منطقه مرزی در قسمت جنوبی سوریه دره ای عمیق وجود دارد (رگاد) که بسیار عمیق و پسر از انواع و اقسام درندگان میباشد مادر قسمت شمالی دره بودیم، یک مرکز نیروی سازمان ملل متحد نیز در آنجا بود. بعد از دیدن منطقه دوست با دوورین منطقه، دشمن تپه ها و مزرعه ها و مسنعمه های اسرائیل را نیز دیدیم و اسامی آنها را یاد گرفتیم و به قرارگاه باز گشتیم و مشغول کردن جای جادها شدیم. جای دو جاد تمام شد. جادها را روی چاله غائی که کنده بودیم گذاشتیم تقریباً هم سطح زمین شده بود بعد رویشان را با گل نقتن و نگار کس کرده و شاخه های درخت ریختیم و یک جای دیگر هم برای آشپزخانه تعیین شد و بعداً هم یک غاری باندازه ۲×۳ متر کندیم جاهای سخت را با تی ان تی منفجر می کردیم. ما این غار را برای مهمات و کارتن های کتسر و درست کرده بودیم. کارهایمان کم کم تمام میشد و خود را برای عملیات آماده می کردیم. گروه های شناسائی به سه دسته تقسیم شدند دو گروه هم شب برای شناسائی می رفتند و یک گروه در قرارگاه می ماند. ما ساعت ۲ صبح

با آسانی ما را کشف و نابود میکنند. آنروز فرمانده و دو نفر دیگر برای پیدا کردن مکان مخفی مناسب بسوی دره عمیقی که سه در نزدیکی ما بود رفته و بعد از سه ساعت برگشته و گفتند که جای مناسبی پیدا کردند. فردای آنروز ما سه نفر هم کسدام اسلحه و بیل و کلنگ و زمبر برداشتیم و بسوی محلی که انتخاب کرده بودند رفتیم. در دره ای سرسبز که درختهای بلندی هم داشت و در سه متری آن هم رودخانه ای میگذشت محل جاد رسم کردیم و مشغول کردن شدیم. جادها تقریباً ۲۰۰ متر از هم فاصله داشتند. فرمانده برنامه را اینطور درست کرده بود، هرروز ۲ نفر در جاد میماندند و ۱۰ نفر برای درست کردن محل جادها می رفتند و ۸ نفر بعدی برای شناسائی محل و دهات سوریه و مزرعهای اردن و اسرائیل می رفتند روز دوم نوبت ما بود ما یک نقشه و یک دوربین و سه عدد دکت اتوماتیک ۲۵ تیر بنام (شتایر) و هرکدام دو عدد نازجک جینی که بشکل گوشت کوب بود برای مواجه شدن با خطرات احتمالی با خود برداشتیم اول از همه بطرف مرز اردن حرکت کردیم ما بین سوریه و اردن دره ای بعمق تقریباً ۶۰۰ متر (الیرموک) به عرض ۱۲۰۰ متر وجود دارد. با دوورینی که داشتیم مسافت را اندازه گرفته و راه های عبور را یاد گرفتیم و دهات نزدیک مرز شناسائی

پیاده راه میافتادیم و از مناطقی که ارتش سوریه در آن نبود بطرف دره حرکت میکردیم و ساعت چهار بانجا میرسیدیم و در حدود ۱۰ متر پائین تر از راس دره در منطقه ای مخفی میشدیم و در روز بادوربین مناسط را شناسائی میکردیم و غروب بر میگشتم یکماه همینطور گذشت یک روز من و معاون فرمانده و دو نفر از افراد برای عبور کردن از دره رفتیم و شب ساعت ۲ حرکت کردیم و بهمان منطقه ای رسیدیم که از آنجا مواظب حرکات دشمن بودیم . روز را در آنجا ماندیم ، اول شب شروع بحرکت کردیم و نیمساعت بعد به ته دره رسیدیم . در ته دره رودخانه ای بود که زمستانها آبش زیاد میشد ولی در آنموقع آبش کم بود ، از روی سنگها عبور کردیم و با آنطرف رفتیم و بعد از ۲ ساعت بوسط قسمت جنوبی دره رسیدیم و با صخره های بلند مواجه شدیم که عبور از آن خیلی مشکل و تقریبا غیر ممکن بود من و معاون فرمانده کوله پشتی هایمان را زمین گذاشتیم و بدو رفیق دیگر گفتیم که اینجا بمانید ما از صخره میرویم بالا و از بالای دره پائین رفته و از آنطرف راه پیدا میکنیم مادونفر راه افتادیم و تقریبا بعد از یک ساعت از شیب و صخره های بلند بالا رفتیم و نیمساعت هم در بالا گشتم و یک راه مناسبی پیدا کرده و بجائین آمدم و بعد از نیمساعت هم رفقا را پیدا کرده و ببالا رفتیم و تقریبا

ساعت ۱۲ شب بود که بالای دره رسیدیم فرمانده عملیات مارا بصورت یک لوزی کسه بیست متر از هم فاصله داشتیم درآورد و مسا مطابق همان شکل بطرف هدف حرکت کردیم . موقعی که بسیم خاردار رسیدیم فرمانده داخل منطقه مین گذاری شده و با سیخ بزمین میزد و راه را باز میکرد . بعد از یکساعت بدن اون اینکه بعین برخورد کشید بسیم توری رسید و برگشت البته فرمانده قبل از رفتن طناب سفیدی از پشت بکمر بندش بسته بود تاراه را نشان بدهد تا باطراف پانگذاریم . بعضی وقت ها چوبی را بشکل نعل اسب ولی بزرگتر درست میکردیم و رویش رنگ سفید میزدیم ، فرمانده آنرا بفواصل ۸۰ سانتیمتر در راه می گذاشت و ماهرکدام پاشنه یا رادرحل چوب قرار میدادیم و بطرف جلو حرکت میکردیم . ماموریت ما فقط رسیدن باین منطقه بود ساعت ۲ بود که از دره سرازیر شده و ساعت ۵ صبح بقراگاه برگشتم و باستراحت پرداختیم و یکشب استراحت کرده و شب دوم من و معاون فرمانده و سه نفر از افراد دیگر غیر از آنها، که دفعه قبل با ما آمده بودند بهمان منطقه رفته و بدون کوچکترین حادثه ای برگشتم و یکبار هم بعد از دو شب رفتیم . ۱۰ نفر از رفقا این منطقه را درست یاد گرفتند ما ۴ نفر برای عملیات خود را آماده کرده و بعد

جاده آسفالتی محل عبور گروه مهندسان

شمال

خاک نرم بختلر ۲ سانتیمتر
و بعرض ۴ متر

سیم خاردار سه رشته به
عرض یک متر

دیوار سیمی با مربع های
کوچک بعرض ۲ متر

ستون سیمانی

منطقه مین گذاری شده
به صورت پراکنده

سیم خاردار بعرض ۱/۵
متر

خمپاره

نارنجک پرنده

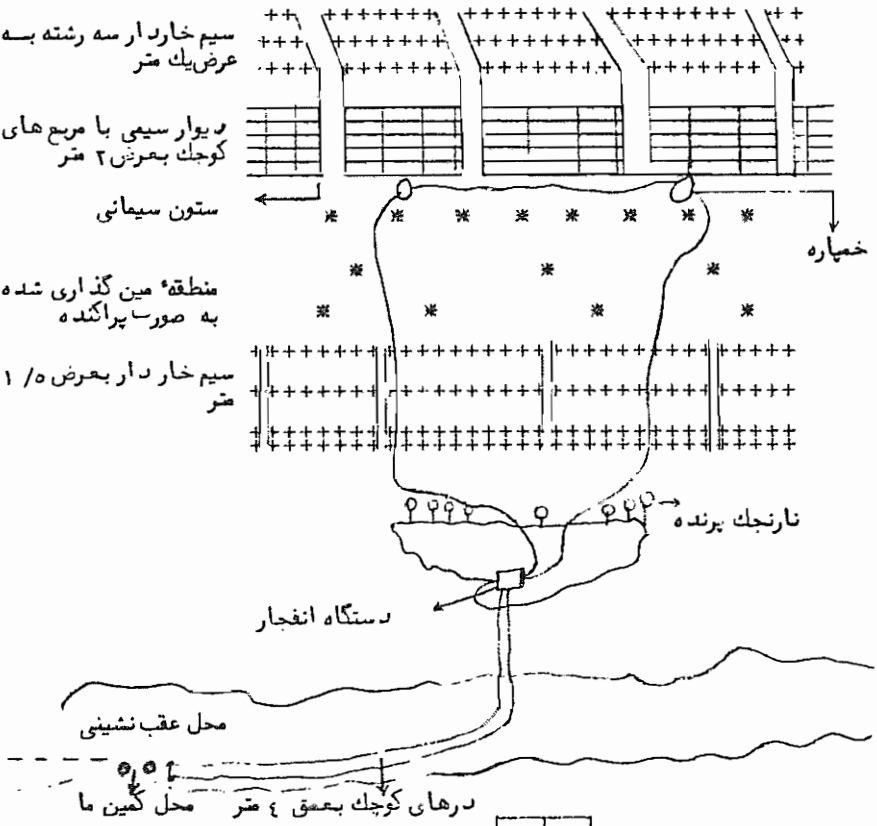
دستگاه انفجار

محل عقب نشینی

درهای کوچک بعرض ۴ متر
محل کمین ما

مامور های آتش بس سازمان علل

محل ارتش سوریه



از دو شب من و معاون فرمانده و یک نفر دیگر يك شب زودتر فقط با يك كوله پشتی و اسلحه و يك بی سیم كوچك براه افتادیم و بته دره رسیده و محل مناسبی را انتخاب کردیم و روز را در آنجا خوابیدیم و بنا بقرار قبلی و قراری که گذاشته بودیم ساعت عفت بعد از ظهر میبایستی از پائین حرکت کنیم و ساعت ۸ که تازه شب میشد در محل هدف بوده و مواظب کمینهای شبانه اسرائیل باشیم . ما ساعت ۷ حرکت کردیم و ساعت ۵/۱۰ دقیقه بالا رسیدیم و دایره ای به شعاع ۵۰۰ متر را تفتیش کردیم و دوساره منطقه مین گذاری شده را کنترل کردیم و در آنجا نشستیم ساعت ۹ با گروهی که سالیلی از قبیل خمپاره و مین و نارنجك انداز داشتند تماس برقرار شد . با فهمیدن اینکه در راه هیچ خطری آنها را نهدید نمیکنند به طرف هدف حرکت کردند این گروه تقریبا ساعت ۱۱ بما رسیدند . ما مراقب اطراف بودیم که یکی از آنها پیش ما آمد و دو عدد گلوله خمپاره ۸۲ میلیتری که شعاع خطر آن ۲۰۰ متر میباشد و گروه فنی جبهه آنرا بطرز خاصی که شرح میدهم درست کرده بود ، بما دادند .

در انتهای گلوله خمپاره يك لوله بدرازی ۱ سانتیمتر و در داخل آن به ترتیب فنر و سوزن و فولمینات جیوه و سانی و مقداری مواد منفجره خمیری شکل گذاشتند

شده است . سوزن بيك ضامن و ضامن بيك مفتول سیمی متصل است که با کشیدن سیم ضامن آزاد شده سوزن با نیروی فنر روی فولمینات جیوه خورده تولید حرارت میکند . این حرارت باعث انفجار چاشنی و مواد منفجره خمیری شکل شده و خمپاره منفجر میشود . برای پرتاب گلوله خمپاره يك محفظه از صفحه پروپیل درست کرده و روی آن باروت ریخته و گلوله خمپاره را در آن قرار میدهیم و از ضامن آن سیمی بطول ۱/۵ متر به ته محفظه وصل میکنیم . دوسر دوسیم رابه سیم فرونیگل بسته و در داخل باروت می گذاریم و دوسر دیگر رابه باطری وصل می کنیم به این دلیل که وقتی دوسر سیم راباطری وصل می کنیم سیم فرونیگل داخل باروت گرم میشود و باروت را آتش میزند و در نتیجه گلوله خمپاره پرتاب میشود . سیم مفتول ضامن که به محفظه وصل بود کشیده شده و ضامن گلوله آزاد میشود در نتیجه گلوله منفجر میگردد . در این عمل همچنین از نارنجك انداز نیز استفاده میشود گروه فنی جبهه يك لوله آهنی بطول بیست سانتیمتر را باندازه کالیبر کلاشینکف (مسلسل روسی) سوراخ کرده و در ته آن يك سه پایه درست کردند که روی پا بایستد . در انتهای لوله باروت ریخته و سیم فرونیگل در داخل آن قرار دادند که دوسر سیم ها به سیم فرونیگل و دوسر دیگر

همان سیم هارا به باطری وصل میکنیم وقتی اتصال برقرار میشود سیم فرونیگک سرخ شده و باروت را مشتعل میکند در نتیجه نارجکی که سرلوله قرار گرفته بقاصله ۲۴۰ متر به جلو پرتاب میگند و بمحش بر خورد بسا زمین منفجر میشود و تا شعاع ۵ متر کشنده است. ما ده عدد از این نارجک هارا بسا پایه هایشان بقاصله ۳ متر از هم قرار دادیم. دو عدد دگلوله خمپاره راهم بقاصله ۳۰ متر از هم قرار داده و سیم کشی کردیم و سیم را از منطقه مین گذاری شده گذرانده و تا فاصله ۲۴۰ متر از تورسیمی بطرف راس دره آوردیم. این سیم و سیم مربوط بسه نارجکها را بیک دستگاه منفجر کننده وصل کردیم بعد یک مفتول مسی از آن بقاصله یک کیلومتر کشیده و به ته در آوردیم. طرز کار دستگاه بدین ترتیب بود که وقتی کلید اول را فشار میدادیم خمپاره ها و وقتی کلید دوم را فشار میدادیم نارجک ها منفجر میشدند.

ما روی سنگهای جلو هدف را رنگ کرده بودیم که هدف درست معلوم شود بسا رسیدن گروه مهندسی هدف آنها توسط بی سیم خبر میدادند و ما منفجر میکردیم با کترلی که قبلا کرده بودیم وقت عبور و تعداد آنها را مشخص کرده بودیم. آنها چهار نفر پیاده بودند که دوزخ پوش آنها را حمایت می کرد و وقت عبورشان از هدف نیز یکبار در ساعت ۷/۱۵ و یکبار دیگر ۷/۳۰ صورت گرفته بود. بوسیله بیسیم خبر رسید که خود را آماده کنیم من در یک حالت هیجانی قرار گرفته بودم و احساس غرور میکردم که با فشار یک دست روی دکمه چند نفر از نوکران امپریالیسم را نابود میکنم، خوشحالی زیاد همراه باترس و هیجان فوق العاده در من بوجود آمده بود. دلم تاپ تاپ میزد. در ساعت ۷/۲ دقیقه از بیسیم خبر رسید که بیسیم را روشن بگذارم و گفت که شکار به تله نزدیک میشود. بالاخره در ساعت ۷/۲۶ دستور انفجار داده شد و من دستم را بروی کلید فشار دادم صدای انفجار در همان لحظه برخاست و بعد از چند لحظه از بیسیم این خبر رسید: "خیلی خوب بسگمهای صهیونیست اصابت کرده و چهار نفر افتادند و دست نمیتوانم ببینم که کشته شدند یا مجروح" در همین موقع صدای رگبار مسلسل های سنگین و انفجار چندین خمپاره بگوش

ما این تله را برای گروه مهندسی دشمن گذاشته بودیم من و معاون فرمانده و رفیق دیگر که جلو در بودیم در تله دره ماندیم و فرمانده گروه کوچک ما مسئول اتصال و من مسئول انفجار بودم یعنی برنامه اینطور بود که دو نفر از افراد مادر طرف دیگر دره که تحت اختیار سوریه بود می نشستند و با دوربین منطقه را میآیدند

رسید که مزدوران دشمن برای ترساندن ما شلیک میکردند. دوباره بیسیم خبست داد که ناراحت نباشید هیچ خبری نیست و منتظر انفجار بعدی باشید. در همین موقع افرادی که در زرهپوش بودند پیاده شدند که زخمی‌ها و کشته شده‌ها را بلند کنند. آبولانس و چند ماشین جیب‌ود و نانک نیز آمده بودند هنگامیکه افراد پیاده شده و بزخمی‌ها نزدیک شدند و خواستند آنها را بلند کنند، دستور انفجار دوم آمد من دستم را روی کلید دوم فشار دادم، تقریباً بعد از ۱۳ ثانیه صدائی مثل صدای رجمار مسلسل برخاست نارنجکها یکی بعد از دیگری بزمین خوردند و کرد و خاک زیادی بهوا بلند شد. ما زود سیم‌ها را کشیدیم و یکمقداری از آن را جمع کردیم و از آن منطقه بطرف جنوب حرکت کردیم و از دره کوچکی بطرف بالا رفتیم البته بما دستور داده بودند که روز را در آنجا بخوابیم و شب بطرف بالا حرکت کنیم تا در موقع آمدن هدف خمپاره‌ها و سلسله‌های سنگین و تانگهای دشمن قرار نگیریم ولسی ما میخواستیم ببینیم که چه شده و چند نفر از دشمن را کشته‌ایم و در ضمن با رفتن جلوی روی دشمن روحیه‌اؤ را ضعیف کنیم ما با احتیاط یکی یکی از لای سنگها بطرف بالا حرکت کردیم و دور زد، بمنطقه‌ای که فرمانده نشسته بود رسیدیم، فرمانده

از بی توجهی ما به خطر احتمالی ناراحت شد. بعد گفت که نزدیک بانزده جسد بلند کردند و بردند و گفت که حالا شما بطرف اردوگاه بروید و مواظب هواپیماهای دشمن هم باشید. ما حرکت کردیم. در راه میخواندیم و شادی میکردیم همه خستگی سه روزه در ته دره و بی‌خوابی از یادمان رفت ما بقرارگاه رسیدیم. من مسلسل را به زمین گذاشتم و میخواستم که جریان را برای رفقا تعریف کنم که صدای انفجار برخاست و زمین مثل اینکه زلزله آمده باشد تکان خورد و صدای هواپیما برخاست، ما هر کدام اسلحه‌های خود را برداشته و در دره پخش شدیم. من و معاون فرمانده بطرف بالای دره حرکت کردیم میخواستیم ببینیم بامر فرمانده و آن رفیق دیگرمان چه آمده. هواپیماهای دشمن یک مرکز ارتش سوریه را بمباران کرد. رفیق میگفت که حالا هواپیماهای سوریه بلند میشوند و تا غروب بزن بخور میشود. ما نصف راه را رفته بودیم که بفرمانده و رفیق دیگر برخوردیم خیلی خوشحال شدیم. ما دیگر بار وگاه برنگشتم، در یک منطقه که درخت کمی داشت ماندیم. یک ساعت بعد دیدیم که چهار هواپیما (سوخوی ی ۷) تابع سوریه از بالای سرمستان در ارتفاع خیلی عبور کردند، معاون فرمانده گفت: "دیدم که سوریه حواب اسرائیل را داد" در همین موقع تقریباً ۱۰ هواپیمای فانتوم

از ارتفاع خیلی زیاد در حال پیشروی بودند و بسوی عمن سوریه حرکت میکردند ما دیگر حیزی نفهمیدیم و بسوی قرارگاه رفتیم . فرمانده عملیات را به دمشق مخابره کرد و تلفات را بین ۱۵ نفر کشته و زخمی گزارش داد . ساعت ۱۱ باخبار اسرائیل بمب رادیم، رادیو اسرائیل اعلام کرد که در حولان انفجاری روی داد که باعث مجروح شدن سطحی یک نفر گردید . من از این موضوع خیلی ناراحت شدم ولی فرمانده گفت : " همیشه اینطور است ، اسرائیل برای اینکه ریحیه افراد خود را ضعیف کند اخبار را درستی چسب نمی کند ."

بعد از آن اسرائیل دست بعملیات انتقام زد . در عمن تریپا و خمپاره ها و موشکهای سوریه نیز مواضع اسرائیل را به آتش کشیدند . سوریه در اخبار رادیوسی اعلام کرد که یک هواپیمای میک، ۳۱ توسط جنگنده های اسرائیل نابود شده و لسی خلیان آن نجات یافته و یک سرخوی ۷ توسط موشکهای آمریکائی، سرنگون شد ، و ۳ سرباز کشته و ۷ سرباز مجروح شده است . و نیز ۵ تانک و سه توپ سوریه توسط نیروهای

اسرائیلی نابود شده . در همین رادیو سوریه اعلام کرد که سوری های و هواپیمای فانتوم (و ۱۴ تانک و چندین توپ دشمن را نابود کرده و تلفات دشمن در حدود ۲۵ نفر کشته و زخمی است .

اسرائیل در اخبار رادیو تأکید کرده بود که اگر سوریه به خرابکاران عرب (اسرائیل یفد اثیون خرابکاران عرب میگوید) گفت کند که از آنطرف بسوی سربازان اسرائیل حمله کند ، دست بانتقام خواهد زد .

از موفقیتی که بدست آورده بودیم بی اندازه خوشحال بودیم . و از اینکه توانسته بودیم بمنافع امیرالیسم ضربه بزنیم در پوست خود نمیگنجیدیم .

بعد ما در هر عملیات اطلاعاتی و تجسس و عملیات زد و خورد با اصرار زیاد خود شرکت میکردم تا هر چه بیشتر بتوانم برای خدمت به خلیق و مبارزه با امیرالیسم تجربه بدست بیاورم .



✽ فرزندان راستین خلق ✽

✽ نگاهی کوتاه بزندگی انقلابی رفیق کارگر یوسف زرکسار ✽

باد آورده، ثروتمندان و عمین امر در زعمن رفیق نطفه، عصیان علیه نظام موجود را میکاوت. در زعمن این کارگر جوان بحکم تاریخ، نظامی تصویر شد که در آن خبری از این بوعدالتی ها و این تضادت ها نباشد، اما این تصویر گنگ و مبهم بود. ذهن او به تنهایی قادر به تصویر نظامی که باید بوسیله طبقه کارگر ساخته شود نبود، باید مجموعه تجربیات تاریخی بشر به کمک او می شناخت. ذهن رفیق همچنان در جستجو بود، تا اینکه در ارتباط با کارگران آگاه کارخانجات راه آهن که در آنجا کسار میکرد قرار گرفت. آگاهیش نمک گرفت و امیدش به ایمان بدل شد، او آینه های را میدید که باید با تلاش او ساخته شود. از اینرو پس از آنکه اولین کدوله علیه رژیم حاکم در سال ۱۳۴۱ در جنگ های سیاهک، از سلاح "جیرک های فدائیس خلق" شلیت شد و تحولی بیقی در مبارزات خلق مابه وجود آورد، رفیق یوسف زرکسار که خود قبلا در کوران مبارزات اقتصادی کارگران بود، راه درست مبارزه را انتخاب

در شماره گذشته نشریه نبرد خلق، چگونگی درگیری رفیق یوسف زرکسار را که به شهادت رفیق انجامید شرح دادیم. تاثیر درگیری رفیق بر خلقتی که شاهد جریان بودند و انعکاس این درگیری در میان مردم اصفهان، از موارد کوچکی است که نشان میدهد نه تنها با عملیاتی که بابرنامریزی و انتخاب هدف از جانب رزمندگان پیش آهنگ صورت میگردد، بلکه با درگیریهایش که دشمن بر ماتحمیل میکند نیز شکست پذیری قدرت رژیم نمایان میشود.

شهادت رفیق کارگر، یوسف زرکسار، همچون زندگی انقلابی در خدمت رهاشتی خلق ها قرار گرفت. یوسف در دیماه سال ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگر به دنیا آمد. ۹ ساله بود که پدرش در گذشت و او مجبور شد برای تامین مخارج خانواده خود از عمان سالهای کودکی به کارگری بپردازد. کاردر کارخانه واتمیت استعمار را به طور عینی به رفیق نشان داد. او از یک طرف زندگی مشقت بار طبقه کارگر را میدید و از طرف دیگر درآمد افسانه ای و

فرزندان راستین خلقی چقدر زبون و ناتوان است .

رفیق یوسف زرکار در کتاب خود ماهیت سازمان امنیت و شهربانی را افشاء میکند و شکست استراتژیکی تشبیهات آنان را برای لگد مال کردن نطفه اعتراض و آگاهی در میان خلق رنجبر مانشان میدهد . کتاب رفیقی زرکار، علاوه بر ایران، در کشورهای خارجی نیز هم به زبان فارسی وهم بزبان فرانسه چاپ و پخش شده است و گویا ترجمه آن به زبان های دیگر در شرف انجام است . این کارکمد زیادی به شناساندن رژیم منفور محمد رضاشاه به مردم کشورهای دیگر میکند رفیق زرکار از رفقای فعال سازمان بود . ایمان او برهائی خلق ها از زیر ستم رژیم منفور شاه و اربابان آمریکائی و انگلیسی اش چون کوه محکم بود . تعهد و صداقت بییش از حد رفیقی، همواره انگیزه های قوی بسرای رفقای است که در ارتباط با او کار میکردند . نفرتش به دشمن هدی نداشت . او که خود کارگر ساده ای بود و تمام زندگیش در فقر سپری شده بود به روشنی درد و رنج خلقی را حس میکرد و بدینجهت تمام زندگی خود را در خدمت نابودکردن نظام موجود گذاشت او با مرگ خود به پیمان، که با خلقش بسته بود وفا کرد . " جاودانه باد خاطره " رزمنده فدائی، رفیق کارگر یوسف زرکار "

کرد و علیرغم کمی سن از اولین کسانی بود که به صف انقلاب صلحانه ایران پیوست . رفیق پس از مدتی فعالیت در شهرداری ماه سال ۱۳۵۰ در شرایط خفقان ایران، به وسیله سازمان منفور امنیت دستگیر شد . مزدوران جنایتکار، طبق معمول رفیق را به زیر شکنجه بردند . آنها تصور میکردند که میتوانند دهان این فرزند راستین خلقی را بکشایند و اسرار خلق را از زبان او بیرون بکشند، ولی تصورشان باطل بود . رفیق با تکیه به ایمان و صداقت انقلابی خود دست به صحنه سازی در مقابل دشمن زد و چنین وانمود کرد که یک عنصر ساده سیاسی است و در حالی که در تمام مدت بازداشت که با شکنجه های وحشیانه نیز همراه بود، کینه و نفرت بیحدش را به دشمن در دل خود حفظ میکرد، توانست ماهرانه دشمن را خام کند : بعد از یکسال از زندان آزاد شد و با پیگیری و پشتکار زیاد توانست دوباره با سازمان " چریکهای فدائی خلق " ارتباط بگیرد . رفیق زرکار در ارتباط با سازمان " تجارب یکساله " خود را در زندان ، در جزوه ای نوشت که به نام " خاطرات یکسک در زندان " منتشر شد . این کتاب حقایق بسیاری را از وضع زندان و ماموران سازمان امنیت بازگو میکند و نشان میدهد که قدرت رژیم پوشالی که خودش آنقدر درباره آن تبلیغ میکند ، در مقابل قدرت ایمان و اراده

بقیه از صفحه ۴۷

سیاسی، برای این دولت فلسطین که باید در ساحل غربی و بخش غزه تشکیل گردد وجود دارد؟ در مورد نبود چنین اصولی حتی هیچگونه اختلاف نظری هم وجود ندارد. در واقع باید گفت که این دولت به "کلهای عربی، و خارجی" حتی برای دادن حقوق به کارمندان نیازمند خواهد بود یعنی این دولت هرگز نخواهد توانست از نظر سیاسی - اقتصادی و تصمیم گیری مستقل باشد و بناچار راه گریزی برایش نیست جز اینکه دستگاه وابسته و مسخره ای باشد که در سایه "رحمت بخشندگان" زندگی کند، علاوه بر آن زیر نفوذ سلطه "امپریالیسم آمریکا و سلطه و نفوذ دستگاه صهیونیستی و ارتش دشمن نیز باشد. از آنچه گذشت، روشن میشود که انجیزی که بنام اهداف مرحله ای در مبارزه خوانده میشود، دولت فلسطین راه حل سیاسی، هیچ ارتباطی به امر تاکتیک مرحله ای در مبارزه ندارد بلکه به معنی نابود کردن انقلاب مسلحانه و دستاورد های آن و همراه با نابود کردن هدف نهایی و امر عادلانه است...

در اینجا لازمست بر این مسئله تاکید کنیم که جوهر مسئله در حل مبارزه با دشمن صهیونیستی امپریالیستی نقطه تعیین کننده ای دارد. و آن عبارتست از فراهم کردن نیروی مسلح خودی انقلاب فلسطین، توده های فلسطین، انقلاب عرب و توده های

به هدف نهایی برسد یک ویژگی دیگر نیز باید از اهداف مرحله ای شناخته شود و آن اینست که اهداف مرحله ای در هر زمان باید با توجه به شرایط مشخص و در ارتباط ارگانیک با هدف نهایی تعیین شوند. چرا که هرچیزیکه هدف مرحله ای نامیده شود، در واقع هدف مرحله ای درستی که شرایط متحول انقلابی طلب میکند نیست. همچنین اهداف مرحله ای که یک انقلاب آنرا تعیین میکند، اهداف مشخص است و بالاخره اینکه مسئله ای که در مورد امر اهداف مرحله ای هیچ حرفی در آن نیست اینست که آن چیزهایی را که انقلاب و اهداف نهاییش را نابود میکنند به هیچ وجه نمیشود اهداف مرحله ای خواند. اکنون توجه کنیم به طرح خطای آنها که تشکیل دولت فلسطین را یک هدف مرحله ای میدانند.

الف. تشکیل دولت فلسطین طبق راه حل های پیشنهادی، شرطش اینست که بی طرف بوده و از هرگونه عملی که معنای دشمنی بدهد خودداری کند، یعنی نابودی مقاومت مسلحانه و باقی ماندن دستگاه صهیونیستی با برتری مطلق نظامی، علاوه بر این به رسمیت شناختن آن و مجال گسترش اقتصادی - سیاسی و فرهنگی بدان دادن.

ب. آیا هیچ اصول اقتصادی - نظامی

سلاح و وقتی مسئله را بشکل روشنتر طرح کنیم باید بگوئیم بادشواری عائیکه انقلاب فلسطین با آن روبروست و خطرانی که وطن عربی را بطور کامل تهدید میکند، ممکن نیست از طریق سازش مقابله شود تا زمانی که یکه پراکنده ایم و ضعیف ممکن هم نیست از طریق مخالفت منفعل با آن مقابله شود.

بنابراین مخالفت باید همراه با ادامه جنگ باشد. و کوشش برای ایجاد نیرو قادر است انقلاب فلسطین را حمایت کند و با امپریالیسم و صهیونیسم بستی زد. اینست تنها زبانی که راه حل صحیح را برای نجات از هر بن بستی می دهد و تقسیم وطن عربی و فلسطین را طبق اهداف انقلاب عرب و انقلاب فلسطین تجدید میکند. در اینجا لازمت قانونی را که مبارزه در این

جهان حه مبارزه طبقاتی و حه بر مبارزه ملیستی حکم فرماست بشناسیم. این قانون در هر طرف مبارزه عبارتست از قانون قدرت خودی، لیکن این قانون در رابطه با قوانین قدرت طرف دیگر عمل می کند. همانطور که مشخصه ای نیز دارد که میگوید: اگر نتیجه بلافاصله هر مبارزه وابسته به میزان قدرت عربیک از طرفین مبارزه در لحظه کنونی باشد، نتیجه نهائی هر مبارزه وابسته به میزان قدرت هر یک از طرفین نیست بلکه وابسته به میزان قدرتی است که هر طرف در تکامل عینی خود در مقابله میزبان

مردم عرب. این آن نیرویی است که قادر خواهد بود مسئله فلسطین را در برابر نابودی حمایت کند و قادر خواهد بود با امپریالیسم و صهیونیسم مقابله کند، بدون این نیرو، هر خط مشی سیاسی ای چه با خواری، تکه زمینی برای ایجاد موجودی -یت خود گدائی کند و چه عمه راه حلهای تسلیم طلبانه و در راس آن طرح و پیشنهاد دولت فلسطین را رد نماید، عیجیک از اینها نخواهد توانست واقعیت سلطه ی دشمن بر حاکم فلسطین و طمع ورزیهایش را در وطن عربی چه از طریق تجاوز و جنگ باشد و چه از طریق سازش و نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - علیرغم اینکه موضع دوم زبانهائی را که موضع اول برای آینده مسئله بخور کلی دارد نخواهد داشت تغییر دهند.

بنابراین نقطه اساسی بی که باید اندیشه و طرحهای خود را بر آن متمرکز کنیم اینست که چگونه ممکن است چنین نیرویی را برای انقلاب و توده ها بسازیم، و وسیعترین توده های مردم فلسطین و عرب را در جبهه مبارزه حقیقی بحاطر نجات از این بن بست که پیکار مسلح به آن رسیده بسوی کنیم. نجات امر فلسطین و انقلاب فلسطین و انقلاب عرب از حمله و حشیانه امپریالیسم آمریکایی صهیونیسم امکان پذیر نیست مگر بقدرت

امریکنهای ناشی نیست. در اینجا استراتژی و تاکتیک و تشکیلات پیشانگت رهبری کننده و عیره نیز ضروری است، لیکن گذشت از خواسته های عادلانه و سازش بر سر آن یعنی از دست دادن همه چیز. همچنین تعسک بر عادلانه بودن خواسته ها بدون تحویل این خواسته عادلانه به این قدرت مادی از طریق تنظیم استراتژی و تاکتیک صحیح سیاسی و نظامی و تنظیم خط تشکیلاتی صحیح برای پیشانگت و جبهه و توده ها و نیروهای مسلح نیز عملاً به نتیجه عائی غیر از نتیجه عائی که از سستی و سازش و تسلیم طلبی ناشی میشود نمیانجامد. بنابراین ما خواستار آنیم که از یک سو بر عادلانه بودن خواسته هایمان با شدت تمام پافشاری کنیم و از سوی دیگر خواستار انجام کار اصولی بخاطر فراهم کردن شرایط مقاومت و ادامه مبارزه و پیروزی انقلابمان و توده هایمان باشیم.

این مقاله ترجمه ای است از برخی قسمت های مقاله مفصلی با همین عنوان از کتاب "بین استراتژی آزاد، کامل و استراتژی و راه حل سیاسی نوشته منیر شفیق یکی از کادر های مارکسیست - لنینیست و با سابقه انقلاب مسلمانان".

شأب در نوامبر ۱۹۷۳ به چاپ رسید و اصل مقاله از صفحه ۷۴ تا صفحه ۲۲ این شأب است.

قدرت ذاتی که طرف دیگر نمی میرد راز مدت مبارزه بدست می آورد، می تواند فراهم شود. اما مسئله، فراهم کردن نیروی هر طرف تحت یکسری از قوانین است که نسبت به طرف دیگر متفاوت است. قوانینی که امپریالیسم و صهیونیسم در ساختمان قدرت خود از آن پیروی میکنند با قوانینی که خلقهای ضعیف و عقب افتاده در بنای قدرت خود بکار می برند متفاوت است. این قوانین ناظر بر صحت استراتژی و تاکتیک سیاسی - نظامی و صحت خط تشکیلاتی و اسلوب عمل است. همچنین در مورد ایجاد نیروی ها مسلح و تشکل توده های و جبهه متحد، این قوانین ناظر بر برنامه، سننهای مبارزاتی، طرز تفکری که در برخورد با مسائل مختلف از آن استفاده میشود و غیره نیز است. برای اینکه یک خلق عقب مانده بتواند این قوانین را بر واقعیت تطبیق دهد ناچار است که بر عادلانه بودن خواست خود تکیه کند، چرا که عادلانه بودن در مبارزه، خلقهای عقب افتاده علیه امپریالیسم عامل تعیین کننده ای است. این امر نه تنها در مبارزه سیاسی در سطح جهانی عامل تعیین کننده ای است بلکه همچنین در زمینه های بسیج فکری - سیاسی و عقلی تشکیلاتی و نظامی یعنی در زمینه های تداری قدرت انقلابی توده ها نیز تعیین کننده است. عادلانه بودن

هموطنان مبارز!

برای حمایت مادی و معنوی خود با آدرس زیر با سازمان ماتماس بگیریید:

آدرس پستی

P. O. Box 5101 - Moalla, Aden
Peoples Democratic Republic of Yemen

آدرس بانکی

National Bank of Yemen
P. D. R. Y. , Aden, Steamer point
Account No. 58305

بہا ۱۲۰ ریال



نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق

مرداد ۱۳۵۳

شماره چهارم

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳	۱. سرمقاله
۱۱	۲. اجرای موفقیت آمیز اعدام انقلابی فاتح یزدی (طرح تاری برودی)
۱۵	۳. اعدام یکی از دشمنان جنایتکار طبقه کارگر
	۴. خطابه توضیحی سازمان چریکهای فدایی خلق به کارگران ایران در رابطه با اعدام صاحب جنایتکار کارخانجات جهان
۱۹	۵. جنبشهای مسلحانه خلیفهای آفریقا
۳۷	۶. يك خبر
۴۵	۷. اخبار
۴۶	۸. شهادت يك قهرمان مقاومت
۶۱	۹. فرزندان راستین خلق
۶۲	۱۰. شهادت يك چريك فدایی خلق در جبهه نبرد منطقه ای
۷۳	

سرمقاله

سه سال و نیم است که از آغاز مبارزه ی
سلححانه توسط پیشگامان خلق می گذرد و اکنون
دیگر مبارزه سلححانه يك مرحله کامل راهگشایی
را پشت سر گذارده و در جامعه تثبیت شده است.
سه سال و نیم کوشش و پیگیری و پایداری و پایداری
و دلاوری و جانبازی و بالاخره سه سال و نیم
قربانی دادن در راه خلق بهای راهگشایی
و تثبیت مبارزه سلححانه در ایران بوده است.
این بهای گزاف را مبارزین پرداختند که با
مدد گرفتن از اراده و ایمان انقلابی از هیچ
مشکلی نهراسیدند با نثار خون پاکشان بشارت
دهنده مرحله نوینی از مبارزات رهایی بخش
خلق گشتند.

ضربات و تلفات سنگینی که پیشگامان انقلاب
ایران در آغاز تحمل کردند بسیاری از عناصر
مرد را ترساند و اپورتونیست ها را بر آن داشت
تا به اصطلاح برای "شکست" مبارزه سلححانه

در ایران مرثیه بسرایند. اما خیلی زود
واقعیت به اینان نشان داد که بوجود آمدن
گروه ها و سازمانهای انقلابی پیشگامان
شرایط مادی جامعه است و ضرورت های
اجتماعی و سیاسی جامعه است که موجود است
آنها و ادامه ی رشد شان را تضمین می کند.
به همین دلیل بود که گروهها و سازمانهای پیش
آهنگ علیرغم تحمل ضربات شدید ابتدایی
توانستند سازمان و امکانات آسیب دیده خود
را در بستر شرایط مساعد اجتماعی بازسازی
کرده و موج نوینی از مبارزات انقلابی را آغاز
نمایند. تجربه عظمی نشان داد که برای
رهگشائی هر مرحله نوین مبارزاتی و جنبشی
تلفات نسبتا زیاد را باید تحمل نماید. برای
آغاز جنبش سلححانه در مین ما نیز قبول چنان
ضربات و تلفاتی اجتنابناپذیر بوده است. اکنون
دیگر ما آن مرحله را پشت سر گذارده و شاهد

رشد روز افزون مبارزه مسلحانه هستیم . پس از سه سال و نیم که از آغاز جنبش می گذرد ، می بینیم که چگونه جوانان انقلابی موج وار در برابر رژیم ننگین شاه قد علم می کنند و با بخاک افکندن هر دسته ، دسته دیگری جای آن ها را می گیرند و مصمانه تر پیشروی خود را ادامه می دهند . هر روز خبری از گوشه و کنار کشور درباره ساختن گروه های مسلح بر علیه رژیم می شنویم . در پرومرد ، همدان ، قزوین ، قم ، دزفول ، نهاوند ، . . . همه جا گروه های انقلابی دست باسلحه می برند و در پی کار رهایی بخش خلق ایران شرکت می جویند . مبارزین صادقی و پاکباز در همه ی نقاط کشور با فدائی کردن جان خود در راه خلق ، در راه اعتلای جنبش انقلابی میهنستان و کشف ویژگیهای آن گام بر می دارند .

رژیم شاه که تا کنون بسرکوبی سریع و قطع و قمع جنبش چریکی امید داشت ، در همین سرکوب و کشتار وحشیانه مبارزین ، در باره قدرتی خود و دستگاه کتیف جاسوسی اش (ساواک) تبلیغات و سروصدا راه می انداخت . اخبار

دروغین و تحریف شده ، درگیری با چریکها و شهادت آنها را منتشر می ساخت تا بخلق نشان دهد که همه ی مخالفین خود را هر اندازه که قدرت داشته باشند ، سرکوب میکند . دشمن بدینوسیله می خواست خود و مأمورین خود فروخته اش را در برابر خلق ضربه ناپذیر جلوه دهد تا بخیال خود آنها را از فکر مبارزه با حکومت و دستگاههای سرکوب کننده اش منصرف کند . رژیم که غفلتا با موج نوینی از مبارزات انقلابی مواجه شده بود ، مانند همه ی حکومت های ارتجاعی و مطابق با فرمول بنسدی کارشناسان امپریالیسم جهانی دست به سرکوب وحشیانه و خشن مبارزین همراه با تبلیغات و قبحانه زد تا بخیال خود آتشی را که بزودی دامش را فرا می گرفت ، هر چه زودتر خاموش سازد . در ابتدای امر رژیم که اطمینات چریکها دستچاچه شده بود ، مرتکب اشتباهاتی شد و دست تبلیغات ناشیانه ای زد . اقدامات و عطیات چشمگیر چریکها همراه با تبلیغات ناشیانه ی دشمن خلق را با اوضاع و احوال نوینی که بوجود آمده بود ، آشنا ساخت و محیط

رشد روز افزون مبارزه مسلحانه هستیم . پس از سه سال و نیم که از آغاز جنبش می گذرد ، می بینیم که چگونه جوانان انقلابی موج وار در برابر رژیم ننگین شاه قد علم می کنند و با بخاک افکندن هر دسته ، دسته دیگری جای آن ها را می گیرند و مصمانه تر پیشروی خود را ادامه می دهند . هر روز خبری از گوشه و کنار کشور درباره ساختن گروه های مسلح بر علیه رژیم می شنویم . در پرومرد ، همدان ، قزوین ، قم ، دزفول ، نهاوند ، . . . همه جا گروه های انقلابی دست باسلحه می برند و در پی کار رهایی بخش خلق ایران شرکت می جویند . مبارزین صادقی و پاکباز در همه ی نقاط کشور با فدائی کردن جان خود در راه خلق ، در راه اعتلای جنبش انقلابی میهنستان و کشف ویژگیهای آن گام بر می دارند .

رژیم شاه که تا کنون بسرکوبی سریع و قطع و قمع جنبش چریکی امید داشت ، در همین سرکوب و کشتار وحشیانه مبارزین ، در باره قدرتی خود و دستگاه کتیف جاسوسی اش (ساواک) تبلیغات و سروصدا راه می انداخت . اخبار

برخاست و مبارزینی وجود دارند که قادرند و می توانند با دشمنان خلقی در آویزند . خلق نیز طبعا نمی تواند نسبت به این جریان بی تفاوت بماند و دیر یا زود بحمايت از چریکها بر خواهد خاست .

توطئه " سکوت " مختص رژیم ایران نیست بلکه یکی از روشهای امپریالیسم جهانی برای مقابله با جنبشهای مسلحانه در مرحله ای از رشدشان می باشد . مرحله ای که دشمن از اقدامات اولیه برای نابودی چریکها نتیجه نگرفته و جنگ طولانی ، دامنه دار و پونامه ریزی شده ای را با چریکها آغاز کرده است . توطئه سکوت نمایشگر آغاز این مرحله است . ولی با رشد روز افزون مبارزه مسلحانه این توطئه رژیم هم بتدریج با شکست مواجه میشود و دشمن باتخاذ شیوه های نوینی وادار می گردد . خبر در گیریها و عملیات اگر از راديو مطبوعات پخش نمی شود ، از طریق تبلیغات مستقیم خود سازمان های چریکی (بوسیله نشر اعلامیه ها ، خطابه ها ، جزوات ، رادیوهای چریکی و . . .)

را شدیداً سیاسی کرد . همگام با رشد و گسترش جنبش مسلحانه ، دشمن نیز که در حال مبارزه ی دائمی با چریکها بود ، اشتباهات خود را تصحیح می نمود ، شیوه های گوناگون را برای جلوگیری از نفوذ چریکها در خلق به تجربه و آزمایش می گذاشت و سیستم های مختلف ضد چریکی را زیر نظر کارشناسان امپریالیسم جهانی برقرار می نمود . در حال حاضر دشمن علاوه بر سرکوب میلیتاریستی خلق و برقراری شرایط حکومت نظامی پنهانی به شیوه توطئه " سکوت " متوسل شده است . رژیم می گوید که کلیه اخبار مربوط به در گیریها و عملیات چریکها را مسکوت بگنارد و از نشر آن در روزنامه ها ، راديو و . . . جلوگیری کند . دشمن بتجربه دریافته است که نشر هر گونه اخبار راجع به چریکها (حتی اگر در وهله ی پیشرفته باشد) باعث آشنائی خلق با چریکها و اطلاع از مبارزات و عملیات آنها می شود . بطاوه با انتشار هر خبر مسائل نوینی برای خلق مطرح می شود ، آنها در می یابند که با دشمن تا دشمنان مسلح هم می توان به مبارزه

در میان خلق پخشی می گردد . خلق ستمدید
 ما نیز هر روز پیوندهای جدیدی میان ستم
 هایی که با وی شود با مبارزه پیشگامان خود -
 کشف می کند و با اقداماتی که این فرزندسان
 راستینش در راه او و به نفع او انجام می دهند
 و اعتماد بیشتری بدرستی راهشان می یابد و
 با حمایت معنوی و حقی در مواقعی مبارزی
 خود نقشه های رژیم را نقش بر آب می سازد .
 به علاوه علیرغم خفقانسی که رژیم شاه در
 میهن ما برقرار نموده است ، گروه های انقلابی
 و پیشتاز خلق مرتباً تشکیل می شوند و سلاح بر
 می گیرند تا نقش خود را در راه انقلاب رهائی -
 بخش خلق ایفاء کنند . باید گفت که اگر چه
 بخاطر شرایط اختناتی و حکومت نظامی پنهانی
 رژیم گروه های انقلابی با یکدیگر ارتباطات -
 اندکی دارند و مستقلاً کار می کنند ولی تجار
 مشترکشان همه را بسوی منی واحدی راهنمایی
 می کند . به علاوه گروه ها خواه نا خواه و اگر
 چه اندک در جریان تجارب یکدیگر قرار می -
 گیرند و از طریق جزوات ، اعلامیه ها و . . .
 از خط منی و روشهای یکدیگر آگاهی می یابند

و با رشد سازمانهای چریکی ارتباطات آنها
 نیز بطور روز افزونی افزایش می یابد .

بدین طریق رژیم روز بروز با گروه های نوین
 مواجه می شود که سلاح برگرفته و نبرد را با
 وی آغاز می کنند . هنوز شکنجه و دستگیری
 رزفندگان یک گروه را تمام نکرده با عطیات گروه
 دیگر مواجه می شود و در گوشه دیگر کشور
 از وجود چریکها آگاهی می یابند . به علاوه
 در بعضی مواقع رژیم با عطیات گروه هایی مواجه
 می شود که بخیال خود با دستگیری و اعدام
 عناصر اصلی آنها را نابود کرده است ، طبیعی
 است که در چنین مواقعی تا چه حد حیثیت
 زنده و خشم گین میشود .

مثلاً گروه " ابوذر " که اعمال شجاعانه و

حیثیت انگیزشان در نهادند ، قم

تاثرات زیادی بر خلق نهادند بخصوص
 جوانان و محصلین باقی گذاشت . این گروه
 پس از یک رشته عطیات صلحانه در نهادند
 پاسبانی را در قم با کار خلع سلاح کردند .
 پس از مدتی که فعالیت های گروه می گذشت
 عده ای از آنها دستگیر و زندانی شدند . دشمن

با اعدام ۷ نفر از رزمندگان گروه و دستگیریهای وسیع در نهاوند و زنجان کردن هر کسی که بیم داشت ارتباطی هر چند ناچیز با گروه داشته است. بخیال خود گروه را قلمع و قمع نمود. ولی علیرغم این هجوم و سرکوبی وحشیانه دشمن، اکنون می شنویم که چند نفر از رزمندگان همان گروه در منطقه شمیران برای اعدام خواجه نوری را در استان ادریس ارتش، ایمن مزبور نور چشمی رژیم بخانه او حمله برده و با نگهبانان او بزد برخورد پرداخته اند.

در لرستان مامورین دشمن منطقه را میلیتاریزه کرده و شهرها را بحالت حکومت نظامی در آورده اند تا بخیال خود هسته مسلحی را که در روستاهای لرستان تشکیل شده است، در نطفه پخشکنند. دشمن از ناکامی در دستگیری این مبارزین که از حمایت توده ای برخوردارند، چون خرس تیرخورده بخود می پیچد و خود را بآب و آتش می زند. اکنون دشمن به دستگیری وسیع اقوام و خویشاوندان و حتی آشنایان این مبارزین دست زده تا شاید بدین وسیله بتواند

سرنخی برای دستگیری آنها بیاید. این نمونه هایی از گروه های انقلابی میهن ما هستند که در نقاط مختلف کشور با دشمن بیگاری کنند. گروه های دیگر نیز مرتباً تشکیل می شوند و مبارزه را ادامه می دهند. باین ترتیب مبارزه مسلحانه هر روز ابعاد گسترده تری می گیرد و گروه های زیادی با آرزوی پیوستن به جنبش مسلحانه با ابتدایی ترین تسلیحات و وسائل و یا حتی دست خالی بیگار را آغاز می کنند.

* * *

در چنین شرایطی وظایف سازمان چیست؟

سازمان ما به مثابه یک سازمان پیشتاز مارکسیست - لنینیست مسئولین بزرگ در قبال همه ی گروه های مبارز و بویژه گروه های مارکسیست - لنینیست بعهده دارد. در این سالها

عملکرد خود را جمع بندی کنند و به سه سو ر پلیس می افتند . بدیهی است که این گروهها در رابطه با سازمانهای تثبیت شده چریکی بهتر می توانند رشد کنند و ضربه های دشمن را خنثی کنند .

وظیفه ما در قبال گروه های

انقلابی چیست ؟

سازمان ما در قبال همه رزندگان انقلابی و بالخصوص رزندگان مارکسیست - لنینیست دووظیفه ی عمده در پیش دارد ؛ یکی اینکه تاحدی که قدرت و امکاناتش اجازه می دهد این گروه ها را جذب نموده و مستقیماً با موزش و سازماندهی آنها اقدام کند و دیگر اینکه از طریق جزوات و نشریات اعلامیه ها و رادیو . . . تجارب خود را در اختیار همه نیروهای انقلابی قرار دهد . البته واضح است که شمر بخش ارتباط مستقیم بر مراتب بیشتر است ولی مشکلات زیادی برای اینکار وجود دارد . از طرفی

هیچ شکی نیست که سازمان ما پس از سه سال و نیم مبارزه ی خونین در میان صفوف دشمن ، پس از سه سال و نیم مبارزه بی امان توأم با پیروزی و شکست ، اکنون خود را در جامعه تثبیت کرده است .

سازمان ما با بکار گرفتن تجربیات جنبش مسلحانه در سالهای اخیر اکنون کار را در سطح وسیعتری ادامه داده و به مراحل نوینی از رشد و گسترش خود رسیده است . در این مدت دشمن نیز تجربیاتی بدست آورده و سیستم های نوینی برای مبارزه با جنبش برقرار کرده است . به علاوه کنترل پایسی و خفقان را گسترش داده است . خفقان پلیس و عقیب و دستگیری وحشیانه ی دشمن بخصوص در مورد گروه های جوان و کم تجربه موجب ضربات زیسادی بر رزندگان انقلابی می گردد . بسیاری از گروه ها قبل از اینکه به تبارب مشخصی در امر مبارزه دست یابند و یا قبل از اینکه تجارب

آنکه نیروهای سازمان را در کوتاه مدت از لحاظ کمی افزایش می دهد ، از کیفیت کارها کاسته و یکتورم نامعقول در سازمان ایجاد می کند . ما به همراه رفیق نئین کبیر پیشوای پرولتاریای جهان معتقدیم که " بهتر است کمتر ولی بهتر باشد " .

این سبک کار در زمینه گسترش سازمان بجا گم خواهد کرد که به همراه یک رشد معقول و حساب شده انسجام و همگونی درونی سازمان را حفظ کرده ، از پراکنده کاری و افزایش کمی بی رویه که سازمان را از درون متلاشی میسازد ، اجتناب کنیم و سازمان را بر پایه های محکم و پولادین استوار سازیم .

با چنین برخوردی یا امر گسترش طبیعاً ما نمی توانیم عناصر تعلیم نیافته و کم تجربه را در راس گروه های ما و طلب بفعالیت وارد کنیم بلکه برای سازماندهی آنها ناچاریم از رفقای با تجربه و تعلیم دیده ی خود استفاده کنیم . ولی با توجه به زیاد شدن گروه های ما و طلب در جامعه امکانات ما از این لحاظ خواه ناخواه محدود است .

شرایط اختناق حاکم بر محیط ارتباطات گروه ها را با یکدیگر و همچنین با ما مشکل کرده است و از طرف دیگر امکانات خود ما هم برای ارتباط گیری با این گروه ها محدود است . باین ترتیب گروه های زیادی وجود ندارند که بدون اینکه ارتباطی با سازمانهای چریکی داشته باشند ، کار را از صفر آغاز می کنند و گروه های زیادی نیز وجود دارند که بسا سازمانهای چریکی از طرفی ارتباط گرفته و آمادگی خود را برای پیوستن بسازمان اعلام می کنند .

چه مسائل و مشکلاتی برای عضوگیری و جذب گروه های ما و طلب وجود دارد ؟

سازمان ما در زمینه گسترش تشکیلات بسا احساس مسئولیت بسیار برخوردار می کند و بهیچ عنوان عضوگیری های غیر مسئولانه را نمی پذیرد .

باعتماد ما عضوگیری های بی رویه علیرغم

نظامی خود بکاهد. بنیسان و سمسخت
بخشیدن به عملیات سیاسی - نظامی بطور
موقت با امر گسترش تشکیلات در تضاد قرار می
گیرد.

حال باید ببینیم که چگونه می توانیم

این تضاد را بفتح بقاء رشد یا بنه جنبش
حل کنیم؟

برای حل این تضاد باید به مسئولیتی که

سازمان در مقابل همه نیروهای اپوزیسیون

و بویژه گروه ها و محافل مارکسیست - لنینیست

دارد توجه کافی مبدول نمود این وظیفه تاریخی

و اجتناب ناپذیر ماست که برای رشد جنبش

ضد امپریالیستی در میهنمان هر چه بیشتر

گروه های انقلابی را سازماندهی کنیم و آموزش

دهیم. ما باید هر چه بیشتر تجارب سیاسی

نظامی و تشکیلاتی و تکنیکی و... خود را

در اختیار گروه های دیگر قرار دهیم و با امر

ارتباط گیری با گروه های داوطلب کار و جذب

آنها بسازمان با نیدی تاریخی برخورد نمائیم

یعنی "اختصاص دادن بخشی از انرژی ها

و مغزها و بازوهای سازمان در این رشته و

بقیه در صفحه ۷۲

در نتیجه در مورد جذب و سازماندهی

گروه هایسی که با ما ارتباط دارند ما با یک

تضاد روبرو هستیم که حل صحیح آن اثری -

تعیین کننده در رشد جنبش و سازمان

ما خواهد داشت.

از یک طرف برای سازماندهی این گروه ها

می بایستی اقدام کنیم و از طرف دیگر باندازه

کافی کارهای با تجزیه و برزیده برای سازمان

دهی گروه های داوطلب که مرتباً در جامعه

افزایش می یابند در اختیار نداریم. در

نتیجه برای سازماندهی و تشکل آنها مجبور

هستیم برخی از واحدهای منسجم و آماده

بکار خود را تقسیم نموده و با شرکت رفقای

تعلیم دیده و با تجربه این واحدها واحد -

های جدید را برپا سازیم. طبیعی است

که واحد های جدید در صورتی کار آیی

عقلی می یابند که مسعدهتی آموزش ببینند و

بر راه آموزش این واحدها سازمان بناچار است

بخشی و حتی گاهی بخشی اساسی انرژی های

خود را صرف کند. این امر باعث می شود که

سازمان بناچار از وسعت عملیات سیاسی -

اجرای موفقیت آمیز اعدام انقلابی فاتح یزدی

طرح (تاری وردی)

گرفتیم در مسیر حرکت او بطرف کرج (محل کارخانجات جهان چیت) راه او را بستیم و اعدامش کنیم. ما می دانستیم که "انتخاب مکان عمل برای هدفهای متحرک بهمان اندازه اهمیت دارد که انتخاب زمان برای هدفهای ثابت از اینرو برای انتخاب مکان عمل بررسی و دقت زیادی نمودیم. ما برای عمل جاده فرعی که از اتوبان ایوبی بطرف آریاشهر منشعب می شد انتخاب کردیم که مسیری مناسب و نسبتاً قریب به پایس بود. نقطه راه بندان را هم داخل این جاده فرعی در قسمت غرب کارخانه برق آستسوا انتخاب کردیم که در این محل یک دال بزرگ سیمانی داخل جاده سینه کشیده و عرض جاده را به ۶-۷ متر تقلیل داده بود (در بقیه ی نقاط عرض جاده ۹-۱۰ متر بود) فاتح روزهای فرد از خانه اش واقع در نیاروان از طریق پارک وی و اتوبان ایوبی وارد این جاده می فرود می شد

در اوائل تیرماه سازمان تیم ما را که از رفتاری مرحله جدید سازماندهی بعنوان یک تیم عملیاتی تشکیل شده بود مأمور اجرای حکم اعدام انقلابی محمد صادق فاتح یزدی یکی از جنایتکاران مفسور کرد. فاتح صاحبکارخانجات جهان چیت بود که در نظر توده های کارگر مسبب اصلی واقعه خونین جهان چیت شناخته شده بود. قسمتی از شناسایی اطلاعاتی که شامل شناسایی اتوبیل و آدرس منزل و آدرس محل گنجینه فاتح بود قبلاً انجام شده بود و موارد شناسایی شده در اختیار تیم ما قرار گرفت. ما بایستی ساعات خروج و مسیرهای حرکت و نقاط مورد مراورا شناسایی می کردیم. علیرغم محافظت هایسه که از او می شد ما بدون اینکه توجه او یا عناصری را که همراه او بودند جلب کنیم تمام حرکاتش را مورد شناسایی دقیق قرار دادیم. بر اساس شناسایی های انجام شده ما تصمیم

و پس از عبور از آریا شهر از راه اتوبان کرج به کارخانجات خود عیرفت .
مسئول کنترل جناح غربی صحنه .

ما یکشنبه بیستم مرداد ماه را برای اجرای حکم اعدام (روز صفر) تعیین کردیم . برای تهیه اتوبهیلی عطیات یکپخته قبل از عمل اتوبهیلی سرقت نمودیم و آنرا تا روز عمل در محل مناسبی نگهداری نمودیم .
مطابق صورت عطیات وظایف رفتاری عمل کنند باین ترتیب پیش بینی شده بود :

انجام عطیات در روز صفر

طبق صورت عطیات از عصر روز نوزدهم مرداد برنامه جهت روشن کاری سلاحها و تمرین صحنه عمل و . . . نوشته شده بود . صبح طبق برنامه در ساعت تعیین شده رفقا شماره ۱ و ۲ جهت آوردن اتوبهیل از پایگاه خارج شدند و در ساعت ۶/۵۰ رفقا شماره خارج شدند و در سر قرار دیده و همگی با اتوبهیل حرکت کردند . رفقا شماره ۳ و ۵ که بصورت کارگران ساختمانی لباس پوشیده بودند در نقطه ای نزدیک صحنه عطیات از اتوبهیل پیاده شدند و بطرف صحنه حرکت کردند . شماره ۱

رفیق شماره ۳ مسئول عطیات و مسئول شلیک به فاتح . رفیق شماره ۵ مسئول حفظ جان راننده ، پیاده کردن او از اتوبهیل و دور کردن او از صحنه و سپس دادن شمار و پخش اعلامیه . رفیق شماره ۱ (رفیق دختر) مسئول کنترل دو جناح غربی و شرقی صحنه ، رساندن مسلسل به رفیق شماره ۳ در صورت لزوم و پخش

- ۱ . این عطیات بیاد رفیق کبیر "حسن نوروزی" که با نام مستعار تازی وردی خواند می شد نامگذاری گردید . تازی وردی نام انقلابی معروف حیدر عمو افطو بوده است و قهرمان دلاوری که نام "چکیده انقلاب" به او داده اند ، حیدر تازی وردی نام داشته است .
- ۲ . در عطیات چریکی روز انجام عمل روز صفر خوانده می شود .

تا راه را کاملاً بر او ببندد . اما راننده ی بسا احتیاط فاتح که از دیدن اوضاع غیر عادی گیج هم شده بود در ۷-۸ متری اتوبیل ما متوقف شد و منتظر ماند . بلافاصله رفیق شماره ۳ پرچم را بکناری انداخته بطرف اتوبیل فاتح حرکت کرد و در سمت او را باز نمود . در همین زمان شماره ۵ هم که از اتوبیل فاتح گذشته و در پشت اتوبیل او قرار گرفته بود ، پس از توقف اتوبیل با یک حرکت دورانی ۱۸۰ درجه تغییر جهت داد و پس از رسیدن با اتوبیل فاتح در سمت راننده را باز نمود . در این موقع راننده فاتح اتوبیل را بحرکت درآورد و آرام آرام به جلو حرکت نمود که شماره ۲ هم با مشاهده ی حرکت او بتدریج راه را کاملاً بر او بست . اتوبیل فاتح در نزدیکی اتوبیل ما متوقف شد . در این مدت که اتوبیل فاتح در حرکت بود چه گذشت ؟ در این مدت شماره ۳ ده گلوله به فاتح جنایتکار شلیک نمود . رفیق شماره ۵ نیز بسا راننده درگیر بود که او را از اتوبیل بیرون بکنند . راننده مرتباً می گفت " صبر کن تا ماشین را خاموش کنم " پس از توقف اتوبیل شماره ۵ راننده را ۴

و ۲ هم برای دیدن اتوبیل فاتح و تعقیب و همراهی کردن او تا صحنه ی عملیات بسا نیاوران رفتند . در این فاصله شماره ۳ و ۵ به صحنه رسیده و مشغول کار شدند همچون چندین سنگ شکسته و کوچک دال را به منظور چیدن داخل جاده و کم تر کردن عرض جاده آماده نمودند . همه چیز آماده بود . را ساعت ۸/۵ (هشت و پنج دقیقه) شماره ۵ از دور علامت چراغ شماره ۲ را دید (روشن و خاموش کردن چراغ ماشین) . او فوراً به شماره ۳ اطلاع داد و خودش را سریعاً به آن طرف جاده رساند و پس از ریختن سنگهای دال بداخل جاده در جهت مخالف حرکت اتوبیل فاتح برآه افتاد . رفیق شماره ۳ نیز پرچم بدست در کنار پل سیمانی ماشین ها را امر به احتیاط و کم کردن سرعت نمود ، اتوبیل ما رسید و سرعت خود را کم کرد و راننده ی فاتح هم به تبعیت از ما و با دیدن پرچم قرمز رنگ سرعت خود را کم کرد . شماره ۲ که سر اتوبیل را کنی متمایل بچپ کرده بود منتظر ماند تا اتوبیل فاتح نزدیک شود

اتوبیل بیرون کشید و با تهدید اسلحه با او نهیب زد " برو " تا هر چه زودتر صحنه را ترک کند و از آسیب های احتمالی در امان باشد .

چون راننده هنوز حاج و واج بود شماره هتیری جلوی پای او شلیک نمود که راننده مانند فنر از جا کنده شد و صحنه را ترک نمود . در این موقع

اتوبیل های چندی منظمه يك کامیون بصحنه رسید ، سر نشینان آنها با تعجب و بدون کوچکترین حرکت صحنه را تماشا می کردند و فقط

شاگرد راننده کامیون که گویا هنوز متوجه غیر عادی بودن صحنه نشده بود ، بتصور اینکسه تصادفی اتفاق افتاده بسرعت از کامیون پیاده

شد تا به طرف صحنه بیاید و از واقعه اطلاع پیدا کند ، که با تهدید قاطعانه ش ۳ و تیسر هوایی که ش ۱ برای متوجه کردن وی به واقعت

جریان شلیک کرده فوراً بسر جای خود برگشت . رفیق شماره ۵ هم که قسمت اول و نظایفشی تمام شده بود تیر خلاص فاتح را بسوی

شلیک نمود و بجلوی صحنه آمد و فریاد زد " زنده باد کارگر " " مرگ بر شاه خائن " . مردی که شاهد عملیات بودند با گوشه های

خود فریاد رزم آوری چریک های فدایی خلق را که آینده امید بخشی مبارزه ، یعنی ناپسندی حکومت ضد خلقی محمد رضا شاه و پیروزی خلق را نوید می داد شنیدند .

سپس رفیق اعلامیه هایسی که همراه داشت در قضا پخش نمود . در همین زمان رفیق شماره ۳ با توپیل فاتح نزدیک شده و او نیز گلوله ای

بممنوان تیر خلاص را و شلیک نمود . با قرمان شماره ۳ رفیق شماره ۱ در مقابل چشمان حیرت زده ناظرین اعلامیه ها را در صحنه

پخش نمود و مردم ناظر عطیات این بار از زبان يك دختر رزمنده فدایی خلق پیام چریک های فدایی خلق را دریافت نمودند " زنده باد کارگر

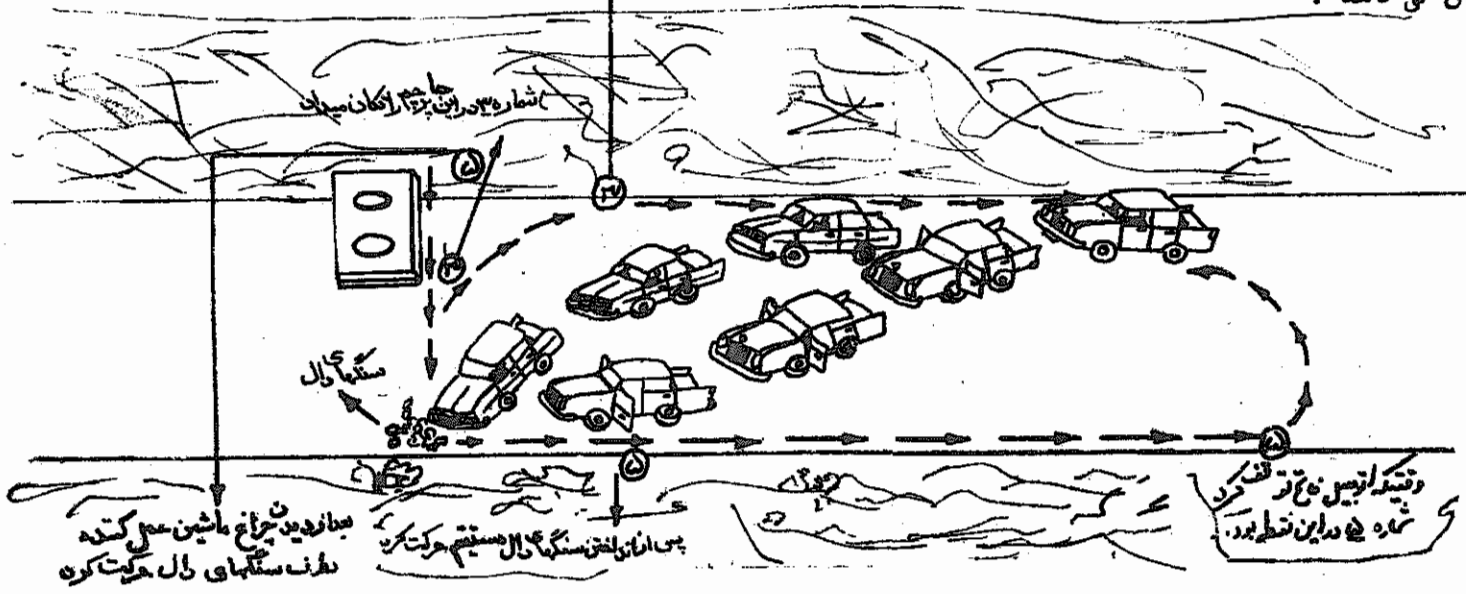
، زنده باد کارگر " " مرگ بر شاه خائن " . با ادای کلمه " تمام " از جانب مسئول عطیات رفقا همگی سوار اتوبیل شدند و شماره ۲

که در تمام مدت در پشت فرمان آماده بود ، اتوبیل را بحرکت درآورد و همگی از صیبری که قبل شناسائی شده بود از منطقه خارج شدیم و به پایگاه مراجعت

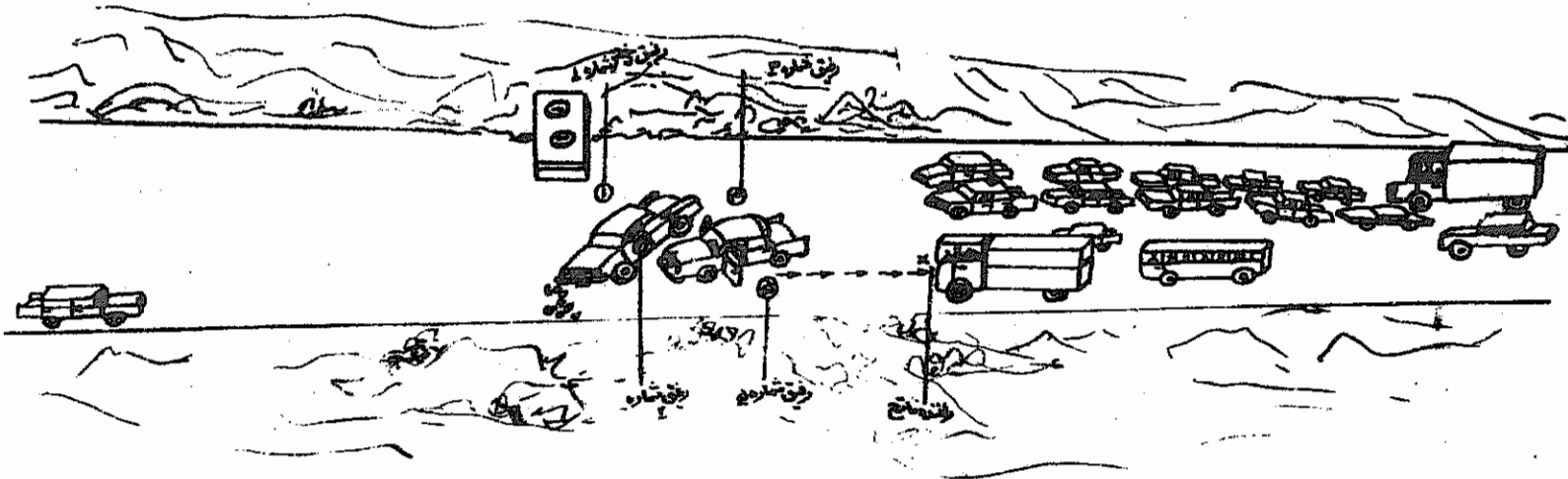
نمودیم .

تصویر ۱. متوقف کردن اتوبوس فایده تا توقف کامل
را لحظه بلحظه نشان می دهد.

نقطه ای که اتوبوس مانع در ۸-۷ متر از زمین عمل کرده است
پس از آن زمان حرکت کرده



تصویر ۲. کل صحنه را در حین عملیات نشان می دهد.



متن اعلامیه ای که در صحنه عطیات پخش شد:

اعدام یکی از دشمنان جنایتکار

طبقه‌ی کارگر

بالاخره پس از سه سال انتقام خون کارگران
بیگناهی که در واقعه خونین "جهان چیت"
بشهادت رسیده بودند باز ستانده شد .

با اعدام فاتح "سازمان چریک‌های
فدایی خلق" پشتیبانی مسلحانه و بیدریغ
خود را از مبارزات حق طلبانه کارگران
سراسر ایران اعلام میدارد و با صراحت به
دشمن هشدار می‌دهد که هیچ گونه جنایتی
را در حق طبقه کارگر ایران بی‌جواب نخواهد
گذاشت .

سابقه امر :

در اردیبهشت ماه سال ۵۰ کارگران

در یامداد روز ۲۰ مرداد ماه ۱۳۵۳ حکم
اعدام محمد صادق فاتح یزدی صاحب کارخانجا
معروف جهان توسط یک واحد از رزمندگان
سازمان چریک‌های فدایی خلق به مورد اجرا
درآمد .

دادگاه انقلابی خلق فاتح را به خاطر
نقش موثری که در کشتار کارگران جهان چیت
به عهده داشت و بخاطر حق کشی های ظالمانه
اش در حق کارگران به مرگ محکوم کرد و فاتح
خونخوار را به سزای اعمال تنگینش رسانید .

زحمتکش جهان چیت که از سنگینی مخارج زندگی و کمی دستمزد به تنگ آمده بودند پیاده از کرج به طرف تهران حرکت کردند تا از شرایط وحشتناک کار در کارخانه های محمد صادق فاتح یزدی که به نام کارخانجات جهان معروف است به وزارتکار شکایت کنند. دولت شاه که از اتحاد و تجمع ۲۰۰۰ کارگر خشمگین وحشت زده شده بود طی توطئه مشترکی با فاتح خائن کسه حاضر نبود دیناری به حقوق کارگران اضافه کند سیل خروشان ۲۰۰۰ کارگر شجاع و بهساز از جهان چیت را به خون کشید. چندین کامیون زاندارم با تفنگها و مسلسلهای آمریکائی و اسرائیلی کارگران بحق طلب جهان چیت را در کاروانسرا - سنگی واقع در نیمه راه کرج - تهران بیرحمانه به گلوله بستند. طی این یورش بیش از ۲۰ نفر از کارگران به شهادت رسیدند و دهها نفر از آنها مجروح شدند. این جوابی بود که دولت شاه که حامی فاتح و تمام سرمایه داران است به کارگرانی داد که فقط قطعه نان بیشتری برای سیر کردن شکم زن و فرزند خود طلب می کردند.

سبب اصلی این جنایت بزرگ که بود؟

فاتح سرمایه دار زالوصفت و به قول خلق کرج چشم راست شاه خائن سبب اصلی این جنایت بود. فاتح یکی از مالکین ستکبار یزد بود که با استفاده از نزدیکی با خاندان ننگین پهلوی با زور دهقانان حاجی آباد کرج را از زمین هایشان بیرون کرد و زمینهای غرب کرج را تصاحب نمود. او با احداث کارخانجات بزرگ جهان و بهره کشی وحشیانه از کارگران و بخصوص کودکان بسرعت ثروت خود را به میلیونها رساند و با استفاده از پولی که از خون و عرق هزاران کارگر بدست آورده بود و با چاکسری و پیشکش کردن حاصل این خونها به محمدرضا شاه خائن قدرت زیادی بدست آورد و مانند تمام سرمایه داران دشمن شماره یک کارگران شد. او سال های سال در ازای ۱۲ ساعت طاقت فرسا در شکنجه گاه هایسی که نام کارخانه به آن داده است تا ه تومان مزد پرداخت میکرد و با بی شرمی تمام می گفت:

"کارگر را باید گرسنه نگه داشت تا سرسبز و مطیع باشد" و به این ترتیب با وقاحت تمام رفتار

محشیانه سرمایه داران را با طبقه کارگر بیان میکرد و این رفتار را موجه جلوه می داد.

با اعدام فاتح نه تنها خلق ایران انتقام خون عزیزان خود را از دشمن گرفت بلکه جواب دندان شکنی هم به پايه گوئی های سرمایه داران داد و به دشمن نشان داد که با همه قدرت ظاهریش با وجود همه اسلحه هایی که امریکا به او داده است در مقابل قدرت مسلح خلق ناتوان است و بالاخره طی یک مبارزه طولانی با شرکت همه خلق بزانودر می آید.

سه سال است که مبارزه مسلحانه خلق ما آغاز شده است و مبارزه چریکهای انقلابی که فرزندان راستین خلق و حمتکش هستند بدون توجه به تبلیغات و پايه گوئیهای دولت شاه همچنان راه خود را ادامه می دهد. دولت شاه که با تمام کشتارها و حبس و شکنجه هاییش نتوانسته است این مبارزات را نابود سازد به منظور منحرف کردن افکار مردم چریکهای انقلابی را که برای نفع از حقوق خلق رنج دیده ایران اسلحه بدست گرفته اند خرابکار و عامل بیگانه مصرفی می کند و می کوشد از آگاه شدن و اتحا

همه نیروهای خلق جلوگیری کند. ولی دیر نیست که همه خلق ما به حقیقت پی ببرند و بخوبی دوست و دشمن خود را بشناسند. فقط در این صورت است که خلق ما خواهد توانست به اتحاد و یکپارچگی برسد و نقشه های دشمن را که سعی می کند از اتحاد خلق ما با چریکها جلوگیری کند بی اثر سازد.

هم اکنون هم دولت شاه از همه طرف با مبارزات خلق روبروست و از همه طرف دستگاه ظلم و ستمش تهدید می شود. کارگران مبارز ایران در طی اعتصابات متعدد مبارزه خود را با بر ضد دولت ضد کارگری محمد رضا شاه شروع کرده اند. همان کارگران رنج کشی که تا چند سال پیش از سرمایه دار به وزارت کار شکایت می بردند یعنی از گرگ پیش گرگ هارتر شکایت می کردند اکنون به مبارزات خشونت آمیز دست می زنند و در طی این مبارزات دسته دسته روانه زندانها و شکنجه گاه ها می شوند. دانشجویان و محصلین سراسر کشور طی اعتصابات و پخش اعلامیه و شعارهایی که روی دیوارها می نویسند حمایت خود را از مبارزه مسلحانه

اعلام می دارند و خود با تشکیل گروه های
ضربتی و مسلح در شهرستانهای مختلف به
دشمن ضربه زده و سعی می کنند نیروهای
پراکنده خلق را به میدان کشند و متحد سازند
میج مبارزه همه جا را فرا گرفته است و در مبارزه
ای دشوار و طولانی با شرکت تمام نیروهای
خلق بساط ظلم امپریالیسم خون آشام آمریکا
و نوکران ایرانیش در هم ریخته خواهد شد.
بگذار شاه و سرمایه داران خارجی و نوکران
ایرانیشان چون خرس زخم خورده به خود
بپیچند ، خلق مبارز ایران راه گلوله در مقابل
گلوله را در پیش گرفته است .

* "خون جواپ هر خون" اینست پاسخی نهایی خلق ما بدشمنانش *

جاودان باد خاطرهای شهدای چه _____ ان چیت

گسترده باد اتحاد نیروهای خلق و چریکهای انقلابی

درود بی پایان به کارگران مبارز ایران _____ را ن

ناپسود باد دولت ضد خلقی و ضد کارگری محمد رضا شاه خائن

" چریکهای فدایی خلق "

خطایه‌ی توضیحی

سازمان چریکهای فدایی خلق

به کارگران ایران

در رابطه با اعدام صاحب جنایتکار

کارخانجات جهان

۱. شمه ای در باره دشواری زندگی

کارگران و فقر روز افزون آنان

کارگران مبارز ایران!

اکنون طبقه کارگر ایران زیر فشار مخارج کمر شکن زندگی و گرانی شدید و بی سابقه روزهای سختی را می گذراند. درحالیکه همه نعمت های زندگی مثل: پارچه، گشتر، بیخچال، مگولر . . . و خلاصه همه وسائل رفاه و آسایش را طبقه کارگر تولید می کند. خود در بدترین و دشوارترین شرایط زندگی می نماید و از همه ی نعمت هایی که خودش آنها را می سازد بی بهره

است. بخصوص در چند سال اخیر بعلاّت گرانی بی سابقه و ثابت ماندن دستمزدها زندگی کارگران روز بروز دشوار تر میشود.

دولت ضد کارگری شاه خائن در سخن-

پراکنی های رادیویی و تلویزیونی خود با بی شرمی تمام زبان بدروغ گوئی می کشاید و از رفاه کارگران ایران دم می زند. شاه ادعا می کند که کارگران ایران از بیمه، بهداشت، مسکن و ۲۰٪ سود کارخانه برخوردارند. چه کسی این دروغها و نیرنگهای آشکار را باور خواهد کرد؟ شاه خائن و بقیه سرمایه داران با حرص و طمع روز افزون خود، حق زندگی برای طبقه کارگر

باقی نگذاشته اند. کارگری که در روز ۱۲-۱۰ تومان مزد میگیرد، مجبور است در ماه حد اقل صد تومان هم کرایه اطاق بدهد. راجع به بیمه باید گفت: کارگران رنج کس ایران، که بارها و بارها با وجود بیماری شدید در صحنهای طولانی به انتظار دکتر ایستاده اند و بعد از مواجه شدن با بد خلقی های دکترهای بیمه با گرفتن چند قرص کچی روانه گشته اند ماهیت تبلیغات دولت شاه را درک می کنند. سود ویژه هم که شاه عند کارگر آنقدر از تن دم می زند جزهای وهوی تبلیغاتی چیز دیگری نیست. معمولا همان عیدی و پاداشی که قبلا سالی یکبار به کارگر تعلق می گرفت حالا بعنوان سود ویژه پرداخت میشود.

در کارخانجات کفش ملی تا قبل از اعتصاب بزرگ و پیروز زندانه سال گذشته سود و مسزما^ی که به هر کارگر تعلق می گرفت عبارت بود از یک جفت کفش ملی، یک پتوی ۲۵ تومانی، یک کیلو روغن نباتی، ۵ کیلو برنج، یک کیلو قند و شکر و یک بسته چای. در بسیاری از کارخانجات دیگر نیز وضع به همین منوال است.

واقمیت اینست که کارگران ایران در کارخانه های که از لحاظ بهداشتی بهیچ وجه مناسب نیستند در هوای بسیار گرم یا بسیار سرد کارگاه که پر است از گازها و بخارهای مسموم کننده و صداهای سرسام آفرین روزی ۱۲-۱۰ ساعت کار می کنند. در چنین شرایطی بعد از چندین ساعت کار متوالی خسته شده و از پای می افتند و چه بسا دست و پا و انگشتانشان لای چرخها^ی ماشین ها گیر می کند و بسختی مجروح می گردد. کارگران ایران خوششان ریخته و شیریه جانشان کشیده میشود تا یک عده سرمایه دار زالوصفت در هوای ملایم کاخ های خسو^د استراحت کنند و به عیاشی و خوض گذرانی بپردازند.

۲، چه کسی مسئول این فقر و حوادث

خونین است که در کارخانه ها

اتفاق می افتد؟

سرمایه داران خونخوار که با حرص و طمع

خود می خواهند هر چه بیشتر شیریه جان

کارگر را بکشند و هر چه کمتر مزد بدهند

مجرع شده خود را ملا مت می کند تقصیر خودش است که بی احتیاط و حرف نشنوست. دولت شاه جنایت کار می خواهد این حقیقت را پنهان کند که این قبیل حوادث معمولاً در ساعات آخر کار و وقتی که کارگر بعد از چندین ساعت کار دشوار و طاقت فرسا خسته شده است اتفاق می افتد و مسئول این جنایات سرمایه داران هستند که سعی می کنند تا آخرین رمق از کارگران کار بکشند.

۳. شاه و دولتش چه رابطه ای با

سرمایه داران دارند؟

همه کارگران ایران بخواهی میدانند که

شاه و برادران و خواهرانش از بزرگترین سرمایه داران ایران هستند و در اکثر کارخانه جات ایران شریک می باشند. همه میدانند که رضاخان قدر سر سلسله خاندان تنگین پهلوی این همه ثروت را از برکت خوشخودی هائی که برای خارجی ها کرد بدست آورد. و پس از او فرزندان او با ادامه راه او و در پناه حمایت پول و اسلحه سرمایه داران

مسئول فقر روز افزون کارگران هستند. سرمایه داران با استفاده از نیروی کار کارگران مواد خام ارزان قیمت را تبدیل به محصولات و اجناس گران قیمت می کنند و استفاده های بزرگ می برند. مثلاً کارگران در شرایط دشوار کار خاکی را تبدیل به کاشی و پنجه را تبدیل به پارچه و تخم پنجه را تبدیل به روغن نباتی و بطور کلی با نیروی کار خود همه چیز می سازند. کارگران این محصولات را می سازند ولی فقط سرمایه دار است که از فروش این محصولات سود می برد. پس چه کسی جز سرمایه داران غنیمت آشام مسئول این فقر روز افزون کارگران هستند؟ سرمایه داران همچنین مسئول حوادث خونینی هستند که در کارخانه ها اتفاق می افتد.

دولت شاه سعی می کند در برنامه های تبلیغاتی خود در رادیو و تلویزیون گناه حوادث خونینی را که همه روزه در کارخانه ها برای کارگران رنج کشتن اتفاق می افتد به گردن خود کارگران بیندازد. مثلاً در اکثر نمایشنامه های رادیویی برنامه کارگران و بازیگر نمایشنامه از زبان یک کارگری که در حادثه ناشی از کسار

خشم آلود کارگران تبدیل به اعتصابات خشونت آمیز شود و به مال و جان سرمایه داران لطمه بزنند. همچنین وزارت کار اجازه نمی دهد سطح دست مزد در يك كارخانه از حد معیني بالاتر برود و اگر هم سرمایه دار در اثر مبارزات کارگران مجبور شود دست مزد ها را اضافه کند، چه بسا وزارت کار اجازه نمی دهد زیرا اگر مزد در يك كارخانه بالاتر رود کارگران كارخانه های دیگر هم برای بالا رفتن دست مزد اعتصاب خواهند کرد. بسیاری كارخانه های که وزارت کار با بالا رفتن مزد در آنجا - ها مخالفت کرده است.

در حقیقت اگر ظلم و ستم سرمایه دار بر کارگر واضح و آشکار است وزارت کار به اصطلاح با پنبه سر میبرد.

۴. کارگران مبارز ایران در مقابل

تشدید فقر روز افزون خود به

چه مبارزاتی دست می زنند

کارگران ایران که از فشار مخارج کمزگر زندگی و کمی دست مزد ها به جان آمده اند در سراسر ایران و در بسیاری از کارخانجات برای اضافه کردن دستمزد و بهتر کردن شرایط کار دست به مبارزه و اعتصابات خشم آلود زدند. در شرایطی که کارگران به روشنی می بینند با وجود کار و زحمت زیاد دشمنان پایمال میشه و قادر نیستند حتی احتیاجات اولیه خود را فراهم کنند، برای گرفتن ابتدائی ترین حقوق

خارجی روز بروز به ثروت خود افزودند. پس دولت شاه وطن فروش حافظ منافعی سرمایه داران خارجی و نوکران ایرانی آنهاست و همه ادارات و موسسات خود را در خدمت سرمایه داران بکار انداخته است.

خارجی ها با کمک دولت شاه خائن نفست مس و چوپهای جنگلی و ذخایر معدنی دیگر و خلاصه همه ثروت های مبین ما را می برند در عوض با اسلحه های خود دولت شاه خائن را تقویت می کنند.

آنها به شاه اسلحه میدهند تا او با زور اسلحه و خلق زحمت کش ایران را بفتح خود شان بکار بکشد. هم اکنون در بیشتر کارخانجات ایران سرمایه داران خارجی نیز شریک می باشند و بسیاری از کارخانجات ایران متعلق بخارجی هاست.

از طرفی ارتش مزدور ایران با اسلحه های آمریکائی و اسرائیلی مسلح است و همیشه آماده است تا از هر جا صفای حق طلبانه ای بگوشت رسد با سر تیزه و گلوله آنها خاموش سازد. پس رژیم ایران و آریامهر با ارتش مسلح و مزدور از منافع سرمایه داران دفاع می کند. برای همین است که بر هر کارخانه ای که اعتصاب میشود بلافاصله ارتش شاه جلوی در کارخانه سبزی می شود و کارخانه را اشغال می کند.

دولت شاه همچنین وزارت کار را ایجاد کرده است برای اینکه وضع کارخانه ها را کنترل کند و تا آنجا که می تواند نگذارد اعتراضات

خود و برای سیر کردن شکم زن و فرزند خود راهی جز متوسل شدن به زور ندارند . کارگران شجاع و مبارز پالایشگاه آبادان در اعتصابات سال گذشته درخواست خود را اینطور مطرح کرده بودند : " ما از شما دستمزد نمیخواهیم فقط شکم زن و فرزند ما را سیر کنید " این درخواست کارگران صنایع نفت است که در مقایسه با کارگران صنایع دیگر از دستمزد نسبتا بالاتری برخوردار هستند .

در طی همین یکسال پیش در کارخانه جات شاه پسند ، کفش ملی ، چیت ری ، پالایشگاه تهران ، ایرانا ، لند رور و جهان چیت اعتصاب شد . در کارخانجات کفش ملی که بخاطر اضافه دستمزد های پرداخت شده یکماه و نیم در حال اعتصاب بودند ، بدنبال حمله وحشیانه ژاندارمها ، کارگران شیشه های کارخانه را خور کردند و به تهدید صاحب کارخانه ، ایروانی خائن پرداختند . و به او اخطار کردند که در صورتیکه به تقاضاهای کارگران رسیدگی نکند و کارگران اخراجی را برنگرداند کارخانه را به آتش خواهند کشید .

در کارخانجات اسرائیلی ایرانا هم اصلا ل اعتصاب شد و کارگران که اضافه دستمزد های عقب افتاده ی خود را می خواستند وقتی در جواب درخواستهای حق طلبانه خود سرنیزه ارتش شاه را دیدند دست به مقاومت خشونت آمیز زدند . چندین نفر از سرپرست ها را به سختی کتک زدند و به مقیاس وسیعی دستگاها را خراب کردند و محصولات کاشی ایرانا را شکستند . کارگران کارخانجات لند رور در اعتصابات اخیر خود بعد از درخواست ۶۰٪ اضافه دستمزد به خاطر بالا رفتن سرسام آور قیمت ها وقتی در مقابل درخواست خود با بی اعتنائی و فحش و توهین کارفرما مواجه شدند ، کارفرما را تهدید کردند که اگر به درخواست ما توجه نکنی اعتصاب را به میدانهای شهری کشانیم . در کارخانه ی جهان چیت هم در اسفند ماه ۲۵ بار دیگسز اعتصاب شد و فاتح جنایتکار چند نسن از کارگران را به اتهام خرابکاری در دستگاها ی کارخانه و اخلال در سیستم برق رسانی بمسدادگاه و شکجه گاه های سازمان امنیت کشا

همان کارگرانی که سه سال پیش در واقعه معروف جهان چیت از کارفرما پیش وزارت کار شکایت می بردند و این بار بخواهی آگاه شده بودند که دولت شاه و دولت سرمایه داران است و از سرمایه دار پیش سرمایه دار شکایت بردن نتیجه اش از قبل معلوم است . جریان از این قرار بود که بعد از واقعه ی خونین جهان چیت در سال ۵۰ فاتح که نمی توانست کارگران خشمگین را با شرایط قبلی بکار وادار کند و ۲۴ ساعت را به ۳ قسمت ۸ ساعتی تقسیم کرد و کارگران را به طور نوبت کاری ، صبح ، عصر و شب به کار واداشت . پایه حقوق را هم برای آرام کردن آتش خشم کارگران به روزی ۸ تومان و ۸ ریال بالا برد . ولی تا تابستان ۵۲ خبری از پرداخت اضافه دستمزدها نبود . این یکی از حیلها ی سرمایه داران است که وقتی کارگران جمع متحد هستند به آنها وده می اضافه دستمزد می دهند ولی وقتی آنها را پراکنده و سرکوب کردند و وده های خود را فراموش میکنند . اما کارگران مبارز جهان چیت تابستان پارسال با

یک اعتصاب دیگر وده های فراموش شده فاتح را به یادش آوردند و مجبورش کردند که پایه حقوق را عملاً به روزی ۸ تومان و ۸ ریال بالا ببرد و ولی فاتح طماع باز هم اضافه دستمزدها عقب افتاده در مدت ۲ سال را نپرداخت تا اینکه در اسفند ماه ۵۲ کارگران مبارز جهان چیت باز هم اعتصاب کردند و فاتح با کمال بی شری این بار هم به وده ای از کارگران مجلس پرداخت کرد ولی اضافه دستمزدهای کارگران کارمزد را که اکثریت کارگران جهان چیت تشکیل می دهند مبلغ ناچیزی برآورد کرد . این یک حيله دیگر سرمایه دار هاست که وقتی مجبور به دادن قسمتی از حق کارگری شوند برای برهم زدن اتحاد کارگران به وده کمی مجلسی می پردازند و حق اکثریت را یا نمی دهند یا نیمه کاره می دهند .

در اسفند ماه ۵۲ نیز فاتح علاوه بر پرداخت نکردن پاداشها بطور تام و کمال اضافه دستمزدهای کارمزد ها را هم مبلغ ناچیزی برآورد کرد و وقتی هم که کارگران برای گرفتن حق مسلم خود اعتصاب کردند ، جلادان

در کارخانه ها خون جاریست از دست های بریده شده ، انگشت های قطع شده و پاهای لهیده شده کارگران خون جاریست و کارگر از خون نمی ترسد . این سرمایه داران هستند که با استراحت در رختخواب پرفرو و هوای لطیف و ملایم شمال شهر عادت کرده اند و طاقت تحمل سرسوزنی درد و ناراحتی را ندارند . پس آنها هستند که باید از خشم طبقه کارگر بترسند ، آنها هستند که باید بترسند از روز هایی که در زیر لگد های نیرومند طبقه کارگر دست و پا می زنند و فرصت عجز و لایه را هم ندارند ، همانطوریکه فاتح در زیر پای فرزندان راستین طبقه کارگر یعنی چریک های فدایی خلق فقط توانست دستش را جلوی صورت جنایت بار خویش بگیرد . در حالیکه طبقه کارگر ایران در زیر فشار بیینی از حد شرایط دشوار کار و مخارج زندگی و گرانی شدید با وجود اینکه بیشتر از هر زمان دیگر با اسلحه های امریکائی و اسرائیلی دولت شاه تهدید می شود ، همه اعتصابات خشم آلود خود ادامه میدهند .

سازمان امنیت کرج عده ای از کارگران را دستگیر و شکنجه کردند و آنها را تهدید کردند که اگر تسلیم نشوید سگهای وحشی را به جانتان خواهیم انداخت . نگفته پیداست که کارگران شجاع و مبارز جهان چیت با شنیدن این تهدیدها و با رفتن به شکنجه گاهها از مبارزه دست نکشیده و تا گرفتن حق خود نیز دست نخواهند کشید .

در همین سال گذشته بود که کارگران اعتصابی پالایشگاه تهران وقتی که ^{۱۱ شهریور} سپهرند نصیری رئیس سازمان امنیت با یک گردان محافظیه پالایشگاه رفت و کارگران را تهدید به اخراج همگانی کرد همه کارگران با بی اعتنائی کارت های کارگری خود را جلوی او پسرت کردند .

واقصیت اینست که اگر چه شکنجه گاههای شاه بسیار وحشتناک و غیر انسانی است اما کارخانه های ایران از زندانهای شاه هم شکنجه زا تر هستند و کارگری که روزی ۱۰ الی ۱۶ ساعت در این کارخانه ها کار می کند تحمل خیلی شکنجه ها را دارد .

زندانشو شکجه را به چیزی نمی گیرد .

عکس العمل دولت شاه بیگانه پرست

و سرمایه داران وابسته به امریکا

و انگلیس در برابر مبارزات کارگران

چه بوده است و دولت شاه به چه

شیوه هایی برای برهم زدن مبارزات

کارگران دست می زند .

دولت محمدرضا شاه سعی می کند در آغاز

بوسیله راغنائی های وزارت کار با وعده و وعید

و فریب و نیرنگ جریان مبارزات کارگران را بنفع

سرمایه داران پی سروصدا پایان دهد زیرا

رژیم تا آنجا که بتواند سعی می کند چهره ی

پلید و ماهیت واقعی خود را به طبقه ی

کارگر نشان ندهد . تنها پس از اینکه با مقاومت

پیگیر و حق طلبانه کارگران مواجه شد و نتوانست

کارگران را با حيله و نیرنگ فریب دهد ، بزور

و خشونت متوسل میشود . ارتش مزدور و مسلح

خود را چون سگهای هار زنجیری به روی کارگران

حمله می کند و دسته دسته کارگران را به

زندانشو شکجه گاه می برد .

شاه جنایت پیشه تصور می کند که با سرکوب

وحشیانه کارگران تسلیم شده و از مبارزه دست

خواهند کشید . اما در یکسال اخیر برخلاف

انتظارش با مقاومت کارگران حتی بعد از سرکوب

وحشیانه رهبرو شده است . اکنون کارگران ایران

حتی بعد از بیرون آمدن از زندان و شکجه گاه

به مبارزات خویش با اشکال خشونت آمیزتری

ادامه می دهند و دولت شاه روز بروز بکافی

نبودن شیوه سرکوب دشمن پلیسی پی می برد .

بهمین دلیل شاه سعی می کند علاوه بر پیشنی

گرفتن شیوه ی سرکوب وحشیانه در هنگام بروز

اعتصابات ، کاری کند که از بوجود آمدن اعتصابات

جلوگیری نماید . برای رسیدن باین هدف دولت

شاه سعی می کند با انداختن تخم نفاق و

اختلاف و حسادت بین کارگران از اتحاد آنان

جلوگیری کند . اگر کارگران بر سر مسائل جزئی

در داخل کارگاه با یکدیگر اختلاف داشته

باشند کمتر بشکر ایجاد اتحاد با یکدیگر و مبارزه

با دشمن مشترک خود خواهند افتاد . دولت

شاه خائن بخوبی میداند که اتحاد کارگران بسا

یکدیگر پایه های حکومت ظلم و ستم سرمایه داران

ضد انقلابی می‌دهند. این اقدامات بخشی از فعالیتهای ضد انقلابی رژیم شاه را تشکیل می‌دهد و وظیفه کارگران آگاه است که از فساد رفقا^۴ خود جلوگیری کنند و اجازه ندهند که دولت شاه از ناآگاهی عناصر خلق سوء استفاده کرده آنها را بجنایت قتل آدامس بکشاند.

۶. فاتح صاحب جنایتکار کارخانجات

جهان که بود؟ وجه میگرد؟

فاتح همان جنایتکاری بود که اعتصاب حق-

طلبانده کارگران جهان چیترا به خون کشید.

فاتح سرمایه دار خونخوار و بقول مردم کورج

"چشم راست شاه خائن بود" فاتح صاحب

کارخانجات متعدد و املاک وسیع در نقاط مختلف

کشور و حتی در خارج از کشور بود، در کورج

کارخانجات جهان چیت و روض نباتی جهان

آرهم و اینترنول و اینترلوب را بکفک پسر و داماد

هایش اداره میکرد. او همچنین در کورج

باغهای وسیع میوه و سردخانه عظیمی برای حفظ

و نگهداری میوه ها داشت. فاتح در شمال

باغهای وسیع جای و کارخانجات جای و در ریز

را تهدید میکند و با هیچ نیروئی نمی تواند جلوی آنها بگیرد. پس با فرق گذاشتن بیسن کارگران از لحاظ دست مزد و بعضی مزایا و با تحمیل وجود نماینده خود به عنوان نماینده کارگران و با سوء استفاده کردن از بعضی کارگران ناآگاه و بخدمت گرفتن آنها سعی می کند از اتحاد کارگران جلوگیری کند. کسی که معمولاً در کارخانه ها بعنوان نماینده کارگران انتخاب میشود نماینده ایست کسه کارفرما انتخاب کرده و شخص مذکور سعی میکند با تلقین های خود کارگران را از اعتصاب و مبارزه بازدارد.

دولت شاه همچنین سعی می کند عده ای

از کارگران ناآگاه را بخدمت خود درآورد و از

آنها برضد کارگران دیگر سوء استفاده کند.

باین وسیله دولت شاه در داخل کارخانجات

از خود کارگران عده ای جاسوس برای خود

تربیت می کند. این برنامه را تحت عنوان عطیاء

دفاع غیر نظامی و نیروی پایداری انجام میدهند.

و حتی به بعضی از کارگران ناآگاه که مخصوصاً

انتخاب شده اند تعلیمات نظامی و آموزشی

املاک وسیع و کارخانجات پتوفاقی و پشمبافی
 در مشهد کارخانه کبریت سازی در شهریار
 املاک وسیع در هندوستان باغهای چای و
 در راه تهران اروپا هتل بسیار مجللی داشت .
 همچنین او صاحب یکی از شرکت های مقاطعه
 کاری بزرگ بود . فاتح این همه ثروت را از خود
 و عرفی هزاران کارگر و دهقان زحمتکش بدست
 آورده بود . او یکی از مالکین ستم کار یزد بود
 که دسترنج دهقانان زحمتکش یزدی را صرف
 خوشگذرانیهای خود و خانواده اش میکرد تا
 اینکه در پناه حمایت رضا خان قدر توانست
 املاک حاجی آباد کرج را که در آن هنگام از
 خالصه جات دولتی بود به قیمت ناچیزی بخرد
 و با بیرون کردن دهقانان حاجی آباد از روی
 زمین ها باغهای وسیع میوه اعداد کند .
 فاتح در پناه حمایت شاه و با ایجاد کارخانه
 جات و کارکشیدن بیرحمانه از کارگران و بخصوص
 کودکان کارگر روز بروز بر ثروت خود اضافه کرد .
 در حکومت سرمایه داران ایجاد کارخانه و باغ
 خیلی زود ثروت را زیاد می کند . وقتی فاتح خا
 با بهره کنی از کارگران و دادن کمترین مزد

بخورنمیری بآنها برای پارچه ای که متری ۲۰ تومن
 می فروشد فقط پنج ریال خرج میکند . معلوم
 است که ثروت او بقیعت فقر روز افزون کارگران
 روز بروز اضافه میشود .

۷. رابطه فاتح با دولت شاه

فاتح با خاندان تنگین پهلوی روابط
 نزدیک داشت و لقب فاتح را رضاخان قدر به او
 داده بود . شاه نیز به فاتح علاقه مخصوص
 داشت و هر بار که فاتح او را به املاکش دعوت
 میکرد و ثروت هایش را مثل یک نوکر خانه زاده
 شاه پیشکش میکرد شاه مالیاتهای عقب افتاده ی
 او را میبخشید . فاتح هم از چاپلوسی و خوش
 خدمتی کوتاهی نمیکرد . در حقیقت فاتح در پناه
 حمایت دولت شاه دستش در غارت کردن اموال
 مردم باز نمود و در کرج قدرت زیادی داشت بطوری
 که هر کارگری جرات مخالفت کرده و حرف حق می
 زد فوراً او را بیرون میکرد . پس فاتح با کشیدن
 خون دهقانان یزدی و با آواره کردن دهقانان
 حاجی آبادی و با کارکشیدن بیرحمانه و شبانه
 روزی از کارگران زحمتکش و مهتر از همبها استفاد

از نزدیکی به خاندان ننگین پهلوی و حمایت دولت شاه توانسته بود این همه ثروت و قدرت بدست آورد .

۸ . اقدامات به اصطلاح خیرخواهانه

فاتح و ارتباط آن با بخشایش مالیاتی . حکومت سرمایه داران برای آنکه بتواند از خلق مالیات بگیرد ، قانونهایی برای مالیات وضع می کند . ولی برای اینکه سرمایه داران از پرداخت این مالیات معاف شوند تبصره ای بقانون اضافه میکند به این مضمون که اگر سرمایه داری موسسات خیریه بسازد از پرداخت مالیات معاف خواهد شد . به این وسیله سرمایه داران هم برای خود بین مردم سادماندیش و ناآگاه آدم خوب و نیکوکار معرفی میشوند و هم از پرداخت مالیات معاف خواهند بود . فاتح هم با استفاده از حمایت خاندان ننگین شاه برای فریب عده ای از مردم کرج با قسمت ناچیزی از ثروتی که از مردم غارت کرده بود دست بساختن یک مدرسه حرفه ای ، یک بیمارستان و یک مسجد زد .

باین ترتیب اکنون که بدست توانای فرزندان خلق بسزای اعمال ننگین رسیده است ، دولت در روزنامه های جیره خواهش او را آدم خیر و نیکوکار معرفی کرد . ولی تمام کسانی که از اعمال جنایتکارانه فاتح مطلع اند بخوبی میدانند که این حرفها فریبی بیش نیست . دولت هرگز نمی گوید که فاتح این بناها را به چه قیمتی و با چه جنایاتی ساخته است . سرمایه داران خون خوار در حالیکه خودشان به انواع و اقسام فساد آلوده هستند برای فریب مردم مسجد میسازند . کدام سلطان صاحب شرفی میتواند در مسجدی که از خون و عرق کودکان کارگر ساخته شده است نماز بگذارد ؟ سرمایه داران آدم کش در حالیکه خودشان در شرایط سخت کارخانجات خود هزاران نفر را بیمار و علیمل و سلول می کنند بیمارستان می سازند . مگر خواهر فاسد شاه اشرف پهلوی نیست که از سوسی جمعیت خیریه درست می کند و از طرف دیگر با قاچاق هرورین و تریاک جوانان ایرانی را به فساد و تباهی می کشاند و به روز سیاه می اندازد ؟ چنین است ماهیت اقدامات خیر —

خواهانه‌ی فاتح جنایتکار و سرطابه داران دیگر.

۹. شرح کامل جنایت جهان چیت
که با همکاری کامل فاتح و دولت
شاه صورت گرفت.

اردیبهشت ماه سال ۵۰ بود. کار سخت و
طاقت فرسا در کارخانه های جهان چیت جریان
داشت. روزی ۱۲ ساعت کار با ۶ تومان پایه
حقوقی مزد داده میشد. رقم مزد برای کودکان
و زنان که نیمی از کارگران واحد صنعتی جهان
چیت را تشکیل می دادند ۴-۳ تومان بیشتر

نبود. فاتح خونخوار مثل زالوی سمجی خون
کارگران را می مکید و اعتنائی به رنجها و درخوا-
ست
های کارگران نمی کرد. فشار زندگی بر کارگران
روز بروز بیشتر می گشت ولی فاتح گفتار با وجود

سن زیاد هر روز جوان تر و سالم تر می شد.
کارگران جهان چیت که از اینهمه زورگویی و جلا
خشگین شده بودند تصمیم گرفتند برای گرفتن
حق خود به وزارت کار در تهران شکایت کنند.

۲۰۰۰ کارگر شجاع جهان چیت که هنوز بد رستی
ماهیت پلید مقامات بالا و وزارت کار را نمی-

شناختند و هنوز به رسیدگی وزارت کار امید
داشتند پیاده از کرج بطرف تهران حرکت
کردند. دولت شاه که از اتحاد ۲۰۰۰ کارگر
خشگین وحشت زده شده بود طی توطئه‌ای
مشترکی با فاتح خائن که حاضر نبود دیناری به
حقوق کارگران اضافه کند دستور داد جلوی
راه کارگران را با شلیک گلوله بگیرند. کارگران
جهان چیت که تصمیم داشتند بیش از ۵ کیلومتر
راه را پیاده طی کنند و به تهران برسند بعد
از طی ۲۰ کیلومتر از راه مورد حمله ژاندارمهای
صلح قرار گرفتند.

کامیونهای پر از ژاندارم در کاروانسرا سنگی
و نیمه راه کرج - تهران کارگران زحمت کش را
که اسلحه ای جز ششهای گره کرده و خشکین خو
نداشتند برگبار مسلسل بستند و باین ترتیب
شکم کارگران گرسنه ای را که برای سیر کردن آن
دست باعصاب زده بودند با سرب مذاب پر
کردند.

عده زیادی در این واقعه مجروح شدند
و دست و پای خویرا از دست دادند و بیش از
۲۰ نفر نیز شهید گشتند.

پس از صدور حکم یگی از واحد های

چریکی سازمان "چریکهای فدایی خلق

تا مه اجرای این حکم شد. این واحد با وجود

تمام مراقبتهایی که دولت شاه از فاتح می کرد

توانست محل سکونت فاتح را در کامرانیه نیاهرا

واقع در نزدیکی قصر شاه خائن پیدا کند و پس

تحقیقات بعدی از تمام حرکات او کسب اطلاع

نماید. سرانجام در روز یکشنبه ۲۰ مرداد ماه

۱۳۵۳ یک واحد ۴ نفری از روزندگان سازمان

توسط یک اتوبوس و ایجاد راه بندان صنوسعی

راه را بر اتوبوس بنز ضد گلوله اوستند. یکی

از رفا که مسئول دور کردن راننده از صحنه عمل

و حفظ جان او بود راننده را از ماشین بیرون

کشید و او را از صحنه عمل دور کرد و رفیق

دیگر با شلیک ده گلوله فاتح خائن را اعدام

کرد و به سزای اعدام ننگینش رسانید. دریایان

رفقا با فریادهای "زنده باد کارگر" و "مرگ پرشاه"

خائن و پخش اعلامیه صحنه عمل را تسک

کردند و مسلمات به پایگاه خود بازگشتند.

باین ترتیب انتقام خون بیش از ۲۰ شهید

و دهها نفر را که در این واقعه ناقص المعصوم

اکتوبر کارگرانی که در این واقعه خونین

ناقص المعصوم شده اند قربانیان زنده جنایت

فاتح در کرج زندگی میکنند. در این واقعه

همچنین افراد دیگری غیر از کارگران جهان چیت

مجرم و کشته شدند. از جمله یک قصاب و یک

راننده زحمت کش شرکت واحد که هدیه گلوله

های زاندارها قرار گرفته و بقتل رسیدند. این

جواب دولت معترض شاه خائن بود به کارگرانی

که برای گرفتن ابتدائی ترین حقوق خود دست

به اعتصاب زده بودند. این جواب وزارت کار

بود به تقاضاهای کارگران به خاطر دریافت نشان

بیشتر برای سیر کردن شکم زن و فرزند خود.

۱۰. عکس العمل سازمان چریکهای فدایی

خلق به پشتیبانی از مبارزات کارگران

و گرفتن انتقام خون کارگران شهید.

پس از واقعه جهان چیت سازمان "چریکها"

فدایی خلق "به بررسی آن پرداخت و آشکار

شد که فاتح نقش اصلی را در وقوع این

جنایت داشته است. به این جهت حکم اعدام

او در دادگاه انقلابی خلق صادر گشت.

شده بودند گرفتند . دولت جنایت کار شاه که از پیوند خلق با چریکهای انقلابی بیشتر از هر چیز وحشت دارد خبر اعدام فاتح را منتشر نکرد فقط در صفحه حوادث روزنامه های جی سره خوارش خیلی مختصر و بدون اینکه اسمی از چریکها بیارده نوشت : " فاتح یزدی کشته شد " . زیرا او از میزان کینه و نفرت کارگران نسبت به آن جنایت کار پست با خبر بود و حالا نمی خواست خلق فرزندان راستین خود " چریکهای فدایی خلق " را بشناسد و بداند چریکهای فدائی خلق نه خرابکار هستند و نه عامل بیگانه ، بلکه بدشمنان خلق ضربه می زنند و سعی می کنند خلق را بر ضد ظلم دولت شاه متحد کنند .

ما علی رغم ترس و وحشت دشمن از آگاهی خلق صریحا حمایت مسلحانه و بیدریغ خود را از مبارزات خلق کبیر ایران اعلام می کنیم و بدشمن اخطار می کنیم که هیچ گونه جنایتی را در حق طبقه کارگر و تمامی خلق بی جواب نخواهیم گذاشت .

سازمان " چریکهای فدایی خلق " بدشمن

هشدار می دهد که اینک طبقه کارگر و سایر نیروهای انقلابی خلق به منظور مقابله با دشمنان خود بتدریج قدرت مسلح خود را سازمان میدهند و از این به بعد جواب گلوله های دشمن را با گلوله خواهند داد .

۱۱ . درباره مبارزات نوین مسلحانه

خلق ایران

پس از کودتای ۲۸ مرداد که شاه فراری توسط امریکاییها و انگلیسی ها به ایران بر سرگردانده شد و با پول و اسلحه بیگانه حکومت ملی و مستقل دکتر صدق را تصاحب کرد دولت شاه که عامل بیگانگان بود برای خفه کردن فریاد های حق طلبانه مردم سازمان جنایتکار امنیت را به وجود آورد و دستگاه های پلیس و ژاندارمری و ارتش را تقویت کرد . بزودی خلق ایران به خاطر نداشتن یک رهبری سالم و یک سازمان مبارزاتی مستحکم صفوف متشکل خود را از دست داد و نا امید و پراکنده گردید در میان نیروهای خلق چیرنگشت . از آن پس هدف حکومت کودتا این بود که هر

تکلیف از مهارزه را در آغاز تشکیل شدن و در نظرفه خفه کند. در این مدت شاه خائن بارها مهارزات حق طلبانه و غیر مسلحانه خلق را بخون کشیده نمونه آشکاری که همه بیاد داریم قیام بزرگ خلق در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ است که با رگبار مسلسلها و شلیک توپ و تانکهای دشمن بخون کشیده شد. از آن پس نیز دولت شاه همه روزه با دستگیری گروه های مهارزاتی و انقلابی میکوشید تا مانع رشد مهارزات خلق ایران شود.

نتیجه رسیده بودند که تنها راه مهارزه بر علیه رژیم "مهارزه" مسلحانه است و سایر شگلهای مهارزه بی بایستی در حول و حوش فصل مسلحانه جریان پیدا کند دست بتدارک عطیات مسلحانه زدند و بالاخره در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهگل که توسط یک واحد از رزندگان "چریکهای فدایی خلق" صورت گرفت مهارزات نوین خلق ایران آغاز گردید.

نیروهای پیشرو خلق ما نیز که هنوز کاملاً پشیموه واقعی و درست "عمل انقلابی" در شرایط موجود ایران بی نبرده بودند مرتباً بدون هیچ مقاومتی بدست نیروهای تعلیم دیده دشمن اسیر شده و بزند ان کشیده میشدند و ن آنکه بتوانند قدم مثبتی در راه رشد جنبش انقلابی بردارند.

بهر حال مهارزات خلق ما که تا ۱۷ سال پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بعلمت سرکوب وحشیانه دولت پالیسی شاه خائن با بن بست رهبر بوده در سیر درست و صحیحی جریان یافت.

در سال ۴۹ مهارزاتی که عملاً به ایمن

از آن تاریخ بعد گروهها و سازمانهای مختلفی تشکیل شدند که همگی راه جنبش سیاهگل را ادامه دادند و بدشمن ضرباتسی وارد آوردند و نیروهای خلق را به آینده مهارزه امیدوار ساختند. زیرا اینها اولین گروه هائی بودند که پس از ۱۷ سال سکوت و بی عملی شروع بکار کردند و بجای حرف زدن عمل میکردند و سپس از اقدام به عمل با خلق بگفتگو می نشستند. به همین جهت هم سرعت توانستند اعتماد بخش وسیعی از خلق را بخود جلب نمایند و مهارزه مسلحانه را در سطح کشور گسترش دهند.

شاه و دولتش که خود را با مهارزه ای واقعی

مبارزات پیگیر نیروهای انقلابی و آگاه سی روز افزون خلق با شکست مواجه شد و مردم نشان دادند که دوست و دشمن خود را به خوبی میشناسند و فریب دستگاه تبلیغاتی دولت رانعی نخوردند. دشمن پس از شکست توطئه های تبلیغاتی اش لب از سخن فرو بست و توطئه سکوت را در مقابل عملیات انقلابی در پیش گرفت و پس از اعلام این امر که مبارزین نوین همه از بین رفته اند دست از تبلیغات برداشت و کودکانه

پنداشت که بدین ترتیب بتدریج تاثیرات مبارزات انقلابی از میان خواهد رفت. غافل از آنکه مبارزین هرگز از نبرد مقدسی که آغاز کرده اند دست بر نخواهند داشت و تا پیروزی نهائی همچنان به مبارزه ادامه خواهند داد.

بدین سان بود که توطئه سکوت دولت شاه نیز با شلیک گلوله های چوکی درهم شکست و فرو ریخت و یکبار دیگر افسانه قدرت دولت شاه را درهم شکست. مبارزین راه رهایی خلق امروز پس از سه سال و نیم همچنان راه خود را در جهت کوتاه کردن دست بیگانگان از سرزمین زرخیز ایران ادامه میدهند

وجدی رهرو میدیدند بخصی درک می کردند که همین مبارزین نوحاسته بالاخره در یک مبارزه طولانی آنها را از تخت ستمگریشان بهائین خواهند کشید. بهمین جهت از آغاز تا تمام نیرو برای سرکوب و جلوگیری از پیشرفت جنبش انقلابی دست بکار شدند و در جریان اقدامات انقلابی بیش از صد نفر از بهترین و شجاع ترین فرزندان خلق ما را بشهادت رسانیدند و هزاران نفر را بزند ان کشیدند تا شاید بتوانند چند روزی بیشتر بحکومت ننگین خود ادامه دهند. ولی اقدامات وحشیانه ی آنها نه تنها مبارزه را متوقف نکرد بلکه مبارزین واقعی راه رهایی خلق در جنگ وستیز با دولت شاه آبدیده شدند. از طرف دیگر شاه و دولتش بخاطر انحراف از همان خلق در راهی و تلویزیون و روزنامه هایش دست به توطئه تبلیغاتی بزرگی بر علیه مبارزین راه رهایی خلق زدند. بدین ترتیب که میکوشیدند مبارزین را خوابکار و دزد و عامل بیگانه معرفی کنند و دقیقاً همان صفاتی را که خودشان دارند به مبارزین صدها پیوند بزنند. ولی این توطئه نیز با

و تا از میان بردن تمام ستمبانی که به خلق ایران روا شده است از پای نخواهند نشست . و بالاخره در مبارزه ای طولانی و با شرکت همه نیروهای خلق دولت شاه بیگانه پرست را از تخت قدرت بزیر خواهند کشید و حاکمیت خلق را بر سر نوشت خود تأمین خواهند کرد .

* * *

کارگران و سایر نیروهای انقلابی برای بی اثر کردن توطئه های دشمنان مشترک خود چه بایستی بکنند .

اکنون تمام اقتدار و تمام طبقات خلق ایران ظلم دولت شاه را احساس می کنند . همه ی ما زورگوئی ها و غارتگری های دولت شاه را با گوشت و پوست خود لمس می کنیم . ما همه دشمن مشترکی داریم . همه ما از طرف دولتین که با اسلحه بیگانه ثروت ملی و نیروی کار خلق ما را تصاحب کرده و نثار سرمایه داران خارجی میکند مورد ظلم و فشار قرار داریم . در چنین شرایطی وظیفه ملی ما حکم می کند که هرچه

بیشتر صفوف خود را مستحکم سازیم و نیروهای خود را بر ضد دشمن مشترک متحد سازیم . امروز کارگران ایرانی بافجیع ترین وضعی از طرف سرمایه داران بیگانه و بیگانه پرست مورد بهره کشی و غارت قرار دارند . امروزه دهقانان ایرانی که زمین هایشان تصاحب شده و یا اصلاً زمین نداشتند و یا کم داشته اند آواره شهرها شده اند و در فلاکت و بدبختی در پیشست در کارخانه ها و مینا دین شهر بلا تکلیف اند . امروزه پیشه وران شریف و میهن پرست بوسیله ی سرمایه داران بیگانه و بیگانه پرست بتدریج از لحاظ اقتصادی رو بنابودی میروند و هر روز عده بیشتری کار و زندگیشان را از دست می دهند امروزه روشنفکران ایرانی که خواهان رفاه و آزادی خلق محروم خود هستند در قید و بند بسر میبرند .

در مقابل این همه ظلم و ستم و بیدادگری چه باید کرد ؟

هم میهنان تنها راه ما اتحاد همه نیروهای تحت ستم خلق است . همه کسانی که ظلم دولت شاه را با گوشت و پوست خود لمس می کنند

باید بگرد هم جمع شوند و دستهای خود را
بیکدیگر بدهند و صف یکپارچه و متحدی را
بر علیه دولت شاه و بیگانگان که از این دولت
حمایت می کنند تشکیل بدهند و بکشند
نیرویی از خلق را که از طرف رژیم با اعمال
توطئه های رنگارنگ در ناآگاهی نگاه داشته
شده اند نسبت به واقعیات آگاه سازند و حمایت
مبارزات نوین خلق را به همگان بشناسانند .

با این بسیج عمومی برای آگاهی ملی و ضد
امپریالیستی جنبش مسلحانه ی رهائی -
بخش خلق ما خواهد توانست در پناه
حمایت طبقه کارگر و تمامی نیروهای
دیگر خلق ستم دیده ایران رشد کند و تمامی
نیروهای خلق را در جبهه واحدی بسازد
علیه دشمن مشترک سازمان دهد و پیروزی
نهائی را برای خلق ایران بارمغان آورد .

پیروز و گسترده باد مبارزات طبقه کارگر و سایر نیروهای انقلابی خلق

سرگسر دولت شاه و اربابان بیگانه اش

مستحکم باد اتحاد همه نیروهای خلق

" با ایمان به پیروزی راحمان "

" چریکهای فدائین خلق "

یافته است. رژیم مجبور بود که چهل درصد از بودجه سالانه اش را به ملت سیاست دروغین "دفاع از تمدن و جهان آزاد" صرف مخارج نظامی بکند. نتایج این برنامه که ابتدا تحت نظر "سالازار و سپس "کاتانو" اجرا میشدند برعکس تمام انتظارات بود. از نطفه انقلابی که در سرزمینهای آفریقائی پاکرقت جنبشهای موفق و مستحکم مبارزتی مسلحانه سر بر آوردند. در گینه بیسائو، حزب آفریقائی برای استقلال گینه و دماغه سبز (PAIGC) استقلال جمهوری را در اواخر ۱۹۷۳ اعلام کرد و در آنگولا و موزامبیک جنبش آزادیبخش خلق آنگولا (MPLA) و جبهه آزادی بخش موزامبیک (FRELIMO) ناگامی عطیات استعمارگران و افزایش عطیات چریکها را در هر دو مایه که میگذشت اعلام میکردند.

ژنرال اسپینولا رهبر شورای نظامی (هونتال) کنونی پرتغال، در کتاب خود "پرتغال و آینده" اش "اعتراف کرد که اگر بودجه دفاعی ما به رشد خود ادامه دهد، ما بزودی به آخرین حد ممکن برای استفاده از منابع خود خواهیم رسید. ما باید این افسانه را که داریم از جهان

غرب و تمدن غرب در آفریقا دفاع میکنیم، از بین ببریم. حقیقت اینست که آن ضافع فریبی که ما مدعی دفاع از آنها هستیم اکنون با منافع خود ما تطبیق نمیکند. همچنین ما باید این افسانه را از بین ببریم که اساس ملت پرتغال رسالت تمدن کردن (آفریقائیان) است. گوئی که ما باید این معنای نهفته در آن افسانه را قبول کنیم که گویا اگر ما از ایفای این وظیفه دست برداریم دیگر بصورت یک ملت باقی نخواهیم ماند. جنگ در آفریقا از طریق نظامی به پیروزی نمیرسد.

این اولین بار بود که این حقایق کهنه "کاتانو" و دارو دسته فاشیست او از قبول آن امتناع میکردند در چهار چوب رژیم پرتغال به مردم اعلام میشدند. دو ماه پس از آن "کاتانو" سقوط کرد و شرایط جدیدی بوجود آمدند که به بخشهای وسیعی از مردم اجازه دادند که خاتمه جنگهای استعماری و بازگشت به کشور نیروهای مستقر در آفریقا را خواستار شوند.

گروه رهبری جدید هنوز به این تقاضای عادلانه جواب نداده است. در همین ضوال

وجود دارد .

کوشش برای اتحاد این دو سازمان و تاکنون دو بار شکست خورده است زیرا هولدن روبرتسو میخواد اول نمایندهٔ خلق آنگولا باشد .

۱۶۱ بهوتیکه دیگر هیچ امیدی نیست که

مذاکرات نوری داشته باشند "امپلا" با حمله به نقاط استراتژیک در پایتخت و لواندا و بخشهای دیگر کشور مازره مسلحانه را آغاز

میکند . سرکوب وحشیانه ای که بدنبال این واقعه اتفاق می افتاد و بوسیلهٔ بسیاری شهود عینی بمثابة یک قتل عام در معنای کامل کلمه تشریح شد و موجب شد که شورای امنیت سازمان ملل متحد ختم این عطیات اختناق آور را از پرتغال خواستار شود .

۱۹۶۲ - نیروهای چریکی در جنگل های بخش

شرق کشور رشد می یابند و پرتغال مجبور میشود که نفرت بیشتری را به این مستعمره فرستاد و هزاران مهاجر را تعلیم نظامی داده و مسلح کند ۱۹۶۳ - تشکیل دولت آنگولا در تبعید

• برهبری "هولدن روبرتسو" اعلام میشود .

گزارش شده است که "هولدن روبرتسو" دارای

جنگ چریکی در افریقا ادامه دارد و وطن پرستان اظهار کرده اند که تاوتیهیکه پرتغال به خلقهای مستعمراتش استقلال آنها را نداده است و مازره ادامه خواهد داشت . تاریخ آنگولا و موزامبیک و گینه بیسائو که با خون بی پروای شهدایشان نوشته شده است و پراز نبردهای قهرمانانه برای آزادی ملی است .

آنگولا - آنگولا مساحتی برابر ۴۸۱۲۶۶ میل مربع (تقریباً یک میلیون و دوست هزار کیلومتر مربع) دارد و وسیعترین مستعمره پرتغال است . جمعیت کشور شش میلیون نفر و پایتخت آن لواندا است . آنگولا از نظر منابع زیر زمینی منجمه نفت آهن و مس و اورانیوم غنی است .

"امپلا" که در سال ۱۹۵۷ تشکیل شد در چهارم فوریه ۱۹۶۱ مازره مسلحانه را آغاز نمود . رهبر این سازمان "آگوستینوتو" میباشد .

همچنین سازمانی به اسم جبههٔ ملی برای آزادی آنگولا به رهبری هولدن روبرتسو

ارتباطات نزدیکی با "سیا" مییابد.

۱۹۶۴ - دولت پرتغال برای اولین بار

اعتراف میکند که جنگ با جنبش آزاد بیخشن آنگولا شدت یافته است .

۱۹۶۶ - "آگوستینو نتو" رهبر "امپلا"

ایجاد یک جبهه چریکی در بخشهای جنوبی کشور را اعلام میکند .

۱۹۶۷ - بیش از ۵۰۰۰۰۰ سرباز پرتغالی

یعنی نصف تمام سربازان پرتغال در آفریقا مدگیر جنگ با چریکها هستند .

۱۹۶۸ - "امپلا" در گویابیندا (آنگولا)

بخش از کشور که بوسیله کشورهای رقیب و کنگو برازیل و اقیانوس اطلس محاصره شده و از بقیه کشور جدا است) به یک حمله عمومی خورند کننده مبادرت ورزیده و پیروزیهای مهمی بدست می آورد .

۱۹۶۹ - سازمان اتحاد آفریقا

تصمیم میگیرد که "امپلا" را بعنوان تنها جنبشی که واقعا خلق آنگولا را نمایندگی میکند برسمیت بشناسد .

۱۹۷۰ - "امپلا" استفاده از مواد ضد

گیاهی و مواد شیمیایی دیگر علیه مردم غیرنظامی توسط استعمارگران پرتغالی را شدیداً تقبیح میکند .

۱۹۷۱ - "آگوستینو نتو" رهبر "امپلا"

اعلام میکند که تقریباً دو سوم کشور توسط چریکهای "امپلا" آزاد شده است و زیر بنای اقتصاد سیاسی و اجتماعی در نواحی آزاد شده در حال انکشاف است .

۱۹۷۲ - "امپلا" و جبهه ملی برای آزادی

آنگولا که تحت رهبری "هولدن روبرتو" است، یک موافقتنامه برای فعالیت مشترک را امضا کرد و تصمیم میگیرد که یک مرکز هماهنگی برای عملیات نظامی برپا کنند .

۱۹۷۳ - موافقت بین دو سازمان از هم

می باشد . زیرا "روبرتو" میکوشد سازمان "امپلا" را از بین ببرد .

پرتغال اعتراف میکند که عملیات چریکها در

جبهه های مختلف تشدید شده است .

۱۹۷۴ - "امپلا" میگوید که مایل است با

مقامات جدید پرتغالی در مورد استقلال کامل کشور مذاکره کند ولی هر نقشه ای را برای ایجاد

فدراسیونی بین پرتغال و مستعمرات آفریقائی رد میکند .

دیگر در هم شکستند .

۱۹۶۱ - در سوم اوت این سال ، دومین

سالگرد قتل عام " پیچی گوینی " PAIGC رسماً
مبارزه مسلحانه را بعنوان تنها راه رسیدن به
آزادی آغاز میکند . .

۱۹۶۳ - در لیسبون وزیر دفاع پرتغال

" ژنرال مانوئل گومز آرایو جو " مجبور میشود
اعتراف کند که نیروهای شورشی پانزده در صد از
کشور را کنترل میکنند .

۱۹۶۴ - در حالیکه فعالیتهای چریکی

افزایش میابند ، نیروهای استثمارگر تور و اختناق^ی
علیه مردم غیر نظامی را تشدید میکنند .

۱۹۶۵ - " امیلکار کابرال " اعلام میکند که

نیروهای PAIGC^E چهل درصد از سرزمین
با اصطلاح " گینه " پرتغال را آزاد کرده اند .

۱۹۶۶ - PAIGC^C اعلام میکند که یک جبهه

چریکی در جزایر دماغه سبز ایجاد شده است .
در همین حال از لیسبون گزارش میرسد که نیرو-

های تازه ای بمیدان جنگ ارسال شده اند تا
استعمارگران را تقویت کنند .

۱۹۶۷ - PAIGC^E هر ماه گزارشهای تازه^ی

گینه بیسائو - گینه بیسائو جمعیتی برابر ۷۰۰ ۰۰۰
نفر و مساحتی برابر ۱۳۹۴۴ میل

مربع (تقریباً ۳۵ ۰۰۰ کیلومتر مربع) دارد .
پایتخت آن بیسائو است و قسمت اعظم اقتصاد

کشور بر پایه محصولات کشاورزی مانند بادام
زمینی ، برنج ، نارگیل و روغن نارگیل استوار است

حزب آفریقائی برای استقلال گینه بیسائو
و جزایر دماغه سبز (PAIGC^E) در ۱۹۵۶

توسط " امیلکار کابرال " که مدتها بعد بمشکل
رسید ، تشکیل شد . این سازمان مبارزه ی

مسلحانه را در سوم اوت ۱۹۶۱ آغاز کرد و
دوازده سال بعد ، با در نظر گرفتن موفقیتها^ی

عظیمی که کسب کرده بود ، در حالیکه هنوز
بخشی از کشور در تصرف استعمارگران بوده

استقلال کشور را اعلام نمود .

۱۹۵۹ - مقامات استعماری ، یک اعتصاب

کارگران را در بندر " پیچی گوینی " با قتل
بیش از پنجاه کارگر و زخمی کردن صد نفر

متحد PAIGC را بعنوان تنها نماینده خلق گینه بیسائو برسمیت می‌شناسد. "امیلکار کابرال" انتخابات قریب‌الوقوع مجمع ملی را بمثابة قدم اولیه برای اعلام استقلال گزارش می‌دهد.

۱۹۷۳ - جاسوسان ضد متکزار استعمار

"امیلکار کابرال" را در ۲۰ ژانویه بقتل می‌رسانند آرستیدس پیرا " بجان‌شینی او می‌رسد. در جواب این جنایت PAIGC عطیات نظامی خود را افزایش داده و در مجمع عمومی خلق که در روزهای ۲۳ و ۲۴ سپتامبر در نواحی آزاد شده تشکیل شد، استقلال کشور را اعلام می‌کند.

۱۹۷۴ - کمی پس از کودتا علیه "کاتانو"

PAIGC می‌گوید که دولت جدید پرتغال باید به جنگ تجاوزکارانه خاتمه داده و جمهوری گینه بیسائو و حقوق خلق را طافه سبز برای استقلال واقعی و کامل را بلافاصله برسمیت بشناسد.

موزامبیک - موزامبیک جمعیتی برابر شصت

میلیون و مساحتی برابر ۲۹۷۶۵۴ میل مربع (تقریباً ۷۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع) دارد.

پایتخت آن "لورزکومارکوز" نام دارد و محصولات

می‌دهد. معنی بر اینکه تلفات سنگینی به نیروها^ی استعماری وارد شده است. برای اولین بار در این جنگها، جنبش چریکی از موشک‌های ۱۲۲ میلیتری در حملات خود استفاده می‌کند.

۱۹۶۸ - پس از استماع گزارش PAIGC

دائر بر اینکه جنبش چریکی دو سوم گینه بیسائو را کنترل می‌کند مجمع عمومی سازمان ملل متحد خواستار استقلال بلافاصله مستعمرات پرتغال می‌شود.

۱۹۶۹ - ناحیه "بجو" آزاد می‌شود.

چهار سال بعد در این ناحیه موجودیست جمهوری اعلام می‌گردد.

۱۹۷۰ - "امیلکار کابرال" در سازمان

ملل متحد اعلام می‌کند که PAIGC مردم را تا بدان درجه متشکل کرده و بسیج نموده است که به جرات می‌شود گفته که سازمان قادر است به مرحله عالیتری از جنبش آزاد بیخس قدم بگذارد.

۱۹۷۱ - PAIGC اظهار می‌کند که

بدون کمک آمریکا و ناتو، پرتغال قادر نخواهد بود که جنگ استعماری خود را دنبال کند.

۱۹۷۲ - کمیته ضد استعمار سازمان ملل

اساس آن پنبه، چای، چوب‌عود، نیشکر و مغز نارگیل است. یک شرکت بین‌المللی مشغول ساختن سد "کابورا باسا" است که چهارمین سد بزرگ جهان می‌باشد و تولید سالیانه آن برابر ۱۸۰۰۰ میلیون کیلووات ساعت خواهند بود.

"فرلیمو" در سال ۱۹۶۰ تاسیس شد و مبارزه مسلحانه در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۴ آغاز گردید. رهبر کنونی جبهه آزادی بخش موزامبیک "سامورا مایکل" است. او بجای "ادوارد ووندیل" نشست که بدستور استعمارگران در ۱۹۶۹ بقتل رسید.

۱۹۶۴ - "فرلیمو" اعلام می‌کند که برای بدست آوردن استقلال کامل موزامبیک، به مبارزه مسلحانه عمومی علیه استعمارگران پرتغالی می‌پردازد.

۱۹۶۵ - "فرلیمو" اعلام می‌کند که مشغول مطالعه طرحی برای تشکیل یک حکومت موقت در نواحی آزاد شده است و در عین حال مبارزه مسلحانه را در سرتاسر کشور دنبال خواهد کرد.

۱۹۶۶ - "ادوارد ووندیل" رهبر "فرلیمو" در جلسه کمیته استعمار سازمان ملل متحد آمریکا را متهم می‌کند که در سرکوب خلق موزامبیک به پرتغال کمک نظامی می‌رساند.

۱۹۶۷ - حمله به پایگاه نظامی "موردا" مرحله تازه‌ای از مبارزه‌ی مسلحانه این گروه بشمار می‌آید. پرتغال مجبور می‌شود کنش‌های بیشتری به موزامبیک گسیل داشته و مجموع تسوی خود را در موزامبیک به چهل هزار سرباز برساند. ۱۹۶۸ - "فرلیمو" اعلام می‌کند که یک پنجم استانه‌های شمالی "نیاسا"، "کابودلگادو" و "تیت" را آزاد کرده است.

۱۹۶۹ - "ادوارد ووندیل" توسط یک یک بمب ساعتی که عوامل استعمار بوسیله پست از خارج برای او می‌فرستند، در تانزانیا به قتل می‌رسد. "سامورا مایکل" به‌عنوان رهبر سازمان چریکی جانشین اوست.

۱۹۷۰ - "فرلیمو" اعلام می‌کند که در ۶۴ عملیات وسیعی که در ظرف سال انجام شده ۱۶۰۳ سرباز پرتغالی کشته شده‌اند. در همین

مدت ۲۷۷ خودروی دشمن از بین رفته اند . خواهد شد .

۱۹۷۱- رژیم پرتغال از نژاد پرستان

آفریقای جنوبی و رود زیا برای مبارزه علیه وطن - پرستان تقاضای کمک نظامی میکند .

۱۹۷۲- يك جبهه تازه چریکی در استان

"مانیکا سوفالا" در بخش مرکزی کشور و نزدیک موزرود زیا باز میشود .

۱۹۷۳- "فرلیمو" به اهداف نظامی در

شهرهای تحت کنترل پرتغال حمله کرده و حملات خود را علیه راه هائیکه به محل ساختمان سد "کابورا باسا" میروند تشدید میکند .

قتل عام مردم غیر نظامی توسط استعمارگران در تمام دنیا تقبیح میشود . فقط در يك شهر "ویریاو" چهارصد نفر آفریقائی که اکثر آنها را زنان و بچگان تشکیل میدادند به قتل رسیدند .

۱۷۷۴- "فرلیمو" میگوید که تنها راه برای

خاتمه جنگ اینست که شورای نظامی تازه پرتغال حقوق خلقی موزامبیک برای استقلال را برسمیت بشناسد و هر نوع کوششی برای ادامه سیستم استعماری در شیوه های نوین باعث ادامه جنگ

بعضی اطلاعات مفید درباره

پرتغال

- در ۱۹۷۱ آمریکا و پرتغال معاهده ثن

امضا کردند که مطابق آن ایالات متحد همپایگاه

هوائی "لاجس" را در جزایر "آزور" بدست

آورد . در مقابل ، هدایای آمریکا عبارت بودند

از قرض از طرف بانک صادرات و واردات آمریکا

بمبلغ ۴۰۰ میلیون دلار و يك کمک ۳۶ میلیون

دلاری و يك کشتی نقشه برداری و همچنین

امریکا متعهد شد که مخارج گروه مستشاری

و کمک آمریکا را که در لیسبون بودند بجسای

دولت پرتغال پرداخت کند .

پس پرتغال حدوداً ۱۷۰۰۰۰ سرباز

در مستعمرات آفریقائی خود دارد : سی هزار

در گینه بیسائو ، هفتاد هزار در موزامبیک و

در همین حدود در آنگولا .

در حالیکه احتیاجات نفتی پرتغال ۵ / ۶

میلیون تن در سال است ، در آنگولا سالیانه

در حدود ۹ میلیون تن نفت استخراج میشود. بزرگترین کمپانی نفتی که در آنگولا کار میکند "کابیندا گالف اویل" نام دارد که یکی از شرکت‌های فرعی "گالف اویل کورپوریشن" آمریکا است و سال گذشته ۷/۵ میلیون تن نفت در آنگولا تولید کرد. جالب توجه است که قسمت اعظم نفت آنگولا به کانادا، آمریکا و ژاپن صادر میشود و پرتقال نفت مورد احتیاج خود را از کمپانیهای آمریکائی در ناحیه خلیج فارس خریداری میکند.

* * *

یک خبر

بنا به اطلاعات رسیده رفیق حبیب خسرو — شاعری از کادرهای علنی سازمان که بر اثر خیانت یکی از دوستان سیاسی که وابسته به یک گروه کار سیاسی بوده دستگیر میشود.

رفیق خسرو شاهی در مراحل بازجوئی وانمود میسازد که حاضر به همکاری با دشمن شده است و قرار ملاقاتی ساختگی را در زیر پل ساوه لومیدهد. رفیق با شناسائی که از منطقه ی قرار داشته است میدانسته که تریلی ها و کامیون ها در زیر پل ساوه به ملت شیب تند نمیتوانند ماشین را فوراً متوقف کنند. از همین روی رفیق تصمیم میگیرد این مکان را بعنوان مکان قرار افشاء کند تا بتواند در هنگامی که دشمن او را برای اجرای قرار ساختگی به محل مزبور می آورد به قصد خود کشی خود را زیر چرخهای بقیه در صفحه ۶۰

— ارزش عظیم جزایر دماغه سبز (کیپ ورد) برای پرتقال و متحدینش موقعیت ایسن جزایر است. این مجمع الجزایر که از پانزده جزیره کوچک و بزرگ تشکیل میشود در اقیانوس اطلس و به فاصله ۳۵۰ میل از سواحل آفریقا قرار دارد و دارای سواحل عمیق بسیار عالی برای کشتی رانی و موقعیت خوب برای پایگاه های هوائی است. هر چند که این موقعیت خوب تا کنون مورد استفاده ی شدید قرار نگرفته ولی واضح است که برای طراحان ناتو نقطه ی استراتژیک مهمی بشمار میرود که بوسیله آن

اخبار

اخبار داخلی

نیرو چریکی در لرستان نطفه مینند :

گروه مارکسیستی و مسلح رفیق شهید مجتبی خرم آبادی در اثر ارتباط با یک گروه روشنفکری که نسبت به مبارزه مسلحانه مردد بوده ضربه می خورد . نتیجه این ضربه لسو رفق خانه میدان توپا و متعاقب آن درگیری مسلحانه رفقا با دشمن در بهاداد ۱۲ اسفند ماه ۵۲ بود .

در این نیرو نا برابر و طولانی رفیق خرم آبادی با برخورد قاطع و دلیرانه و بسا دفاع متعزانه و جسارت آمیز خویش در سهای بزرگی بدشمنان جنایت کار خلق ما و به مزدوران ساواک و آموزشهای پر ثمری به نیروهای انقلابی میهن ما ارائه داد .

بعد از این ضربه تنی چند از رفقای گروه مخفی شده و بالاخره بمد از ارتباط با گروه رفیق هوشنگ اعظمی و پیوند ارگانیک با

آن علی رغم امکانات کم و مصمم به گسترش مبارزه مسلحانه در روستاهای منطقه لرستان میشوند و در اوائل خرداد ماه سال جاری یک واحد از رزمندگان گروه جهت گشت زنی و شناسائی در مناطق روستائی لرستان آغاز به حرکت می نمایند .

دشمن که از غیبت طولانی دکتر اعظمی و پاره ای گزارشات متوجه وجود یک دسته چریکی در منطقه شده بود با یک برنامه حساب شده و دقیق که بوسیله مستشاران یانکی ضد چریکی امریکائی طرح شده بود به تدارک جهت یورش و سرکوب جنبش میپرد آزد .

ابتدا منطقه وسیعی را بوسیله واحد های زاندارمری و ارتش ضد خلقی ایزوله می نماید و آنگاه کلیه امکانات آن ذوقه رسانی را سد می کند . این حرکت توأم با دستگیریهای وسیع از روستائیان زحمت کش و ایالات بوده است .

سر انجام در اواخر تیرماه محل دست

کشف و بعد از تنگ کردن حلقه محاصره رفقا در اوائل مرداد ماه در حوالی روستاهای پاپولک و "چگنی کش" مجبور به نبرد با نیروهای ویژه و جلو دار دشمن می گردند .

اما علی رغم مستعمل بودن سلاحها ، رفقا با شناختی که از منطقه داشته و با تکیه به عزم و اراده انقلابی و روحیه تعرض و سلحشوری ، بعد از یک درگیری طولانی موفق به شکستن حلقه محاصره مزدوران شاه خائن شده و در پناه تاریکی و بطور متشکل میگریزند .

بدین سان فرزندان شایسته خلق بار دیگر ارتش مزدور و رژیم را با آنهمه سلاحهای آمریکائی و اسرائیلی و با آنهمه بوق و کرنا به ریش خنند گرفته و ضعف روانی دشمن را عیان نمودند .

بدنی میشود .

۲ . جلوگیری از انتشار اخبار در تمام قراة

۳ . دستگیریهای وسیع چه از اهالی روستائی و ایلات و چه از روشنفکران انقلابی ، بطوریکه تا کنون بیش از ۷۰ نفر بازداشت شده اند .

۴ . دستگیری کلیه افراد فامیل رفقا و شگجه و آزار وحشیانه آنان ، بطوریکه دشمن به پدر دکتر اعظمی اوتیمانوم داده که در صورت سرپیچی از همکاری رژیم و عدم تقبیح فرزند در میان ایلات و اهالی روستاهای لرستان کلیه افراد خانواده بقتل خواهند رسید .

عکس العمل خلق مبارز منطقه

عکس العمل رژیم مزدور شاه خائن

در منطقه

چهره محبوب و خلقی دکتر اعظمی و سایر افراد گروه را همه میشناسند ، همه میدانند که دکتر مدت هفت سال بطور پیگیر به مدد اوای مبارزان در میان ایلات مشغول بوده است .

۱ . میلیتاریزه کردن منطقه و استقرار حکومت نظامی در شهرستان بروجرد و بخشهای اطراف آن (بطوریکه هر کس وارد شهر میگرد بازرس

توده های مردم بخوبی میدانند که رفیق "هوشنگ اعظمی" توه قهرمان ملی و شایسته ی

مردم "شیرعلی مردان" است ، مردم بروجر د
وروستاهای منطقه و ایلات لرستان خاطره ی

* * *

خبری از رزندگان دلیر
گروه ابو نر

در اواسط تیرماه سال جاری ، بازماندگان
گروه شهید عباد خدا رحمتی فرزندان دلاور نهادند
جهت اعدام انقلابی در استان دادرسی
ارتش سرلشکر خواجه نوری خائن اقدام
می نمایند .

از آنجائیکه افراد پاسدار و مسلح و شرعی
خانه خواجه نوری تعداد قابل ملاحظه ای
بودند ، رفقا از خانه یکی از همسایگان و بعد
از بستن دستها و پاهای باغبان هصایسه
وارد منزل خواجه نوری خائن میشوند . اما
بعلمت درگیری با پاسداران که منجر به یک
زد و خورد طولانی و به شهادت رسیدن یک
رزنده انقلابی و کشته شدن چند پاسدار
میکردد ، رفقا صحنه عمل را ترك می کنند .

مبارزات مسلحانه مردمی و دلاوریهای او را
که بر علیه ارتجاع سیاه رضاخان قدر بوده -
است هرگز از یاد نبرده اند و هرگز فراموش
نکرده اند که او چگونه فدائیکارانه جان در راه
رهائی خلقها گذاشت و هیچ گاه ننگ تسلیم
را نپذیرفت . انمکاس آن فدائیکاریها در ترانه
های فلگوریک خلق قهرمان لرستان بوضوح دیده
میشود .

آنچه مسلم است با اینکه این واحد
چریکی هنوز جا نیفتاده و هنوز برخورد های
نظامی زیادی بخود ندیده ، لیکن به علت
تضاد های شدید و تاریخی خلق " لر " با
 رژیم دست نشانده ی شاه خائن در منطقه
حمایت چشم گیری را برانگیخته است . دشمن
مذبوحانه جهت سرکوب رفقا تلاش می کند مچرا
که دامان خلق پناه رفقا است . مردم در بروجر
وروستاهای اطراف ترانه های زیادی در جهت
حمایت از واحد چریکی " دکتر " زمزمه می نمایند
بویژه جوانان منطقه اشتیاق خود را جهت این

این عمل علی رغم اینکه به اهداف مشخص خود نرسید اما گویای روحیه رزمجویانه و آشتی ناپذیری فرزندان راستین خلق قهرمان ما می باشد . دشمن از انتشار این خبر بطور جدی جلوگیری نموده لیکن اعلامیه ای از طرف گروه در دانشکده صنعتی آریامهر پخش گردید .

ما صمیمانه ترین درود های انقلابی خود را به این رزمندگان راستین خلق که بار دیگر خاطره فداکاری ها و جانبازیهای "عباد ها" را زنده کردند تقدیم می داریم .

* * *

حماسه مقاومت

بیش از چهار ماه از دستگیری رفیق شیرین معاضد فدایی رزنده خلق میگذرد آخرین اخبار در اول مرداد ماه حاکی از این است :
" در حالی که سینه و بیشتر اعضا بدن رفیق کاملاً سوخته و مجروح بوده با دستهای در زنجیر و بحال اغما در یکی از سلولهای

انفرادی زندان کمیته دیده شده است .

بیشک خماسه شکوهند پایداریهای این چریک فدائی خلق و دیر یا زود در سطح وسیعی در میهن منعکس خواهد شد و اقدامات شاه جنایتکار و دارو دسته مزدورش را در مقابل خلق کبیر ایران و نیروهای مرفی جهان باز هم بیشتر افشا خواهد نمود .

* * *

انتشار خبر اعدام انقلابی فاتح

خائن در بیسن خلنی

از تاریخ ۲۰ مرداد تا ۲۷ مرداد تعداد

زیادی اعلامیه جهت توضیح خبر اعدام انقلابی فاتح جنایتکار برای هم میهنان زحمتکش و در محله های کارگر نشین تهران و کرج پخش گردید این اعلامیه ها اغلب بوسیله دستگاهی به نام بمب اعلامیه پختی کن که سیستم انفجاری بسدون خطری است پخش شد .

دستگاه اعلامیه پختی کن دستگاه کوچکسی است که تعداد ۱۰۰ اعلامیه را به ارتفاع ۱۰ تا ۱۰

اعلامیه پخش می کند .

شدت کینه و نفرت خلقی زحمتکش ما از سرمایه داران بیگانه پرست به حدی است که به زود عشاخ شد چریکها قصد دارند . سرمایه دار دیگر را نیز بکشند و حتی يك کارگر گفته بود چریکها خیای و برخوردار را نیز کشته اند (خیامی صاحب ایران ناسیونال و برخوردار صاحب کارخانجات پارس الکتریک است) . خبر اعدام انقلابی فاتح در بین دانشجویان نیز به سرعت پخش شد .

از نکات جالبی که هم دانشجویان و هم بیشتر کارگران به آن اشاره می کردند سالم ماندن راننده فاتح در جریان عطیات بود . کارگری در جواب يك رفیق که از او پرسیده بود پس راننده فاتح چی شد ؟ جواب داده بود :
" داداش اونا که با راننده محفلت کار می ندارند ، به راننده گفته بودند تو برو " .

* * *

* در شماره آینده نبرد خلقی تکنیک این دستگاه توضیح داده خواهد شد .

متر به هوا پرتاب و در محوطه نسبتا وسیعی پخش میکند . نیروی پرتاب کننده در این دستگاه فشار گاز متراکم شده ، ۱۰ گرم باروت است .

رفقاسی کارگر اغلب بعد از شنیدن صدای انفجار و دیدن پخش اعلامیه ها در هوا ، همراکشان به طرف اعلامیه ها دویده و با سرعت اعلامیه ها را جمع می کردند .

خبر اعدام فاتح علیه توطئه سکسوت دولت شاه به سرعت در میان خلق پخش شد و فقط در برخوردارهای روزانه شان با طبقات و قشرهای مختلف خلق اظهار نظرهای بسیار جالبی از مردم شنیدند . چون در بالای اعلامیه با حروف درشت و با رنگ قرمز رابطه اعدام انقلابی فاتح با شهید شدن کارگران جهسان چیست توضیح داده شده بود اغلب اظهار نظر کنندگان در گفتگوهای خود این رابطه را شرح می دادند . کارگرانی که اعلامیه ها را جمع می کردند با شور و شعف خاصی از بی خطر بودن دستگاه صحبت می کردند و تاکید میکردند که این دستگاه بمب بی خطری است که فقط

خود می کنیم .

* * *

از آخر شعله بر میخیزد

یک نمونه دیگر از توطئه ی

سکوت دولت شاه

در اواسط تیرماه ماهورین ژاندارمری پاسگاه مهرآباد که برای گشت و بازرسی به ستراح مسجد ی در خیابان هاشمی وارد شده بودند درها را بسته و اقدام به بازرسی بدنی افرادی که آنجا بودند کردند . آنها بجای روپوشدن بسا قاچاقچی تصادفاً بایکی از برادران مجاهد که برای استفاده از ستراح مسجد به آنجا وارد شده بود روپوشده و قصد بازرسی بدنی او را می کنند که برادر شجاع با سلاح کشیده و بسا استفاده از یک تعرض تاکتیکی و بعد از کشتن یک استوار ژاندارم و زخمی نمودن یک سرباز موفق به شکستن حلقه محاصره مزدوران شاه خائن شده و آنگاه در پناه ازحام خلق از منطقه دور می شود .

دولت شاه که با توطئه سکوت قصد دار د

در مرداد ماه اصالح خبر از حرکت یک واحد

چریکی فرماندهی رفیق انصاری در روستاهای

فارس و بختیاری داریم .

منبع خیر معتبر بوده ، لیکن اطلاعات

بیشتری فعلا در دسترس نیست .

"نبرد خلق" امیدوار است که بتواند

در آینده اخبار بیشتری از حرکت این واحد در

اختیار رفقا بگذارد .

* * *

اعدام یکی از مزدوران رژیم

در ماه گذشته یکی از مزدوران رژیم شاه

سرگرد اهتزازی که فرماندهی یک اکیپ گشتی

کمپته باصطلاح ضد خرابکاری بود بوسیله رزمندگان

یک گروه چریکی اعدام شد . ما از نام و مشخصات

این گروه اطلاعی نداریم و هنوز اعلامیه ای از

گروه مزبور به دستمان نرسیده است ، اما در

دور درونی بی پایان خود را نثار رفقای د لاور

طلب شاهی سر انجام با يك اعتصاب خشم آلود و متشکل کارفرما را مجبور میکنند کلیه پولی را که بابت سود ویژه عنوان شده بود بپردازد . این اعتصاب بیش از ۱۲ ساعت طول نکشید .

در کارخانجات نساجی بهشتر همه ساله مبلغی بمنوان عیدی که برابر یکماه حقوق است بکارگران پرداخت میشود .

امسال چند روز قبل از امید کارگران بعد از مشاهده لیست متوجه يك حيله کارفرما شده و از دریافت پاداش امتناع نمودند .

از آنجائیکه در بالای لیست هیچ چیز قید نشده بود ، کارفرما می توانست این پول را بابت سود ویژه بحساب آورد . از این رو کارگران هم بطور متشکل اعلام نمودند تا زمانیکه در بالای لیست ننویسید ، " بابت پاداش " ما از دریافت آن خود داری می نطلبیم .

بعد از اخراج سه تن از کارگران پیشرو و معرفی آنان به سازمان امنیت ساری و بعد از ۱۲ روز بلا تکلیف ماندن کارگران ، هنگامی که میرفت نطفه يك اعتصاب بسته شونده کارفرما

حقیقت تثبیت مبارزه مسلحانه در جامعه را از خلق پنهان کند یا از انتشار اخبار درگیریهای مزد وراثش با چریکها خود داری می کند یا به دروغ پردازی متوسل می شود . بهمین دلیل این درگیری را نیز زد و خورد قاچاقچیان بسا وندارمها قلمداد کرد و مسخره تر از همه اینکه در روزنامه های جیره خوارش اعلام کرد که " استوار وندارم در آخرین لحظات عمرش قاچاقچی ضارب را شناخته است و مأمورین اکنون در تعقیب او هستند ! " .

در کارخانجات

چهارشنبه دوم مردادماه ۵۳ در کارخانه نساجی شماره ۲ شاهی بعد از درخواست ها و اعتراضات مکرر کارگران بالاخره کارفرما مجبور به پرداخت پولی بمنوان ۲۰٪ سود ویژه کارگران در تاریخ فوق میشود . اما کارگران متوجه میگرددند که کارفرما بجای ۲۰٪ خیال پرداختن ۱۸٪ سود را دارد . کارگران حق -

تسلیم نظر کارگران مبارز بهسر میگردد .
کارگران اخراجی با سر سختی تمام حتی
پول ۱۲ روز بیکاری را نیز گرفتند .

* * *

*

اخبار خارجی

کارگران کارخانجات شمال طی سالیان دراز

مبارزه با کارفرمایان خود آنها را موظف به
پرداخت سالیانه ۶۰ کیلو برنج برای هر کارگر
نموده اند . علیرغم آنکه سرمایه داران وابسته
به بیگانه هر ساله به هنگام پرداخت "حق
برنج" طرفه رفته و سعی می کنند به نحوی
از انحاء از پرداخت آن شانه خالی کنند .
کارگران مبارز با مشتهای گره کرده و متحد خو
این موضوع را به آنان یاد آور میشوند .

ظفار (صوت الثورة ، شماره ۹۲ / ۹۱)

۳۰ آوریل (۱۹۷۴) .

گزارش نظامی :

در همان حالیکه نیروهای دشمن حمله
خود را با بمبارانهای هوایی و شلیک تیپخانه و
کار گذاشتن مینهای ضد نفرات تشدید میکردند
تا از اتباع بیگانه ما انتقام بگیرند ، ارتش
آزادی بخش خلق و میلیشیا ی خلق نیز به
مقاومت قهرمانانه خود میافزودند .

در کارخانه " نساجی بهسر تیرماه امسال
کارفرما بر نظرداشتکه پول برنج را با نرخ سال
های پیش یعنی کیلوئی ۱۰ الی ۲۰ ریال به
پردازد ، در حالی که پائین ترین نرخ در بازار
کیلوئی ۵ ریال می باشد . بنا بر این کارگسرا^ن
با الهام از اعتصابات اخیر برادران کارگر خود
در شاهی بعد از یک روز اعتصاب در حالیکه
بخشی از اعتصاب به خیابانهای شه

از ۲۱ مارس تا ۴ آوریل امسال نیروهای

کمی دشمن مرتبا و بسرعت از " صلاله " به نقاط
مركز دشمن فرستاده میشوند . نیروهای دشمن

بیهوده میکوشیدند که بخش موزی خط سرخ را
تصرف کنند . هر چند که نیروهای دشمن موفق شد

در نواحی عرسا و راکبه جای پائی بدست

آوردند و مبارزین ما بدقت حرکات آنها را زیر نظر گرفتند .

در جواب این عملیات دشمن نیروهای ما مینهای ضد تانک را در راه حرکت منتهای ککی دشمن که از صلاله می آمدند کار گذاشتند و واحد های پیشتاز ما نیز با سلاحهای سبک و مسلسل های نیم سنگین و موشک آنها را شدیداً مورد حمله قرار میدادند . مواضع دشمن در زیربهاران مشرکز توپخانه طاق قرار گرفته و بالاخره به محاصره ارتش آزاد بیخش خلق و میلیشیای خلق درآمدند . در تحت این ضربات مهلک پس از تحمل تلفات جانی و مالی سنگین نیروهای مقدم دشمن مجبور به ترک مواضع خود و عقب نشینی به مراکز شمالی خود شدند .

در چهار روز اول آوریل جنگجویان ما حملات خود را علیه مراکز دشمن در صرفیست شمالی و ابو خمیسه در ناحیه گذرگاهی چند برابر کردند و حملات توپخانه خود را علیه تمام مراکز و پایگاههای دشمن تشدید کردند .

ارتش آزادی بخش خلق و میلیشیای خلق به دشمن حمله کرده و تعدادی از مراکز دشمن

را از بین برده و تلفات زیادی بدشمن وارد آوردند . در این شرائط که وحشت و گیجی به نیروهای دشمن مستولی شده بود آنها بسه حملات وحشیانه ی هوائی علیه نواحی مسکونی دست زدند . این چنین حملات انتقامی بیوانه وار نشان دهنده این واقعیت هستند که تلفات سنگینی به دشمن وارد آمده اند . تلفات دشمن تا آنجا که برای ما قابل محاسبه بود شامل سیزده نفر کشته و مجروح میشد . در هفت عملیات دیگر نیز تلفات سنگین جانی بدشمن وارد آمدند که هیچ رقم دقیقی از آنها بدست نیامد . در طی این عملیات هلیکوپترهای دشمن که برای جمع آوری مجروحین می آمدند قابل رویت نبودند . علاوه بر آن :

- ۱ . ۱۶ موضع دشمن از بین رفته و به ۱۲ موضع دیگر نیز خساراتی وارد آمد .
- ۲ . یک دستگاه مسلسل سنگین و مسلسل چپهایش از بین رفتند .
- ۳ . یک خود روی نوع بد فرود و دو دستگاه بیسیم منهدم شدند .
- تلفات ما عبارت بود از مرگ شجاعانه رفیق

بکفایت نصیب برقوم *

از ۵ تا ۲۳ آوریل (از جمعه ۱۶ فروردین تا سه شنبه ۵ اردیبهشت) تلفات دشمن شامل ۴۸ نفر مجروح و مقتول منجمه سه سرپا ز انگلیسی بود . وزارت دفاع بریتانیا بمرگ یکی از آنها با اسم " سروان سیمونز گارشویت " اعتراف کرد . همچنین :

۱ . احمد محمد قرطوب ، فرمانده نیروها^ک محلی العمری و معاون او توسط قوای ما به قتل رسیدند .
۲ . چهارده مونیخ دفاعی دشمن منهدم شد .

۳ . یک دستگاه بیسیم منهدم شده و بیسک دستگاه دیگر بتصرف نیروهای ما در آمد .
۴ . یک دستگاه مین یا پوسه تفنگ^ک اف ان بتصرف ما در آمد .

۵ . یک مسلسل سنگین و یک خود روی نوع بدفورد در برخورد با مین منفجر شدند .
نیروهای انقلابی نیز متحمل این تلفات شدند :

۱ . چهار نفر از رفقای شجاع ما ، رفیق

محمد سمید حداد که عضو فرماندهی مجلسی در ناحیهی ظفار بود ، رفیق سالم سمید علی ، رفیق عامر محمد سالم ابو عبد الصم و رفیق عیسی احمد بکفایت غنیوه ، بشهادت رسیدند .
۲ . رفیق شجاع ما محمد سالم احمد هرکن بشدت مجروح شده و با سارت دشمن در آمد .

ظفار (صوت الثورة ، شماره ۱۴)

۳۱ مه ۱۹۷۴ مطابق با جمعه

۱۰ خرداد ۱۳۵۳)

گزارش نظامی :

نیروهای ارتش خلق و ملیشیای خلصه ضربات خود را علیه مهاجمین ایرانی ، استمعا^ک گران انگلیسی و مزدوران محلی آنها که توسط رژیم قابوس نمایندگی میشوند ، تشدید کردند .
در همان حالیکه وزیر اطلاعات رژیم مزدور اعلام میکرد که فعالیتهای شورشیان (نیروها^ک انقلابی) محدود به عطیيات ابتدائی نیرانداز (با تفنگ) میباشد و حملات توپخانه^کی انقلابیون ما مواضع دشمن را در صرفیست و

و ناحیه گذرگاه منهدم میگردند .

نیروهای دشمن نواحی مسکونی را مورد حمله توپخانه قرار دادند ولی هیچ گزارشی از تلفات از جانب ما نرسیده است .

عملیات نظامی ما را میتوان از اعلامیه های نظامی ۱۲۱/۷۴ تا ۱۲۲/۷۴ به این ترتیب خلاصه کرد :

۱ . انقلابیون ما هشت عظیمات حمله ای توپخانه را علیه مواضع دشمن در شمال صرفیت و المفسیل در گذرگاه انجام دادند .

"وینتام جنوی در مبارزه" کامیج :

۲ . جنگجویان ما با استفاده از سلاحهای مختلف به مواضع دشمن در جیده در شمال خط سرخ به دو حمله متوالی دست زدند .

نیروهای مسلح کامیج در تاریخ یکشنبه ۳۰ تیرماه (۲۱ ژوئیه) کلیه مناطق تحت کشت کائوچو در مناطق آزاد شده را که متعلق به سرمایه های خارجی بود ملی کردند .

۳ . وقتی که دشمن پیچیده میگوشید که در خیصل بطرف نواحی مسکونی جلو برود ، نیروهای ما پس از یک ساعت و نیم زد و خورد ، دشمن را متوقف کردند .

قهرمان بزرگ کامیج "خیوسفان" در نبرد خمر سرخ ، در تصمیم گیری و اجرای آن شرکت مستقیم داشت .

تلفات دشمن در این عملیات عبارت بودند از :

شیلی :

حکومت فاشیستی شیلی با چنان مشکلات عظیمی روبروست که دولت آمریکا را وادار کرد تا دست و کفک های خود را بآن افزایش دهد .

۱ . انهدام يك خودروی نظامی بد فسر و قتل یا جرح تمام سرنشینان آن که در اثر برخورد با مین اتفاق افتاد .

نیویورک تایمز خبری دهد که مطابق آمار دولتی میزان تورم در سال گذشته در شیلی

۲ . قتل یا جرح بیست نفر از افراد دشمن .
۳ . انهدام سیزده موضع دشمن .

بالاترین رقم در جهان یعنی ۷۰٪ بوده است. یعنی قیمت اجناس بیش از ۷ برابر شده است. کمکهای آمریکا به شیلی با وجود میزان فوق العاده خود کاری از پیش نخواهد برد. ولی تحیر انگیز ادامه روابط سیاسی عده ای از کشورهای سوسیالیستی با این حکومت است و از آن بدتر کمک ۳ میلیون دلار رومانی برای سرمایه گذاری در آنجاست.

* * *

تایلند :

عملیات مسلحانه نیروهای انقلابی خلق تایلند در چند ماه اخیر شدت گرفته است. در شبیه ۵ ششم خرداد ماه ۲۷ صده نیروهای انقلابی طی حملات خود تلفات زیادی به نیروهای دشمن وارد ساخته اند و بطوریکه روزنامه "بانکوک ورلد" که ارگان مرجعین است اقرار نموده که شکستهای اخیر بزرگترین شکستهای دولت از نیروهای انقلابی است از هنگام شروع جنگ آزادی بخش تا کنون بوده است. تظاهرات دانشجویان تایلندی

علیه دولت مرتجع نیزه شدت یافته است. میتینگ کارگران نساجی و کارگران پالایشگاه نفت و نمایندگان دهقانان قطعنامه ای مبنی بر محکوم کردن دولت و لزوم ملی کردن صنایع و اخراج امپریالیستهای امریکائی و ژاپنی صادر کرد. در این زمینه رادیوی "صدای خلق تایلند" اطلاع میدهد که در ماههای خرداد و تیر (ژوئن و ژوئیه) نیروهای انقلابی حملات مکرر و موفقیت آمیزی علیه دولت دست نشانده آمریکا انجام داده و مبارزه را به حدت جدیدی رسانیده اند.

* * *

مالزی :

کوالالامپور (آسوشیتد پرس ۷ ژوئن ۱۷ خرداد) . صبح امروز مهترین پلیس مالزی "عبد الرحمن هاشم" پنجاه ساله در حالیکه در شلوفی ترافیک با اتومبیل بسرکار خود رفت و بضرر گلوله کشته شد و محافظ شخصی او نیز مجروح گردید. مقامات دولت مالزی هیچ تفسیر رسمی از این واقعه نداده اند. عبد الرحمن

بازرسی کل پلیس و رئیس بخشی ضابط
"خرابکاری کمونیستی" بود. سخن گویان
پلیس گفتند که آنها هیچ رد پائی از مشخصات
ضارین بدست نیاورده اند.

این آخرین قتل سیاسی از یک سلسله
برنامه های بدقت طرح ریزی شده ای بود که
در آنها پنج نفر از افسران عالی رتبه پلیس
ضد خرابکار مالزی را در شهرهای اصلی در
این سال (میلادی) بقتل رسانیده اند.
در موارد گذشته دولت یک سازمان
مارکسیست - لنینیستی را مسئول اعلام کرده
بود. در ماههای اخیر این سازمان فعالیت
هر چه روز افزونتری داشته است.

مناهی پلیس گفتند: این عمل بوسیله دو
جوان انجام گرفته که بجلوی اتومبیل آقای
عبدالرحمن دویده اند. وقتی که اتومبیل سرعت
خود را کم کرد آنها اتقا پنج گلوله از یک
اسلحه ی کمری بداخل اتومبیل شلیک کردند.
آخرین باری که آنها دیده شدند بطرف یک
ایستگاه اتوبوس دویده اند.
این عمل تقریباً دو هفته بعد از حمله ای

بود که انقلابیون به یک محل پروژه ساختن
شاهراهها در شمال مالزی کردند و ۳ و ۶
بولدوزر، کامیون، تراکتور و ماشینهای خاک
بر داری بقیعت تقریبی ۴ میلیون دلار را منفجر
کردند. مقامات دولتی این حطه را شجاعانه
ترین عمل پس از ختم اوضاع فوق العاده مالزی
در ۱۹۶۰ بر شمرده اند.

دولت نیروهای رزنده انقلابی را حدود
۲۰۰ نفر تخمین می زند. بعضی تخمینهای
دیگر این رقم را حتی تا ۱۸۰۰ نفر اعلام
میکنند که قسمت اعظم تمرکز آنها در جنگها و
کشتزارهای کائوچو در نزدیکی مرز تایلند و
مالزی است.

* * *

و نژوشلا :

میثام جنویس در شماره ۲۴۲، آوریل
۱۹۷۴.

در شب ۱۵ مارس و صبح روز بعد چریکها
چهار لوله نفت و گاز و یک مجتمع بزرگ انبار
داری را در کاراکاس منفجر کردند و بیسک
فروشگاه ۲۲ میلیون دلار خسارت وارد کردند.

آتش سوزی پس از وقوع انفجار ۱۲ ساعت بطول انجامید و صبح روز بعد فروشگاه را که متعلق به "خانواده" راکفلر "است از بین برد.

* * *

گواتمالا:

"گرانما ۵۵ ۱۹۷۴" یکشنبه ۱۵ اردیبهشت "ژوان دیاس آگویلا" زمیندار گواتمالایی که يك ماه پیش به اسارت گرفته شده بود ۵۰۰ هزار دلار پرداختند و آزاد شد.

"آگویلا" با رژیم گواتمالا روابط بسیار نزدیکی دارد و در ۱۹۶۶ کاندیدای ریاست جمهوری حزب دموکراتیک . . . بود. همان حزبی که اکنون بر سر کار است.

* * *

آرژانتین:

نیویورک تایمز ۲۹ مه ۷۴ چهارشنبه بخردا ۰۱۳۵۳

مطمئن ترین منبع مالی انقلابیون آدم —

رئای در آرژانتین ادامه دارد.

در سه سال گذشته آدم رئای پودر آمد —

ترین فعالیت در آرژانتین بوده است. بیشتر سروصداها بدور بودنهای اعجاب انگیز "ارتنی انقلا بی خلق ای. آر. بی که يك سازمان چریکی مارکسیست است دور می بند.

مثلا اخیرا در يك مورد رکورد "چهارده ملیون دلار" پول برای آزادی "ویکتور ساموئلسون" مدیر شرکت امریکائی نفت آکسون ببار آورد. اما نسبت به گل ۵۰ تعداد کمی از آدم رئایها شامل بودن مدیران خارجی سنگین قیمت است. از بیش از پانصد نفری که در سال گذشته با پرداخت بین ۵۰ میلیون دلار آزاد شده اند فقط ۲۹ نفر خارجی بودند.

پلیس گزارش می دهند که چریکها زن بانکها را تقریبا بطور کلی فراموش کرده اند و بجای آن به آدم رئای پرداخته اند.

قضیه از ۱۹۶۸ شروع شد. نوهی

خرد سال يك روزنامه نگار بزرگ اولین آرژانتینی بود که بدام چریکها افتاد.

در ۱۹۶۹ دو آدم رئای اتفاق افتاد و

در ۱۹۷۳ این رقم در حدود ده آدم رئای در هفته بود.

در روشن گذشته آقای "لاکوود" به شیوه -
 ان بوده شد که حالا تقریبا شیوه "کلاسیک"
 آدم ریائی شده است . در ساعت شست و پنج
 همینکه او از خانه خود در خارج شهر بیرون
 آمد تا با اتومبیل بسر کار خود برود ، دو ماشین
 جلو و عقب ماشین او را بند آوردند و چند چریک
 مسلح به رولور و مسلسل از ماشین سوم بیرون
 آمده و او را اسیر کردند .

تقدیم به رفقای درویش

خان ای تکیده قامت من

ای رفیق

دیوار تنگ محکم نضاکت

بر خود میفشرد تن و روحت را

بر خود صبیح زین همه تنگی

بر خود صبیح زین همه تاریکی

خوشید پشت پنجره در انتظار تست .

خان ای نشسته به حوی

ای مرد

بگذار تازانه فرود آید بر بند بند بیکر خونینت

بگذار زخم ، زخم دگر زاید

بگذار لاله شکوفاند از تازه زخم ، تازانه دشمنی

بگذار خون تازه بپیراید اندام پاک مرد میت را

لبخند سحر لاله ی خون آوند

فردای زند می ما را فریاد میکند .

بقیه از صفحه ۱۰۵

تربلوی بیندازد .

در روز قرار رو دشمن منطقه را با بیش از

۱۰ کیلومتر محاصره میکنند و رفیق خسرو شامسی

را سر قرار میفرستند . رفیق در اواسط مسیر

خود را زیر چرخهای یک کامیون برتاب میکنند .

اطلاعاتی که رسیده حاکی از آن است که

رفیق علی رغم شکستهای شدید در بد نشتر

نفوز زنده است . بهر حال اینک یکی دیگر از

دلیرترین فرزندان خلتز ما که بدعتی تازه در

مقابله با دشمن از خود بجای گذاشته است در

دست دشمن اسیر است و میکوشند او را

شهادت يك قهرمان

مقاومت

زبان نیاورد. مقاومتی که در خور تحسین و ستایش است. پس از ۶ روز رفیق قهرمان آدرس منزلی را که در صورت اسارت رفیق میبایست فوراً تخلیه شده و برای دشمن مین گذاری گردد افشاء نمود و دیگر هیچ اطلاعی نتوانستند از او بدست آورند از آن پس رفیق جمشیدی در سلول انفسراری جدا از دیگران نگهداری میشد و به تنگناوب مورد شکنجه قرار میگرفت. مزدوران شکنجه گسر که رفیق را کشته اعلام کرده بودند بدون اباها و سورا آزار میدادند و رفیق جمشیدی این قهرمان مقاومت دو سال شکنجه ی تدریجی را تحمل کرد و نمونه ای از زنده از مقاومت چریکی از خود بجای گذاشت تا آنجا که ما میدانیم هیچ مبارزی را رژیم تا این مدت طولانی تحت شکنجه و آزار قرار نداده است و یک چنین امری کاملاً بی سابقه بوده است. ولی دشمن حتی پس از دو سال با بکار بردن تمام شیوه های غیرمعمول بقیه در صفحه آخر

از زندانهای رژیم خیر رسیده است که رفیق قهرمان عباس جمشیدی رود باری پس از دو سال شکنجه در يك سلول انفرادی شهادت رسیده است. در تیسر ماه سال ۵۱ رفیق عباس جمشیدی رود باری در يك درگیری غیابانی بر اثر اصابت گلوله به جمجمه اثر بییهنوش شد و زنده بدست دشمن اسیر گردید. رفیق در این درگیری چندین گلوله ی دیگر نیز خورده بود و از این روی در حال اغما قرار داشت. عناصر دشمن بلافاصله دستور مستشاران اسرائیلی و رفیق جمشیدی را با هواپیما به تل آویو بردند تا تحت تد اوای پزشکان ما عرصیهونیست بهبود نسبی یافته و آماده شکنجه شود. رفیق را در اسرائیل پس از مداوای اولیه تحت شکنجه قرار دادند. رفیق جمشیدی در آن وضعیت تا ۶ روز دلاورانه مقاومت ورزید و کلمه ای هر

فرزندان راستین خلق

شرح مختصری از زندگی رفیق کبیر حسن نوروزی

(۱۳۵۲-۱۳۲۴)

رفیق حسن در سال ۱۳۲۴ در يك خانواده کارگری در محله راه آهن تهران متولد گردید. پدرش از مهاجرین قفقاز بود که پس از مدتی مبارزه با رضا خان قلدردر گروه های ضد دیکتاتوری به حزب توده پیوست. سالها پس از پیوستن به حزب توده متوجه اپورتونیسم رهبری حزب توده شد و مانع بسیاری دیگر از پرولترهای آگاه حزب خود را از قید رهبری مانند فاسد کمیته ی مرکزی رضا ساخت و از حزب کناره گرفت. روحیات و خصصتهای ضد اپورتونیستی پدر و آزادگی وی از دوران کودکی شرایط مناسبی برای رشد آگاهی و روحیه تعرضی حسن که کودک بسیار مستعد و با هوش بود فراهم آورد. پدرش با او آموخت که هرگز با دشمنان خلق سازش

نکند و تا جان در بدن دارد بمبارزه بی امان بر علیه دشمن ادامه دهد. پایان زندگی پدر بزرگترین و آخرین درس انقلابی او بود که پفرزندش داد و تاثیر شکر بر حسن باقی گذارد. حسن ۹ ساله بود که پدرش با جمعی از یاران همراهش در سال ۱۳۳۴ در شرایطی که کمیته مرکزی فاسد حزب توده کادرهای فداکار حزبی را رها ساخته و میدان مبارزه را خالی کرده بود، در جریان يك عمل فدایی دست به يك اقدام متضادانه بر علیه رژیم کودتا زدند و با خارج ساختن يك قطار محمولات نظامی از خط آهن و انفجار آن ضربه ای سخت بر حکومت کودتا وارد ساختند. اگر چه این قهرمانان آشتی ناپذیر خلق در جریان این

عملیات بشهادت رسیدند ولی نامشان در سینه تاریخ مبارزات خلقی ما ثبت گردیده و تا ابد زنده خواهد ماند .

این عمل نشاندهنده آن بود که سنسگر مبارزه در شرایطی از طرف رهبران حزب خالص شد که توده های حزبی آمالگی جاننازی و نبرد و جلوگیری از پیروزی ارتجاع را داشتند و ولی عدم مرکزیت سالم و انقلابی باعث شد که نیروهای آمانه خلق بهدر رود و روحیه ی مصمم و پرشور توده ها بیاس و نویسدی تجدیل شود .

پس از شهادت پدر حسن که بیش از ۹ سال نداشت مجبور شد ضمن تحصیل بکارگری بهر دزد چند سالی بدین منوال گذشت تا این که ادامه تحصیل دیگر برای حسن مقدور نبود و وضع مالی و شرایط زیست طوری نبود که حسن بتواند با خیال راحت تحصیل کند و ازین رو و حسن نیز مانند ملیونها تن از فرزندان توده های زحمت کش که امکان ادامه تحصیل ندارند مجبور بترك مدرسه شد از آن پس حسن بکارگری رفت و بعنوان شاگرد پاد و در اینجا و آنجا

در نزد استادگاران پیشه ور بکار پرداخت نجاری - شیشه بری و بالاخره فلزکاری و لوله کشی مشاغل گوناگون رفیق را در این دوره تشکیل میدادند. در این ایام رفیق حسن برخی از آثار ادبیات انقلابی را که جزو کتابهای پدرش بود میخواند و سطح آگاهی خود را ارتقاء میداد .

۱۴ ساله بود که خانواده اش را ترك گفت و در جستجوی نان به جنوب کشور رفت و در بندر عباس و بندر بوشهر بکارگری پرداخت و لسی چندی بعد کار خود را از دست داد و مجبور شد در رستوران يك مسافرخانه بعنوان گارسن مشغول کار شود . چند سال بعد بتهران بازگشت و در يك کارگاه فلزکاری و لوله کشی مشغول کار شد . کارش طوری بود که از طرف صاحبکار برای نصب تاسیسات ساختمانی بسه شهرهای اطراف فرستاده میشد از این رو بیشتر وقت وی در مسافرت و تماس با مردم مختلف سپری میشد که این امر در افزایش تجربیات و ارتقاء شناخت او نسبت بزندگی خلق بسیار موثر بود .

۱۸ ساله بود که مجدداً به جنوب کشور و

منوعه را از این طرف و آن طرف بدست میاورند و مطالعه مینمودند و ولی اینگونه کتابها بسختی بدست میآمد. رژیم دیکتاتوری پادشاهی گری تمام کلیه آثار انقلابی را جمع آوری کرده و ممنوع کرده بود و به شدت از پخش و فروش آنها جلوگیری میکرد از این روی کتاب بسیار کمیاب بود و اگر پیدا میشد خیلی گران بود و این امر مشکلی برای ادامه کار آنها ایجاد کرده بود. رفیق حسن که يك پروفتر با تخصصهای مثبت بود خلافتان طبرسی را بر فقایش پیشنهاد کرد. بر طبق این طرح آنها میبایست يك کتابفروشی علنی کنار خیابان بوجود میاورند و در رابطه با خرید و فروش کتاب با کتابفروشی های دورهگرد دیگر که معمولاً منبع اصلی کتب منوعه هستند تماس بگیرند و امکانات خود را از جهت بدست آوردن اینگونه کتابها افزایش دهند. رفیق حسن و رفیق بیگری مسئولیت اینکار را بر عهده گرفتند و سر قفل يك کتابفروشی کنار خیابانی در پیچ شیران را بدست آوردند و مشغول مطالعه کتاب شدند. آنها خیلی زود توانستند با اکثر کتابفروشی های خیابانی تماس

رفت این بار او در شهرهای پوشهر میندرعباس و شیراز و کرمان بکارگری پرداخت ولی چسبن کار در آن دوره رونق زیادی نداشت مانند هزاران کارگر بیکار ایرانی بطور غیر قانونی با يك موتور لنج خودش را به شیخ نشینهای عربی رسانید و مدتی در کویت و دومی بکار پرداخت و چندی بعد با همتصر پس اندازی که دسترنج گارش بود به میهن مراجعت نمود این مسافرت او از جوان کار آموده و دنیا دیده ای ساخته بود. پس از بازگشت پایتخت مدتی در نواحی جنوبی و سپس در تهران بکارگری پرداخت. در تهران مدت یکسال در بخش قوطی سازی کارخانجات شاه پسند تهران بعنوان ^{کارگر} شیکار کار میکرد. پس از آن توسط آشنایان پدرش در کارخانجات راه آهن تهران کاری برایش پیدا شد و از آن پس رفیق در کارخانجات راه آهن در بخش لوله کشی و تاسیسات بعنوان يك کارگر متخصص مشغول کار شد.

در سال ۴۶ رفیق حسن همراه چند تن از روشنفکران انقلابی در محل سکونتشان يك محفل مطالعاتی برپا ساختند. آنها کتابهای

حاصل کنند و اعتماد ایشان را جلب کنند از آن
پسند کمیابترین کتابها در اختیار محفل مطالعات
لصاتی آنها قرار میگرفت.

در اوایل سال ۴۸ رفیق حسن با گر و ه
مارکیستی رفیق احمد زاده تماش گرفت. در آن
دوران رفقای گروه در جلسات مرتب که هفته ای
دو بار تشکیل میدادند در واحدهای ۳ السی
ه نفره گرد هم جمع شده و به بحث و مطالعه روی
صتون مارکیستی می پرداختند. یکی دیگر از
وظایف ایشان دست نویس کردن کتابها و جزوات
بسیار کمیاب بود که بدستشان میرسید این کار
مهم تلقی میشد زیرا کتابها معمولا برای چند
روز بامانت گرفته میشدند و میبایست پس از چند
روز به صاحب اصلی بازگردانده میشد. در این
زمینه نیز رفیق نوروزی بسیار فعال بود بطوری
که مطالب زیادی از جمله مجموعه آثار رفیق لنین
را در چند نسخه دستنویس کرد و در اختیار
رفقای عضو گروه گذاشت.

در این ایام فعالیت گروه رفیق احمد زاده
شکل مشخصتری بخود گرفت و در برنامه مشخص
در دستور کار رفقای گروه قرار داده شد اول

تشکیل هسته های سه نفری مطالعه و کسار
تئوریک. دوم انجام حرکاتی در جهت رسوخ
در توده های کارگری و ایجاد زمینه ی مناسب
برای تشکیل حزب.

بر اساس این برنامه از طرف گروه مقرر شد
که رفیق نوروزی دست بیک نوع فعالیت سیاسی
در کارخانجات راه آهن بزند. باین ترتیب
که با کارگرانیکه زمینه های مساعدی نشان می
دهند آمیزش نماید و رفته رفته آنها را با مسائلی
کارگری و مبارزات سیاسی آشنا کرده و مبارزه
جلب نماید رفیق نوروزی بدنبال این برنامه
علیرغم فضای خفقان بار کارخانه اقامت پست
ارتباط گیری با کارگرانی مستعد و جلب ایشان
بکسب آگاهیهای طبقاتی نمود. رفیق نوروزی
نوروزی باقی چند از کارگران در باره مسائل
کار و کارگری سخن میگفت و ضمنا کتابهایی از
قبیل بشر دوستان ژنده پوش و پاشنه آهنین
و مادر ماکسیم گورکی را در اختیارشان قرار
میداد ولی این عده پس از مدتی از انامه ی
این کار خود داری کردند. خفقان شدیدی
پلیسی در کارخانه و تهدیدهای دائم مانورین

پایس سیاسی ایشان را از ادامه چنين كسارى باز ميداشت . برخى از كارگران كه قديمى تر بودند و تجارى از فعاليتهاى سياسى قبل از سال ۳۲ داشتند بشدت ابراز بد بينى مى - كرنند و رفيق حسن را مورد طعنه قرار مى - دادند كه تو براى رسيدن بوكالت و وزارت بكار سياسى پرداخته اى و بدين ترتيب - بى اعتمادى شديد خود را ابراز مىكردند البته آنها فقط تجارب مستقيم خود را بيان مىكردند از سويى ديگر آنها باينده " اين نوع فعاليتها بخاطر احساس ضعف مطلق كه دشمن در ذهنشان بوجود آورده بود بدبين بوده و اميدى در آن نسى يافتند و حتى در زواياى فكرشان نقطه ي اميدى نسبت به اينگونه كارها پيدا نميشد .

اين نيز امرى طبيعى و واضح بود زيرا مردمى كه مرتباً در مبارزه اتشان شكست خورده و با دستگاهى مواجه بوده اند كه مرتب هرگونه عركشان را با شدت سركوب كرده نمي توانند بيهوده بچيزى دل ببندند و اميدوار باشند . آنها براى كسب اعتماد نسبت بمعنصر پيشگام

سياسى احتياج بدلايل عيني داشتند آنها نمیتوانستند بحرفهاى بدون ارتباط با عمل دلخوش كنند . بر اين ميان تنها يك كارگر بسيار جوان از قسمت نجارن كارخانجات بود كه با شور و شوق بى حد گناهما تيرا كه رفيق نوروزى در اختيارش قرار ميداد مطالعه ميكرد و تا باخر اين فعاليتها را ادامه داد ولى او نيز نسبت باين شكل كار معترض بود . اين رفيق جوان يوسف زرگار بود كه بعدها در صفوف چريكهاى فدائى خلق بمبارزه بر عليه رژيم پرخاست و قهرمانانه در راه آرمان سازمانش شهادت رسيد .

بدين ترتيب رفيق نوروزى كه عليرغم فعاليت منظم و شديد با اشكالات جدى مواجه شده بود در مقاله اى اوضاع را براى رفقاى گروه تشریح كرد . و صريحا اظهار داشت كه : هرنوع كار تبليضى سياسى با توده ها بدون يك اقدام عملى و بدون ييك حد اقل نيروى متمرکزى كه بتواند بدشمن ضرايى وارد سازد و هيولايى دشمن را در ذهن مردم فروريزد و ایشان را با سبب پذيرى

دشمن و امکان نابودی وی مطمئن سازد بی-
ثراست .

در همین زمان رفتای دیگری که در چهار
چوب فعالیت گروه در میان کارگران و روستک
نیان فعالیت داشتند نظرات مشابهی را مطرح
ساختند . در آغاز برخی از رفتای روشننگر
عضو گروه که با معیارهای ذهنی و صرفاً
تفویک بدین ارتباط با عمل قضایا را بررسی می
کردند مخالفتهائی با این طرز تفکر جدید
نشان دادند ولی خیلی زود بخاطر صداقت
بی پایانان و برخورد فعالشان با مسئله
توانستند خود را بواقعیت نزدیک کنند و جریانان
را نه آنطور که در ذهنشان پرورده بودند بلکه
آنطور که در جهان خارج از ذهنشان می -
گذشت دریابند . بدین ترتیب اولین نطفه -
های مفهوم نوین مبارزه از طریق رفتای کارگر
دو سطح گروه مطرح گردید و رفیق نورو زی
در این میان نقشی مهمی ایفا کرد .

بدین ترتیب در رابطه با تحلیل شرایط
عینی جامعه دیگر شبهه ای برای رفتا باقی
نمانده بود کفتنها شکل کار در شرایط دیگتاتوری

شدید پلیسی نظامی ایران با توجه به سوابق
ذهنی خلق از مبارزات گذشته نوعی
مبارزه سیاسی - نظامیستکه میبایست منطبق
با شرایط ویژه مبین ما جریان یابد و برای
کشف قانونمندیهائی آن عملا اقدام شود .

از آن پس گروه حرکت خود را در جهت
تضمیر شکل مبارزات خود آغاز کرد . رفیق
نورو زی در جریان تضمیر شکل فعالیت گروه
در صدم مقدم وارد فعالیت شد و در سال ۶۹
در یکی از اولین واحدهای چریک شهری که
بفرماندهی رفیق کبیر مسعود احمد زاده
تشکیل شده بود شرکت جست . از آن پس
رفیق بصورت یک انقلابی حرفه ای مبارزه ای
نوین و دشوار را آغاز کرد . اولین عملیات واحد
آنها صادره سلسل گلانتری قلهک بود که با
پیروزی بانجام رسید .

پس عملیات حمله بگلانتری قلهک واحد ام
فوسو ۱۳ نوع اعلامیه توضیحی بتعداد زیاد
در سطح پخش شد که رفیق نورو زی شخصاً
در پخش اعلامیه ها شرکت می جست و با موثر
سیکلت بشیوه های ابتکاری اعلامیه هارا

پخش میکرد.

رفیق نوروزی در اردیبهشت ماه سال

۵۰ در جریان عطیات بانک آیزنهاور در سیستم

محافظ عملیات شرکت کرد و نقش خود را بخوبی

ایفاء کرد.

در تابستان سال ۵۰ سازمان دچار

ضربات شدیدی شد و تیم چریکی رفیق احمد -

زاده از میان رفت. از این تیم رفیق نوروزی

باقی ماند و توانست در اواخر تابستان سال ۵۰

در مرکزیش که بمحظور تجدید سازمان واحدها

تشکیل شده بود فعالاً شرکت جوید.

در اواخر شهریور ماه سال ۵۰ رفیق

در یک درگیری طولانی در بیابانهای جنوبی

تهران از ناحیه پامورد اهلبت گلوله قرار

گرفت که با پای مجروح پس از طی مسافت چند

کیلومتر خود را از محاصره دشمن خارج ساخت.

در شب وقوع حادثه فوق خانه محل استراحت

رفیق توسط مزدوران دشمن مورد محاصره

قرار گرفت که رفیق نوروزی با پای مجروح و درد -

ناکش در زیر بار مسلسل از این محاصره نیز

سلامت خارج شد. پس از این حوادث رفیق

حسن بعلت جراحت پایش نتوانست در

عملیات چریکی شرکت جوید ولی در همه حال

وظایف سازمانیش را انجام میداد. در اواخر

مهر که پای مجروحش بهبود یافته بسود

واحد چریکی تحت فرماندهی خود را تجدید

سازمان نمود. این واحد چریکی کنهافتخار

رفیق شهید "پویان" نامگذاری شده بود از

بهترین واحدهای چریکی بود که سازمان ما

بیاد دارد.

واحد چریکی "پویان" مقارن با جشن -

های تنگین شاهنشاهی یک رشته انفجار

روی خطوط انتقال نیروی برق انجام داد که

تاثیر زیادی روی خاموشی تهران داشت آنهم

در شبی که رژیم آنقدر برای پرشکوه کردنش

زحمت کشیده بود.

در اواخر پائیز سال ۵۰ رفیق حسن

در محاصره بانک صادرات شعبه نارمک

شرکت جست و در اوایل زمستان همانسال

در عطیات حمله بانك طی شعبه صفویه

فرماندهی عطیات داخل بانكرا برعهده

داشت و شخصا با رگبار مسلسل رئیس

نوک صفت و خوش خدمت بانکرا بسزای غیبتش رسانید .

در بهمن ماه ۵۰ رفیق نوروزی در عملیات صادره اتومبیل حامل پول بانکبارگانی شرکت کرد و نقش خود را بخوبی انجام داد و بهای فعالیت منظم خود پیروزی عملیات صادره را بی ریزی کرد .

در جریان تظاهرات باصطلاح ملی سال ۵۰ که بخاطر انحراف افکار عمومی با خرج مبالغ هنگفت و گزاف از جانب رژیم طرح ریزی شد بود واحد چریکی " پیوان " فرماندهی رفیق نوروزی در برنامه‌ی در هم ریزی تظاهرات شرکت جست و با چند انفجار کم خطر در رابطه با عملیات سایر واحد های چریکی کل تظاهرات را بر هم ریخته و کوشش بزرگ دشمن را در فریب افکار عمومی نقش بر آب ساختند و ضمناً موردی که بزور باطوم پلیسها بیدان توپخانه هدایت میشدند فرصت دادند که به خانه های خود بازگردند .

در اواخر زمستان ۵۰ رفیق نوروزی به همراه رفیق شهید احمد زبیرم با چند نارنجک

بسفارت آمریکا در تهران حمله کردند و به سلامت بهایگاه خود بازگشتند . از آن پس رفیق نوروزی در نقش یک سازمانده و یک رهبر سیاسی - نظامی فعالیت پرثمرش را آغاز کرد و در آموزش کادرهای تازه و داوطلبین جدیدی که بهارزات نوین خلق روی آور میشدند نقش موثری ایفا نمود و در شرایطی که دشمن شدیدترین فشارها را در ایران برقرار ساخته بود فعالیتش را لحظه ای قطع نکرد و لیرفم لطامات و ضرباتی که بواحد های تحت آموزش او وارد میشد با روحیه ای پر شور و امید او را به تجدید سازمان میبرد اخت و واحدهای ضربه خورده را از نو احیا میکرد . رفیق نوروزی در آموزش رفقای تازه کار و سواس و دقت بسیار نشان میداد و میکوشید هر چه سریعتر کاراکتر انقلابی رفقا را اعتلا بخشد . از این رو روی سعی میکرد با دادن مسئولیت بر رفقا و راهگشائی ایشان عملاً آنها را در کوران کار قرار دهد تا در جریان عمل رشد کنند و آهسته شوند .

رفقای که با رفیق نوروزی کار کرده اند هر

گز صمیمیت، صداقت، فروتنی، و تعهدی
 پایان رفیق را فراموش نخواهند کرد و این
 باورترین خصلت‌های او همیشه راهنمای عطشان
 در مبارزات انقلابی خواهد بود. با اعتقاد
 رفتاری که با او کار کرده اند وجود او خود
 نوعی انگیزه برای بهتر کار کردن نشان بوده است و
 این نهایت تاثیر است که يك انقلابی می‌تواند
 بر روی رفتاری هم‌روزش ایجاد نماید.

سال ۱۳۵۱ برای رفیق نوروزی سال
 تلاش‌های پیگیر بود. در پائیز سال ۵۱ رفیق
 نوروزی در سر یک قرار خیابانی با محاصرهٔ بیش
 از ۶۰ مزدور دشمن که با سلاح‌های اتوماتیک
 مسلح بودند مواجه شد. محل قرار در خیابان
 شوش تهران واقع شده بود. رفیق نوروزی
 که متوجه محاصرهٔ دشمن گشته بود پس از یک
 رشته تیراندازی متقابل با مأمورین دشمن و مجروح
 ساختن یکی از ایشان خود را بداخل مسیر
 خط آهن جاده آرامگاه انداخت و در حالیکه
 ۶ عنصر مسلح دشمن بسمت وی شلیک می‌کردند
 از محاصره سلامت خارج شد.

رفیق حسن در فاصلهٔ زمستان ۵۱ تا

زمستان ۵۲ را بکار آموزش و سازماندهی
 کارها ادامه داد و در برنامه ریزی‌های
 سازمان فعالانه شرکت جست و در جهت بر پا
 کردن امکانات تازه برای گسترش مبارزه نقش
 خود را به شکل خوبی ایفاء کرد و اثرات
 مشخصی بر رشد و گسترش فعالیت‌های سازمان
 ما از خود باقی گذاشت.

در ۲۰ دی ماه ۵۲ رفیق نوروزی
 که در پی انجام مأموریتی در منطقهٔ لرستان
 در حال حرکت بود بطور غافلگیرانه مورد
 حملهٔ مأمورین دشمن قرار گرفت و هلیکوپتر
 غافلگیری، سلاح بر کشید و مزدوران را برگرد
 مسلسل بست ولی خود نیز مورد اصابت گلوله
 قرار گرفت و به شدت آسیب دید. دشمن
 خبر درگیری را ۱۲ روز بعد از جرایم اعلام
 داشت و از تعداد تلفات خود نگری بهمان
 نیاورد و فقط بدکسر این جمله اکتفا کرد
 که: "در این درگیری بهیچ عنصر غیسی
 نظامی آسیبی نرسید." و این نشان میداد
 که تعدادی از مزدوران دشمن با رگبار
 مسلسل رفیق کشته و مجروح شده اند. بهر

حال رفیق حسن نوروزی این رزنده ی دلاور
 سازمان ما و این فرزند راستین خلق پس از
 سه سال مبارزه ی پیگیر برای بیداری خلق —
 خود شهادت رسید . او شهید شد و لسی
 تاثیرات سه سال مبارزه ی امان او همواره
 در کالبد جنبش خلق ما پابرجاست و مبارزین
 که برای ادامه راه او بیدان می آیند همواره
 خاطره ی لایورها و فداکاریهای او را پشتوانه ی
 عمل انقلابی خود خواهند یافت و با قلبی روشن
 در راهی که خون شهدای ارزشمندی چون
 حسن سرخ گشته پیش خواهند تاخت و رساله
 رضائی خلق را فراهم خواهند نمود .

هنگامیکه خبر شهادت رفیق کبیر
 حسن نوروزی برفقای همزم رسید همگی بیساز
 آوردند قطعه شمعی از رفیق ماثورا که رفیق
 نوروزی در هنگام شهادت فدائیان خلق
 زیر لب با شوق بی پایان زمزمه میکرد .

پنجه برگها آویزان است

و چنگال دشمنان تیز

و اینان پرنیائی امیدهایمان را میدوند

در گندم زار زنجره ای میخواند
 در خانه بی شوی زنی می نالد
 ره گم کرده کودکی پدرش را آواز میدهد
 رودها دامن کشتان پیش میروند و دامن ابدیت
 را میسویند
 و این خونها که نهضت هزاران مرد در آن جاریست
 زندگی را میسویند

تا زنجره آرام گیرد ، زن بی شوی نماند

و کودک بر چهره پدر لبخند زند

من قطره ای از دریای بیکران خلقم

و همچون شبنمی که زیر گلهاست و هم چون

آن تک فروغ آسمان که زمین را روشن میکند

با این همه من بی هیچم اگر نتابم ، اگر نخندم

تازه اگر بگیرم و هم چون شبنم که گداز افرازموش

میکنند تخمیر شوم

شما خواهید بود و من در شما خاک شده ام

نه بمن به اقیانوس سپاهیانند ، یسید ، نه بپای

زخم دار چه قدمهای استوار امیدوار باشید

شعله مانند خشم خروشه میدهد

و خشم خرمن سرخ امیدهای فرو کوفته است

اصال خلق (۱) ما مزارع انسانی را بارورتر

خواهند یافت . بیم ندارید . بیم ندارید .

بقیه سر مقاله

و بهره برداری از ثمرات درخشان آن در آینده ، ما باید بیگیرانه و بطور مداوم رفقای ما و طلب مبارزه را عضوگیری کنیم و با برنامه منظم آموزش دهیم . بدین طریق در هر مرحله از رشد جنبش ما قادر خواهیم بود در طی گسترش منطقی ایحاد سازمان ، کارهای لازم را برای ادامه کاری اصولی جنبش تربیت نماییم .

کارهایی که در پروسه ی رشد و تکامل خود خواهند توانست ذخائر عظیم استراتژیکسی جنبش یعنی توده های انقلابی را سازمان دهند و رهبری کنند .

پس در اوضاع کنونی ما موظفیم که از هر جنبشی و از هر گروه مبارزی که با دشمن در حال مبارزه است تا حدی که امکانات بیازمان اجازه یی دهد ، حمایت و پشتیبانی فعال پارتی صفحه قبل

بمحل آوریم و در این راه از صرف هیچ گونه نیرو و انرژی و بذل هرگونه فداکاری مضایقه ننمائیم . برماست که انگستان پراکنده خلوق را مجتمع نموده و به مشت واحدی برای کوبیدن رژیم شاه مبدل سازیم .

در اینجا ما بار دیگر پشتیبانی بی دریغ خود را از مبارزات قهرآمیز خلق و فرزندان راستینش در هرگوشه از میهن تحت سلطه ی خود اعلام می کنیم و آماده ایم که دستهای گرم هر رفیق رزمنده ای را که مسویمان درازی شود رفیقانه بشماریم .

سروانجام با یاری خلق دشمن رانابود خواهیم ساخت .

با ایمان به پیروزی راهمان
"چونیکهای فدایس خلق"

(۱) . رفیق نوروزی با تعبیر در کلمه "چین و دهقانان باین شعر جنبه ، انترناسیونالیستی و عموم خلق میداد . ما نیز شعر را بهمانگونه که رفیق میخواند آوریم .

شهادت يك چسويك فدائيس خلق در جبهه نبرد منطقه‌ای

فرح سپهری بود که در مرداد ۵۱ در درگیری خیابان فرح آباد تهران دلاورانه خود را به صف دشمن زد و پس از از پای انداختن چند عنصر دشمن با رگبار مسلسل‌های اسرائیلی از پای درآمد .

سومین شهید از برادران فرهاد ش نشدنی سپهری رفیق جنگاور این سپهری بود که در شهریور ۵۲ در يك درگیری دو ساعته در شهر آبادان هنگامیکه بر اثر گرمادگی شدید از پای افتاده بود با انفجار نارنجک خود را کشت و در حالیکه قبل از شهادت چندین تن از مزدوران دشمن را از پستی انفاخته بود .

و اما سال چهارمین برادر از برادران سپهری که نامشان تا ابد در تاریخ مبارزات خلق ما خواهد درخشید در راه رهایی خلق‌های تحت سلطه در نقطه‌ای از جبهه نبرد منطقه برخاک افتاده و خون وی خاک سپهرن

بنا به اطلاعات رسیده رفیق قهرمان - فرهاد سپهری در یکی از جبهه‌های نبرد منطقه‌ای در صحنه يك پیکار بی‌روزشده شهادت در راه رهایی خلق‌های تحت ستم دست یافته است .

رفیق فرهاد سپهری چهارمین برادر از خانوادۀ پرافتخار سپهرست . سه برادر دیگر رفیق فرهاد در طول سه سال و نیم جنگ چسویکی در ایران به شهادت انقلابی دست یافته اند .

رفیق سیروس سپهری برادر بزرگ سپهریها در شهریور ۵۰ در جریان محاصره يك خانه چریکی محروم گردیده به هوش شد و بدست دشمنان اسیر گردید . در زندان و فیسق سیروس سپهری تحت شدیدترین شکنجه‌های قرون وسطایی بشهادت رسید و کلمه ای بر زبان نیاورد .

دومین شهید از برادران سپهری رفیق

انترناسیونالیستی را رنگین ساخته است. بدین سان سازمان ما اولین شهید خود را در راه یک هدف انترناسیونالیستی تقدیم خلقهای مبارز جهان مینماید. پیمان بسته ایم که در هر کجای کره خاکی که باشیم بر علیه دشمنان خلقها سه مبارزه پرخیزیم و لحظه ای از پای ننشینیم. دلاوریهای فرزندان سازمان ما در فلسطین گویای بارز وفای باین میثاق است. ما خود را عضوی از ارتش رهائی بخش خلقهای تحت سلطه امپریالیسم میدانیم و در همه حال برای تحقق آرمان خلقهای تحت سلطه آماده‌ی پیکار هستیم. با اعتقاد ما در شرایطی که امپریالیست‌ها متحداً بر علیه خلقها توطئه چینی میکنند بدون یک وحدت عمل و هماهنگی کامل بین نیروهای خلقها پیروزی بر دشمن بسیار دشوار و بلکه غیر ممکن است. از این روی ما وظیفه‌ی انقلابی خود میدانیم که در همه حال بسوی ایجاد وحدت و هماهنگی میان نیروهای انقلابی خلقهای تحت سلطه تلاش کنیم و در راه تشکیل صف نیرو مند و متحد بر علیه دشمن امپریالیست و ارتجاعیون وابسته به بیگانه از هیچ کوششی

فروگذار ننمائیم .

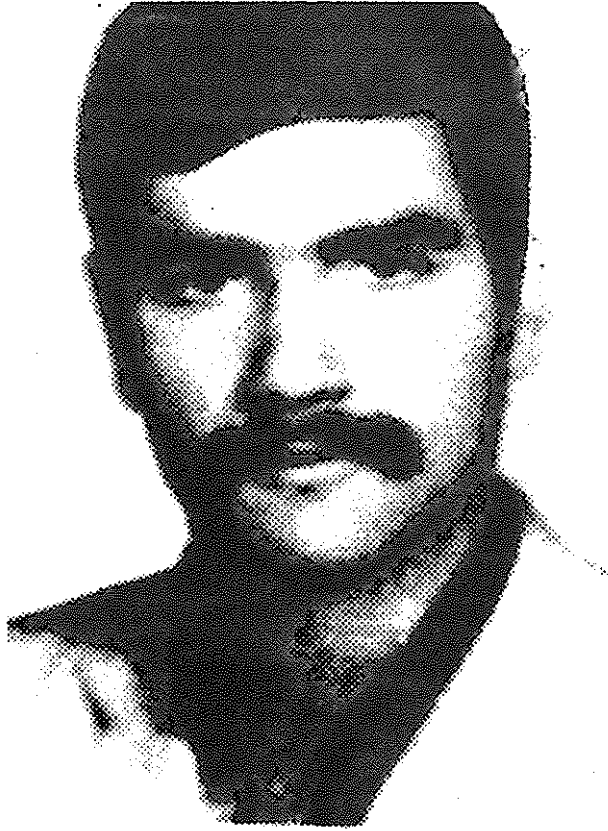
سر انجام امپریالیسم بدست توانای

خلقهای جهان نابود خواهد شد.

بقیه از صفحه ۶۱ * * *

انسانیش نتوانست شخصیت انقلابی رفیق را در هم بشکند و از این روی آنگاه که تلاش مذبوحانه اش به نتیجه نرسید در حالیکه مایوس و درمانده شده بود او را کشت و بدین ترتیب بار دیگر صفت خود را در مقابل اراده یک چریک فدایی خلق باثبات رسانید. خاطره جاننازی رفیق جمشیدی تا ابد در قلب مبارزینی که قدم در راه رهائی خلق می گذارند زنده خواهد ماند. هرگز فراموش نمی کنیم این گفته رفیق جمشیدی را که میگفت اگر خونبهای ما آگاهی خلق است بگذار از خون ما رودخانه ای خروشان جاری شود. رفیق جمشید بگفته خویش عمل کرد و علیرغم تمام رنجهایی که بر بدن زخم خورده و سوخته اش وارد ساختند هرگز به خلق پشت نکرد.

یادش را گرامی میداریم و درسهایش را بخاطرش می سپاریم و آرزو میکنیم که در مقاومت همچون او



رفیق فرهاد سپهری